

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ ایران و جهان (۱)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته ادبیات و علوم انسانی

این کتاب در سال ۱۳۸۷ براساس نظرات دبیران تاریخ سراسر کشور مورد تجدیدنظر کلی قرار گرفت.

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: تاریخ ایران و جهان (۱) - ۲۳۵/۴

زیر نظر شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

مؤلفان: مسعود جوادیان، دکتر عبدالرسول خیراندیش، محمدعلی علوی‌کیا، دکتر جواد عباسی، دکتر طوبی فاضلی‌پور و

دکتر فهیمه فرهنگدور با همکاری حشمت‌الله سلیمی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

صفحه‌آرا: علی نجمی

طراح جلد: محمدحسن معماری

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

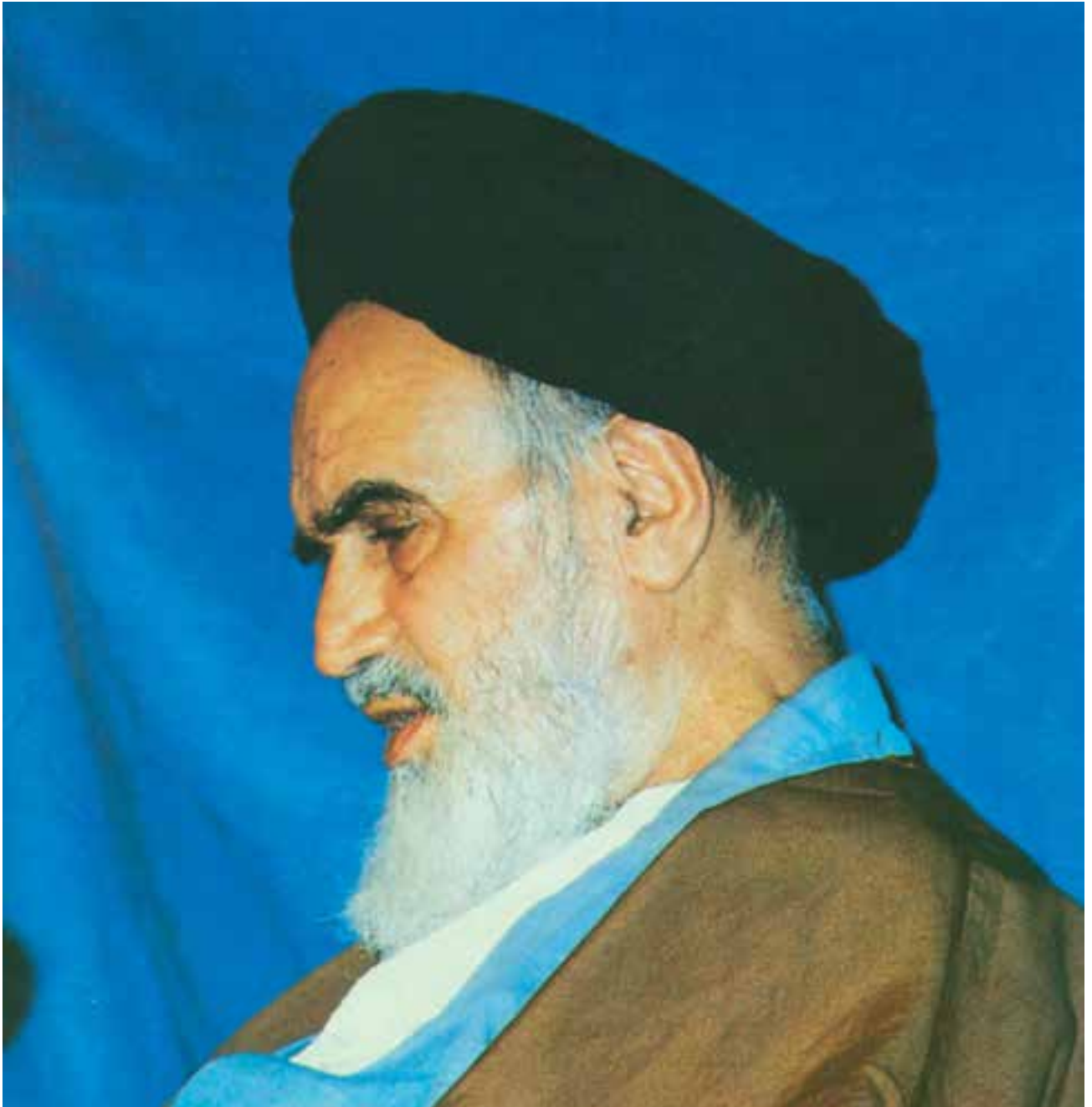
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ چهاردهم ۱۳۹۲

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۰۵-۱۶۳۷-۶ ISBN 964-05-1637-6

۱۳۹۲



تاریخ معلم انسان‌ها است.
حضرت امام خمینی (ره)

سخنی با دبیران گرامی

همکاران گرامی، کتاب حاضر نخستین کتاب از سه کتاب درسی تاریخ دانش‌آموزان رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی به ارزش چهار واحد است که تاریخ تطبیقی ایران و جهان را از ابتدا تا حدود قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی در بردارد که البته با توجه به محدودیت ساعات تدریس و نیز ظرفیت ذهنی فراگیران، خلاصه‌نویسی و ساده‌نگاری در آن مورد اهتمام مؤلفین قرار داشته است. ادامه‌ی تحولات تاریخ جهان نیز در کتاب «تاریخ ایران و جهان (۲)» ارائه شده است.

برای استفاده، تدریس و ارزش‌یابی مطالب کتاب حاضر، توجه به چند نکته خالی از فایده نیست:

۱- در راهنمای برنامه‌ی درس تاریخ دوره‌ی متوسطه اهداف، اصول و سایر مطالب مفید و ضروری برای همکاران محترم ارائه شده است. علاقه‌مندان جهت مطالعه‌ی این موارد می‌توانند به شماره‌های دهم و یازدهم مجله رشد آموزش تاریخ و یا سایت گروه درسی تاریخ به آدرس <http://history-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنند.

۲- در تألیف کتاب حاضر تلاش شده است - جز در موارد ضروری - از ذکر سال وقوع حوادث و موضوعات تاریخی اجتناب گردد. گرچه در مواردی مؤلفین - به اقتضای تألیف یک متن تاریخی - از ذکر سنوات ناگزیر بوده‌اند، اما یقیناً چنین ضرورتی در شیوه‌ی ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموزان وجود ندارد و باید تنها اطلاع دانش‌آموزان از سال وقوع حوادث بسیار مهم که مبدأ یک دوران تاریخی، تحولی اساسی و نظایر آن بوده است، مورد ارزیابی قرار گیرد.

۳- هر چند تلاش فراوانی برای کاستن از حجم کتاب صورت گرفته است، اما به ملاحظه ارزش چهار واحدی این درس، حجم موجود منطقی است. از آن‌جا که مطالبی که با عنوان «یک توضیح»، «برای مطالعه» یا داخل کادر ارائه شده و نیز تصاویر، جدول‌ها، نقشه‌ها و نظایر آن تنها به منظور جذاب کردن مطالب و تعمیق آموخته‌ها به خصوص برای علاقه‌مندان به مطالعه‌ی بیش‌تر تهیه شده است، حجم واقعی کتاب بسیار کم‌تر از چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد.

۴- شایسته است که دبیران محترم، با مطالعه و آمادگی کافی به تدریس بخش‌های مختلف کتاب بپردازند. برای تدریس کتاب حاضر مطالعه‌ی مستمر و مراجعه به منابع معتبر و مرتبط با محتوای آن لازم است. فهرست منابع کتاب می‌تواند راهنمای مناسبی برای علاقه‌مندان در این باره باشد.

۵- با توجه به اهمیت آموختن تدریجی مطالب کتاب، ضروری است شیوه‌ی تدریس متن و ارزیابی دانش‌آموزان به گونه‌ای سامان داده شود که آنان در طول سال تحصیلی به مطالعه‌ی مستمر و تدریجی کتاب بپردازند و به مطالعه‌ی متن در شب امتحان اکتفا نکنند. مطالعه یک باره و یک‌جا هر چند با هوش فراوان و حافظه‌ی عالی، تحقق اهداف آموزشی را میسر نخواهد ساخت.

۶- «پرسش‌های نمونه» - همان‌گونه که از نام آن پیداست - ارزیابی میزان تحقق تمام هدف‌های آموزشی مورد نظر را در بر ندارد. یقیناً همکاران محترم به اقتضای شرایط کلاس و به ملاحظه زمانی که در اختیار دارند خود به طرح و تهیه پرسش‌هایی دیگر اقدام خواهند نمود.

۷- فعالیت‌هایی که با عنوان «اندیشه و جست‌وجو» عرضه گردیده، به منظور تکمیل و تحکیم یادگیری مطالب طراحی شده است. انجام هر یک از آن‌ها، بسته به عواملی چون تعداد دانش‌آموزان در کلاس و میزان دسترسی آنان به کتابخانه، می‌تواند به شکل فردی یا با تقسیم دانش‌آموزان به چند گروه و انجام فعالیت به شکل گروهی انجام شود.

۸- مجله‌ی «رشد آموزش تاریخ» فصلنامه‌ای تخصصی ویژه دبیران تاریخ است که در آن مطالب متنوعی در زمینه‌ی شیوه‌های آموزش تاریخ، تفصیل نکاتی که در کتاب درسی به اشاره آمده است، معرفی کتاب و گفت‌وگو با صاحب نظران و نیز تازه‌های خبر و گزارش در ارتباط با مسائل حرفه‌ای همکاران محترم ارائه می‌شود که مطالعه‌ی مستمر این مجله می‌تواند در ارتقای کیفی فعالیت‌های ارزشمند آموزشی آنان مؤثر باشد.

همکاران شما در گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی و نیز اعضای شورای برنامه‌ریزی و مؤلفان محترم متن حاضر امیدوارند حاصل تلاش فراوان آنان در برنامه‌ریزی، تألیف و ارزیابی مکرر این اثر، مورد توجه و رضایت دبیران محترم و استفاده هر چه بیش‌تر دانش‌آموزان عزیز قرار گیرد.

گروه تاریخ

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

دانش آموزان گرامی

درس تاریخ یکی از درس های اصلی در رشته ی ادبیات و علوم انسانی است که در برنامه ی درسی سال های دوم و سوم دبیرستان برای شما پیش بینی شده است. در این دو سال، شما با مهم ترین تمدن ها، رویدادها و شخصیت های تاریخی ایران و جهان آشنا می شوید. محتوای کتاب های درسی فقط شامل بیان اخبار و توصیف حوادث نیست و کوشش شده به علت ها (یا چراها) و نیز پیامدها و آثار مربوط به هر موضوع نیز توجه شود. ممکن است چنین تصور کنید که در دوره ی راهنمایی یا ابتدایی مطالبی درباره ی بسیاری از موضوعات مطرح شده در این کتاب (از قبیل سلسله های حکومتی، جنگ ها و...) خوانده اید و نیازی به خواندن دوباره ی آن ها وجود ندارد اما لازم است توجه داشته باشید که اگرچه در ظاهر موضوعات مشابه اند اما محتوای مربوط به هر موضوع کاملاً متفاوت و جدید است؛ مثلاً، اگر شما در دوره ی راهنمایی در چند سطر با تاریخ مصر باستان آشنا شده اید، در این جا دانستنی های بیش تری در این باره در اختیار شما قرار می گیرد. هم چنین در کتاب حاضر توجه بیش تری به مسائل تمدنی و فرهنگی شده است و تاریخ حکومت ها، تنها محور مباحث کتاب نیست. در واقع، شما در دوره ی دبیرستان به طور عمیق تر و تحلیلی تر به مطالعه ی تاریخ ایران و جهان می پردازید. برای آن که یادگیری مطالب این کتاب برای شما آسان تر شود، شایسته است به نکات زیر توجه کنید:

- مطالب کتاب در چند بخش تنظیم شده است و هر بخش شامل یک دوره از تاریخ ایران و جهان است که در قالب چند درس ارائه شده است. هدف از این کار، مطالعه ی تاریخ ایران و تاریخ جهان به صورت تطبیقی است. این شیوه به شما کمک می کند تا بتوانید هر دوره از تاریخ ایران را با اوضاع سایر مناطق جهان در همان دوره مقایسه کنید و درک زمانی بهتری از مطالب تاریخی داشته باشید.
- هر درس شامل قسمت های مختلفی است. در ابتدا یک مقدمه ی کوتاه آورده شده و سپس توضیحات مربوط به موضوع درس در زیر عنوان های جزئی تر آمده است. مطالبی نیز با عنوان «یک توضیح» (یک نکته) وجود دارد که هدف از آوردن آن ها تکمیل اطلاعات تاریخی شما و نیز جذاب تر کردن محتوای درس است. این مطالب در ارزش یابی های کلاسی که معلم انجام می دهد، ملاک عمل هستند اما برای امتحانات نیم سال و پایان سال از آن ها سؤال مطرح نمی شود.

- در پایان هر درس چند پرسش نمونه و فعالیت خارج از کلاس (اندیشه و جست و جو) پیش بینی شده است. توجه داشته باشید که پرسش ها «نمونه» هستند و ارزش یابی از آموخته های شما فقط محدود به آن ها نخواهد بود. در خصوص فعالیت های خارج از کلاس نیز انجام همه ی آن ها توسط هر یک از شما مد نظر نیست، بلکه بنا به انتخاب شما یا تعیین معلم یکی از آن ها را با توجه به امکانات موجود انجام خواهید داد. ضمناً می توانید با نظر معلم خود موضوعات دیگری را نیز که با محتوای درس ارتباط داشته باشد برای تحقیق انتخاب کنید.

- در هر درس نقشه ها، نمودارها و عکس هایی نیز برای کمک به یادگیری بهتر آورده شده است. به آن ها توجه کنید و توضیحات مربوط به هر یک را به دقت بخوانید. در زیر نویس بعضی از عکس ها، پرسش هایی نیز مطرح شده است که شما می توانید به عنوان یک فعالیت فکری و تحقیقی درباره ی آن ها ببیندیشید یا متنی به عنوان پاسخ تهیه کنید.

- در هر درس یک یا چند فعالیت کلاسی وجود دارد که با عنوان «فکر کنید و پاسخ دهید» مشخص شده اند. با راهنمایی و کمک معلم خود، به صورت فردی یا گروهی به بحث درباره ی آن ها بپردازید. سعی کنید پاسخ نهایی هر فعالیت را یادداشت کنید. علاوه بر این در بعضی دروس جدول های تکمیل کردنی وجود دارد که برای جلسه ی بعد آن ها را کامل می کنید. انجام این فعالیت ها بخش مهمی از نمره ی کلاسی شما را به خود اختصاص می دهد و در امتحانات نیم سال و پایان سال نیز ممکن است از آن ها سؤال مطرح شود.

- **سعی کنید مطالب هر درس را در همان هفته ای که تدریس می شود، یاد بگیرید و این کار را به زمان امتحان موکول نکنید.** توجه به توضیحات معلم و بحث هایی که در کلاس میان دانش آموزان با یک دیگر و با معلم مطرح می شود و مطالعه ی متن درس در خارج از کلاس، مهم ترین کار شما در این زمینه است.

- هم چنان که می دانید گستردگی تاریخ بشری بسیار زیاد و بحث درباره ی همه ی آن ها از حوصله ی کتاب درسی و کلاس درس خارج است. به همین جهت، کتاب درسی شما نیز شامل گزیده ای از مهم ترین مطالب مربوط به تاریخ ایران و جهان است. بنابراین، در صورتی که علاقه مند هستید درباره ی بعضی از رویدادها، شخصیت ها، آثار تاریخی و غیره چیزهای بیش تری بدانید، این کار را به فرصتی خارج از کلاس درس واگذارید و از معلم خود بخواهید چند منبع مطالعاتی به شما معرفی کند.

موفق باشید

گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

بخش اوّل

تاریخ و آغاز آن

تاریخ چیست و مورخ کیست؟

مقدمه

در ابتدای سال تحصیلی، بعید است که شما هنگام پرداختن به درس‌هایی مانند عربی، فارسی، زبان انگلیسی و نظایر آن از خود پرسید «این درس‌ها چیست؟» حتی اگر کسی از شما در این باره سؤال کند، می‌توانید به او پاسخ بدهید. اما در مورد تاریخ، مسئله فرق می‌کند؛ چون در گذر زمان مفهوم تاریخ یکسان نبوده است، حتی اگر امروزه از افراد مختلف پرسید «تاریخ چیست؟» یا برای آشنایی با نظریات پژوهشگران به کتاب‌های مختلف رجوع کنید، خواهید دید که پاسخ‌ها یکسان نیست. با مطالعه‌ی این درس یک بار دیگر سؤال مذکور را از خود پرسید، آن‌گاه ببینید آیا به پاسخی قانع‌کننده دست یافته‌اید.

تاریخ و مورخ

میراث‌هایی از زندگی، تلاش و کوشش و اندیشه‌های پیشینیان در اختیار داریم. تاریخ شرح همین ماجراهاست؛ تاریخ سرگذشت زندگی اجتماعی انسان است؛ سرگذشتی که بسیار طولانی است و خود از ماجراهای بسیاری تشکیل شده است. علم تاریخ به بررسی رویدادها و جریان‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و ادبی در گذشته می‌پردازد. مورخ نیز کسی است که این بررسی را انجام می‌دهد و حاصل آن را به صورت یک نوشته‌ی کوتاه (مقاله) یا بلند (کتاب) عرضه می‌کند. وی برای انجام این کار، از حاصل کوشش‌های سایر پژوهشگران نیز استفاده می‌کند. می‌دانید چگونه؟ در تاریخ دوره‌ی راهنمایی خواندید که از عمر خط ۵۰۰۰ سال می‌گذرد؛ بنابراین، آثار مکتوب به جای مانده نیز مربوط به همین مدت است اما در کتاب‌های تاریخی موضوعات مربوط به چندین قرن پیش از پیدایش خط نیز شرح داده شده است؛ مورخ این اخبار را از کجا آورده است؟ وقتی می‌گوییم خط در حدود ۵۰۰۰ سال پیش اختراع شده است، به این معنا نیست که کتاب‌نویسی هم از ۵۰۰۰ سال پیش آغاز شده است؛ زیرا خط، ابتدا «تصویری» بوده

می‌دانید که هزاران سال از عمر انسان بر روی زمین می‌گذرد و از قدیمی‌ترین دوران تاکنون، تغییرات بسیاری در زندگی او پدید آمده است. روزگاری انسان‌ها به صورتی بسیار ابتدایی می‌زیستند. هنوز نه ابزاری ساخته شده بود، نه حیوانی اهلی شده بود، نه آتش و فلزات کشف شده بودند و نه دهکده‌ها و شهرها پدید آمده بودند. خط نیز اختراع نشده بود تا از این طریق تجربه‌های نسل‌های پی‌درپی اندوخته شود و به نسل‌های بعد منتقل گردد. بنابراین، زندگی انسان بسیار سخت می‌گذشت. او برای تأمین غذا و حفظ کردن خود از آسیب سرما و حیوانات درنده و بیماری‌ها باید کوشش بسیاری می‌کرد و تمام قوای جسمی و روحی خویش را به کار می‌گرفت.

با گذشت زمان بر تجربیات انسان افزوده شد و به تدریج توانست ابزار بسازد، کشاورزی کند، خانه بسازد، وسایل حمل و نقل تهیه کند و روز به روز بر طبیعت تسلط بیشتری یابد. کم‌کم شهرها به وجود آمدند، دولت‌ها تشکیل گردیدند، پیامبران برای هدایت انسان‌ها مبعوث شدند و اینک ما، با وجود جنگ‌های خونین و سایر مشکلات و مسائل،



بخش بسیاری از آگاهی‌های تاریخی — به ویژه درباره‌ی گذشته‌های دور — از طریق فعالیت‌های باستان‌شناسی به دست آمده است.

کتاب‌های ادبی، دینی، اجتماعی و جز آن‌ها از دوره‌های پیشین به جا مانده است. این مجموعه به مورخ کمک بسیاری می‌کند تا بتواند گذشته را بشناسد و از ماجراهای آن مطلع شود. مگر مورخ در پی آگاهی از گذشته نیست؟ پس هرچه را از گذشته به جا مانده است — حتی نامه‌های شخصی و اداری، قصه‌ها و افسانه‌ها، تابلوهای نقاشی، روزنامه‌ها و... — را مورد استفاده قرار می‌دهد.

تاریخ دانش بسیار گسترده‌ای است. به همین دلیل، هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند در همه‌ی موضوعات و دوره‌های تاریخی متخصص و صاحب نظر شود، ناچار هرکس می‌کوشد در یکی از دوره‌های تاریخی تخصص یابد؛ مثل دوره‌ی باستان، قرون وسطا و قرون جدید.

گفتیم که مورخ به کمک آثار و اخباری که از گذشته به جا مانده است، به نگارش تاریخ می‌پردازد اما چنین نیست که هرکس با مطالعه‌ی آثار و اخبار بتواند تاریخ بنویسد. حتی ماهرترین پزشک و مهندس و بهترین شیمی‌دان و فیزیک‌دان، بدون آموزش‌های مخصوص و تمرین بسیار، نمی‌تواند یک موضوع تاریخی بنویسد. اگر هم بنویسد، نوشته‌اش ناقص خواهد بود.

و برای این که به صورت «الفبایی» درآید، تغییرات بسیاری کرده است. زمانی هم که الفبا شکل گرفت، هنوز مورخی به معنای امروز نبود تا مثل عصر ما به ثبت اخبار پردازد.

بعدها، کسانی که به شغل وقایع نگاری مشغول بودند تا مدت‌ها تنها به ثبت جنگ‌های پادشاهان و سایر اعمال آنان می‌پرداختند.

با کمی اندیشه در این باره، درمی‌یابید که کار مورخ چندان هم ساده نیست. اکنون بینیم مورخ چگونه تاریخ را بررسی می‌کند و به نگارش آن می‌پردازد.

تاریخ نگاری

مورخ برای نگارش تاریخ، همه‌ی چیزهایی را که از گذشته به جا مانده بررسی می‌کند و برای این کار از دانش‌های بسیاری کمک می‌گیرد. یکی از آن دانش‌ها، «باستان‌شناسی» است. آیا می‌دانید باستان‌شناس کیست؟ باستان‌شناس کسی است که به گردآوری اشیاء و ابزارهای قدیمی و طبقه‌بندی آن‌ها و پژوهش درباره‌ی آن‌ها می‌پردازد و با استخراج و کشف آثار مربوط به انسان‌های پیشین، نظیر خرابه‌های مسکونی، ظرف‌ها، سکه‌ها، لوحه‌ها، مجسمه‌ها و... از دل زمین یا بررسی آثار باقی مانده مانند تخت جمشید، طاق‌بستان، مسجد جامع اصفهان و صدها اثر دیگر، گزارش‌هایی درباره‌ی آن‌ها تهیه می‌کند. باستان‌شناسان تاکنون موفق شده‌اند نکات بسیاری درباره‌ی زندگی انسان در روی زمین و تمدن‌های بسیار قدیمی کشف و شناسایی کنند.

علاوه بر این، در گذشته در دربار شاهان، وقایع نگارانی بوده‌اند که وظیفه‌شان ثبت وقایع و اخبار بوده است. آن‌ها ماجراهای مربوط به جنگ، ازدواج، شکار، میهمانی، ساختن بناها و... را می‌نوشتند.

هم‌چنین طی سالیان دراز، بعضی از مردم، خاطرات زندگی و سفرهای خود را نوشته‌اند. از آن گذشته،



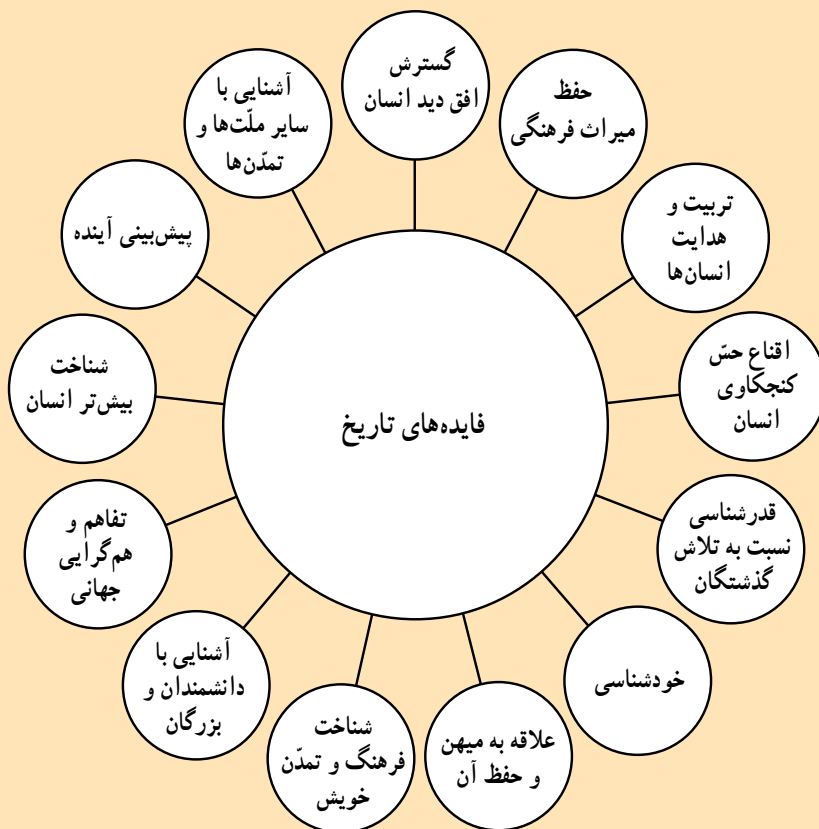
می توان بیچی را باز یا بسته کرد، با یک اسکناس می توان چیزی خرید و با یک وسیله‌ی نقلیه می توان به مکان و مقصدی سفر کرد. اگر با این دید به تاریخ نگاه کنیم، خواهیم گفت که تاریخ به هیچ کاری نمی آید! اما با این حال، زندگی امروز و فردای ما با تاریخ عجین است. حتی اگر مخالف آن باشیم، بدان نیازمندیم. سیاستمداران برای موفقیت در کار خویش ناچارند هم تاریخ سرزمین خود و هم تاریخ

فواید مطالعه‌ی تاریخ
 «به فرض که پذیرفتیم تاریخ‌نگاری، حرفه‌ای ویژه است؛ اصلاً تاریخ به چه کار می آید؟ اگر تاریخ نخوانیم چه اتفاقی می افتد؟ تاریخ مربوط به گذشته است و گذشته دسترس نیست.» این‌ها حرف‌هایی است که ممکن است شما بشنوید یا شاید هم حرف دل خود شما باشد اما بیایید کمی بیش‌تر فکر کنیم؛ می‌دانیم که به وسیله‌ی یک آچار

ورزشی مربوط به دوران قبل از خود یعنی تاریخ ورزش آگاهی یابند. هرکس در هر شغل و حرفه‌ای که هست، به داشتن آگاهی‌های تاریخی درباره‌ی حرفه‌ی خود نیازمند است اما تاریخ فایده‌هایی مهم‌تر از این‌ها هم دارد. فایده‌هایی که مربوط به یک حرفه یا مخصوص پیر و جوان و دختر و پسر نیست بلکه فایده‌های عام‌تری است که مربوط به همه‌ی انسان‌ها و همه‌ی زمان‌هاست. در نمودار زیر با برخی از این فایده‌ها آشنا می‌شوید.

کشورهای دیگر را بدانند؛ فیلم‌سازان برای تهیه‌ی فیلم‌های تاریخی، از مطالعه‌ی تاریخ ناگزیرند؛ ادیبان برای فهم و شناخت اشعار و نوشته‌های زمان‌های قبل، از مطالعه‌ی تاریخ آن عصر کمک می‌گیرند؛ هنرمندان با مطالعه‌ی آثار هنری قبل از خود و اوضاع و احوال مربوط به آن آثار و نیز بررسی سرگذشت ابداع‌کنندگان آن‌ها، نگرشی عمیق‌تر می‌یابند و در کار خود موفق‌تر می‌شوند، حتی ورزش‌کاران نیز پس از چندی احساس می‌کنند که باید از ماجراهای

مهم‌ترین فایده‌های مطالعه‌ی تاریخ



تاریخ‌گذاری

یک توضیح

- ه.ش. و یا ش. ← هجری شمسی
- ه.ق. و یا ق. ← هجری قمری
- ق.م. ← قبل از میلاد مسیح (ع)
- م. ← میلادی یا بعد از میلاد مسیح (ع)

هجری شمسی، تقویم رسمی ایرانی - اسلامی، هجری قمری تقویم رسمی عربی - اسلامی و میلادی تقویم رسمی اروپایی است. در ایران تا قبل از تاج‌گذاری رضاشاه، تقویم قمری رایج بود و از آن پس، تقویم شمسی رایج شد. به همین دلیل، کتاب‌های تاریخی که تا این زمان نوشته شده حوادث را به سال قمری نوشته‌اند و بنابراین حوادث مهم تاریخی مربوط به آن دوران به تقویم قمری ثبت شده است؛ مانند سال‌های تأسیس یا انقراض سلسله‌ها (تأسیس سلسله‌ی صفوی = ۹۰۷ ق.، انقراض سلسله‌ی صفوی = ۱۱۳۵ ق.). به همین دلیل در کتاب‌های درسی معمولاً حوادثی که به تاریخ قمری یا میلادی (مسیحی) مشهور است به همان تاریخ بیان می‌شود و برای یادگیری بیشتر، معادل شمسی آن نیز نوشته می‌شود که برای مطالعه‌ی همه نوع تاریخ (مانند تاریخ دوران قدیم و جدید یا تاریخ علوم) باید آن را بیاموزیم.

تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخ

به دلیل سابقه‌ی طولانی زندگی بشر و براساس ویژگی‌های هر دوره از زندگی یک ملت یا همه‌ی ملّت‌ها، مورّخان تقسیم‌بندی‌هایی را برای تاریخ مطرح کرده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها سبب می‌شوند که شناخت روشن‌تر و درست‌تری از گذشته به دست آوریم. در این جا سه نوع تقسیم‌بندی را که برای تاریخ بشر - به طور کلی - ارائه شده است، می‌بینید.

«الف» } ۱- دوران پیش از تاریخ
 } ۲- دوران تاریخی

«ب» } ۱- عصر سنگ
 } ۲- عصر فلز

- ۵- شکوفایی شهرنشینی و رشد آیین‌های بزرگ (از ۳۰۰۰ تا ۷۰۰ سال پیش از میلاد)
- ۶- دوران امپراتوری‌های بزرگ و ارتباطات گسترده بین‌المللی (۷۰۰ سال پیش از میلاد تا ۱۴۰۰ میلادی)
- ۷- دوران اکتشافات جغرافیایی و گسترش فن دریانوردی و رنسانس (۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی)
- ۸- دوران رشد روزافزون فن‌آوری و تحول علوم پایه (۱۶۰۰ تا ۱۹۶۰ میلادی)
- ۹- دوران فن‌آوری صنعتی و الکترونیکی (۱۹۶۰ تا کنون)

یکی از مشهورترین تقسیم‌بندی‌های تاریخ بشر تقسیم دوران زندگی انسان به پنج مرحله‌ی زیر است:

- ۱- دوره‌ی پیش از تاریخ، ۲- دوره‌ی باستان، ۳- دوره‌ی میانه (قرون وسطا)، ۴- دوره‌ی جدید، ۵- دوره‌ی معاصر.

اگرچه این تقسیم‌بندی را مورّخان اروپایی بر مبنای سیر تاریخ اروپا ارائه کرده‌اند اما با تغییراتی می‌توان آن را برای تاریخ ایران نیز به کار گرفت. این کتاب درسی نیز با توجه به همین تقسیم‌بندی تنظیم شده است.

- «پ» } ۱- دوران شکار و گردآوری غذا (از ۱/۵ میلیون تا ۱۰ هزار سال پیش از میلاد)
- ۲- دوران کشاورزی و اهلی کردن جانوران (از ۱۰ هزار تا ۷ هزار سال پیش از میلاد)
- ۳- دوران زندگی در دهکده‌های اولیه (از ۷ هزار تا ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد)
- ۴- دوران آغاز شهرنشینی و تشکیل حکومت‌های اولیه (از ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد)

پرسش‌های نمونه

- ۱- تاریخ را تعریف کنید.
- ۲- باستان‌شناس چه کسی است و چگونه کار می‌کند؟
- ۳- پنج مورد از منابعی را که می‌توان در مطالعه‌ی تاریخ از آن‌ها استفاده کرد، نام ببرید.
- ۴- چهار مورد از فواید مطالعه‌ی تاریخ را نام ببرید.
- ۵- تقسیم‌بندی پنج مرحله‌ای تاریخ بشر را مشخص کنید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- با کمک دبیر محترم خود، یک رویداد یا جریان تاریخی را انتخاب و درباره‌ی آن مطالعه کنید. سپس فایده یا فایده‌های این بررسی را در کلاس بیان نمایید.
- ۲- موارد دیگری از آیات قرآنی را که نشانگر اهمیت مطالعه‌ی تاریخ است، استخراج کنید.
- ۳- درباره‌ی تقسیم‌بندی‌های خاص مربوط به تاریخ ایران و دلایل هر تقسیم‌بندی مطلبی تهیه کنید.

پیش از تاریخ

پیش از تاریخ چیست؟

خط عامل و علت تقسیم‌بندی سرگذشت بشر به دو دوران «پیش از تاریخ» و «تاریخی» است. باستان‌شناسان با استفاده از دستاوردهای زمین‌شناسان، زیست‌شناسان، شیمی‌دان‌ها، جغرافی‌دان‌ها و به کمک روش‌های تحقیق ویژه‌ی خود، توانسته‌اند آگاهی‌های جالبی درباره‌ی انسان‌های پیش از تاریخ به دست آورند.

انسان غارنشین

از حدود ۴۰۰,۰۰۰ سال پیش، تغییراتی در آب و هوای زمین رخ داد که در سرنوشت موجودات زنده تأثیر زیادی داشت. کاهش دمای متوسط جهان موجب شد که بخش‌های وسیعی از شمال آسیا، اروپا، امریکای شمالی و نواحی مرتفع کوهستانی جهان چندین نوبت از یخ پوشیده شود. به طوری که ماموت‌ها (اجداد فیل‌های امروزی) نتوانستند خود را با شرایط آب و هوایی جدید انطباق دهند و از میان رفتند. در این دوران، مناطق استوایی افریقا برای زندگی مناسب‌تر بود. هر چند بقایای جسد‌هایی از انسان‌های نخستین در نقاط مختلف دنیا نظیر افریقای جنوبی، پکن (چین)، هایدلبرگ^۱ (آلمان) به دست آمده است اما از زندگی بشر پیش از عصر یخبندان، اطلاعات چندانی در دست نیست. با افزایش نسبی دمای هوا و ذوب شدن یخچال‌های طبیعی، و بارش باران‌های فراوان کم‌کم جنگل‌هایی وسیع پدید آمد. در این دوران باران‌های زیادی می‌بارید. حال باید پرسید: «در این دوران انسان چگونه زندگی می‌کرد؟» بدیهی است در دورانی که هنوز اختراعات مهم پدید نیامده

اگر بخواهیم با سرگذشت انسان از پیدایش نخستین تمدن‌ها و حکومت‌ها تا عصر حاضر آشنا شویم، چه می‌کنیم؟ حتماً، کتاب‌های تاریخی را می‌خوانیم. در این کتاب‌ها از پیدایش قدیمی‌ترین تمدن‌ها و حکومت‌ها سخن به میان می‌آید. هم‌چنین تاریخ پیدایش و گسترش دانش‌هایی نظیر نجوم، پزشکی، شیمی، معماری و ... بخش‌های جالب و خواندنی این کتاب‌ها را شامل می‌شود. ظهور پیامبران بزرگ و تحولات عظیم در تاریخ بشر، جنگ‌ها و لشکرکشی‌های عظیم، اختراعات، چگونگی گسترش اسلام، اکتشافات جغرافیایی، پیدایش استعمار غربی و جریان‌های علمی و اجتماعی، فصل‌های مختلف تاریخ تمدن بشر را تشکیل می‌دهد و با گذشت زمان، موضوعات پیچیده‌تر و متنوع‌تری به‌وقوع می‌پیوندد. همه‌ی این موضوعات، تاریخ بشر را می‌سازند با این همه، این بخش از سرگذشت انسان در مقایسه با عمر بشر در روی زمین بسیار اندک است!

۵۰ سال پیش، عمر قدیمی‌ترین فسیل یافته شده از انسان‌های نخستین را نیم‌میلیون سال تخمین زده بودند اما امروزه فسیل‌هایی در نقاط مختلف جهان یافته‌اند که عمر برخی از آن‌ها حدود ۴,۰۰۰,۰۰۰ سال است. بنابراین، ۵۰۰۰ سال دوره‌ی تاریخی در مقایسه با ۴,۰۰۰,۰۰۰ سال دوره‌ی پیش از آن، بسیار اندک است. با این حال، آگاهی ما از دوره‌ی تاریخی بسیار بیش‌تر از دوران پیش از تاریخ است.

همان‌گونه که در تاریخ اول راهنمایی خواندید، ابداع

جنگلی و شکار حیوانات شکم خود را سیر می‌کرد، از پوست حیوانات بدن خویش را می‌پوشاند و در غارها و حفره‌های موجود در دامنه‌ی کوه‌ها می‌خوابید تا خود را از سوز سرما و گزند حیوانات وحشی حفظ کند.

عصر سنگ و کشف آتش

طی سالیان دراز، تنها ابزار انسان برای شکار و تکه‌تکه کردن گوشت و دفاع از خود، «سنگ» بود؛ یعنی ابزار ساده‌ای که از محیط خود تهیه می‌کرد. به همین دلیل، باستان‌شناسان این دوران از زندگی انسان را عصر سنگ نامیده‌اند.

کشف آتش از نخستین و مهم‌ترین کشفیات بشر بود که زندگی‌اش را بهبود بخشید. انسان با کشف آتش، تاریکی را به روشنایی و سردی را به گرمی تبدیل کرد. در نتیجه، ترس او از طبیعت وحشی و ناشناخته کاسته شد. هم‌چنین می‌توانست خود را گرم کند و در پناه آتش آرام گیرد و نیز با استفاده از آتش، گوشت و غذا را برای خود گوارتر سازد.

و دانش بشر از طبیعت اندک بوده، انسان زندگی بسیار سختی در طبیعت گذرانده است. با این حال، انسان به دلیل استعدادهای ذهنی و داشتن دست‌هایی توانا — که با آن‌ها قادر به انجام فعالیت‌هایی متنوع‌تر از حیوانات بود — با پناه بردن به غارها و تلاش برای بقا، توانست خود را با شرایط جدید منطبق سازد و به حیات خویش ادامه دهد.

خداوند در این باره می‌فرماید:

«و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم و برای شما و هر کس که شما روزی دهنده‌ی او نیستید، در آن وسایل زندگی قرار دادیم.»
(سوره‌ی مبارکه‌ی حجر، آیه‌های ۱۹ و ۲۰)

بنابراین، منابع لازم برای بقای انسان، در طبیعت موجود بود و او تنها باید با کوشش خود این منابع را می‌شناخت و راه استفاده از آن‌ها را می‌آموخت. این کار هزاران سال طول کشید. ابتدا انسان با استفاده از میوه‌های



نمونه‌هایی از آثار سنگی مربوط به دوران پیش از تاریخ. هزاران قطعه از این آثار در گوشه و کنار جهان و از جمله ایران به دست آمده است.

از این طریق به کشاورزی پی بردند. کشاورزی از مهم‌ترین ابداعات زندگی انسان در روی زمین بود؛ زیرا موجب تحولاتی نظیر یکجانشینی، ذخیره‌ی غذا، تقسیم کار و پیدایش اجتماعات منظمی شد که بنیان تمدن‌های هزاره‌های بعدی را تشکیل داد. در خاورمیانه کشت گندم و جو، در چین کشت برنج و ارزن و در امریکای مرکزی کشت ذرت توسعه یافت. کشاورزی در اروپا چند هزار سال دیرتر رایج شد.

گله‌داری و دام‌پروری: اهلی کردن حیوانات، از دیگر اقداماتی بود که موجب کاهش زحمت انسان شد. انسان با اهلی کردن گوسفند، گاو و بز، توانست از گوشت آنان برای خوراک استفاده کند و نیز از گاو برای بردن بار و شخم زمین سود جوید. در این زمان، ساخت ابزار توسعه‌ی بیش‌تری یافت و انسان توانست قلاب ماهی‌گیری، سوزن، قاشق، آسیاب و سلاح‌های بهتر بسازد. در این دوران، گروه‌هایی از انسان‌ها هم‌چنان به زندگی از طریق شکار، صید و دامداری مشغول بودند. به تدریج، در دشت‌های آسیای مرکزی گله‌داری رواج یافت. اسب نیز نخستین بار در همین منطقه اهلی شد و مورد استفاده قرار گرفت. در قسمت‌های ساحلی اروپا، صید ماهی و ساخت ابزار صید معمول شد.

یکجانشینی موجب توسعه‌ی خانه‌سازی، تهیه‌ی انواع ظرف، پارچه و سفال نیز شد. اختراع چرخ از دیگر دستاوردهای مهمی بود که تأثیر به‌سزایی در سرنوشت بشر گذاشت. چرخ کوزه‌گری، آسیاب و ارابه از جمله ارمغان‌های اختراع چرخ است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرخ - به صورت‌های مختلف - چه

نقشی در تمدن امروز دارد؟

با گذشت زمان، انسان ابزارهای کامل‌تر و متنوع‌تری می‌ساخت. با تراشیدن سنگ، آن را به شکل‌های مختلف در می‌آورد، مثلاً از آن تبر، نیزه، تیشه و اره می‌ساخت. هم‌چنین علاوه بر سنگ از استخوان حیوانات و از چوب درختان نیز برای ساختن ابزارهای گوناگون استفاده می‌کرد. برای تغذیه، علاوه بر شکار از میوه‌ی درختان و ریشه‌ی برخی گیاهان بهره می‌برد. همه‌ی این کارها را به صورت «گروهی» انجام می‌داد؛ گروه‌های کوچک در حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر که با هم می‌زیستند و با هم به شکار می‌پرداختند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، مهم‌ترین عامل کشف و اختراع

چیست؟

یکجانشینی انسان

عصر یخبندان به دوره‌های مختلف تقسیم می‌شود که آخرین دوره‌ی آن در حدود ۱۱۰۰۰ سال پیش به آخر رسید و آب و هوای مناطق مختلف جهان وضعیتی نسبتاً ثابت یافت. در این زمان، اجتماعات متعدّد انسانی در میان دورود، آسیای صغیر، آسیای میانه، مصر، چین، امریکای مرکزی، ایران، اروپا و استرالیا می‌زیستند. باستان‌شناسان موفق به کشف آثار باقی‌مانده از زندگی انسان در این مناطق شده‌اند.

کشاورزی: از آن‌جا که زنان به دلیل تفاوت‌های جسمانی نمی‌توانستند همانند مردان در عملیات مربوط به شکار شرکت کنند، معمولاً به نگهداری کودکان، گردآوری میوه‌ها و دانه‌های درختان و بوته‌ها و ساختن ابزار لازم از سنگ، استخوان و چوب می‌پرداختند. به همین دلیل، زنان را ابداع‌کننده‌ی کشت و زرع و برخی اختراعات نظیر سفال‌سازی می‌دانند. آنان، احتمالاً، هنگام گردآوری گیاهان دریافتند که دانه‌ی گیاهانی که بر زمین می‌ریزد بعد از مدتی می‌روید. پس،



زمین - به ویژه در خاورمیانه - صورت گرفت و مقدمات پیدایش تمدن‌های بزرگ را در دوره‌های بعد فراهم ساخت، نظیر سومر، مصر، ایلام و غیره.

جوامع یکجانشین، بیش‌تر در کنار رودهایی نظیر دجله، فرات، کارون و سند ساکن بودند. استفاده از زمین برای کشت و زرع مستلزم مسطح کردن زمین‌ها، زه‌کشی آن‌ها و استفاده از کانال آبیاری است. انجام این امور و نیز کارهای مربوط به پاشیدن تخم و جمع‌آوری محصول مستلزم کار دسته‌جمعی است. به همین دلیل، با پیدایش نخستین دهکده‌ها و تقسیم کار، به تدریج شیوه‌ی جدیدی از زندگی اجتماعی به‌وجود آمد که با زندگی در غارها، جنگل‌ها و کوچ‌نشینی متفاوت بود. زندگی در دهکده‌ها

کشف فلز: در فاصله‌ی ۱۰,۰۰۰ تا ۶,۰۰۰ سال

پیش بشر توانست فلز را بشناسد و از آن در ساخت ابزار استفاده کند. نخستین فلزی که کشف شد، مس بود. ذوب فلز و قالب‌ریزی آن، بلافاصله پس از کشف آن آغاز نشد بلکه تا مدت‌ها مس را به همان صورت طبیعی می‌کوبیدند و مورد استفاده قرار می‌دادند. احتمالاً، قلع دومین فلزی بود که مورد استفاده‌ی انسان قرار گرفت؛ پس از کشف آهن و رواج بهره‌برداری از آن، تحولات عمیق‌تری در زندگی انسان پدید آمد. داس، اره، خنجر و قیچی به فراوانی مورد استفاده‌ی ساکنان دهکده‌ها قرار گرفت.

باید دانست که پیدایش اجتماعات یکجانشین و توسعه‌ی ابزارسازی و کشاورزی بیش از همه در مشرق

لزوم وجود فردی برای مدیریت روستا و حلّ و فصل اختلافات را مطرح ساخت. هم‌چنین، بر اثر تولید محصول اضافی و ظهور شغل‌های جدید از قبیل سفالگری و ساخت ظروف فلزی، داد و ستد رواج گرفت. با رواج داد و ستد و ضرورت ثبت معاملات، مقدمات اختراع خط فراهم شد. بدین ترتیب جوامع ابتدایی در آستانه‌ی ورود به دوره‌ای جدید قرار گرفتند. به نظر شما، منظور از این دوره‌ی جدید، کدام دوره است؟

پرسش‌های نمونه

- ۱- انسان اولیه چگونه توانست با استفاده از طبیعت به زندگی خود ادامه دهد؟
- ۲- چرا آغاز کشاورزی و سفال‌سازی، در تاریخ به نام زنان ثبت شده است؟
- ۳- به چه دوره‌ای عصر سنگ گفته می‌شود؟
- ۴- چرا روی آوردن انسان به کشاورزی موجب بروز تحولی مهم در زندگی او گردید؟
- ۵- مقدمات پیدایش تمدن‌های بزرگ در کدام منطقه‌ی جغرافیایی شکل گرفت؟ چرا؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی قدیمی‌ترین آثار انسانی شناخته شده در ایران مطلبی تهیه کنید.
- ۲- به نظر شما مهم‌ترین پیشرفت‌های بشر در دوران پیش از تاریخ کدامند؟ در این باره مطلبی در یکی دو صفحه بنویسید.

بخش دوّم

جهان باستان

تمدن در «میان دو رود»

اقوامی است که در آنجا زندگی می‌کردند. اور^۱، اوروک^۲، کیش^۳، لاگاش^۴، لارسا^۵ و نیپور^۶ از جمله‌ی این شهرها می‌باشند. هر یک از این شهرها به همراه روستاهای اطراف خود به صورت مستقل اداره می‌شدند؛ به همین دلیل، آنان را دولت‌شهر یا کشور شهر نامیده‌اند.

در میان هر شهر معبدی بود که مجسمه‌ی خدای حامی شهر در آن قرار داشت. اداره‌ی این شهرها با کاهنان بود که به رئیس آنان انسی می‌گفتند.

دولت شهرهای سومری اغلب با یک‌دیگر رقابت و دشمنی داشتند و میان آنان جنگ‌های خونین رخ می‌داد.



مجسمه‌ی گودآ^۷ یکی از فرمانروایان شهر لاگاش

سرزمین «میان دو رود» و اهمیت تاریخی آن حدود ۴ قرن پیش، مورخان درباره‌ی سابقه و سرگذشت تمدن در میان دو رود (بین‌النهرین – سرزمین مابین دو رود دجله و فرات) اطلاعات زیادی نداشتند و عمده آگاهی‌های آنان درباره‌ی این منطقه، از تورات گرفته شده بود؛ اطلاعاتی که ضمن بیان سرگذشت پیامبران بدان‌ها اشاره شده است. تا این که برخی از سیاحتگران اروپایی به این منطقه پا نهادند و مدتی در آنجا زیستند. در آنجا، الواح گلی‌ای را که حاوی نوشته‌هایی بود، مشاهده کردند که چون کسی قادر به فهم آن نوشته‌ها نبود، دریافتند که باید مربوط به مدت‌ها قبل باشد. جهان‌گردان تعدادی از این الواح را به اروپا بردند و پژوهشگران به مطالعه‌ی آن‌ها مشغول شدند. نظیر رویدادی که در ایران نیز اتفاق افتاد و نتیجه‌ی آن، کشف و بازخوانی خط میخی بود. سپس شمار زیادی از پژوهشگران به میان دو رود آمدند و از نزدیک، به کاوش‌های باستان‌شناختی و مطالعه‌ی آثار تاریخی پرداختند. به تدریج، معلوم شد که میان دو رود (جنوب عراق کنونی) خاستگاه کهن‌ترین تمدن بشری بوده است.

پیدایش شهرها

نخستین شهرهای میان دو رود باستان در سومر پدید آمد. سومر هم نام قسمت جنوبی میان دو رود و هم نام

۱ – Ur

۵ – Larsa

۲ – Uruk

۶ – Nippur

۳ – Kish

۷ – Gudea

۴ – Lagash

اوضاع سیاسی میان دورود از ابتدا تا قرن ششم ق.م.



مجسمه‌ی سراسرگن فرمان‌روای مقتدر اکدی

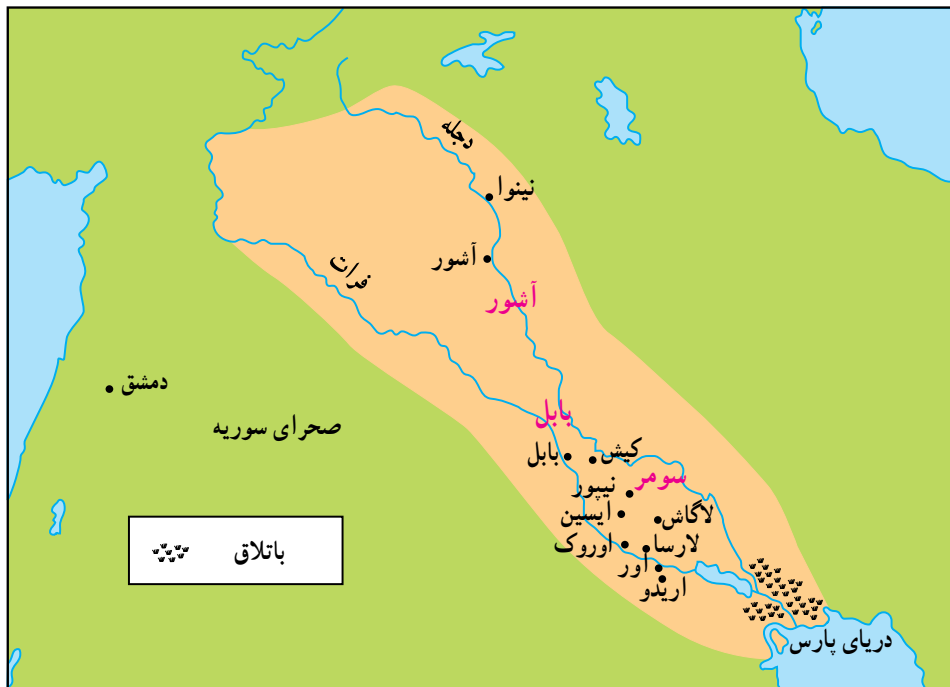
در سراسر میان دورود، اقوام و گروه‌های انسانی بسیاری می‌زیستند که هر یک برای مدتی کوتاه یا طولانی توانستند حکومت‌هایی تشکیل دهند^۱. همسایگان دور و نزدیک این سرزمین نیز با آنان روابط سیاسی – گاه خصمانه و گاه دوستانه – و تمدنی داشته‌اند^۲.

گفتیم که انسی‌ها نخستین فرمان‌روایان دولت شهرهای سومری بودند. هر چند تا قرن‌ها میان دولت شهرهای سومری جنگ و خصومت برقرار بود اما هیچ‌یک به‌طور کامل و برای زمان طولانی بر دیگران پیروز نمی‌شد. بنابراین، دولت متمرکزی در سومر پدید نمی‌آمد.

یکی از فرمان‌روایان بسیار کهن سومر اتن^۳ نام داشت. او توانست مدتی بر همه‌ی دولت شهرهای سومری مسلط شود. گیل‌گمش^۴ نیز از دیگر فرمان‌روایان نخستین

سومر بود.

در حدود ۲۴۰۰ ق. م. اقوام آگدی که در مرکز میان دورود می‌زیستند با هجوم به شهرهای سومری توانستند بر آنان غلبه کنند. فرماندهی آگدی‌ها را در این



میان دو رود باستان

۱- علاوه بر سومری‌ها، آگدی‌ها، آموری‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها از این جمله‌اند.

۲- هیتی‌ها و میتانی‌ها (در شمال) و ایلامی‌ها و کاشی‌ها (در شرق) از جمله‌ی این همسایگان بودند.

۴ - Gilgamesh

۳ - Etana

حکومت سومریان خاتمه دادند. ایلامی‌ها شهر اور را ویران کردند و سپس آن را آتش زدند و پادشاه آن را به ایلام آوردند. پس از مدتی قوم تازه نفس آموری با بیرون راندن ایلامی‌ها جای آن‌ها را گرفتند.

از پادشاهان معروف آموری، حمورابی^۳ است که به دلیل اقداماتش در زمینه‌ی کشاورزی، بازرگانی و قانون‌گذاری شهرت بسیاری دارد.

پایتخت حمورابی شهر بابل^۴ بود که بزرگ‌ترین و آبادترین شهر دنیای باستان به شمار می‌رفت. حکومت آموری‌ها را به نام پایتخت آنان، حکومت بابل قدیم نیز نامیده‌اند. با مرگ حمورابی شورش‌هایی در شهرهای میان دورود رخ داد که نتیجه‌ی آن زوال حکومت آموری‌ها بود. عاقبت آشوری‌ها به قدرت رسیدند.

حملات سارگن^۱ به عهده داشت که در تاریخ سیاسی میان دورود شهرت زیادی دارد و او را نخستین امپراتور میان دورود باستان می‌دانند؛ زیرا طی فتوحات بسیار توانست از خلیج فارس تا قسمت‌های شمالی میان دورود را تصرف کند و بر آن حکم براند. جانشینان سارگن حدود دو قرن قدرت را در دست داشتند تا این که گوتی‌ها^۲ از کوهستان‌های شمال شرق هجوم بردند و به حکومت آنان خاتمه دادند. هجوم گوتی‌ها موجب ویرانی بسیاری از شهرهای سومری شد. تسلط آنان حدود یک قرن به طول انجامید. سرانجام، سومریان آن‌ها را از سرزمین خود بیرون راندند.

در حدود ۲۰۰۰ ق.م. ایلامی‌ها که مرکز حکومت آن‌ها در خوزستان قرار داشت و همواره با سومریان درگیر بودند، سرانجام آنان را شکست دادند و برای همیشه به

بخشی از قانون نامه‌ی حمورابی

یک توضیح

- اگر شخصی، فرد دیگری را متهم کرد و او را مسئول قتل دانست اما آن را اثبات نکرد، متهم کننده باید به قتل برسد.
- اگر شخصی خانه‌ای را به شخص دیگری اجاره بدهد و مستأجر مبلغ اجاره‌ی تمام سال را به طور کامل به مالک خانه بپردازد و مالک خانه پیش از این که مدت اجاره‌ی او کامل شود به مستأجر بگوید: «خانه را تخلیه کن»، مالک خانه باید تاوان پولی را که مستأجر به او پرداخته است بدهد؛ زیرا او موجب شده که مستأجر در حالی که مدت اجاره‌ی او هنوز کامل نشده بود، خانه را تخلیه کند.
- اگر شخصی پولی را برای شراکت به شخص دیگری داد، آنان باید در مقابل خدا سود یا زیان حاصل را به نحو مساوی تقسیم کنند.

دست یابد و قلمرو آشور را تا سواحل مدیترانه گسترش دهد. چندی بعد پادشاه آشور مصر را فتح کرد و نیز با حمله به شهرهای ایلام به حیات سیاسی آنان خاتمه داد.

آشوری‌ها اقوام جنگ‌جویی بودند که از قرن‌ها قبل در شمال میان دورود سکونت داشتند. در قرن نهم ق.م. یکی از شاهان آشوری^۵ توانست به پیروزی‌های زیادی

۱ – Sargon

۲ – Gothi

۳ – Hammurabi

۴ – Babylon

۵ – شالمانسار سوم

فرهنگ و تمدن میان دورود

دین: مردمان میان دورود به خدایان بسیاری چون خدایان آسمان، ماه، ستارگان، کشاورزی و غیره معتقد بودند و هر یک را به نامی می خواندند. هم چنین برای برخی از آن‌ها مجسمه‌ای ساخته بودند و آن را می پرستیدند. در مرکز هر یک از شهرها معبدی بود که معمولاً بر روی تپه‌ای قرار داشت. این معبدها که چند طبقه داشتند زیارتگاه مردم بودند. در هر معبد مجسمه‌ی خدای نگه‌دارنده‌ی شهر قرار داشت. در جنگ‌ها مردم برای حفظ این مجسمه‌ها تا پای جان فداکاری می کردند؛ زیرا اسیر شدن آن‌ها، به معنای اسیر شدن خدای شهر بود و سرافکنندگی، غم و غصه‌ی مردم را در پی داشت. مردمان میان دورود برای رضایت خدایان خود مراسم مختلفی برگزار می کردند؛ مانند قربانی کردن یا خواندن سرودهای مذهبی به صورت دسته‌جمعی. آنان به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند و وقتی شخصی می‌مرد کلیه‌ی وسایل او را همراه وی در قبر می گذاشتند. باستان‌شناسان بسیاری از این وسایل را در گورهای این منطقه یافته‌اند.

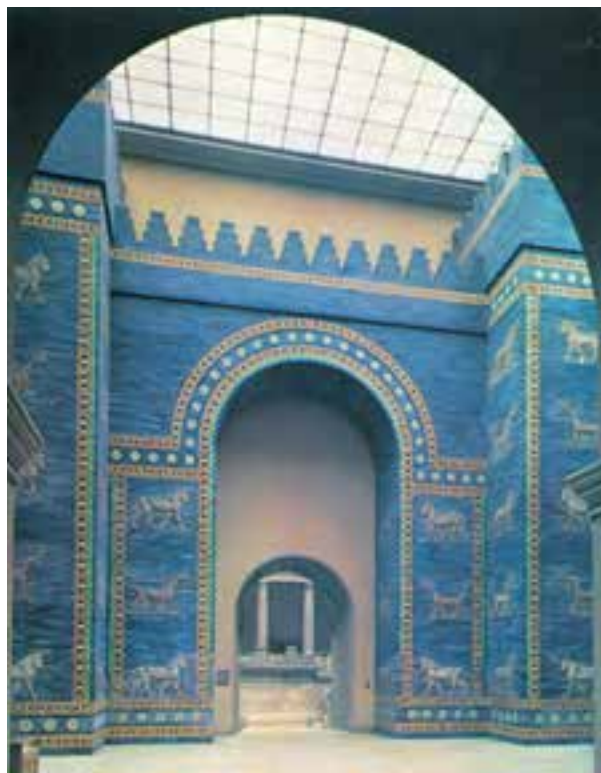
کشاورزی: بنیانی‌ترین عامل پیدایش شهرها و رونق زندگی اجتماعی در گذشته کشاورزی بوده است. وجود منابع آبی عظیم چون دجله و فرات و طغیان‌های آن‌ها، اصلی‌ترین علت رونق کشاورزی بود. کشاورزی خود موجب پیدایش سازمان منظم آبیاری شده بود که نظام زندگی اجتماعی را در پی داشت. گندم، جو و ذرت از جمله محصولات کشاورزی بود.

بازرگانی: مردمان میان دورود به سنگ‌های قیمتی و معادن فلز دسترسی نداشتند. آنان از راه بازرگانی با همسایگان دور و نزدیک به این مواد دست می‌یافتند. شنیدنی است که سومریان و اقوام پس از آنان با هند، مصر و آسیای میانه مناسبات بازرگانی داشته‌اند.

پایتخت آشوری‌ها شهر نینوا^۱ بود که غارت سرزمین‌های اطراف ثروت‌های زیادی را به آن سرازیر کرد و موجب رونق آن جا شده بود.

آخرین قومی که بیش از یک قرن در میان دورود حکومت کردند، کلدانی‌ها بودند. حکومت کلدانی‌ها به حکومت بابل جدید مشهور است. آنان در جنوب میان دورود می‌زیستند. کلدانی‌ها ابتدا نسبت به ایلامی‌ها و آشوری‌ها ضعیف بودند اما به تدریج قدرت یافتند. در نتیجه‌ی اتحاد آنان با حکومت ایرانی ماد، نینوا فتح شد و حکومت آشور برای همیشه منقرض گردید.^۲

با فتح بابل به دست کوروش هخامنشی (۵۳۹ ق. م.) میان دورود قرن‌ها جزو قلمرو ایران گردید و سرنوشت آن با سرنوشت ایران گره خورد.



شیشه‌سازی دروازه‌ی ایشتر در بابل که در موزه‌ای در شهر برلین (آلمان) قرار دارد.



مجسمه‌ی بزتلائی یکی از زیباترین آثار به جا مانده از سومریان



مجسمه‌ی گاو بالدار با گردن شیر، بال عقاب و سر انسان، از شاهکارهای هنر در عصر آشوری. این مجسمه در دروازه‌ی یکی از کاخ‌های آشوری وجود داشته و سمبل نگهبانی از کاخ بوده است.

آمده است. محتوای این الواح شامل موضوعاتی چون تعلیم و تربیت، پرستش خدایان، مسائل حقوقی، افسانه‌های پیشینیان، جنگ‌ها، دادوستدها و ... می‌شود.



یک لوحه با نوشته‌هایی به خط میخی که در میان دورود به دست آمده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چگونه می‌توان ثابت کرد که مردمان

میان دو رود با سرزمین‌های دور دست دادوستد

می‌کرده‌اند؟

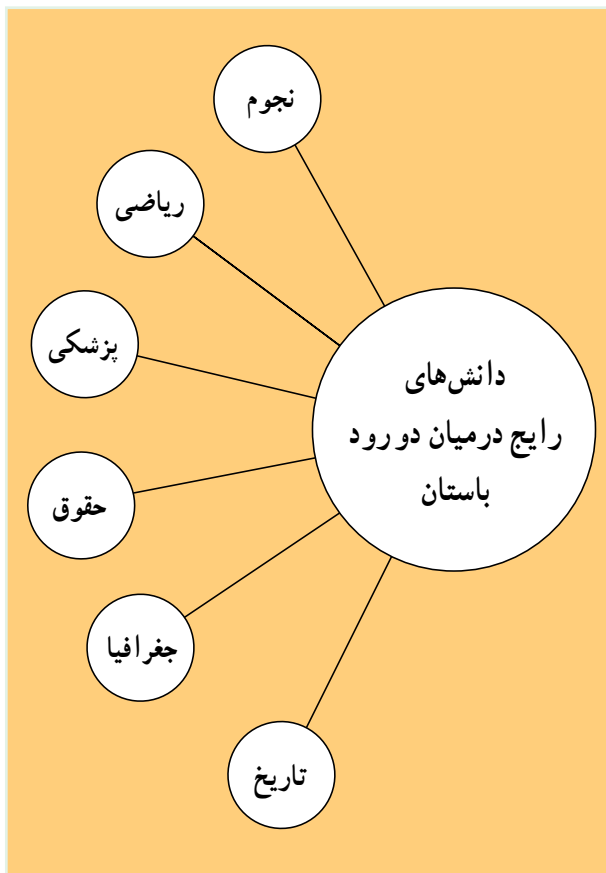
خط و نگارش: در ابتدای این درس به موضوع

الواح اشاره شد. عمر قدیمی‌ترین این الواح تقریباً به ۵۰۰۰ سال پیش می‌رسد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پیدایش خط میخی نیز دست کم به همین میزان عمر دارد. اکنون هزاران قطعه از این الواح در اختیار پژوهشگران است که با زحمت بسیار موفق شده‌اند آن‌ها را بخوانند. این الواح در واقع کتاب‌های آن دوران هستند. به همین دلیل، می‌توان گفت قدیمی‌ترین کتاب‌خانه‌های جهان در میان دورود پدید

گیل گمش از نخستین فرمان‌روایان سومر است. وی پس از مرگش به فردی افسانه‌ای تبدیل شد. داستان‌های فراوانی درباره‌ی او نقل کرده‌اند. براساس الواح سومری، پس از ماجراهای بسیاری که در زندگی گیل گمش رخ داد، او برای یافتن زندگی جاودانه به راه افتاد و سراسر زمین را زیر پا نهاد تا سرانجام به مردی به نام اوت – نپیشتم رسید. اوت – نپیشتم برای او تعریف کرد که سال‌ها قبل طوفانی عظیم سراسر دنیا را فراگرفت و ... برخی این روایت را شاهدی بر وقوع طوفان نوح (ع) دانسته‌اند.

علوم: نجوم از مهم‌ترین دانش‌هایی است که مردم میان‌دورود در آن پیشرفت چشمگیری کردند. علت این امر را پرستش ستارگان و تأثیر حرکات آنان در سرنوشت انسان‌ها دانسته‌اند. به علاوه، دادوستد و امور بازرگانی به پیشرفت علم ریاضی در میان آنان کمک شایانی کرد. پزشکی نیز از دانش‌های رایج بود؛ هر چند در آن زمان با خرافات آمیخته بود؛ برای مثال، بیماری را ناشی از ورود ارواح خبیث در بدن می‌دانستند و با روش‌هایی می‌کوشیدند این ارواح را از بدن بیمار بیرون بکشند. از دیگر دانش‌ها می‌توان به حقوق، جغرافیا و تاریخ اشاره کرد.

بردگان: برده‌داری در تمام دوران باستان در میان‌دورود رواج داشت و عده‌ای به خرید و فروش بردگان مشغول بودند. بردگان کسانی بودند که یا در جنگ‌ها اسیر می‌شدند و یا به دلیل قرض و دلایل دیگر برده می‌شدند. بردگان از حقوق چندانی برخوردار نبودند و زندگی سختی داشتند.



پرسش‌های نمونه

- ۱- وضعیت سیاسی سومر چگونه بود؟
- ۲- اوضاع سیاسی میان دورود از زمان انقراض قدرت سومر تا هنگام تصرف آن‌جا توسط کورش هخامنشی را توضیح دهید.
- ۳- چهار مورد از مشخصات عقاید دینی مردم میان دورود را بیان کنید.
- ۴- درباره‌ی وضع علوم در میان دورود توضیح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- آیامی دانید پژوهشگران چگونه توانستند کتیبه‌های میخی را بخوانند؟ در این باره مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی پیامبران الهی که در میان دورود ظهور کرده‌اند، مقاله‌ای بنویسید.

مصر، هدیه‌ی نیل

مقدمه

باستان‌شناسان موفق شده‌اند آثاری از انسان‌های پیش از تاریخ در مصر را شناسایی کنند. براین اساس در اوایل، گروه‌های انسانی به صورت پراکنده، زندگی کوچ‌نشینی داشتند، تا این که پیشرفت‌هایی در شیوه‌ی زندگی آنان حاصل شد و در کناره‌های نیل استقرار یافتند.

طغیان‌های سالانه‌ی نیل موجب حاصل‌خیزی خاک اطراف آن می‌شد و ماهی‌های متنوع موجود در آن به تأمین خوراک مردم کمک می‌کرد.

با گذشت زمان، نخستین دهکده‌ها و شهرها پدید آمدند. این شهرها و دهکده‌ها از یک‌دیگر مستقل بودند و هنوز حکومت واحدی نداشتند اما جنگ و رقابت فرمان‌روایان محلی سرانجام موجب شد که تمام مصر به زیر سلطه‌ی فرمان‌روایی که از بقیه قوی‌تر بود، درآید^۱.



۱- این فرمانروا مِیس (Menes) نام داشت.

دوره‌های تاریخ مصر باستان

مورخان تاریخ مصر باستان را به سه دوره‌ی اصلی تقسیم کرده‌اند:

۱- دوران پادشاهی کهن

۲- دوران پادشاهی میانه

۳- عصر امپراتوری یا دوران پادشاهی نوین

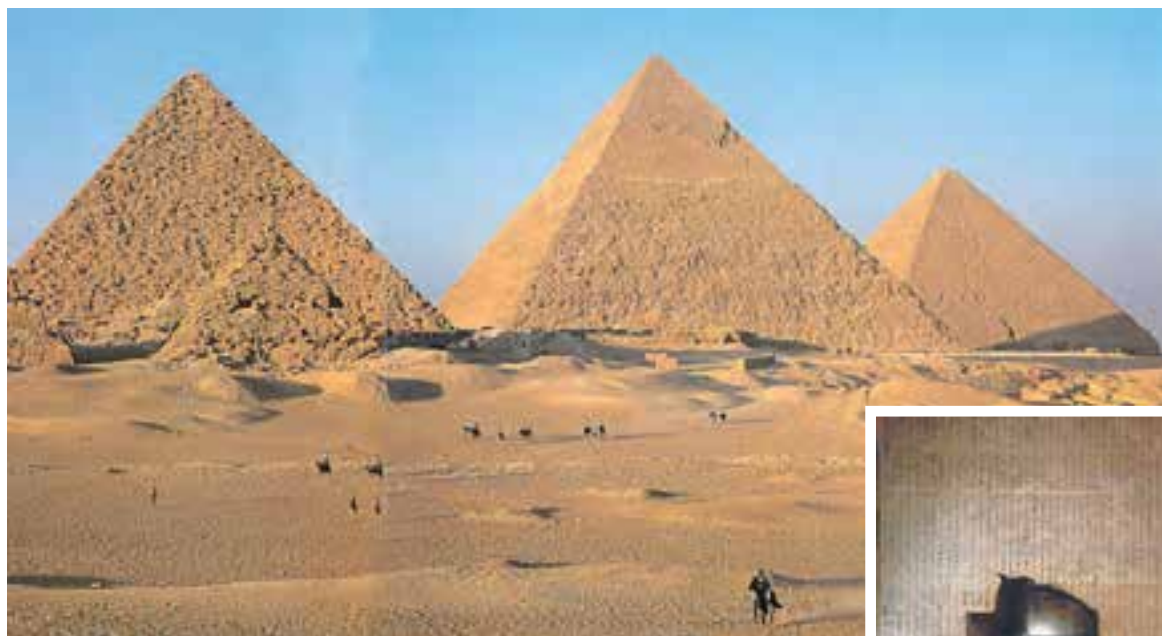
در هر یک از این دوران‌ها در مصر حوادث زیادی رخ داد. برای آشنایی با آن حوادث باید به کتاب‌های تاریخی رجوع کنید.

فرعون‌ها

از میان ده‌ها فرعونی که بر مصر حکومت کرده‌اند

برخی از شهرت بیش‌تری برخوردار بودند که از جمله‌ی این‌ها سلاطین اهرام^۲ بودند که در عصر کهن مصر می‌زیستند و اهرام مصر در دوره‌ی آنان ساخته شده است. برخی از فرعون‌های مصر زن بودند.

یکی از فرعون‌های معروف مصر که بیش‌ترین آثار باقی‌مانده از مصر باستان مربوط به اوست، رامسس دوم است که حضرت موسی(ع) در زمان او ظهور کرد. در زمان آخرین فرعون دوره‌ی نوین، مصر به تصرف هخامنشیان درآمد و بعدها نیز اسکندر و رومیان آن‌جا را به تصرف خود درآوردند.



اهرام بزرگ مصر: از جمله آثار مهم به‌جا مانده از مصر باستان، هرم‌هایی هستند که به دستور فرعون‌ها برای زندگی پس از مرگشان ساخته شده است. تعداد هرم‌ها بسیار زیاد است و هرچه فرعون‌ها قدرتمندتر و ثروتمندتر بودند، هرم‌های آن‌ها نیز بزرگ‌تر می‌شد. در داخل هرم (تصویر گوشه‌ی سمت راست) محلهایی برای نگهداری جسد فرعون و لوازمی که ممکن بود برای زندگی او پس از مرگ ضروری باشد، وجود داشت. به همین دلیل، هرم‌ها گنجینه‌هایی از آثار متنوع تاریخی هستند.

۱- فرعون: یعنی خانه‌ی بزرگ. احتمالاً این نام در اوایل به کاخ‌های پادشاهان مربوط بوده که به مرور تغییر معنا داده و بر پادشاهان مصر اطلاق شده است.

۲- خوفو، خفرع و منکورع.

فرهنگ و تمدن مصر باستان



مجسمه‌ی آنوبیس یکی از خدایان مصری که در مقبره‌ی توتنخامون به دست آمده است. این مجسمه از چوب تراشیده شده و با طلا تزیین شده است. چشم‌های آن هم از سنگ مرمر است.

می‌پوشاندند و در قبر می‌گذاشتند اما به تدریج شیوه‌هایی برای حفظ جسم از فساد آموختند که به مومیایی کردن مشهور است. آنان تمامی وسایل مورد نیاز مرده را در مقبره‌ی او می‌نهادند. این وسایل برای مردم عادی در حد زندگی ساده‌ی آنان بود اما برای اشراف و به ویژه فرمان‌روایان، این وسایل شامل انواع خوراکی‌ها، لباس، تخت‌خواب، ظرف‌ها و حتی گاه یک قایق برای عبور از رودها می‌شد.

دین: میراث‌های فرهنگی مصر باستان، شامل شمار زیادی از اهرام، مومیایی‌ها، معابد و مقبره‌های صخره‌ای، مجسمه‌ها، نقوش و کتیبه‌ها، سرودها و ... است که همه در سایه‌ی عقاید دینی به وجود آمده‌اند. بنابراین، آشنایی با اندیشه‌ها و آداب دینی مصریان تنها اطلاعات تاریخی در اختیار ما قرار نمی‌دهد بلکه لازمه و مقدمه‌ی فهم یادگارهای تاریخی این تمدن کهن نیز هست.

مصریان باستان به انواع اسطوره‌ها و خدایان اعتقاد داشتند. از نظر آنان ماه، خورشید، نیل و حیواناتی چون گاو، گربه، نهنگ، قورباغه و سوسک همه مقدس بودند. در معبد‌های کوچک و بزرگ، تصاویر یا مجسمه‌های این موجودات را قرار داده بودند و به آن‌ها احترام می‌گذاشتند. از نظر مصری‌ها، انسان هم‌زادی (روحی) داشت که پس از مرگ مدتی سرگردان بود. سپس دوباره به بدن بازمی‌گشت و زندگی جدید خود را آغاز می‌کرد. تنها شرط ادامه‌ی حیات، حفظ جسم و جلوگیری از فاسد شدن جسد بود. مصری‌ها در اوایل، جسد را تنها با پارچه‌ای

یک توضیح

از بنای اهرام تا دره‌ی شاهان

فراعنه‌ی نخستین برای خود مقبره‌های عظیمی (اهرام) می‌ساختند که برای ساخت آن به هزاران کارگر و سرمایه‌ی فراوان نیاز داشتند اما از زمان حَتچِسوت^۱ ساختن نوع دیگری از مقبره‌ی مخصوص شاهان رواج یافت. او دستور داد در قسمت مغرب نیل در دره‌ی - که بعدها به دره‌ی شاهان مشهور شد - در دل صخره‌ها برای وی مقبره‌ای بسازند و همه‌ی وسایل شاهانه را در آن قرار دهند. فراعنه‌ی بعدی نیز از او پیروی کردند. بدین ترتیب، بعد از مدتی دره‌ی مذکور پر از مقبره‌ی فرمان‌روایان مصر شد؛ مقبره‌هایی که برای جلوگیری از دستبرد سارقان، آن‌ها را پنهان می‌کردند. اکنون این مکان از مشهورترین مکان‌های تاریخی دنیاست.

در رأس این هرم فرعون قرار داشت که با قدرت تمام بر مردم حکومت می‌کرد. ارتش، قانون‌گذاری، مذهب و سازمان‌های اداری، همه در اختیار وی بود که به کمک وزیر آنها را اداره می‌کرد.

مصری‌ها مردمی صبور، آرام و مطیع بودند. ظاهراً، مجموع این خصال و آموزه‌های دینی آن عصر موجب می‌شد که مصریان قوانین ظالمانه و ستم فراعنه را تحمل کنند نظیر مالیات‌های سنگینی که از کشاورزان و سایر گروه‌ها گرفته می‌شد. جمعیت فراوان مصر، نیروی رایگانی در اختیار فراعنه بود که از آنها در ساختن آرامگاه‌ها، کاخ‌ها، معابد و نیز در جنگ‌ها استفاده می‌شد. این وضع صدها سال ادامه داشت.

در مصر باستان شأن و منزلت زنان بهتر از موقعیت آنها در سایر جوامع بود. زنان طبقات پایین علاوه بر خانه‌داری و پرورش فرزند، در امور کشاورزی و ... به مردان کمک می‌کردند. زنان طبقات اشراف هم چون مردانشان ساعاتی از روز را به تفریح و سرگرمی مشغول بودند و خود را با انواع زیورآلات می‌آراستند.

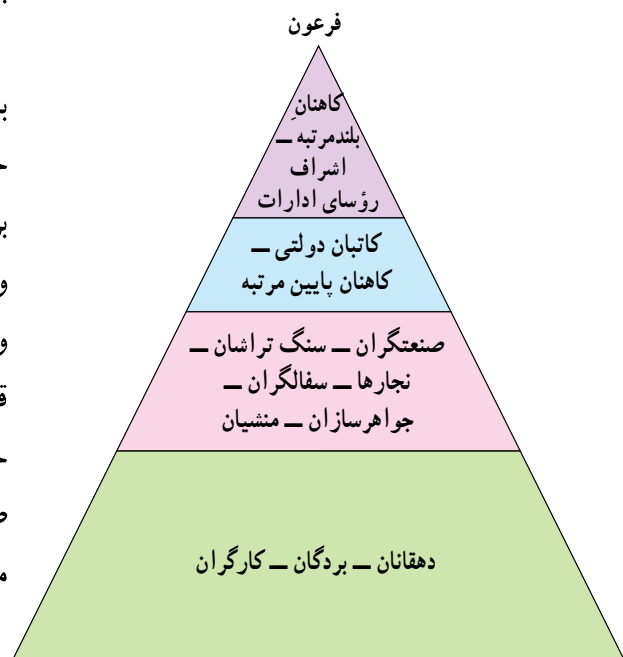
ادبیات: بیش‌تر نوشته‌های باقی‌مانده از مصریان باستان به خط هیروگلیف است. هیروگلیف از کهن‌ترین خط‌هایی است که بشر اختراع کرده است. کاهنان مصری برای نگارش مطالب مربوط به آرامگاه‌های فراعنه، کاخ‌ها و معابد از این خط استفاده می‌کردند. آنان در مدارس ویژه خط هیروگلیف و ظرایف ادبی را به دانش‌آموزانی که قرار بود بعدها منشی ادارات گردند، آموزش می‌دادند. خط دیگری نیز رایج بود که دموتیک نامیده شده است. طبقات متوسط، تجار و ... از خط دموتیک استفاده می‌کردند.

مصری‌ها برای خدایان خود قربانی می‌کردند و سرودهایی را که کاهنان آموزش می‌دادند، می‌خواندند. کاهنان مصری از مقام و موقعیت بالایی برخوردار بودند. تقریباً همه‌ی دانش‌های مصری در اختیار آنان بود که به خط هیروگلیف نوشته می‌شد و تنها آنان با این خط آشنا بودند. مومیایی کردن جسد فراعنه، تأیید سلطنت آنان و بسیاری کارهای دیگر با آنها بود. تعداد بسیار زیادی از زمین‌های کشاورزی در اختیار معابد بود و کاهنان درآمد آن را صرف امور مختلف می‌کردند. آموزش‌های دینی و شفای بیماران از دیگر وظایف آنان بود.

زندگی اجتماعی: اهرام مصر را به خاطر آورید. جامعه‌ی مصری در واقع از یک هرم چهار طبقه تشکیل شده بود که در هر طبقه، گروهی از مردم قرار داشتند.

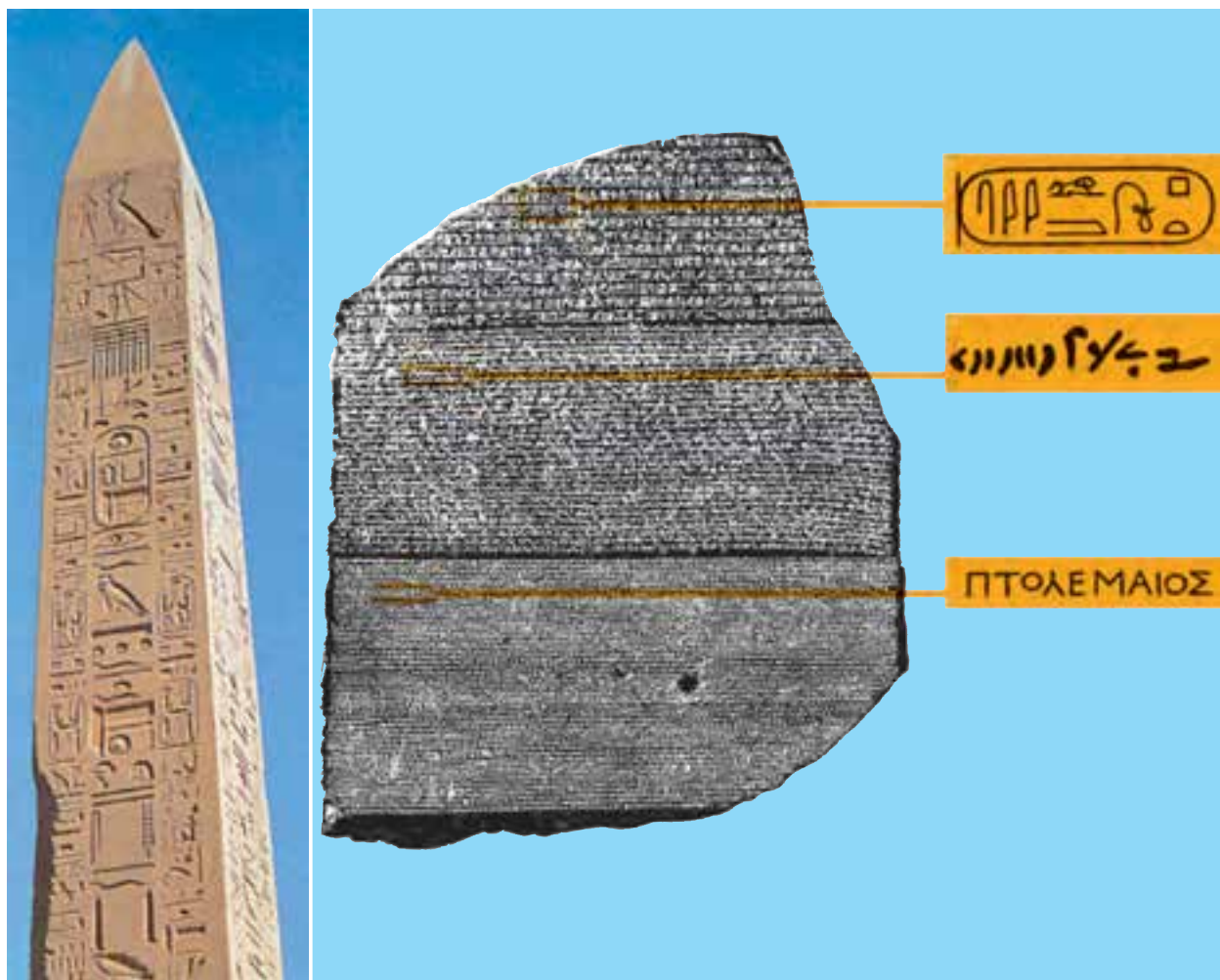
فکر کنید و پاسخ دهید:

به این هرم نگاه کنید. آیا می‌توان برای جامعه‌ی میان دو رود باستان نیز چنین هرمی ترسیم کرد؟ تفاوت این دو هرم در چه چیزهایی خواهد بود؟



۱- در فرهنگ اسلامی وزیر فرعون به عزیز مشهور است. براساس روایات دینی حضرت یوسف از جمله کسانی است که به این مقام رسید

و در دوران وزارت خود منشأ خدمات زیادی شد.



موضوع خط در مصر باستان از جمله مباحث مورد اهمیت در تاریخ این سرزمین است. خط مصری باستان دوره‌های مختلفی را از سرگذرانده است. این خط که به هیروگلیف معروف است تا مدت‌ها برای پژوهشگران و مورخان ناشناخته بود (تصویر سمت چپ). در اواخر قرن هجدهم میلادی با کشف سنگ نوشته‌ی رشید (روزت) که در آن یک مطلب به سه خط هیروگلیف (بالا)، دموتیک (وسط) و یونانی (پایین) نوشته شده است، زمینه برای شناخت خط مصری باستان فراهم شد. متن سنگ نوشته‌ی رشید شامل تصمیم کاهنان مصری در مورد به تخت نشستن یکی از فرمانروایان یونانی مصر (جانشینان اسکندر) به نام بطلمیوس پنجم است. از آن‌جا که در میان آثار به جا مانده از مصر باستان مطالب بسیاری به خط هیروگلیف وجود دارد، شناسایی این خط کمک بزرگی برای شناخت بهتر تاریخ این سرزمین بوده است.

مختلف اداری، ادبی، داستان‌های خیالی و به ویژه، سرودهای دینی است. هم‌چنین باید از سال‌نامه‌هایی یاد کرد که در واقع کتاب‌های تاریخ آن زمان است. در این سال‌نامه‌ها، منشی‌های مصری شرح پیروزی‌های فرعون‌ها و مسائل مربوط به ایشان را نگاشته‌اند.

معماری و هنر: شهرت تمدن مصر، بیش از هر

مدرسه محلی بود که کاهنان در آن به تربیت فرزندان اشراف می‌پرداختند و علوم مختلف را به آن‌ها آموزش می‌دادند و آن‌ها را برای شغل‌های مختلف آماده می‌کردند. استفاده از پاپیروس – یعنی قدیمی‌ترین کاغذ شناخته شده در تاریخ – در مدارس دولتی رایج بود. امروزه شمار زیادی از این پاپیروس‌ها یافته شده که دارای مطالب

فکر کنید و پاسخ دهید:

تا این جا به اختصار با برخی از جلوه‌های تمدن مصر آشنا شدید. هرودت^۱ مورخ یونان باستان که خود به مصر سفر کرده بود، گفته است: «مصر هدیه‌ی نیل است.» به نظر شما:

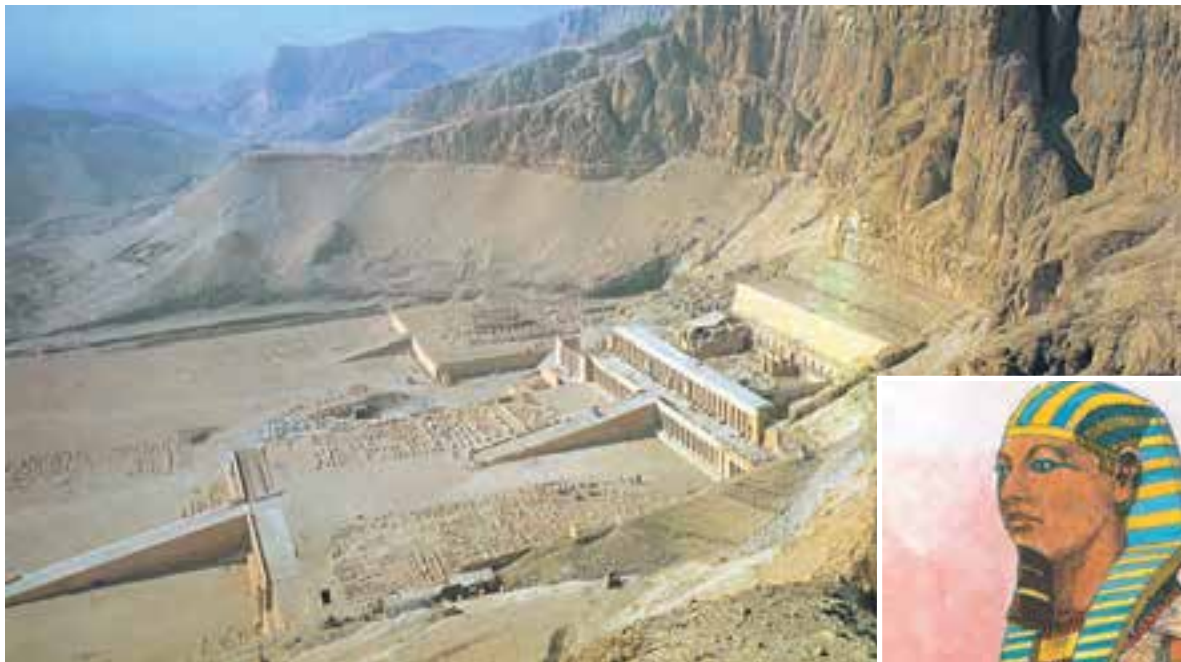
۱- منظور او از این سخن چیست؟

۲- آیا شما این سخن را قبول دارید؟ چرا؟

علم: علم و دانش بیش‌تر در اختیار کاهنان بود. از جمله می‌توان از پزشکی و چشم‌پزشکی یاد کرد. مومیایی کردن اجساد موجب شده بود که با گذشت زمان با برخی اعضا و اندام‌های بدن به خوبی آشنا شوند. پزشکان مصری برای درمان بیماری‌ها، هم از داروهای گیاهی و انواع روغن‌ها و هم از شیوه‌هایی که جنبه‌ی روانی داشت، استفاده می‌کردند؛ مثلاً فرد هنگام سرماخوردگی باید این

چیز به خاطر میراث‌های فرهنگی است که از آن به یادگار مانده است. این آثار شامل اهرام، معابد، کاخ‌ها، مجسمه‌های سنگی و چوبی، نقش برجسته‌ها و نقاشی‌هایی است که این مجموعه غنی‌ترین و باشکوه‌ترین میراث تاریخی است که در جهان وجود دارد. این آثار هم نشانه‌ی کبر و نخوت فرمان‌روایان و ظلم و ستمی است که بر توده‌های مردم روا می‌شده است و هم نشان از هوش و دانش سازندگان آن است؛ مانند: اهرام سه‌گانه‌ی مصر.

علاوه بر اهرام باید از معبد‌های زیادی یاد کرد که در طول زمان ساخته شده‌اند. این معبد‌ها در زمان خود بسیار آباد بودند و در اطراف آن‌ها مکان‌هایی قرارداداشت که مخصوص زندگی کاهنان، بردگان و سایر کارکنان بود، معابد پر از مجسمه‌های حیوانات مقدس بود. این معابد بزرگ بر روی ستون‌های گول‌پیکری ساخته می‌شد که بدنه‌ی آن‌ها پر از نوشته‌ها و نقش و نگارهای دینی بود.



پرستشگاه حتچسوت در مصر. حتچسوت دختر یکی از فراعنه‌ی مصر بود که به همسری یکی دیگر از فراعنه در آمد. او پس از مرگ همسرش، به مدت بیست سال به عنوان فرعون حکومت کرد. او چهره و پوشش خود را شبیه فرعون‌های مرد کرده بود.

نمونه‌ای از معاینه‌ی پزشکی مصری‌ها

در یکی از نوشته‌های مصر باستان، آمده است: اگر معاینه کردی و دیدی مهره‌ی گردن بیمار آسیب دیده و از جا دررفته است و بیمار توانایی حرف زدن ندارد، باید بدانی سر او به سبب از جا در رفتن مهره‌ی گردن روی بدن استوار نیست و به همین علت نمی‌تواند دست و پایش را حرکت دهد. تشخیص: درباره‌ی چنین بیماری باید بگویی: «کسی که مهره‌ی گردنش آسیب دیده باشد، نشانه‌ی این است که به دردی بی‌درمان مبتلا شده است.»

جمله را تکرار می‌کرد: «ای سرمای پسر سرما بیرون شو! ای که استخوان‌ها را خرد می‌کنی، خارج شو!» پزشکی مصریان با خرافات آمیخته بود؛ مثلاً معتقد بودند برای بند آمدن گریه‌ی بچه باید گرد و غبار روی دیوار را با ساقه خشخاش مخلوط کرد و به بچه خوراند! یا برای درمان بیماری‌ها از خون سوسمار و گوشت برخی حیوانات و گوشت گندیده استفاده می‌کردند. طغیان‌های رود نیل که موجب از بین رفتن

نشانه‌گذاری‌های زمین‌های کشاورزی می‌شد، ضرورت اندازه‌گیری میزان بالا آمدن آب و نیز محاسبات مربوط به برپایی اهرام از جمله اموری بودند که موجب پیشرفت هندسه و ریاضی در میان مصریان می‌شدند. به علاوه مصریان هم‌چون مردم میان دورود به تأثیر حرکت ستارگان در سرنوشت انسان اعتقاد داشتند و توجه به اموری از این قبیل و نیز ضرورت داشتن تقویم موجب پیشرفت نسبی نجوم در میان آن‌ها شده بود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا مصری‌ها اجساد مردگان را مومیایی می‌کردند؟
- ۲- درباره‌ی اختیارات و وظایف کاهنان در مصر باستان توضیح دهید.
- ۳- به نظر شما چرا از تمدن و فرهنگ مصر باستان در مقایسه با سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌های باستانی آثار و اطلاعات بیشتری به جا مانده است؟
- ۴- درباره‌ی موقعیت زنان در مصر باستان توضیح دهید.

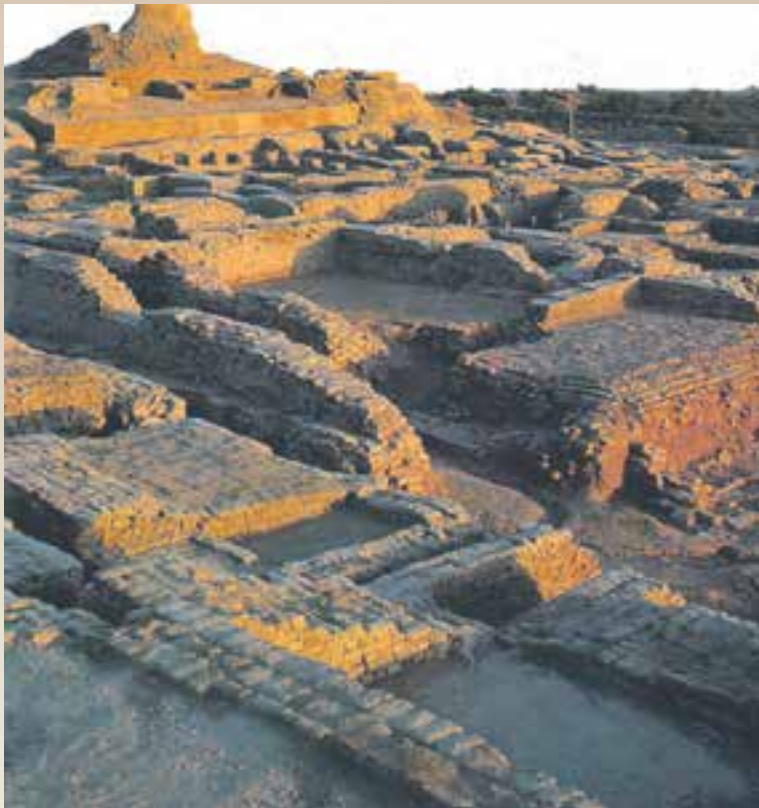
اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی مشخصات و ویژگی‌های اهرام بزرگ مصر گزارشی بنویسید.
- ۲- درباره‌ی سرگذشت یکی از فراعنه‌ی بزرگ مصر مطلبی تهیه کنید.
- ۳- از مطالب مربوط به حضرت موسی (ع) در قرآن به چه واقعیت‌هایی درباره‌ی تاریخ مصر باستان می‌توان بی‌برد؟ در این باره مطلبی بنویسید.

چین و هند باستان

مقدمه

چین و هند^۱ از قدیمی‌ترین مراکز پیدایش تمدن در آسیایند. این دو سرزمین از حیث وسعت، جمعیت و تنوع آب و هوایی و نیز وجود اقوام و فرهنگ‌های گوناگون شهرت بسیاری دارند؛ هر دو این تمدن‌ها در کناره‌ی رودهای بزرگ پدید آمده‌اند. هم‌چنین این دو سرزمین زادگاه ادیان و اندیشه‌هایی‌اند



که نقشی اساسی در تاریخ ایفا کرده‌اند. این دو در روزگار کهن روابط بازرگانی و فرهنگی قابل توجهی نیز با یک‌دیگر داشته‌اند. بازرگانان از طریق جاده‌ی ابریشم کالاهای ساخت چین را به هند می‌آوردند و تولیدات آن را نیز به نقاط دیگر جهان می‌بردند.

دین بودایی ابتدا در هند پیدا شد اما بعدها در آسیای مرکزی و چین پیروان زیادی یافت؛ به طوری که امروزه نیز تبت^۲ مهم‌ترین مرکز بوداییان است. چین و هند دست‌آوردهای تمدنی بسیاری داشته‌اند که در این درس به اختصار با آن‌ها آشنا می‌شوید.



آثار به جا مانده از موهنجودارو. در تصویر تعدادی از مهرهای کشف شده در آن‌جا نیز دیده می‌شود.

۱- توجه داشته باشید که منظور از هند، سرزمینی است که هنوز پاکستان و بنگلادش امروزی از آن جدا نشده بودند.

۲- Tibet

هند پیش از آریایی‌ها

در اوایل قرن بیستم میلادی، باستان‌شناسان بقایای دو منطقه‌ی باستانی «موهنجودارو^۱» و «هاراپا^۲» را در هند کشف کردند. این دو منطقه که قدمت آن‌ها به ۳۰۰۰ سال ق.م. می‌رسد، در زمان خود بسیار آباد بودند. ساکنان آن با کشاورزی، نساجی و کوزه‌گری آشنا بودند و ابزارهایی مانند تبر، تیشه، مَهرهای سنگی و ... می‌ساختند و نیز با سومری‌ها و مصریان باستان روابط بازرگانی داشتند.

ورود آریایی‌ها

از حدود ۱۵۰۰ ق.م. گروه‌هایی از قبایل آریایی به

هند وارد شدند^۳. آنان مردمان جنگ‌جویی بودند که از اسب و ارابه استفاده می‌کردند و آداب و عقاید ویژه‌ی خود را داشتند. آنان با سرکوب مردم بومی هند، یعنی دراویدی‌ها، بر شهرها و دهکده‌های آنان مسلط شدند. تسلط آریایی‌ها بر قسمت‌های شمالی هند موجب شد که عده‌ای از دراویدی‌ها به قسمت‌های مرکزی و جنوبی هند مهاجرت کنند. و در سواحل جنوبی هند، شهرهای بزرگی بسازند. مهاجران آریایی که به هندوستان رفتند حکومت واحدی تشکیل ندادند بلکه در گوشه و کنار آن سرزمین پراکنده شدند. هریک از قبایل آریایی قلمرو کوچکی را به خود اختصاص داد و در آن ساکن شد.



۱- در پاکستان امروزی

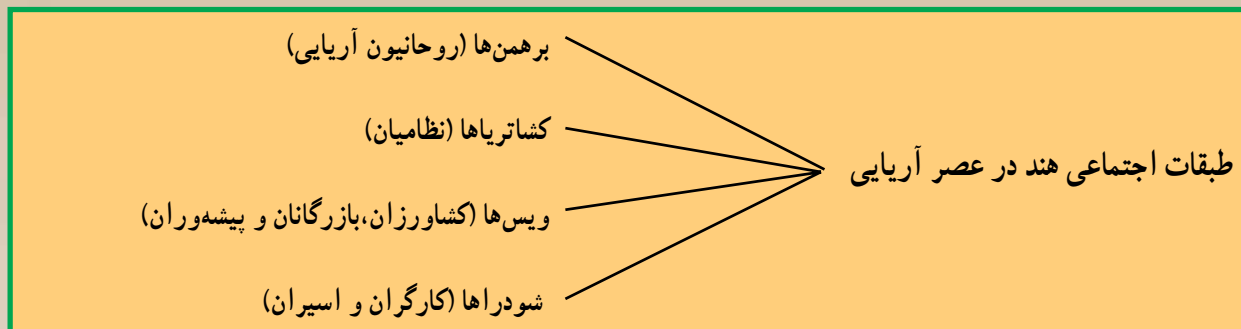
۲- Harappa

۳- شمال غربی هند (گذرگاه خیبر). مسیر اصلی اغلب مهاجرت‌ها و هجوم‌های قبایل مختلف، به داخل این شبه‌قاره بوده است. آریایی‌های اولیه، هخامنشیان، یونانیان، مسلمانان و مغولان، اغلب از این‌جا به هند قدم نهادند و در تحولات تاریخی آن سرزمین نقش ایفا کردند.

۴- Dravidian

وداها شامل سرودهای ستایش خدایان و دستورات مربوط آداب دینی (مانند قربانی کردن) است. وداها قدیمی ترین سند درباره ی طبقات جامعه ی هند باستان است. علاوه بر آن در دو کتاب اوپانیشادها و مهابهاراتا نیز اطلاعات ارزشمندی درباره ی مردان بزرگ و دانای آریایی و اندیشه های آنان در مورد جهان و انسان وجود دارد.

زبان آریایی های هند سانسکریت بود. آنان سرودهای دینی خود را به این زبان می خواندند. آریایی ها هم چون سایر اقوام باستانی تصور می کردند که هر یک از پدیده های طبیعی، خالقی جداگانه دارد؛ بنابراین به خدایان متعددی اعتقاد داشتند. مجموعه ی متون دینی آریایی ها را وداها^۱ می نامند.



ریاضت را که اساس آن عبارت از انزوا و روزه های طاقت فرسا بود، ترک کرد. سرانجام، روزی در زیر یک درخت احساس کرد به آرامش رسیده و راه درست زندگی را دریافته است. از آن پس، سیدارتا که به بودا (نجات



مجسمه ی بودا. در سرزمین های بودایی نشین تعداد نسبتاً زیادی از این گونه مجسمه ها وجود دارد.

ظهور بودا^۲

در فاصله ی رواج وداها تا ظهور بودا، آیین ها و اندیشه های بسیاری در هند گسترش یافته بود که اغلب آن ها مراسم سخت و طاقت فرسایی را بر پیروان خود تحمیل می کردند و با خرافات بسیاری همراه بودند. عده ای از مردم، اعتقاد خود به دستوره های دینی را از دست داده بودند. برهمنان بیش از پیش قدرت یافته بودند و بر زندگی مردم تسلط داشتند. در این شرایط، در خانواده ای اشرافی فرزندی متولد شد که او را سیدارتا^۳ نامیدند. سیدارتا در محیطی سرشار از نعمت های دنیوی، بزرگ شد، ازدواج کرد و صاحب فرزند شد اما اندیشه ی مداوم او درباره ی بیماری، پیری و مرگ سرانجام موجب شد تحول عمیقی در اندیشه های وی پدید آید. پس شهر و دیار خود را ترک کرد و هم چون برخی برهمن ها در انزوا به ریاضت پرداخت اما بعد از مدتی احساس کرد که از این طریق به آنچه می خواهد نرسیده است. بنابراین، شیوه های رایج

۱- Veda

۳- Siddarta

موریا تفاوت داشت. از جمله‌ی این تفاوت‌ها، گرایش مذهبی گوپتاهاست. آنان طرفدار برهمنان و مخالف سرسخت بوداییان بودند. حکومت گوپتا تا قرن‌ها قدرت را در دست داشت ولی به تدریج، دچار ضعف و زوال شد. مقارن ظهور اسلام، حکومت‌های محلی بسیاری در هند حکومت می‌کردند.



یافته، روشن شده) معروف شده بود، پیروانی یافت و به تبلیغ اندیشه‌های خود پرداخت. بودا با قربانی کردن حیوانات، تناسخ و... مخالف بود؛ به همین دلیل، برهمنان با او دشمن شدند و با عقایدش به مخالفت پرداختند.

نخستین پادشاهان هند

داریوش اول، پادشاه هخامنشی، شمال هند را فتح کرد و آن را خراجگزار ایران کرد. با سقوط هخامنشیان به دست اسکندر، شمال هند به دست یونانیان افتاد اما با انتشار خبر مرگ اسکندر، یک فرماندهی هندی به نام چندراگوپتا^۱ علیه یونانیان قیام کرد و آنان را بیرون راند. او در مدت کوتاهی توانست حکومت‌های محلی را تابع خویش کند و حکومت قدرتمندی به وجود آورد. این حکومت را موریا نامیده‌اند. از دیگر پادشاهان مشهور حکومت موریا، آشوکا^۲ است که در تاریخ شهرت فراوانی دارد و پادشاهی خوشنام است. حکومت موریا پس از مرگ آشوکا ضعیف شد. بعد از مدتی، قدرت جدیدی در هند به وجود آمد. این قدرت جدید، حکومت گوپتا^۳ بود که از برخی جهات با حکومت

سفر مگاستنیس^۴ به هند در عصر موریا^۵

یک توضیح

در زمان چندراگوپتا یک سفیر مقدونی از جانب سلوکیان (جانشینان اسکندر در ایران و میان دورود) به هند فرستاده شد. او در بازگشت شرح مشاهدات خود را درباره‌ی هند نوشت. بر اساس نوشته‌ی وی، هند در عصر چندراگوپتا بسیار آباد و پر رونق بوده؛ به‌ویژه پایتخت آن، پاتالی پوترا^۶، ساختمان‌ها، بازارها، خیابان‌ها و جمعیت فراوانی داشته است. سفرنامه‌ی مگاستنیس برای مورخان ارزش زیادی دارد؛ زیرا از این سفرنامه برای شناخت اوضاع هند باستان، استفاده‌های فراوانی می‌کنند.

۱- Chandra gupta

۲- Ashoka

۳- ۳۲۰ ق. م.

۴- Megasthenes

۵- Muria

۶- Patali putra

فرهنگ و تمدن هند باستان

با گسترش بودایی‌گری و سایر ادیان و عقاید هندی، معابد بسیاری در سراسر این سرزمین وسیع ساخته شد. برخی از معابد را در دل کوه‌ها و میان غارها می‌ساختند. علاوه بر آن، بقایای کاخ‌های چندراگوپتا، آشوکا و سایر فرمانروایان هند، بیانگر پیشرفت هنر و معماری هند باستان است. معماران عصر آشوکا به تقلید از تخت جمشید، کاخ باشکوهی برای پادشاه خود ساختند که خرابه‌های آن هنوز باقی است. هنرمندان هند باستان دیوارهای کاخ‌ها و بسیاری از معابد را با نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌های گوناگون می‌آراستند.

مجسمه‌سازی از دیگر کارهای هنرمندان هند باستان است که از قدیم‌ترین دوران رواج داشته است. از جمله، می‌توان به مجسمه‌های فراوانی از خدایان هندی و نیز بودا اشاره کرد که از چوب و سنگ ساخته شده است و در سراسر هند به پرستش آن‌ها مشغول بودند.



مجسمه‌ی شیرها مربوط به دوره‌ی حکومت آشوکا

زندگی اجتماعی: بسیاری از مردم هند کشاورز و گله‌دار بودند و در روستاها زندگی می‌کردند. عده‌ای نیز به نجاری، فلزکاری، نقاشی، آهنگری، چرم‌سازی و ... مشغول بودند. در سواحل نیز به ماهی‌گیری می‌پرداختند. در هند برای پدر خانواده احترام زیادی قائل بودند. هندی‌ها در روابط اجتماعی، اهل ادب بودند و به دیگران احترام می‌گذاشتند. بهداشت فردی را رعایت می‌کردند و به زینت‌آلات اهمیت می‌دادند. در هند رسم بود که برای تزئین از گل استفاده کنند.

دین در زندگی آنان نقش زیادی داشت؛ به‌طوری که بخشی از درآمد خود را به برهمن‌ها می‌دادند تا در انجام آداب و رسوم دینی (قربانی کردن، خواندن سرود، فروش طلسم‌های جادو و ...) به ایشان کمک کنند. زیارت مکان‌های مقدس همچون معابد، زادگاه پیشوایان دینی و محل وقوع معجزات و نیز رود گنگ برای آن‌ها اهمیت زیادی داشت، به‌طوری که برای زیارت آن‌ها راه‌های دور و دراز را طی می‌کردند و رنج سفر را به جان می‌خریدند. فرارسیدن عیدهای مختلف برای مردم فرصتی بود تا به شادی بپردازند؛ مانند عید بهار که در آن، مردم صورت خود را رنگ می‌کردند و به کوچه و بازار می‌رفتند.

زنان هندی با این که به شوهران خود بسیار احترام می‌گذاشتند، فرزندان را تربیت می‌کردند و کارهای خانه را انجام می‌دادند ولی رسم غیرانسانی ساتی درباره‌ی آنان به اجرا در می‌آمد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید رسم ساتی چیست؟

هنر و معماری: قدیمی‌ترین جلوه‌های هنر و معماری هند را می‌توان در خرابه‌های موهنجودارو و هاراپا یافت.

ساخت ظروف چینی و تهیهی ابریشم از دیگر دست‌آوردهای تمدنی عصر شانگ است.

دومین سلسله‌ای که در چین پدید آمد، چونام داشت که فرمان‌روایان آن از ۱۰۲۸ تا ۲۵۶ ق.م. حکومت کردند. در اواخر حکومت آنان، آشوب و جنگ‌های داخلی در چین زیاد شد تا سرانجام قبایلی به نام چه‌این^۴ بر کشور مسلط شدند و یکی از مشهورترین حکومت‌های چین باستان را بنیان گذاردند.



چینی‌ها تا پیش از ابداع کاغذ، نوشته‌های خود را بر روی قطعات چوب می‌نوشتند و بعد با کنارهم قراردادن آن‌ها، صفحاتی درست می‌کردند.

از دیگر هنرهای رایج در هند باستان موسیقی است که هم به شکل دینی (سرودهای مذهبی) و هم به شکل سرودهای بزمی در دربارها رواج داشت. مشهور است که بهرام گور، پادشاه ساسانی، عده‌ای از آوازه‌خوان‌های هندی را به دربار خود آورده بود.

علوم و فنون: پزشکی از جمله دانش‌هایی است که در هند باستان پیشرفت زیادی کرد. شعار یک پزشک هندی^۱ این بود که: «نه به خاطر خود و نه به خاطر پول بلکه فقط برای نیکی، بیماران را درمان کنید!» اختراع صفر و عدد پی در ریاضی نیز از کارهای هندیان است. نجوم نیز به دلیل ضرورت تعیین روزهای جشن و قربانی مورد توجه بود. پارچه‌بافی و فلزکاری نیز در هند رواج بسیاری یافت. مشهور است که مصریان پارچه‌های مخصوص برای مومیایی کردن مردگان را از هند وارد می‌کردند. هم‌چنین، در هند ساخت وسایل مختلف از عاج فیل رواج داشت.

چین؛ از اسطوره تا تاریخ

تاریخ نگاری چینیان هم چون بسیاری از ملت‌های جهان، با «اساطیر» آغاز می‌شود. این اساطیر درباره‌ی خاقان‌های نیکوکاری است که هریک عمر بسیار طولانی کرده و دانش‌های گوناگون را در میان مردم پدید آورده‌اند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا سرگذشت همه‌ی ملت‌ها با

اساطیر آغاز می‌شود؟

نخستین سلسله‌ی بزرگ چین باستان شانگ^۲ است که از ۱۵۰۰ سال ق.م. پدید آمد. پیدایش و گسترش خط و تقویم در میان آن‌ها از نخستین پدیده‌های مدنیت بود.

۱- چاراکا

۲- Ch'in

۳- Chou

۴- Shang

جمله کارهای شی هوانگ تی بنای دیوار بزرگ چین است که در زمان سلطنت او بیش از دو هزار کیلومتر از آن ساخته شد. برای این کار، بیش از یک میلیون نفر به کار گرفته شدند. این دیوار که یکی از عجایب عالم است، برای جلوگیری از حمله‌ی قبایل بیابانگرد به داخل چین ساخته شد.^۱

در سال ۲۴۶ ق.م در خاندان چه این، پسری سیزده ساله که به شی هوانگ تی^۱ شهرت داشت، به سلطنت رسید. شی هوانگ تی نبوغ نظامی زیادی داشت، به همین دلیل، طی چند پیروزی در جنگ توانست حکومت‌های کوچک را یکی پس از دیگری از میان بردارد و برخاک گسترده‌ی چین مسلط شود. او خود را نخستین امپراتور نامید. از



دیوار بزرگ چین یکی از آثار تاریخی مشهور جهان به شمار می‌رود.

شی هوانگ تی دستور داد تمامی آثار مربوط به کنفوسیوس را نابود سازند اما پس از مرگش دوباره اندیشه‌های کنفوسیوس علنی شد. از این رو، این اندیشه‌ها قرن‌ها در مدارس چین آموزش داده می‌شد.

شی هوانگ تی با اندیشه‌های کنفوسیوس^۳ به مخالفت پرداخت. کنفوسیوس از اندیشمندان بزرگ چینی است که چند صدسال پیش از شی هوانگ تی، می‌زیست و منشأ خدمات اجتماعی و فرهنگی بسیاری شد. در زمان شی هوانگ تی طرفداران کنفوسیوس زیاد شده بودند.

یک توضیح

علمی که اندیشه هضمش نکرده باشد، کاری بی‌فایده است؛ فکری که با علم همراه نباشد، خطرناک است.^۴ (کنفوسیوس)

۱- Shi Huang ti = یعنی نخستین امپراتور مستقل چین

۲- عده‌ای نیز معتقدند شی هوانگ تی با ساختن دیوار بزرگ توده‌های مردم را مشغول نگه می‌داشت تا علیه او قیام نکنند.

۳- Confucius

۴- هنری لوکاس، تاریخ تمدن، جلد اول، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص ۵۸.



حکومت‌های کوچکی در گوشه و کنار چین شکل گرفتند.

فرهنگ و تمدن چین باستان

زندگی اجتماعی: بیش‌تر مردم چین را کشاورزان تشکیل می‌دادند که در روستاها ساکن بودند. اصلی‌ترین محصول آنان برنج بود. چینی‌ها زندگی بسیار ساده‌ای داشتند. در خانواده‌ی چینی، پدر حرمت و اقتدار زیادی داشت و با قدرت تمام بر زن و فرزندان فرمان می‌راند. داشتن فرزند پسر برای خانواده‌ها اهمیت زیادی داشت؛ زیرا پسران بهتر می‌توانستند در مزارع کار کنند. دهقان‌ها باید به سران حکومت‌ها مالیات می‌پرداختند و در صورت لزوم، کار مجانی انجام می‌دادند؛ مانند زمان شی‌هوانگ‌تی که دهقانان وقت زیادی صرف ساختن دیوار بزرگ کردند.

سلسله‌ی هان: با مرگ شی‌هوانگ‌تی، هرج و مرج چین را فراگرفت. عده‌ای از مردم به کاخ او حمله‌ور شدند و آن را نابود ساختند. چندی بعد، سلسله‌ی هان^۱ در چین تشکیل شد. در زمان حکومت خاندان هان، راه ابریشم از امنیت و آبادانی برخوردار بود. در همین زمان، آیین بودا به چین نیز راه یافت. مبلغان بودایی با سفر به چین، بودایی‌گری را در آن‌جا گسترش دادند و به پیروان این آیین افزودند.

عاقبت هجوم‌های مکرر اقوام شمالی و نیز جنگ‌های داخلی موجب ضعف حکومت هان شد. در سال ۲۲۰ میلادی، این حکومت منقرض شد و تا ۴ قرن پس از آن، حکومت قدرتمند دیگری در چین پدید نیامد که بتواند تمام کشور را به زیر سلطه بکشد؛ در نتیجه،



نمایی از زندگی شهری
در
چین قدیم

مهم ترین بخش شهر،
بازار آن بود که بازرگانان
و صاحبان حرف در آن جا
کالاهای خود را به نمایش
می گذاشتند.

یک توضیح

لی پو^۱ از شاعران مشهور چین است. سخنان او هنوز مورد توجه چینیان است. سوماچی^۲ نیز از مشهورترین مورخان چینی است که ده ها جلد کتاب درباره ی خاقان های چین نوشته است. لائوتزه^۳ و کنفوسیوس نیز عمیق ترین تأثیرات فرهنگی را در جامعه ی چینی باقی گذارده اند.

۱- Li Po

۲- Szuma chien

۳- Lao-tze

فرزندان خود معلم خصوصی می گرفتند. علوم و فنون: چینی‌ها از نخستین مردمانی هستند که به خوبی با سفالگری و فلزکاری آشنا بودند. بعدها نیز که حکومت‌های بزرگ پدید آمد، شهرهای بزرگ^۱ پراز دانشمندان و صنعتگرانی شد که در رشته‌های گوناگون تخصص داشتند. اختراع کاغذ و فن چاپ، قطب‌نما و باروت از افتخارات مردم چین است. ظروف چینی در عصر خود کم‌نظیر بود و نیز فن نساجی پیشرفت زیادی کرده بود.

آموزش: خط چینی هم‌چون خط‌های هیروگلیف، میخی و ... از خط‌های باستانی است ولی بر خلاف آن‌ها، طی قرون مورد استفاده قرار گرفته است و هنوز هم رواج دارد. در چین باستان، فرزندان دهقانان از آموزش محروم بودند و تنها فرزندان اشراف به مدارس فرستاده می‌شدند تا برای انجام کارهای حکومتی آماده شوند. در پایان تحصیل از آنان امتحانات جدی و سختی به عمل می‌آمد که تنها در صورت قبولی، مورد پذیرش قرار می‌گرفتند. برخی نیز برای

۱- مانند بی‌ین لیانگ (کای فنگ کنونی) و لِنیان (هانگ چو کنونی).

سرزمین و مردم ایران قبل از آریایی‌ها

مقدمه

با نگاهی به نقشه‌ی کره‌ی زمین در می‌یابیم که بیش‌ترین خشکی‌های کره‌ی زمین در نیمکره‌ی شمالی قرار دارد. کشور ما در جنوب غربی وسیع‌ترین خشکی نیمکره‌ی شمالی یعنی قاره‌ی آسیا واقع شده است. جایی که کشور ما در آن قرار دارد، به فلات ایران معروف است؛ یعنی منطقه‌ی وسیعی که از یک طرف به رود سند و از جانبی دیگر به رود فرات محدود می‌شود. نقش ارتباطی فلات ایران و مجاورت آن با دشت‌های وسیع و گسترده‌ی آسیا و اروپا، از ابتدای تاریخ توجه قبایل بیابانگرد و گله‌دار را به خود جلب کرده است. در نتیجه به عنوان محل استقرار و نیز گذرگاه اقوام مختلف درآمد است.

اقوام دامداری که مهاجرت خود را در اواخر هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد آغاز کردند، خود را آریایی^۱ می‌خواندند. تاریخ‌نویسان روزگار باستان نیز در نوشته‌های خود از نام آریایی‌ها یاد کرده‌اند. شاخه‌هایی از این قوم در فلات ایران استقرار یافتند و از آن پس نام این قوم برای محل استقرارشان به کار برده شد. کلمه‌ی ایران که امروز به کشور ما اطلاق می‌شود، ادامه‌ی همان نام اقوام آریایی است.



فلات ایران

۱- به معنی نجیب و اصیل

ساکنان بومی فلات ایران قبل از آریایی‌ها

پشت سر گذاشتند، با کشاورزی آشنا شدند و در حدود ۹۰۰۰ سال پیش ساکن شدند؛ روستاها را ایجاد کردند و وارد مرحله‌ی تولید غذا شدند. اقوام بومی ایران، همانند دیگر تمدن‌ها با همسایگان خود روابط بازرگانی داشته‌اند و از اعتقادات خاصی برخوردار بوده‌اند. در جدول زیر با نام برخی از اقوام بومی ایران و محل استقرار آن‌ها آشنا می‌شوید.

باستان‌شناسان با کشف آثار (ظروف، ابزارها، بناها) دریافته‌اند که فلات ایران از دیرباز محل سکونت اقوامی بوده که مراحل گوناگون زندگی را طی سده‌های مختلف سپری کرده‌اند. این اقوام، همانند دیگر ساکنان اولیه‌ی کره‌ی زمین، ابزارشان از سنگ و چوب ساخته می‌شد و در غار زندگی می‌کردند. سپس مرحله‌ی کوچ‌نشینی را

نام	محل استقرار	زمان و مسائل مهم
لولویی	بخش وسیعی از بالای رود دیاله تا دریاچه‌ی ارومیه	هزاره‌ی دوم قبل از میلاد- دامدار- نبرد طولانی با حکومت‌های میان دورود
گوتی	مجاور لولویی - آذربایجان و کردستان	هزاره‌ی دوم قبل از میلاد- دامدار- نبرد میان دورود
کاسی (کاشی)	دامنه‌های زاگرس محل استقرار اولیه این قوم قبل از زاگرس احتمالاً منطقه‌ی جنوب‌غربی دریای خزر بوده است.	هزاره‌ی سوم قبل از میلاد - دامدار - در گل‌نوشته‌های آشوری محل استقرار کاسی‌ها را کار کاسی ^۱ یعنی شهر کاسیان می‌خواندند. کاسی‌ها به وسیله‌ی ایلامی‌ها منقرض شدند.
مانایی	آذربایجان کنونی	هزاره‌ی اول قبل از میلاد- دامدار- کشاورز - اولین اتحادیه علیه آشور را به وجود آوردند. آثارشان در سه منطقه زیویه ^۲ ، حسنلو ^۳ و قلاچی ^۴ به دست آمده است. ^۵

برخی به اشتباه، آغاز تاریخ ایران را از زمان مهاجرت آریایی‌ها می‌دانند. در حالی که امروزه معلوم شده است، قبل از مهاجرت آریایی‌ها به ایران، اقوام مختلفی در این سرزمین می‌زیسته‌اند و از حیث تمدن و فرهنگ پیشرفت‌هایی کرده‌بودند. در جدول بالا با برخی از این اقوام آشنا می‌شوید.

۱- نام اولیه‌ی همدان

۲- ۵۴ کیلومتری جنوب‌شرقی سقز

۳- ۹ کیلومتری شمال شرقی نقده

۴- حومه‌ی بوکان

۵- آثار مانایی از نظر پیش‌رفت‌های فرهنگ و تمدن فلات ایران به‌خصوص مادها نقش تعیین‌کننده داشته و در مقابل حملات آشور جزو

متحدین ماد بودند.



یکی از مراکز مهم تمدنی در ایران، پیش از آمدن آریایی‌ها تپه‌ی مارلیک در گیلان است. در تصاویر بالا، بعضی آثار به‌دست آمده در این مکان دیده می‌شود. سمت راست، نیم‌تنه‌ی طلای یک فرمان‌روا و سمت چپ، چند مجسمه‌ی سفالی به شکل گاو کوهان‌دار است.

بوده‌اند، اما پس از اختراع چرخ کوزه‌گری، این کار به مردان سپرده شد و از آن پس به یک تخصص تبدیل گشت. در جدول صفحه‌ی بعد با نام برخی از مکان‌های استقرار دایم و ویژگی تمدنی اقوام بومی آشنا می‌شوید.

پژوهشگران معتقدند که مخترعان سفال، ساکنان فلات ایران بوده‌اند، زیرا در کشفیات باستان‌شناختی، قدیمی‌ترین نمونه‌های سفال، در مکان‌های مختلف ایران کشف شده است. زنان، سازنده‌ی اولین ظرف‌های سفالی

نام	محل	دست آوردها
۱- شمال غربی الف: تپه گوران	۶۰ کیلومتری جنوب شرقی کرمانشاه	ساخت ابزارهای تولید کشاورزی، خانه‌های گلی با خشت‌های دست‌ساز، استفاده از ظروف سفالی، دفن اموات در مناطق مسکونی.
ب: تپه علی‌کُش	نزدیک رود میمه در استان ایلام	کوچ‌نشینی و کشاورزی، خانه‌های گلی تک اتاقه، اشیایی که نشانگر روابط اقتصادی با مکان‌های دور دست است، استفاده از ظروف سفالی، دفن مردگان همراه با وسایل شخصی
ج: تپه گنج دره	بین راه هرسین و کرمانشاه	ظروف سفالی، خانه‌های گلی و خشتی با دیوار و کف کاه‌گل اندود.
د: گوی تپه	آذربایجان	ابزارهای مسی، ظروف سفالی با نقوشی از انسان، خانه‌های گلی
۲- غرب الف: تپه گیان	نزدیک نهاوند	ظروف سفالی با نقش‌های تزیینی، ظروف فلزی، خانه‌های گلی.
ب: تپه سلدوز	جنوب دریاچه‌ی ارومیه و شرق نقده	ابزارهای کشت غلات، ظروف سنگی، بافت حصیر و سبد، ظروف سفالی، ساخت زیورآلات از رگه‌های مس طبیعی، خانه‌های گلی دو اتاقه، دفن مردگان در خارج مناطق مسکونی.
۳- فلات مرکزی الف: تپه زاغه	بخش جنوبی دشت قزوین	ظروف سفالی، خانه‌های گلی و خشتی با چهار دیوار که یکی از دیوارها با خانه‌ی مجاور مشترک بود، دفن اموات همراه با زیورآلات شخصی.
ب: تپه سیلک	نزدیک کاشان	ساخت سرمته از رگه‌های طبیعی مس، کوچ‌رو و کشاورز، ظروف سفالی با نقوش سیاه، اختراع چرخ سفال‌گری و تولید انبوه سفال و صدور آن، کشف و ذوب فلز، ساخت زیورآلات مسی و قالب‌گیری، دفن مردگان با اشیای شخصی.
۴- شمال شرقی الف: تپه سنگ چخماق	شمال شاهرود، نزدیک بسطام	اشیای گلی، سفالی، استخوانی، شیشه، سنگ، خانه‌های گل‌اندود سه اتاقه، دفن مردگان با اشیا
ب: تورنگ تپه	۱۷ کیلومتری شمال شرقی گرگان	ظروف سفالی نقش‌دار و رنگ‌آمیزی شده، سفال لعاب‌دار با نقش‌های تزیینی
۵ - شمال تپه ^۱ مارلیک	گیلان، دره‌ی گوهر رود	گورستان سرداران و سلاطین آن منطقه، اشیای کنار مردگان معرف حرفه آن‌ها بوده است. ^۲
۶- جنوب شرقی الف: کنار صندل ب: شهر سوخته	۳۰ کیلومتری جیرفت ۷۰ کیلومتری زابل	ابزارهای ساخته شده از سنگ و سفال، بقایای یک بنای عظیم ظرف‌های سفالی، پارچه، خانه‌های گلی، مَهر

- ۱- اقوام در دوره‌ی استقرار فصلی یا موقت فقط مدتی از سال را در یک منطقه ساکن می‌شدند سپس به محل دیگر نقل مکان می‌کردند و پس از مدتی بازمی‌گشتند. در این رفت و آمد آثار انسانی در یک محل انباشته می‌شد و به‌صورت تل یا تپه درمی‌آمد.
- ۲- احتمالاً ساکنین مارلیک از اقوام باستانی آمده‌اند که در مقابل هجوم مکرر آشوری‌ها آن منطقه را ترک کرده و به سیلک مهاجرت کرده‌اند.

یک توضیح

در سال «۱۲۹۵ ه.ش^۱» باستان‌شناسان محوطه‌ی وسیعی را در ۵۷ کیلومتری جاده‌ی زابل به زاهدان کشف کردند که شهر سوخته نام دارد و قدمتش به هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد می‌رسد. در کشفیات شهر سوخته بیش‌تر مَهرهای گِلی، بیکره‌های کوچک گِلی حیوانات، اشیای زینتی از سنگ لاجورد، فیروزه و عقیق و قطعات چوبی که به یک نوع بازی شطرنج شباهت دارد به‌دست آمده است. از مهم‌ترین آثار کشف شده، لوحی به زبان ایلامی است، بنابراین شهر سوخته مرکز ارتباطی غرب و شرق فلات بوده است.



اشیای به‌دست آمده از یک قبر در شهر سوخته
(۲ تا ۳ هزار سال پیش از میلاد)



شهر سوخته

گِل‌نوشته‌های میان‌دورود است^۲. این سرزمین شامل دشت‌خوزستان، استان‌های فارس و بوشهر، قسمت‌هایی از کرمان، لرستان و کردستان می‌شد که مردم آن دامدار و کشاورز بودند.

تمدن ایلام: (هل‌تمتی^۱) ۳۰۰۰-۶۴۵ ق.م
آگاهی ما درباره‌ی ایلام در مقایسه با میان‌دورود بسیار اندک است، زیرا هنوز رموز زبان و خط ایلامی کشف نشده است. ایلام حفظ نام خود را مدیون تورات و برخی از

۱- ۱۹۱۶ میلادی

۲- Hal-tam-ti

۳- نام ایلام نخستین بار در نامنامه‌ی شاهان سومری آمده است.

پیوندهای خانوادگی آنها را به خود وفادار می‌ساختند. این شیوه‌ی حکومتی تا سقوط دولت ایلام ادامه داشت. ایلام سه دوره‌ی تاریخی را سپری کرده است.

۱- ایلام قدیم دورانی که از نظر سیاسی از میان دو رود ضعیف‌تر بود.^۲

۲- ایلام میانه زمان شکوفایی تمدن و اوج قدرت ایلام که مورخان آن را عصر طلایی ایلام نامیده‌اند.^۳

۳- ایلام نو عصر رقابت سیاسی با آشور.^۴

بیش‌ترین اطلاعات تاریخی تمدن ایلام از شوش^۱ به دست آمده است. دشت شوش که حاصل‌خیزش مدیون جریان رود دز است انبار واقعی گندم و میوه و محل تلاقی راه‌های مهم آن زمان بوده است. ایلامی‌ها کشورشان را هل‌تمتی («سرزمین خداوند») می‌نامیدند. این تمدن به ایالاتی تقسیم می‌شد که هر کدام مستقل بودند، اما به هنگام حملات همسایگان با یک‌دیگر متحد شده و در مقابل دشمن ایستادگی می‌کردند. شاهان ایلام برای جلوگیری از جدا شدن ایالات از طریق



- ۱- این شهر به مدت طولانی پایتخت قدیمی و مرکز سیاسی حکومت ایلام بود. کهن‌ترین آثار زندگی دشت‌نشینان نیز در همین شهر به دست آمده است.
- ۲- از حدود ۱۹۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م
- ۳- از حدود ۱۴۵۰ تا ۱۱۰۰ ق.م
- ۴- از حدود ۹۰۰ تا ۶۴۵ ق.م

طبیعت را می‌پرستیدند و اعتقاد داشتند که خدایان، دارای قدرت اسرارآمیزند و با قربانی کردن، می‌توان نظر آن‌ها را جلب نمود. هنگام مراسم قربانی، موسیقی نواخته می‌شد و مردم با پای برهنه در مراسم شرکت می‌کردند.

شاتن^۱ها مراسم دینی را برگزار می‌کردند و هنگام عبادت و نیایش در صف مقدم جای داشتند. ایلامی‌ها برای خدایان خود، مانند تمدن‌های میان دو رود، معبدهای چند طبقه می‌ساختند که یک نمونه آن، زیگورات چغازنبیل است. هنگام برگزاری مراسم دینی، نذرهایی پیشکش خدایان می‌شد. مردم هر شهر در تلاش بودند تا پیکره‌ی خدای شهر حفظ شود. انتقال پیکره‌ها از شهری به شهر دیگر، نشانه‌ی ضعف آن بود. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، دفن وسایل مورد نیاز همراه مردگان و جاری کردن آب (مایه‌ی حیات) در قبرها، به منظور رفع تشنگی مردگان، از مراسمی بود که ایلامی‌ها به آن اعتقاد داشتند.

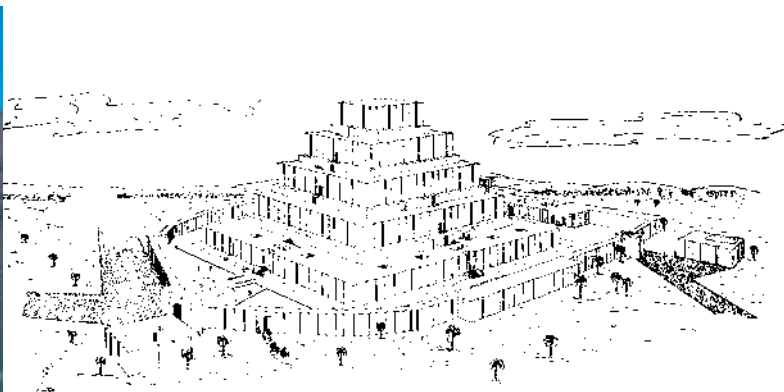
ایلام میانه: رشد نیروی نظامی ایلام در عصر میانه، به گسترش قلمرو رشد شهرها، شکوفایی معماری، هنر، ادبیات، صنعت و کسب ثروت انجامید.

گسترش قدرت ایلام موجب شد تا از نفوذ فرهنگ و تمدن بیگانه جلوگیری شود. به منظور تأکید بر خدای دینی ایلام، این شوشینک، خدای رسمی اعلام شد.

زوال حکومت ایلام: اقتدار حکومت ایلام دیری نپایید. به دلیل حمله‌های مکرر آشوری‌ها به سرزمین ایلام، پایتخت از شوش به شهرهای دیگر انتقال یافت. در اثر این حمله‌ها، شهرها یکی پس از دیگری ویران شد و حکومت ایلام سقوط کرد، اما دستاوردهای فرهنگی تمدن ایلام، به دوره‌ی هخامنشیان انتقال یافت.

فرهنگ و تمدن

دین: ایلامی‌ها مانند دیگر اقوام باستان، مظاهر



طرح زیگورات چغازنبیل، در تصویر سمت راست نمای بازسازی شده‌ی آن را می‌بینید.

ایلامی قرار داشتند، شتین‌های زن که رهبران دینی جامعه شمرده می‌شدند و نیز پذیرش حق ارث زنان و الزام فرزندان به ادای احترام فوق‌العاده به مادر، از نشانه‌های منزلت اجتماعی زنان در جامعه ایلامی است.

موقعیت زنان: زنان ایلامی نسبت به زنان میان دو رود از جایگاه و منزلت بالاتری برخوردار بودند. اعتقاد به نوعی جاودانگی برای زن که قابل احترام و حافظ نسب خانواده بود، پرستش الهه‌های مادر که در رأس خدایان



ظرف سفالی از گِل پخته مربوط به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد. این ظرف که ارتفاع ۲۸/۵ سانتی‌متر و قطر دهانه‌ی آن ۱۶ سانتی‌متر است و در موزه‌ی لوور پاریس نگهداری می‌شود، مربوط به دوران اوج هنر سفال‌سازی در ایلام است. درباره‌ی تصاویر روی این ظرف و معنای استفاده از آن‌ها مطلبی تهیه کنید.

تمدن جیرفت

در همان زمان که تمدن‌های سومر و ایلام دوران رونق و شکوفایی خود را می‌گذراندند، در مشرق ایران شهرهای آباد و باشکوهی وجود داشت که از حیث پیشرفت‌های علمی و صنعتی چیزی از شهرهای سومری و ایلامی کم نداشتند. کناره‌های هلیل‌رود از جمله‌ی مراکز تمدنی شرق ایران بوده که آثار و بقایای شهرهای آن در تپه‌های واقع در ۳۰ کیلومتری جیرفت، یافت شده است. بقایای ساختمان‌های مسکونی، مقبره‌ها و ظروف و ابزارهای سفالی و سنگی از جمله‌ی آثار کشف شده از این شهرهاست. از میان این آثار، ظروف و ابزارهای سنگی از جنس سنگ صابون که تصویر نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌بینید، زیباتر و چشمگیرتراند. نقوش تزیین شده بر روی این آثار هنری از حیث دقت و زیبایی بسیار قابل توجه‌اند؛ به طوری که موجب شگفتی صاحب‌نظران و متخصصان هنر شده است. این نقوش شامل موضوعات مختلف می‌باشد، نظیر: عقاب، مار، پلنگ، شیر، بز کوهی، گاو، کاخ‌ها، باغ‌ها و موجوداتی که نیمی حیوان و نیمی انسانند.



پیکره‌ی ملکه ناپیر — اسو همسر اونتاش گل قرن سیزدهم ق.م — بلندی ۱/۲۹ سانتی‌متر — عرض ۷۳ سانتی‌متر — جنس مفرغ در موزه‌ی لوور پاریس نگهداری می‌شود.

خط: ایلامی‌ها خط میخی رایج را از سومریان اقتباس کردند، هر چند خود خطی داشتند که هنوز برخی از علائم آن خوانده نشده است.

هنر و معماری: ایلامی‌ها در ساخت ظرف‌های سفالی، قیری، فلزی و مجسمه‌سازی، مهرسازی و نقش‌های برجسته‌ی روی سنگ مهارت بسزایی داشتند. از ویژگی‌های هنر ایلامی تزیین ظروف فلزی با بدن جانوران (ریتون) بود. احتمالاً استفاده از آجرهای لعابدار (آبی و سبز رنگ) در بنا برای نخستین بار به وسیله‌ی آنان ابداع شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما وجه تشابهی بین دین ایلامی‌ها و

مردمان میان‌رود وجود دارد؟

مردمان تمدن جیرفت و نواحی دور و نزدیک آن که در مسیر هلیل رود می‌زیسته‌اند، چه کسانی بوده‌اند؟ حاکم آن‌ها چه نام داشته و میان آن‌ها و سایر تمدن‌های آن عصر چه ارتباطی برقرار بوده است؟ از آن‌جا که آثار مکتوب قابل توجهی از این تمدن کشف نشده است، هنوز در این باره با اطمینان نمی‌توان سخن گفت. پژوهش‌های آینده به این گونه پرسش‌ها، پاسخ خواهد گفت.*

همان گونه که در تصاویر می‌بینید، نبرد پلنگ با مار، مار با عقاب و اشتغال برخی حیوانات به گیاه‌خواری از جمله‌ی این نقوش است که با هنرمندی تمام ساخته شده‌اند. برخی از این صحنه‌ها برگرفته از مضامین اسطوره‌ای هستند. بر روی ظروف سفالی نیز تصاویر مختلفی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین بناهای کشف شده، بقایای ساختمانی است که برخی باستان‌شناسان معتقدند کاخ پادشاه بوده است.



نمونه‌هایی از آثار یافت شده در ۳۰ کیلومتری جیرفت

پرسش‌های نمونه

- ۱- درباره‌ی موقعیت جغرافیایی ایران و اهمیت آن توضیح دهید.
- ۲- با توجه به مطالب درس دوم، دوره‌های مختلف زندگی قدیمی‌ترین ساکنان فلات ایران را توضیح دهید.
- ۳- محدوده‌ی جغرافیایی ایلام باستان را بیان کنید.
- ۴- ایلامی‌ها به هنگام اجرای مراسم مذهبی چه اعمالی انجام می‌دادند؟
- ۵- تمدن جیرفت همزمان با چه تمدن‌هایی بوده است؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی اثرات فرهنگی و تمدن میان دو رود بر ایلام مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد آثار تاریخ ایلامی در شوش گزارشی تهیه کنید.
- ۳- در مورد زیگورات چغازنبیل مطلبی تهیه کنید.

* برای مطالعه‌ی بیشتر در این باره رک به: جیرفت، کهن‌ترین تمدن شرق ایران نوشته‌ی یوسف مجیدزاده و حفريات باستان شناختی در تپه‌های کنار صندل جیرفت، اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان کرمان.

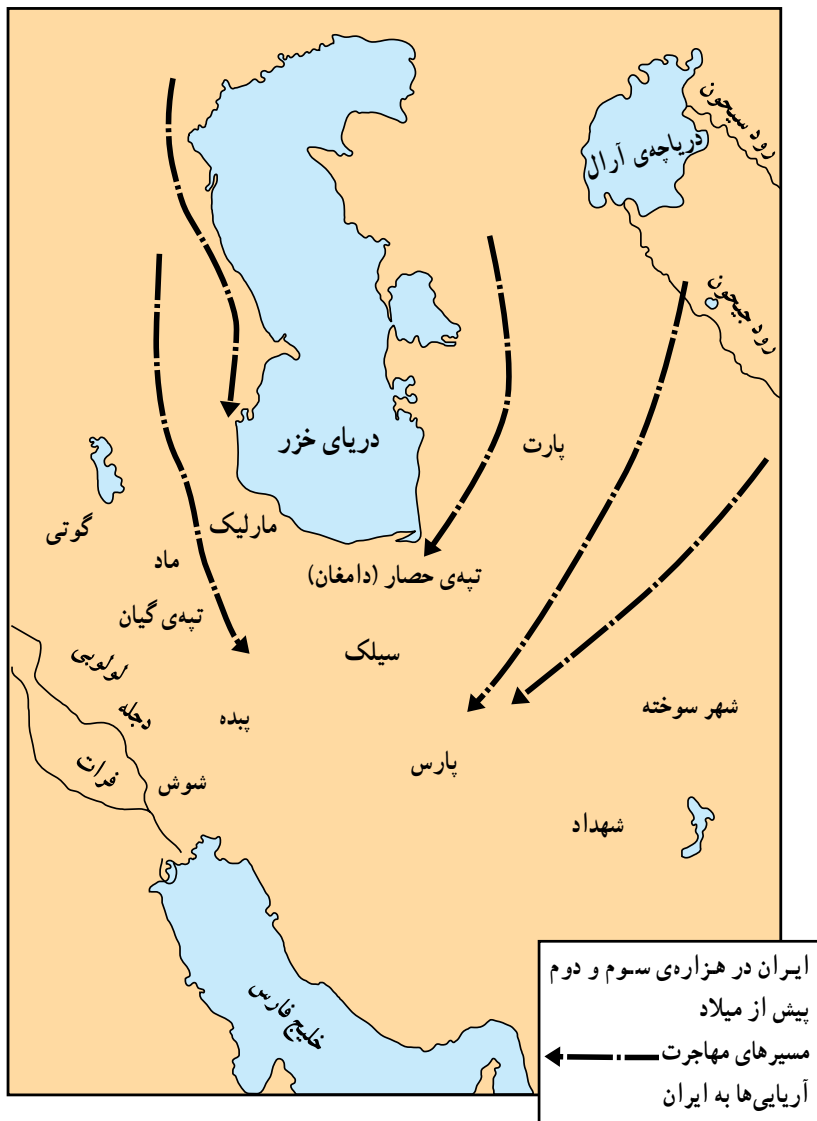
تلاش برای زیستن؛ آریایی‌ها از مهاجرت تا تشکیل حکومت

مقدمه

در درس قبل با گروه‌های انسانی ساکن در ایران، مراحل زندگی و محل تجمع‌شان آشنا شدید. در این درس با اقوام آریایی و تشکیل نخستین حکومت آنان آشنا می‌شوید.

سرزمین اولیه‌ی آریایی‌ها

گروه‌هایی از آریایی‌ها در حدود ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد وارد ایران شدند. محل تجمع اولیه‌ی آریایی‌ها را، علفزارهای اوراسیا دانسته‌اند.^۱ مهاجران آریایی پس از ورود به سرزمین ایران به سه گروه تقسیم شدند و در سمت غرب، شمال شرق و جنوب ایران، راه خود را ادامه دادند. آنان در مسیر حرکت خود با اقوام بومی روبه‌رو شدند که از تمدن دیرینه‌ای برخوردار بودند و کشاورزی می‌کردند. (در درس قبل به نام اقوام بومی و محل استقرار آن‌ها اشاره شده است.) آریایی‌ها، اقوام بومی را مطیع خود کردند و دانش‌های آنان را آموختند. آریایی‌ها با استفاده از اسب و ارابه به حرکت خود سرعت بخشیدند و بر بومیان مسلط شدند. آنان سه حکومت ماد، هخامنشی و اشکانی را ایجاد کردند.



۱- دشت‌های آسیای مرکزی، شمال قفقازیه، شبه جزیره‌ی کریمه، اروپای شمالی و احتمالاً نیمکره‌ی شمالی

سرزمین کم آب ایران، آریایی‌ها را وادار کرد تا آب را از اعماق زمین بیرون بکشند و حفر قنات را در تاریخ بشر به نام خود ثبت کنند.

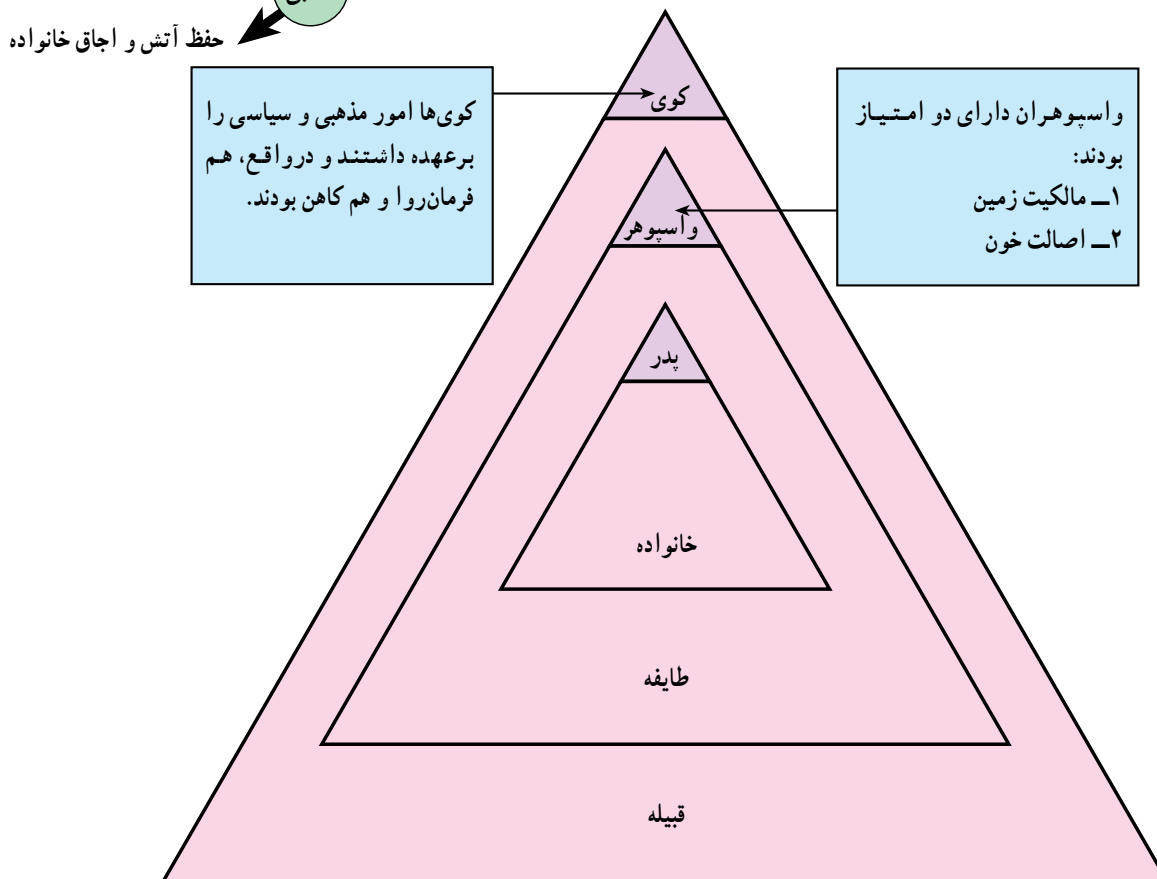
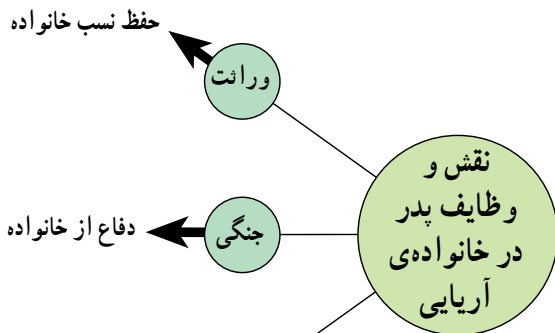
ورود به ایران بومیان را مطیع کردند و دانش‌های آنان را در زمینه‌ی کشاورزی و غیره آموختند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چه عواملی ممکن است موجب مهاجرت آریایی‌ها شده باشد؟

نخستین ساختار اجتماعی

پژوهشگران معتقدند که مشکلات معیشت گله‌داری و مبارزه‌ی دایم با طبیعت اقوام آریایی را سخت‌کوش، پرتاقت، با انضباط و درستکار ساخته بود. آنان پس از



ساختار جامعه‌ی آریایی

آموزه‌های زردشت: زردشت پرستش ایزدان متعدد، خرافه‌پرستی و قربانی کردن حیوانات را که به گله‌داری آنان آسیب می‌رساند از میان برداشت. او پرستش اهورامزدا پروردگار یکتا و بی‌همتا را گسترش داد. طبق آموزه‌های زردشت، در جهان دو نیرو دخالت داشتند: اصل خیر و نیکی و اصل زشتی و بدی. نور و روشنایی، جانداران مفید، راستی و درستی به وسیله‌ی اصل خیر و نیکی و تمام زشتی‌ها، بیماری‌ها، و بدی‌ها به وسیله‌ی اصل بدی رواج داشتند. او با این آموزه‌ها، نگرش جامعه را نسبت به هستی تحول بخشید و مردم را به اجرای کارهای نیک، و دوری از کارهای ناروا فراخواند. زردشت مردم را به پیروی از سه اصل پندار، گفتار و کردار نیک دعوت کرد؛ سه اصلی که موجب سعادت دنیوی و اخروی می‌شد. مجموعه دستورات دینی او، از کتاب اوستا جمع‌آوری شده است. آیین زردشت، نظام جامعه‌ی آریایی را تغییر داد و به طبقه‌ی کشاورز در کنار دو طبقه جنگ آور و روحانی اهمیت داد.

آداب دینی پیروان زردشت را، موبدان برگزار می‌کردند. آنان مجریان مراسم مذهبی و آموزگاران دوران خود بودند و به مردم، دانش‌های دوران خود را آموزش می‌دادند.

پس از مدتی کوی‌ها که رئیس قبیله‌ها بودند، ثروت و قدرت بسیار به دست آوردند و علاوه بر فرمان‌روایی، مراسم دینی قبیله را نیز برگزار کردند. این فرمان‌روایان کاهن، در شرق فلات ایران سلسله‌ی کیانیان را تشکیل دادند که سرزمینشان پیوسته مورد حمله‌ی بیابانگردان بود. فردوسی جنگ‌های طولانی آنان را در شاهنامه به نظم کشیده است. اقتصاد جامعه‌ی آریایی شبانی و روستایی بود. در چنین جامعه‌ای مردم به سه گروه دامدار، روحانی و جنگ‌آور تقسیم می‌شدند.

اعتقادات آریایی‌ها

اعتقادات آریایی‌ها، با مردم آن روزگار تفاوت چندانی نداشت. آنان برای جلب رضایت ایزدان خوب، و دور کردن خشم ایزدان بد، حیوانات را قربانی می‌کردند. اجرا کنندگان آداب دینی، مَغ نام داشتند که با گذشت زمان، اندیشه‌های دینی را بیش از پیش با خرافات آمیختند. مَغ‌ها به مردم القا می‌کردند که زندگی آن‌ها اسیر نیروهای خارق‌العاده‌ی طبیعت است و تنها آن‌ها قادر به مهار کردن نیروهای خارق‌العاده هستند. در چنین شرایطی زردشت ظهور کرد.^۱

یک توضیح



جام حسنلو: کشف شده در تپه‌ی حسنلو واقع در حدود ۱۰ کیلومتری نقده در آذربایجان غربی

پژوهشگران می‌گویند: نام شهر کاشان، قزوین (کسپین) و دریای کاسپین برگرفته از نام اقوام کاشی (کاسی) است.

۱- یکی از پژوهشگران، زمان تولد و مرگ زردشت را یکی از این تاریخ‌ها می‌داند:

(۱) ۶۳۰ تا ۵۵۳ ق.م. (۲) ۶۲۸ تا ۵۵۱ ق.م. (۳) ۶۱۸ تا ۵۴۱ ق.م. - علاوه بر این تاریخ‌های دیگری را نیز حدس زده‌اند.



شیر سنگی در همدان یکی از معدود آثار به‌جا مانده از دوره‌ی مادها

جنگ با سکاها کشته شد.

فاتح آشور: از آن پس، سرزمین ماد به مدت ۲۸ سال به دست سکاها افتاد. چون هُوخْشْتَره جانشین فَرَوَرْتیش، قدرت مقابله با اقوام بیابان‌گرد را نداشت، به‌ناچار، با آنان صلح کرد. سکاها با تاخت و تاز خود، ویرانی‌های بسیاری به‌جا گذاشتند. در این فرصت، هُوخْشْتَره که مدیری قابل و سرداری فاتح بود قدرت نظامی‌اش را افزایش داد و با روش‌های جنگی سکاها نیز آشنا شد. سرانجام، رُوَسای آنان را به یک میهمانی دعوت کرد و همگی را کشت و حکومت ماد را دوباره احیا کرد و با تشکیل اتحادیه‌ای قوی از حکومت‌های کوچک و بزرگ مستقر در فلات ایران که پیوستگی فرهنگی داشتند به سراغ دشمن خود آشور رفت. بابل دشمن دیگر آشور نیز به این اتحاد پیوست و به قدرت آشور خاتمه داده شد (۶۱۲ ق.م). با سقوط نینوا هُوخْشْتَره تسلط آشور بر

آریایی‌ها از اتحاد تا تشکیل حکومت: آریایی‌های

ساکن غرب ایران، ماد خوانده می‌شدند و نام آنان برای نخستین بار در الواح گلی آشوری آمده است. ماد هم نام مکان و هم نام قبایل آریایی بود که در حدود آذربایجان کنونی زندگی می‌کردند و به پرورش اسب شهرت داشتند. استفاده از اسب نشانه‌ی توانایی اقوام مادی بود و با بهره‌مندی از این امتیاز توانستند دولت نیرومند آشور را منقرض کنند.^۱ آشوریان که به منابع فلز دامنه‌های زاگرس نیاز داشتند، به دفعات مسکن قبایل ساکن در زاگرس را مورد حمله قرار دادند تا آن که اقوام مختلف در برابر تجاوزهای آنان متحد شدند و بعدها دولت ماد از درون این اتحادیه سر برآورد.

تشکیل حکومت ماد: همان‌طور که در ساختار

اجتماعی آریایی خواندید، رُوَسای قبایل روستاها را اداره می‌کردند. یکی از رُوَسای قبایل، دیاکو نام داشت که به تدبیر و کاردانی مشهور بود. او در مقابل حملات آشور رُوَسای قبایل مختلف را به تشکیل اتحادیه دعوت کرد^۲، اما آنان از ترس انتقام آشور، از شرکت در اتحادیه خودداری کردند و در حالی که به آشور باج می‌پرداختند، هم‌چون قبایل دیگر برای مکان استقرار خود قلعه‌های مستحکم می‌ساختند. دیاکو^۳ در مدت پنجاه سال ریاست خود تلاش کرد اقوام را با یکدیگر متحد کند و سرانجام فرزندش فَرَوَرْتیش توانست به این هدف دست یابد. او با تقویت نیروی نظامی با آشور به مقابله پرداخت، اما سرانجام در

یک توضیح

هرودت مورخ یونانی که به پدر تاریخ معروف است، می‌نویسد: آشوری‌ها در آسیای علیا پانصد سال حکومت کردند و اولین مردمی که سر از اطاعت آن‌ها پیچید، مادها بودند.

۱- ۶۰۶ ق.م.

۲- قوم ماننا که در دامنه‌های زاگرس ساکن بودند، قبل از مادها نخستین اتحادیه را تشکیل دادند.

۳- دیاکو برای اتحاد، رُوَسای قبایل را به مقر ریاست خود هگمتانه (هنگمن، انجمن به معنای محل گرد آمدن) دعوت کرد. نام یونانی هگمتانه، اکباتان بود.

صلح انجامید و رود قزل ایرماق، مرز مشترک دو کشور شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چه عاملی در تشکیل حکومت ماد مؤثر بود؟

سراسر آسیای غربی را برانداخت. شاه ماد برای کسب ثروت و درآمد، سفر جنگی خود را به سمت آسیای صغیر آغاز کرد؛ جایی که شهرهای ثروتمند داشت و لودی‌ها بر آن فرمان می‌راندند. نیروی نظامی ماد و لودیه در کنار رود هالیس (قزل ایرماق امروزی) با یکدیگر روبه‌رو شدند. نبرد بی‌حاصلشان پس از پنج‌سال و با وساطت بابل به

یک توضیح

هوخشتره نخستین فرمان‌روایی بود که سپاهش را بر حسب نوع سلاح تقسیم کرد.



ایران در زمان مادها

۱- کشوری در مغرب آسیای صغیر که مردم آن آریایی بودند و پایتختش شهر معروف سارد بود.

چرا حکومت ماد منقرض شد؟

به دربار خود احضار کرد، اما کورش از رفتن به دربار ماد خودداری کرد. فرماندهان نظامی ماد که برای سرکوبی کورش فرستاده شده بودند، به او پیوستند. کورش با لشکرکشی به هگمتانه به حکومت ماد خاتمه داد. (۵۵۰ ق.م)

دین مادها

مادها پیرو آیین مغان بودند. مغان که جمع مغان است، روحانیون جامعه‌ی ماد بودند. آنان مراسم مذهبی مادها را با روشن کردن آتش بر فراز کوه‌ها، انجام می‌دادند. هر چند مادها به خدای یکتا که آن را اهورامزدا می‌نامیدند، اعتقاد داشتند، اما مغان مراسم مذهبی را با اعتقاد به جادو و خرافات، آمیخته بودند، تا آن که یکی از مغان به نام زردشت علیه خرافات و جادوگری به مبارزه برخاست.

فتح آشور موجب قدرت یافتن و ثروتمند شدن گروهی از بزرگان و فرماندهان نظامی ماد شد. هوخشتره پس از صلح با لودی، جان سپرد و جانشین او ازدهاک به تقلید از دربار آشور، با تجمل و شکوه به حکومت پرداخت. شاه ماد با بی‌توجهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی به سلطنت ظالمانه‌ی خود ادامه می‌داد.

سرزمین ماد به چندین ایالت تقسیم شده بود و توسط والیان اداره می‌شد. یکی از ایالت‌ها، انشان نام داشت که حاکم آن با دختر شاه ماد، ازدواج کرد. تولد کورش (بنیانگذار سلسله‌ی هخامنشی) حاصل این ازدواج بود. کورش که شاهد نابسامانی حکومت ماد بود، بزرگان دربار ماد را به سوی خود جلب کرد و با پادشاه بابل نیز روابط نزدیکی برقرار نمود. اتحاد بزرگان ماد با کورش، ازدهاک را به وحشت انداخت. وی چاره‌ای اندیشید و کورش را

پرسش‌های نمونه

- ۱- موقعیت جغرافیایی ایران چه تأثیری بر زندگی مهاجران آریایی داشت؟ توضیح دهید.
- ۲- پیامدهای اصلاحات زردشت در اعتقادات آریایی‌ها را توضیح دهید.
- ۳- دوره‌ی حکومت کدام شاه مادی را از نظر تاریخی مهم می‌دانید؟ چرا؟
- ۴- مهم‌ترین دست‌آورد حکومت ماد چه بود؟
- ۵- با مروری بر مطالب تاریخ حکومت ماد علل انقراض آن را بیان کنید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- مطلبی در مورد زندگی و اندیشه‌های زردشت تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی مشخصات شهر هگمتانه در زمان مادها مطلبی تهیه کنید.
- ۳- نقشه‌ی جغرافیایی ایران عصر ماد و هخامنشی را مقایسه و تفاوت‌ها و اشتراکات آن را مشخص کنید.

هخامنشیان

مقدمه

در درس قبل با چگونگی انقراض حکومت ماد آشنا شدید. حال با چگونگی تشکیل بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان - یعنی امپراتوری هخامنشی - و تحولات سیاسی و فرهنگی این عصر آشنا می‌شوید. امپراتوری‌ای که شیوه‌ی کشورداری آن، در قرن‌های بعد مورد تقلید بسیاری از فرمانروایان شرق و غرب قرار گرفت امروزه نیز مورخان بزرگ دنیا با علاقه‌مندی بسیار به مطالعه‌ی جلوه‌های گوناگون آن می‌پردازند.



چشم‌اندازی از تخت جمشید. مجموعه بناهای تخت جمشید هنوز به‌عنوان یکی از شاهکارهای معماری و هنری ایران و جهان شناخته می‌شود. در تصویر بالا (سمت راست)، نقاشی خیالی‌ای که بر مبنای آثار به‌جا مانده در تخت جمشید کشیده شده است، دیده می‌شود. در سمت چپ نیز یک لوحه‌ی طلائی که در تخت جمشید یافت شده، می‌بینید.

و سلسله‌ی هخامنشی را تأسیس کند. کورش در میان پادشاهان دنیای قدیم و جدید، ویژگی‌های خاصی داشت که بدان مشهور است و می‌توان همه‌ی آن‌ها را در خردمندی

یک فرمان‌روای خوش‌نام

خواندید که کورش، نوه‌ی آخرین پادشاه ماد بود و با همراهی فرماندهان مادی توانست قدرت را به‌دست گیرد

برای سقوط آن فراهم بود؛ مثلاً: نبونید شایستگی حکومت بر مردم بابل را نداشت و آنان را از خود رنجانده بود، به ویژه، بی‌احترامی او نسبت به مردوک خدای مورد احترام بابلیان، کاهنان بابلی را آزرده بود؛ از طرفی، با این که بابل شهری بزرگ و آباد بود ولی اختلاف طبقاتی در آن بسیار بود؛ در حالی که گروهی اندک از درباریان و تاجران در ناز و نعمت و فساد و تجمل پرستی غرق بودند، بیش تر مردم زندگی فقیرانه‌ای داشتند (این عوامل را هنگام مطالعه‌ی سقوط حکومت هخامنشی به خاطر داشته باشید). نبونید نیز در ماجرای همراهی با پادشاه لودیبه بهانه‌ی حمله به بابل را به کورش داده بود. کورش در حمله به بابل نیز کامیاب بود. در عین حال، رفتار او هنگام غلبه بر دشمن با فرمانروایان آن دوره فرق داشت. در آن زمان با سقوط یک شهر به دست دشمن، مردم قتل عام می‌شدند و به ویژه، خدایان مورد احترام آنان مورد اهانت قرار می‌گرفتند. کورش ضمن خودداری از این گونه کارها، به اقوامی که طی حمله‌ی فرمانروایان قبلی بابل، اسیر و به بردگی گرفته شده بودند اجازه داد به وطن خود بازگردند.

خلاصه کرد. او به خوبی می‌دانست با اقوام و ملت‌های مختلف چگونه رفتار کند؛ به همین دلیل، شیوه‌ی فرمانروایی او با شیوه‌ی حکمرانی پادشاهانی که تا آن زمان بر مردم دنیا حکومت کرده بودند تفاوت داشت.

با انتشار خبر سقوط حکومت ماد، فرمانروایان لودیبه (در ترکیه‌ی امروزی) و بابل (در عراق امروزی) به طمع افتادند که قسمت‌هایی از قلمرو مادها را تصرف کنند. پادشاه لودیبه - که ادعای خویشاوندی با مادها داشت - با فرمانروایان بابل و مصر و نیز سایر حکمرانان آسیای صغیر متحد شد و درصدد ضربه‌زدن به کورش برآمد. کورش نیز پس از آگاهی از این اتحاد با سرعت به سوی سارد، پایتخت لودیبه، حرکت کرد و حکومت لودیبه و حکومت شهرهای آسیای صغیر را شکست داد. با تسلط بر این شهرها - که از راه تجارت، بسیار ثروتمند شده بودند - حکومت هخامنشیان تقویت شد.

هدف بعدی کورش، بابل، پایتخت حکومت کلدیه، بود. در این زمان، نبونید^۱ بر بابل فرمان می‌راند. بابل شهری آباد، وسیع و در واقع، بزرگ‌ترین شهر آسیا بود که مردمانی از اقوام گوناگون در آن می‌زیستند. با این حال، همه چیز



مقبره‌ی کورش در پاسارگاد

فکر کنید و پاسخ دهید:

با استفاده از آنچه در دوره‌ی راهنمایی

خوانده‌اید، بگویید فرجام کورش چگونه بود؟ آیا قول

دیگری در این باره شنیده‌اید؟

کمبوجیه، فاتح مصر

پس از کورش پسرش، کمبوجیه، جانشین او شد. اقدام مهم کمبوجیه حمله به مصر بود. بهانه‌ی کمبوجیه این بود که فرعون مصر او را به دامادی نپذیرفته بود اما انگیزه‌ی واقعی وی از این حمله عبارت بود از همدستی فرعون مصر با پادشاه لودیه در ماجرای توطئه‌ی حمله به ایران (در زمان کورش) و نیز ثروت بیکران مصر. مصر کشوری بزرگ و دارای تمدنی با شکوه با دانشمندان و صنعتگران مشهور بود اما این کشور نیز هم‌چون بابل دچار نابسامانی داخلی بود. در این سفر جنگی، فرعون مصر تصور می‌کرد ایرانیان از راه دریا به این سرزمین

هجوم ببرند اما حمله‌ی ایرانیان از خشکی آنان را غافلگیر ساخت و در نهایت، کمبوجیه توانست مصر را فتح کند. فتح مصر برای ایرانیان اهمیت زیادی داشت. آنان در پی فتوح زمان کورش، اکنون توانسته بودند بر یکی دیگر از دولت‌های مشهور جهان پیروز شده و بر سرزمین‌های وسیعی مسلط شوند.

در آغاز، برخورد کمبوجیه با مصریان شبیه برخورد کورش بود. او به آداب و رسوم مصریان احترام گذاشت و دین آنان را گرامی داشت. به همین دلیل، با مقاومت سرسختانه‌ی مصری‌ها روبه‌رو نشد. کمبوجیه در صدد تصرف قسمت‌های دیگر آفریقا بود اما خبرهایی که از ایران رسید او را ناگزیر به بازگشت کرد. او ابتدا فرمان‌روایی ایرانی برای مصر تعیین کرد، سپس راه بازگشت در پیش گرفت اما پیش از رسیدن به ایران مرد. مشهور است که از شنیدن خبرهای مربوط به بردیا — که در ادامه خواهید خواند — دچار خشم شدیدی شد و خودکشی کرد.



قلمرو حکومت هخامنشی در دوره‌ی داریوش اول

افسری که بزرگ‌ترین امپراتوری جهان را سازمان داد

شمال هند را به امپراتوری خود ضمیمه کرد. داریوش شرح بیش‌تر این لشکرکشی‌ها را در کتیبه‌ی بیستون به یادگار گذاشته است. این کتیبه با خط میخی نوشته شده و از قدیمی‌ترین متن‌های تاریخی جهان است که در نگارش تاریخ هخامنشیان کمک بسیاری به مورخان کرده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

هدف داریوش از ایجاد کتیبه‌ی بیستون

چه بود؟

داریوش در سال‌های پایانی عمر خود به یونان لشکرکشی کرد. در این زمان، بخش بزرگی از آسیای صغیر جزو قلمرو ایران بود. با این حال، تعدادی از فرمانروایان آن نواحی سر به شورش برداشته بودند. در این شورش، شهرهای یونانی – که مشهورترین آن‌ها آتن^۱ و اسپارت^۲ بودند – دست داشتند. در این سفر جنگی، داریوش به تنبیه شورشیان پرداخت. هنگامی که سپاهیان او به نزدیکی آتن رسیدند، مردم آتن به پایداری پرداختند. در این جنگ که به جنگ ماراتن^۳ معروف است، آتنی‌ها

هنگامی که سپاهیان کمبوجیه به ایران رسیدند، اوضاع ایران آشفته بود. در غیاب کمبوجیه، فردی به نام بردیا، خود را برادر کمبوجیه و جانشین حقیقی کوروش اعلام کرده بود. او با بخشش مالیات‌ها توانسته بود حمایت برخی از حکمرانان را به خود جلب کند. از طرفی، برخی از ایالت‌های دور و نزدیک سر به شورش برداشته بودند. در چنین شرایطی، یکی از جوانان خاندان هخامنشی به نام داریوش، توانست بزرگان خانواده‌های هخامنشی را با خود همراه سازد. آنان برای تصرف قدرت با هم متحد شدند. داریوش نخست با حمله به محل سکونت بردیا، او را به قتل رساند. سپس شورش‌ها را سرکوب کرد. او طی دو سال به عملیات نظامی وسیعی دست زد که طی آن ۱۹ جنگ صورت گرفت و ۹ پادشاه محلی به قتل رسید. در برخی از این سفرهای جنگی، داریوش خود شرکت داشت و در برخی دیگر، فرماندهان مورد اعتمادش را می‌فرستاد. او خود به مصر رفت و شورش آن‌جا را فرو نشاند. هم‌چنین



کتیبه‌ی بیستون یکی از مهم‌ترین آثار به‌جامانده از دوره‌ی هخامنشیان است که در آن مطالبی از زبان داریوش اول (بزرگ) درباره‌ی چگونگی به سلطنت رسیدن وی و قسمت‌های مختلف قلمرو هخامنشی در زمان او نوشته شده است.

۱- Athen

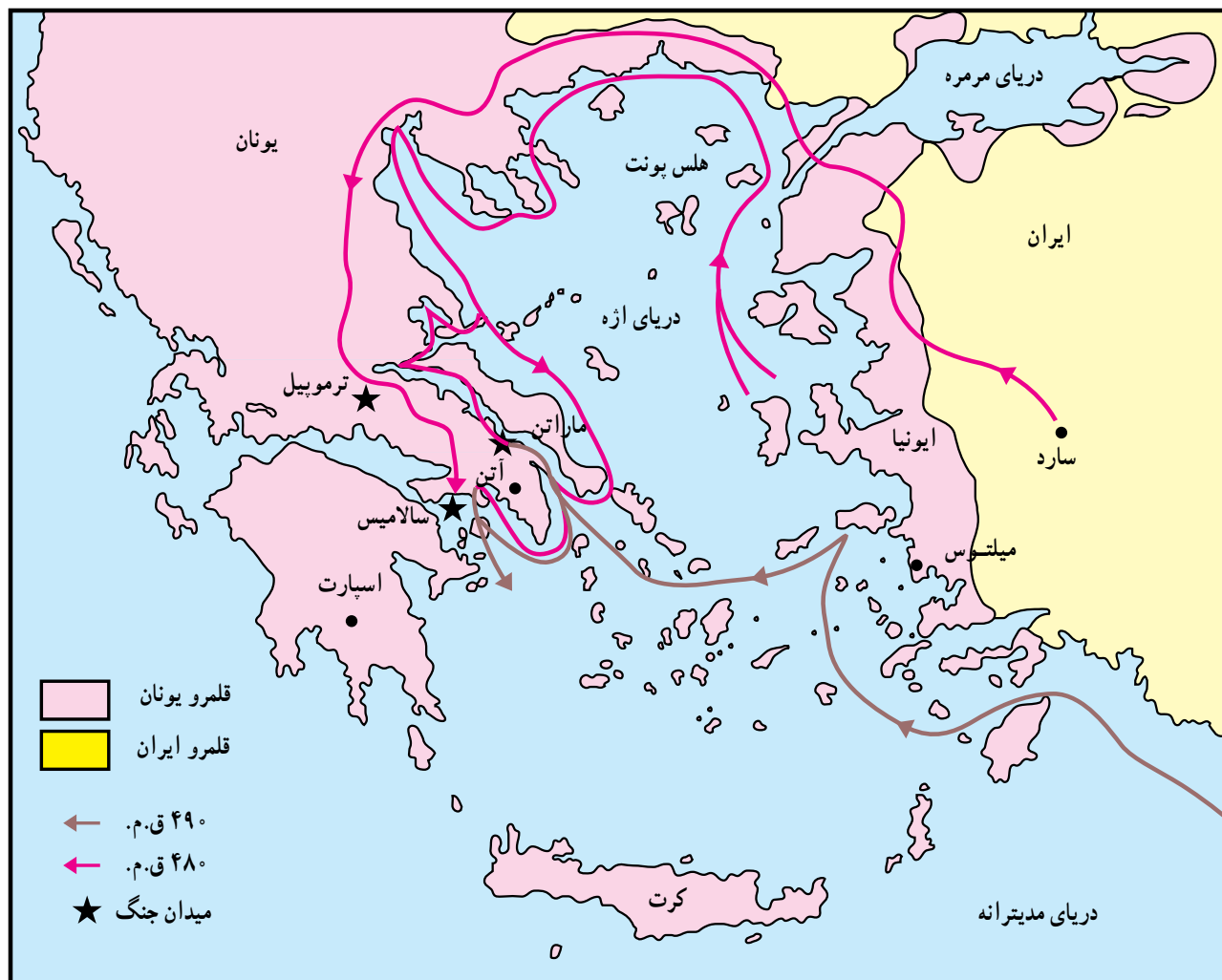
۲- Sparta

۳- Marathon

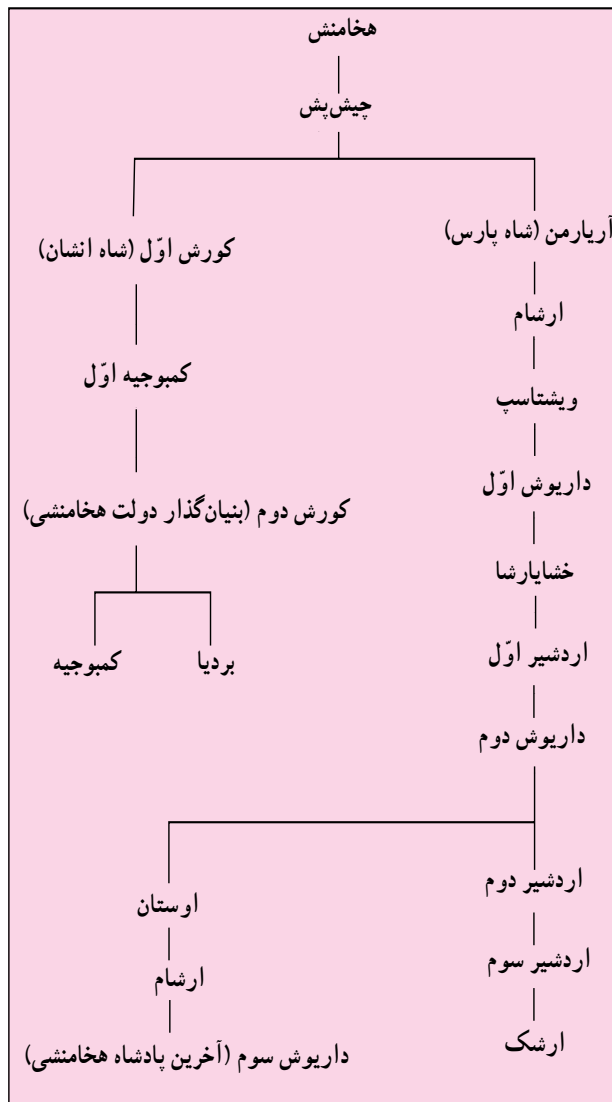


توانستند از سقوط شهرشان جلوگیری کنند. داریوش به سپاهیان دستور داد که باز گردند. او قصد داشت سال بعد دوباره به یونان لشکرکشی کند اما بعد از مدتی، مرد آتنی‌ها از این‌که توانسته بودند شهر خود را از فتح شدن برهاند بسیار خوشحال شدند و شادمانی کردند. مورخان یونانی نیز این حادثه را به عنوان شکست داریوش قلمداد کردند و در کتاب‌های خود در توصیف آن اغراق بسیار کردند.

جام طلائی، یکی از زیباترین آثار به‌جا مانده از دوره‌ی هخامنشی است.



جنگ‌های ایران و یونان



هخامنشیان

سوم، اختلافات داخلی، تن‌پروری و سستی بر هخامنشیان غلبه داشت و دیگر از شور و شجاعت سال‌های پیش چیزی نمانده بود. در چنین شرایطی، اسکندر مقدونی در چند جنگ هخامنشیان را شکست داد و در شهرهای ایران کشتار زیادی به راه انداخت. جانشینان اسکندر در ایران سلوکیان بودند که مدتی بر کشور ما فرمان راندند و سرانجام، توسط اشکانیان به تدریج بیرون رانده شدند.

از مرگ داریوش تا انقراض سلسله‌ی هخامنشی

هم‌زمان با روی کار آمدن خشایارشا، پسر و جانشین داریوش^۱، شورش‌هایی در مصر و بابل رخ داد که هخامنشیان آن‌ها را سرکوب کردند. سپس خشایارشا تصمیم گرفت نقشه‌ی پدر را برای حمله‌ی دوباره به یونان عملی سازد. او برای این کار سپاه بزرگی به راه انداخت. خشایارشا در نبردهای زمینی پیروز بود اما در نبرد دریایی به نام سالامیس توفیق چندانی نداشت. از آن پس، خشایارشا بیش‌تر اوقات خود را به خوشگذرانی مشغول شد و عاقبت به‌دست یکی از درباریان به قتل رسید. دربار هخامنشی نیز بیش از پیش کانون توطئه‌ها و رقابت‌های درباریان شد. در زمان داریوش دوم، همسرش پروشات (پریزاد) قدرت و نفوذ زیادی در شاه داشت، به همین دلیل، در تصمیم‌گیری‌ها نقش به‌سزایی ایفا می‌کرد. از وقایع مهمی که او در آن دست داشت، لشکرکشی کورش کوچک برای به‌چنگ آوردن قدرت بود؛ داریوش دوم پیش از مرگ، پسرش اردشیر (دوم) را به جانشینی انتخاب کرد اما پسر دیگرش به‌نام کورش کوچک، که در آسیای صغیر حکومت داشت، به این انتخاب راضی نبود. بعد از مرگ داریوش دوم، کورش کوچک ضمن هم‌فکری و هماهنگی با مادرش، با سپاهی که بیش‌تر آنان یونانی بودند به سوی پایتخت به راه افتاد اما در جنگی که رخ داد شکست خورد و کشته شد.

در زمان اردشیر دوم، یونان که دچار ضعف و انحطاط شده بود، توسط فیلیپ مقدونی، حاکم مقدونیه، فتح شد. در زمان جانشین او – یعنی اردشیر سوم – بسیاری از افراد خاندان هخامنشی کشته شدند که موجب ضعیف شدن حکومت هخامنشی شد. در زمان داریوش

آریو برزن

در جریان حمله‌ی اسکندر به ایران، هنگامی که او و سپاهیان‌ش به کوهستان‌های غرب فارس رسیدند با حمله‌ی آریوبرزن و یارانش روبه‌رو شدند. آریوبرزن از بالای کوه‌ها راه را بر سپاه اسکندر بسته و با پرتاب تخته سنگ‌های عظیم، آنان را در وضعیت سختی گرفتار کرده بود اما اسکندر به راهنمایی فردی یونانی که در جنگ‌های قبل به اسارت ایرانیان درآمده بود، توانست راه صعود از کوه را بیابد. پس اسکندر سپاهی را برای جنگ با ایرانیان روانه کرد. آریوبرزن و یارانش شجاعانه در برابر آنان جنگیدند اما چون تعدادشان از دشمن بسیار کم‌تر بود، کاری از پیش نبردند و در این راه جان باختند.

فرهنگ و تمدن ایران در عصر هخامنشیان

پس از سرکوبی شورش‌های دور و نزدیک و نیز پیوستن سرزمین‌های جدید بر قلمرو هخامنشیان، داریوش دریافت که برای اداره‌ی این کشور وسیع، لازم است امپراتوری او به شیوه‌ای نو سازمان‌دهی و قانون‌ها و مقررات تازه‌ای وضع شود. پیش‌گیری از وقوع دوباره‌ی شورش‌ها از طریق نظارت مستمر بر ایالات، آگاهی از میزان محصولات و درآمدها برای تعیین مالیات‌ها و ایجاد مؤسساتی برای تنظیم امور ایالت‌ها و رسیدگی به کارهای مختلف آن‌ها از جمله دلایل این امر بود.

راه‌سازی و ارتباطات: نخستین اقدامی که لازم بود انجام شود، ایجاد تسهیلاتی برای ارتباطات بود؛ زیرا در دوره‌ای که رفت و آمد و سفر — عمدتاً از خشکی — به استفاده از اسب و ارابه منحصر می‌شد لازم بود چاره‌ای اندیشیده شود تا اخبار و اطلاعات به سرعت از نقاط دوردست امپراتوری به‌دربار (و بالعکس) برسد؛ بنابراین، ساخت راه آغاز شد. این جاده‌ها شوش را به سارد و بابل را به شوش وصل می‌کرد. به علاوه جاده‌های کوتاهی نیز در داخل ایران ساخته شد.

به فاصله‌ی هر ۲۴ کیلومتر چاپارخانه‌ای ساختند. در این چاپارخانه‌ها همیشه اسب‌های تازه نفس آماده بود. پیک‌های دولتی با رسیدن به این چاپارخانه‌ها، اسب خود را عوض می‌کردند و با اسبی تازه نفس، با سرعت به راه خود ادامه می‌دادند.

اداره‌ی کشور: داریوش قلمرو هخامنشی را به ایالت‌های مشخصی تقسیم و برای هر یک از آن‌ها یک شهربان تعیین کرد. یک دبیر (رئیس امور اداری) نیز به امور اداری ایالت رسیدگی می‌کرد. یک فرمانده‌ی سپاه نیز در هر ایالت وجود داشت که در کار خود مستقل بود. هر یک از این سه، دارای مأموران و کارمندان بسیاری بودند. به‌علاوه جاسوس‌های شاه، که به چشم و گوش او مشهور بودند، در همه جا حضور داشتند و اخبار مختلف را به اطلاع او می‌رساندند.

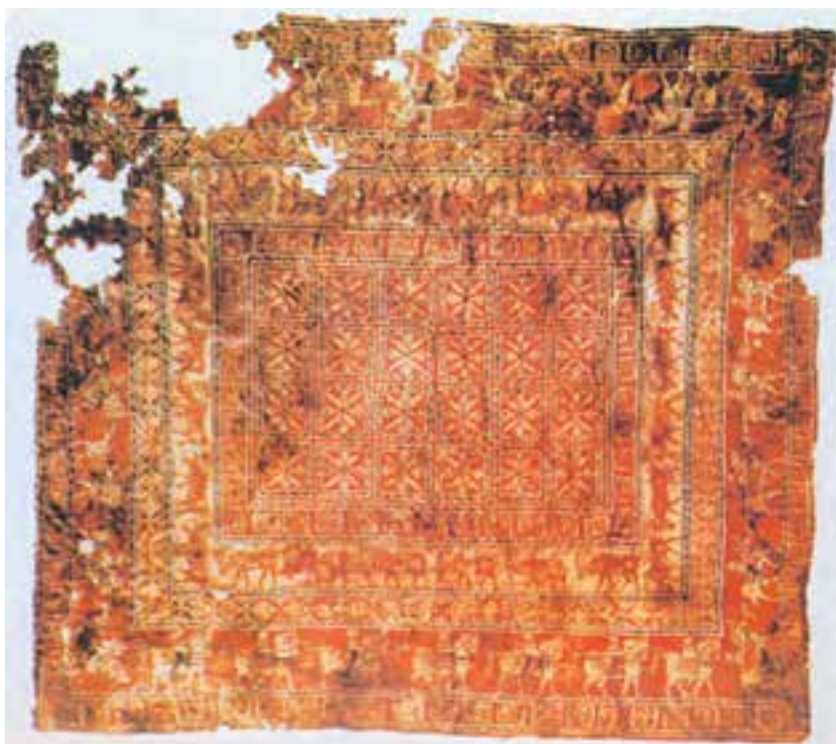
خط: برای مکاتبات اداری ابتدا از خط آرامی^۱ و بابلی استفاده می‌کردند اما بعد از مدتی، خط میخی پارسی نیز ابداع و به آن‌ها افزوده شد.

اقتصاد: اقدام دیگر داریوش، ضرب سکه‌ی طلا و نقره بود. پیش از او، پادشاهان سارد از طلا سکه ضرب کرده

۱- Aramaic

از کاخ‌های شاه و درباریان بود. او فرماندهان نظامی را از میان پارسیان انتخاب می‌کرد؛ زیرا به آنان اعتماد بیش‌تری داشت.

هنر، صنعت، معماری: کورش پس از تأسیس سلسله‌ی هخامنشی در پاسارگاد (در فارس امروزی) برای خود کاخی ساخت و اطراف آن را با باغ‌های زیبا تزئین کرد. کمبوجیه فرصت چندانی برای ساختن کاخ نیافت اما داریوش در مدت بیش از سی سال فرمان‌روایی، کاخ‌های مجلل ساخت. پس از او، سایر شاهان هخامنشی نیز برای خود کاخ‌ها و بناهایی ساختند. داریوش در سال‌های نخست فرمان‌روایی در شوش کاخ باشکوهی ساخت اما طرح اصلی و عظیم او برای نمایش هیبت و قدرتش در تخت جمشید اجرا شد.



فرش پازیریک؛ این فرش که در یک گور در روسیه به‌دست آمده، یکی از قدیمی‌ترین فرش‌های جهان است که شامل نقوش هندسی، گل، حیوانات افسانه‌ای و انسان‌های سوار بر اسب و پیاده است. بنا به روایات مشهور، این فرش در دوره‌ی هخامنشیان در ایران بافته شده است.

پس از داریوش، ساخت بناهای جدید در تخت جمشید ادامه یافت و تا ۱۵۰ سال بعد از او نیز در این مکان بناهای دیگری تأسیس شد. درون ساختمان‌ها

بودند. برای سامان یافتن اقتصاد کشور لازم بود که هم پول واحد در کشور رواج یابد و هم مقررات مشخصی که نحوه‌ی دریافت مالیات‌ها، اجاره‌ی زمین‌ها، دست‌مزدها و... را معین کند، گذاشته شود.

با این اقدامات درآمدهای حکومت افزایش یافت و اقتصاد عمومی کشور رونق گرفت و سطح زندگی مردم اندکی بالا رفت؛ به‌طوری‌که ایران در دوره‌ی هخامنشیان ثروتمندترین حکومت آن روزگار شد.

نیروی نظامی: داریوش هم‌چنین یک سپاه ده هزار نفری به‌وجود آورد که از نظر تجهیزات جنگی و آموزش‌های نظامی از بقیه‌ی سپاهیان ورزیده‌تر بودند. این سپاه یک سپاه دائمی و وظیفه‌ی آنان، بیش‌تر، محافظت

رئیس تشریفات بر کارهای مربوط به تخت جمشید و امور اداری و مالی مربوط به ایالت‌های هخامنشی نظارت داشت.

ظروف و لوح‌های آنان برجای مانده است. انواع آثار فلزی از طلا، نقره و مفرغ مانند سکه‌ها، سلاح‌ها، جام‌ها، ریتون‌ها، ظروف، وزنه‌ها، لوحه‌ها که از دوران هخامنشی به جای مانده است، بیننده را شگفت‌زده می‌کند؛ زیرا ساخت آن‌ها برای هنرمندان امروزی نیز کار راحتی نیست. دقت در این آثار نشان می‌دهد که هنرمندان آن عصر، علاوه بر مهارت در کار از ابزار و دانش مورد نیاز برای ساخت چنین آثاری برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین، صنعت ایران در عصر هخامنشی نیز پیشرفت زیادی کرده بود.

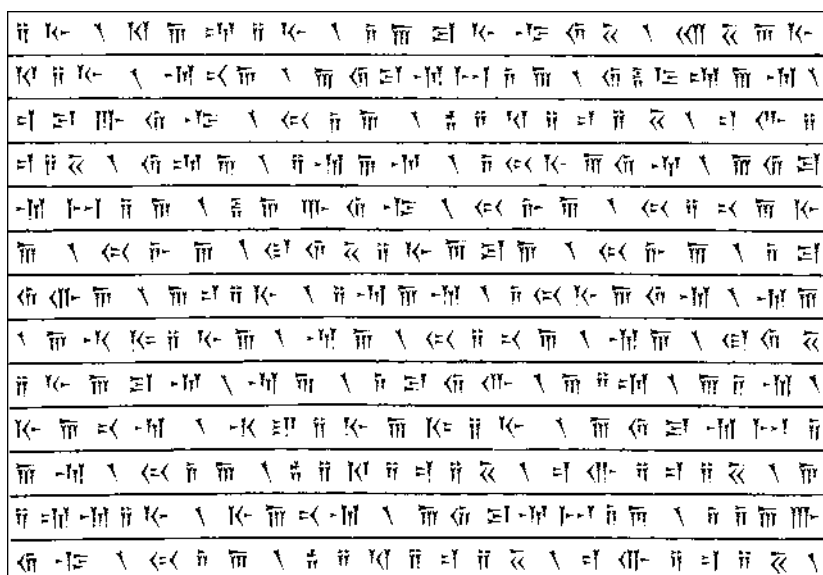
بخشی از کتیبه‌ی داریوش اول هخامنشی در تخت جمشید به همراه ترجمه‌ی آن در زیر آمده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

مورخان و باستان‌شناسان چه استفاده‌هایی از

کتیبه‌های هخامنشیان می‌کنند؟

از دوران هخامنشی کتیبه‌هایی در بیستون، تخت جمشید، نقش رستم، شوش و نیز بر روی برخی



اهوره مزدا با خدایان خاندان سلطنتی مرا یاری کناد! این کشور را اهوره مزدا از دشمن، از خشک‌سالی [و] از دروغ، محفوظ دارد! به این کشور نیاید نه دشمن، نه خشک‌سالی [و] نه دروغ. این را [چون] برکتی از اهوره مزدا با خدایان خاندان سلطنتی درخواست می‌کنم. این را به من [چون] برکتی اهوره مزدا با خدایان سلطنتی بدهاد!

یک توضیح

ریتون^۱

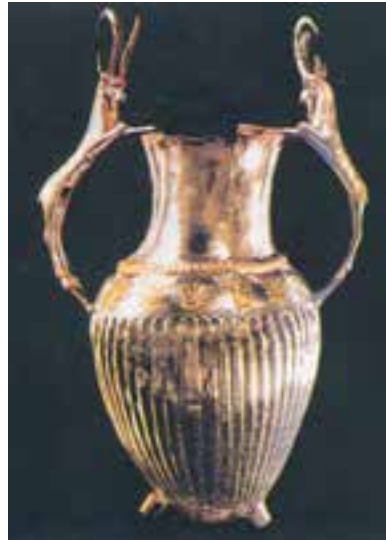
ریتون واژه‌ای است یونانی و در لغت‌نامه‌ی دهخدا واژه‌ی «تکوک^۲» به عنوان معادل آن به کار رفته است. تکوک یا ریتون، ساغر یا جامی بوده که ایرانیان در زمان باستان آن را از جنس فلزاتی هم‌چون طلا، نقره، آهن و یا سفال و به شکل سر حیواناتی نظیر شیر، گاو، قوچ، بز، اسب و آهو می‌ساختند و از آن برای نوشیدن استفاده می‌کردند. ایرانیان اعتقاد داشتند نوشیدن در ظرفی به شکل سر حیوان، توان آن حیوان را به انسان می‌بخشد.

۱ - Rhiton, Riton

۲ - Takuk

نیز آثاری مانند فرش مشهور پازیریک نشانگر وجود بافندگان هنرمند و خوش ذوق این عصر است. در عصر هخامنشی، پارچه‌های چیندار رواج بسیار داشت و مردان و زنان درباری با لباس‌های رنگارنگ با زیورآلات طلایی به خودآرایی می‌پرداختند.

ظروف سفالی در میان اشراف و نیز در میان مردم عادی کاربرد فراوان داشت. در دوران هخامنشی ظروف سفالی مانند کاسه، خمره‌های بزرگ برای ذخیره‌ی گندم و جو، قمقمه و ریتون رواج بسیار داشت. نقش برجسته‌های باقی مانده از دوران هخامنشی و



نمونه‌هایی از ظروف نقره‌ای مربوط به دوره‌ی هخامنشی. در عکس سمت راست، ظرف کوزه‌ای شکل با طلاکاری و دسته‌های ظریف به شکل بز کوهی و در عکس سمت چپ، بشقابی با نقش‌هایی از بز کوهی دیده می‌شود. به نظر شما، توجه هنرمندان ایران به این حیوان (بز کوهی) برای چیست؟

پرسش‌های نمونه

- ۱- کدام دولت‌ها توسط کوروش منقرض شدند؟ چگونه آن را توضیح دهید.
- ۲- علل آغاز جنگ‌های ایران و یونان در دوره‌ی هخامنشی چه بود؟
- ۳- چهار مورد از اقدامات مهمی را که در زمان فرمان‌روایی داریوش انجام شد، ذکر کنید.
- ۴- چرا حکومت هخامنشی نتوانست در برابر حملات اسکندر مقدونی ایستادگی کند؟
- ۵- چرا در دوره‌ی هخامنشیان به توسعه و تعمیر راه‌ها توجه ویژه‌ای می‌شد؟
- ۶- از مجموع رویدادها و تحولات تاریخ ایران در دوره‌ی هخامنشی چه نتایج و درس‌هایی می‌توان گرفت؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی جایگاه امپراتوری هخامنشی در جهان باستان و یا نظرات مورخان و اندیشمندان غیرایرانی در مورد این امپراتوری مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد محتوای یکی از کتیبه‌های دوره‌ی هخامنشی تحقیق کنید و نظر خودتان را درباره‌ی آن بیان کنید.
- ۳- فهرست ایالت‌های ایران در زمان هخامنشی را تهیه کنید و هر یک از آن‌ها را با نقشه‌ی کنونی ایران و سرزمین‌های همسایه تطبیق دهید.

یونان و روم

مقدمه

در این درس به اختصار با تمدن‌های یونان و روم باستان آشنا می‌شوید. هر دوی این تمدن‌ها مربوط به اروپا در دوران باستان است. اروپاییان تا یکی، دو قرن پیش، درباره‌ی تمدن‌های یونان و روم چیز زیادی نمی‌دانستند تا این که کشفیات باستان‌شناختی و مطالعات تاریخی، جلوه‌های زیادی از این دو تمدن را آشکار کرد. امروزه اروپاییان به تمدن یونان و روم اهمیت زیادی می‌دهند و به آن افتخار می‌کنند. حتی تأثیر این امر در زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان مشهود است؛ اکنون ساختمان‌های زیادی در شهرهای بزرگ اروپا به تقلید از سبک معماری یونان و روم ساخته شده است. نام‌های یونانی و رومی کاربرد زیادی دارد. هنرمندان در رشته‌های مختلف هنر، به یونان و روم توجه دارند و از آن الهام می‌گیرند. ادبیات یونان و روم اعم از اسطوره‌ها، سرودها، اشعار، حماسه‌ها و ... در آموزش‌های رسمی و غیررسمی رواج دارد. با این حال باید دانست که هر دوی این تمدن‌ها دارای نقایص جدی بوده‌اند، به طوری که مورخان غربی به تفصیل درباره‌ی آن به بحث پرداخته‌اند.

دولت شهرهای یونانی

تأثیر زیادی پذیرفته بودند؛ زیرا دریانوردان مصری و فنیقی بدان منطقه رفت و آمد داشتند.

وضعیت جغرافیایی یونان، تأثیر چشم‌گیری در

سرنوشت مردم آن داشته است.

فکر کنید و پاسخ دهید :

با توجه به نقشه، حدس بزنید که چرا وضعیت

جغرافیایی یونان در زندگی مردم و تحولات تاریخی آن

نقش چشم‌گیری داشته است؟



تاریخ یونان باستان را می‌توان به دو دوره‌ی قبل و بعد از آریایی‌ها تقسیم کرد. تمدن کرت^۱ مربوط به دوره‌ی قبل از آریایی‌هاست که دست‌آوردهای تمدنی آن به سایر جزایر یونان منتقل شده است. اگر به نقشه نگاه کنید، در جنوب یونان، جزیره‌ی کرت را می‌بینید. باستان‌شناسان توانسته‌اند آثار زیادی را که مربوط به ۴۰۰۰ سال پیش بود، در آن جا بیابند. مردمان کرت از تمدن مصر و فنیقیه

از حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد، مهاجرت برخی از قبایل آریایی از سمت شمال به سرزمین یونان آغاز شد. وجود جزایر پراکنده و کوهستان‌های زیاد و هم‌چنین تعصبات قبیله‌ای موجب شد که قبایل یونانی با وجود برخی مشترکات فرهنگی، جدای از هم و به‌طور مستقل زندگی کنند. بدین ترتیب در یونان به تدریج، دولت – شهرهای متعددی پدید آمد.

دولت – شهرهای یونان با یک‌دیگر رقابت داشتند و دایم با هم جنگ می‌کردند. در تاریخ یونان، دولت – شهرهای اسپارت و آتن مشهورتر از بقیه هستند. شیوه‌ی حکومت و نیز تربیت اهالی آتن و اسپارت با یک‌دیگر متفاوت بود. این دو، رقابت و دشمنی شدیدی با یک‌دیگر داشتند. اهالی اسپارت به جنگاوری شهرت بسیاری داشتند و آن را برای خود افتخار می‌دانستند. آنان پسران خود را از همان کودکی به ورزش‌های سخت و تربیت بدنی عادت می‌دادند. آموزش‌های نظامی آنان بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. البته رزم‌آوری در میان اهالی آتن نیز اهمیت داشت اما مردم این شهر بیش‌تر به خاطر علاقه‌مندی به حکومت و دموکراسی و رواج اندیشه‌های علمی و فلسفی شهرت یافته‌اند.

هم‌زمان با دولت – شهرهای یونانی، حکومت مقتدر هخامنشی قدرت بلامنازع آسیا بود و فتوحات آن در آسیای صغیر روبه‌گسترش بود. در نتیجه کشمکش‌ها و نبردهایی میان ایرانیان و برخی شهرهای یونانی رخ داد که مدت‌ها ادامه داشت.

اسکندر مقدونی

رواق اقتصادی و برخی اصلاحات اجتماعی رهبرانی

هم‌چون پریکلِس^۱ موجب پیشرفت قابل توجه آتن و شهرهای تابعه‌ی آن شد. با این حال، رقابت و دشمنی میان دولت – شهرهای یونانی هم‌چنان ادامه داشت. آنان به دو گروه اصلی تقسیم شده بودند که آتن در رأس یکی و اسپارت در رأس دیگری قرار داشت. دولت هخامنشی نیز در خفا بر اختلافات آنان دامن می‌زد و به اسپارت کمک مالی می‌کرد. جنگ‌های داخلی یونان که به جنگ‌های پلوپونز^۲ معروف است، سال‌ها ادامه داشت تا سرانجام به پیروزی اسپارت انجامید. بدین ترتیب، هخامنشیان به دست خود یونانی‌ها از آتنی‌ها انتقام گرفتند. اسپارتی‌ها نیز با فتح آتن از آنان انتقام گرفتند و مردم آتن را بسیار تحقیر کردند؛ هرچند دیری نپایید که خود نیز مغلوب یکی دیگر از دولت – شهرها به نام تبس^۳ شدند. بدین ترتیب، اختلافات داخلی روز به روز یونان را ضعیف می‌کرد. در چنین شرایطی، فیلیپ مقدونی که حاکم مقدونیه^۴ در شمال یونان بود، توانست طی چند جنگ بر یونانیان پیروز شود. پس از فیلیپ، پسرش اسکندر با سپاه‌یانی که از سراسر یونان جمع کرده بود به آسیای صغیر (ترکیه‌ی امروزی) آمد، از آن‌جا عازم مصر شد و آن سرزمین را فتح کرد. سپس با شعار «انتقام گرفتن یونانیان از ایرانیان»، راهی ایران شد و در شرایطی که هخامنشیان – به دلیل اختلافات و فساد درونی – دچار ضعف شده بودند، توانست آنان را در چند جنگ شکست دهد و تا شمال هند نیز پیش برود. اسکندر در بازگشت در بابل مرد. از آن‌جا که اسکندر برای خود جانشینی تعیین نکرده بود، سال‌ها میان فرماندهان سپاهش جنگ درگرفت تا عاقبت یکی از این سرداران به نام آنتی‌گون^۵ بر یونان مسلط شد. با این حال، حکومت مقدونیان بر یونان دیری نپایید؛ زیرا

۱- Pericles

۲- Peloponnesus

۳- Thebes

۴- Macedon

۵- Antigone



برای فرونشاندن خشم خدایان قربانی می‌کردند. از نظر یونانیان جایگاه تعدادی از خدایان برفراز کوه المپ بود. به همین دلیل، مسابقات ورزشی که چند سال یک‌بار در شهر المپی برگزار می‌شد، ریشه‌ی مذهبی داشت، مسابقات المپیک^۱ در عصر ما، یادگاری از همین مسابقات است.

یونانیان به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند. آنان هنگام دفن مردگان، برخی از وسایلشان را در قبر می‌گذاشتند. ارواح مردگان در نظر آنان حرمت زیادی داشت و برای شاد کردن آن‌ها، آداب و رسوم خاصی انجام می‌گرفت. در دولت – شهرهای یونان معابد بسیاری وجود داشت که مردم برای انجام مراسم دینی به آن‌جا می‌رفتند. کاهنان معابد در نزد مردم محترم بودند. برخی از آنان علاوه بر انجام مراسم دینی، پیشگویی نیز می‌کردند.

قدرت تازه‌ای در گوشه‌ی دیگری از اروپا شکل گرفت و یونان را به تصرف خود درآورد. این قدرت جدید امپراتوری روم بود که در ادامه‌ی درس با آن آشنا خواهید شد.

فرهنگ و تمدن در یونان باستان

دین: یونانیان به خدایان بسیاری اعتقاد داشتند. آنان هم‌چون بسیاری از مردم جهان باستان معتقد بودند که پدیده‌هایی چون آسمان، زمین، رعد و برق، جنگ، عشق و زیبایی، علم و دانش، هر یک خالق ویژه‌ای دارند که جایگاه تعدادی از آن‌ها در آسمان و محل سکونت تعدادی در روی زمین و نیز در زیر زمین است. از نظر یونانیان، تعدادی از خدایان همواره از اعمال انسان‌ها به خشم می‌آمدند و درصدد تنبیه آنان بودند. به همین دلیل، یونانیان

۱- Olympic



بنای پارتون یکی از آثار تاریخی مشهور که از یونان باستان به جامانده است.

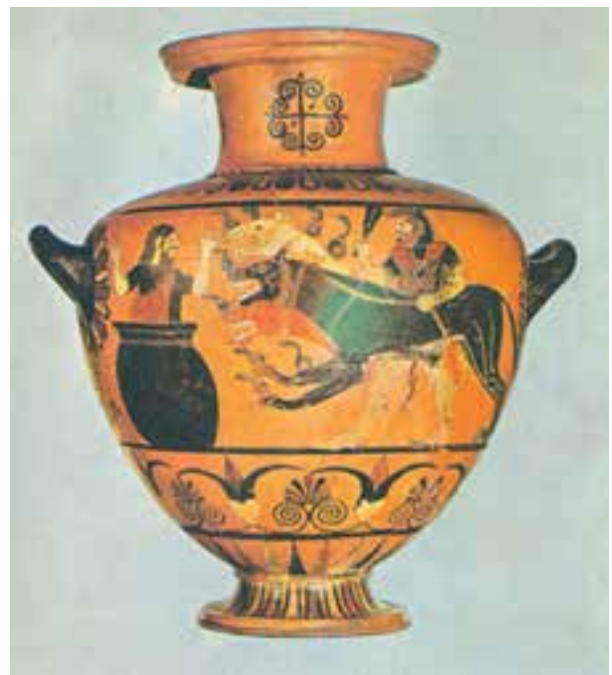
رشد و رونق به سزایی یافت. یونانیان اغلب ساختمان‌های خود را از چوب و آجر می‌ساختند، بعدها برای بنای معابد بزرگ و کاخ‌ها از سنگ استفاده کردند. موسیقی و تئاتر نیز در میان یونانیان رواج زیادی داشت. علم و فلسفه: علم و فلسفه در یونان باستان پیشرفت زیادی کرد؛ زیرا:

۱- یونانیان به بحث و گفت‌وگوی علمی علاقه‌ی زیادی داشتند و ساعت‌ها با یک‌دیگر به گفت‌وگو می‌نشستند.

۲- کشتی‌های بازرگانی یونانی به مصر و آسیای صغیر رفت و آمد می‌کردند. از این طریق، بسیاری از دست‌آوردهای علمی مردمان آسیا و آفریقا به یونان راه یافت و بر آن افزوده شد.

۳- مشهور است که اسکندر پس از حمله به ایران به کتابخانه‌ی بزرگ هخامنشیان در تخت جمشید دست یافت و پیش از آتش زدن آن‌جا، دستور داد آن را به یونان منتقل کنند. بدین ترتیب، یونانیان به بسیاری از دست‌آوردهای علمی ایرانیان دست یافتند و آن را به کار گرفتند.

هنر و معماری: از یونان باستان آثار بسیاری چون مجسمه‌ها، معابد، ظروف، سکه‌ها و گنج‌بری‌ها شناسایی شده است اما معماری و مجسمه‌سازی یونانیان شهرت بیشتری دارد. یونانیان، هم برای خدایان و هم برای فرمان‌روایان مجسمه می‌ساختند. آنان به زیبایی و تناسب اندام اهمیت زیادی می‌دادند، از این رو، مجسمه‌سازی



ظرف آب یونانی. تصاویر نقاشی شده برگرفته از اساطیر یونانی است.

پلوتارک، با نوشتن کتاب حیات مردان نامی، نام خود را در میان مورخان جاودان ساخت. او در این کتاب به شرح حال مردان بزرگی که در یونان و روم پدید آمدند پرداخته و کوشیده است با مقایسه‌ی آنها، ابعاد مختلف شخصیت هریک را تشریح کند.

از رُم تا روم

فتح مصر و آسیای صغیر کشوری وسیع پدید آوردند. بدین ترتیب، حکومت رم به امپراتوری روم تبدیل شد. گستردگی بیش از حد قلمرو روم برای آن امپراتوری مشکلاتی در پی داشت. همسایگی رومیان با دولت ایران، سرآغاز مسائل بسیاری در سرنوشت دو کشور بود. تا این زمان رومی‌ها آشنایی زیادی با حکومت ایران آن زمان - یعنی اشکانیان - نداشتند. همسایگی آنان با اشکانیان موجب برخورد منافع و در نتیجه، جنگ‌های بسیاری شد که تا اواخر دوره‌ی ساسانی ادامه یافت. این جنگ‌ها در نهایت موجبات ضعف هر دو کشور را فراهم کرد.

در همان زمان که یونان دوران شکوفایی خود را می‌گذراند، در شمال غربی آن - یعنی در شبه‌جزیره‌ی ایتالیا - اقوامی می‌زیستند که از حیث فرهنگ و تمدن بسیار عقب‌تر از آنان بودند. از شهرهای مهم این اقوام، شهر رم بود. رمی‌ها حکومت جمهوری داشتند. آنان به‌طور دایم با همسایگان خود در جنگ بودند. به همین دلیل، جنگاوری در میان رمی‌ها اهمیت زیادی داشت و پسران خود را پس از دوران کودکی به آموزش‌های سخت نظامی مشغول می‌کردند.

در قرن سوم قبل از میلاد، توسعه‌ی فتوحات رمی‌ها موجب شد که با حکومت کارتاژ همسایه شوند و بر سر منافع اقتصادی و راه‌های دریایی، با یک‌دیگر بجنگند. کارتاژی‌ها عنوان خود را از پایتخت خود، شهر کارتاژ^۱ (در تونس فعلی)، گرفته بودند. آنان قسمت‌های زیادی از سواحل شمال آفریقا و جزایر دریای مدیترانه را در اختیار داشتند. جنگ‌های رومی‌ها با کارتاژی‌ها بیش از نیم قرن طول کشید. سرانجام، با وجود رشادتهای هانیبال^۲، سردار کارتاژی، رومی‌ها پیروز شدند و به عمر دولت کارتاژ خاتمه دادند (۱۴۶ ق.م.). جنگ‌های رومی‌ها و کارتاژی‌ها به جنگ‌های پونیک^۳ معروف است. رومی‌ها به تدریج بر پیروزی‌های خود افزودند و با

فکر کنید و پاسخ دهید :

در یکی از سوره‌های قرآن کریم، به جنگ‌های ایران و روم اشاره شده است. آیا در این باره چیزی می‌دانید؟

مشکلات و دلایل ضعف امپراتوری روم

امپراتوری روم از قرن سوم میلادی دچار مشکلاتی شد که به تدریج قدرت آن را به تحلیل می‌برد. یکی از علل این مشکلات وسعت بیش از حد قلمرو امپراتوری بود. امپراتور کنستانتین شهر بیزانتیوم (قسطنطنیه) را که در شرق امپراتوری بود به پایتختی انتخاب کرد. این اقدام مقدمه‌ی تقسیم روم به دو قسمت

۱- Carthage

۲- Hannibal

۳- Punic



شرقی و غربی گردید (۳۹۵ م.).

از آن پس، روم غربی به دلیل حملات مداوم اقوام بیابانگرد روبه انحطاط نهاد و به عکس، روم شرقی به دلیل برخورداری از سرزمین‌های ثروتمند امپراتوری و راه‌های بازرگانی تا مدت‌ها به حیات خود ادامه داد تا آن که در ۱۴۵۳ م. پایتخت آن توسط ترکان مسلمان فتح شد و بدین ترتیب، یکی دیگر از امپراتوری‌های بزرگ جهان منقرض شد.

مسیحیت و تأثیر آن در جامعه‌ی روم

پیدایش مسیحیت، مهم‌ترین حادثه در تاریخ روم باستان است. مسیحیان در ابتدا مسئله‌ی مهمی برای حکومت روم به شمار نمی‌رفتند اما به مرور زمان به شمار و اهمیت آنان افزوده شد. تعالیم مسیحیت در جامعه‌ای

که فساد و خشونت در آن گسترش فراوانی داشت، مردم را به پارسایی و مهربانی دعوت می‌کرد. به علاوه، تعالیم آن با بسیاری از سنت‌های شرک‌آمیز رومیان در تضاد بود. به همین دلیل، از طرفی بسیاری از بردگان و گروه‌های مردم بدان گرویدند و از طرف دیگر، موجبات خشم و نگرانی روحانیون یهودی و حاکمان رومی را فراهم آورد. از این رو، سخت‌گیری نسبت به مسیحیان بیش‌تر و بیش‌تر شد. بسیاری از مسیحیان در این راه جان باختند اما روند گسترش مسیحیت ادامه داشت و آموزه‌های آن در زندگی فردی و اجتماعی پیروانش پایدارتر می‌شد تا این که کنستانتین به مسیحیت گروید. از آن پس، این دین در اروپا رسمیت پیدا کرد و روزبه‌روز به پیروانش افزوده شد و حتی در خارج از مرزهای اروپا نیز پیروانی یافت.

فرهنگ و تمدن در روم باستان

فرهنگ و تمدن در روم باستان از عوامل مختلفی تأثیر پذیرفته و در گذر زمان تغییر و تحولاتی داشته است. در اوایل، رومی‌ها پیش‌تر تحت تأثیر فرهنگ ساکنان قبلی شبه جزیره ایتالیا بودند.

پس از فتح یونان نیز رومی‌ها به‌رغم برتری نظامی، به تدریج با میراث تمدنی آن‌جا آشنا شدند. بدین ترتیب، علم و دانش، آداب و رسوم و بسیاری از جنبه‌های دیگر فرهنگ یونانی در متصرفات روم گسترده شد. در واقع، بسیاری از جنبه‌های فرهنگ یونانی در روم استمرار یافت و امروزه نیز در زندگی مردم اروپا متجلی است.

با حضور و گسترش مسیحیت، فرهنگ مسیحی که از جهات بسیاری بر فرهنگ موجود جامعه‌ی روم برتری داشت در زندگی اجتماعی مردم نفوذ کرد و بر آن تأثیر گذاشت. در ضمن، رومیان علاوه بر این که بر جوامع زیر سلطه‌ی خود تأثیر می‌گذاشتند، از فرهنگ و تمدن آنان نیز تأثیر می‌گرفتند. قلمرو روم شامل سرزمین‌های وسیعی در اروپا، آسیا و آفریقا می‌شد. راه‌های زمینی و دریایی، این قلمرو وسیع را بهم می‌پیوست و اندیشه‌های اقوام گوناگون را از قسمتی به قسمت دیگر انتقال می‌داد. رومی‌ها حتی در بعضی از زمینه‌ها، از تمدن ایران در عصر اشکانی و ساسانی تأثیر پذیرفتند.

دین: در روم معابد فراوانی وجود داشت که مردم برای پرستش به آن‌جا می‌رفتند. در این معابد معمولاً غیب‌گو‌هایی وجود داشت که مردم به آن‌ها معتقد بودند. مسیحیت، در جامعه‌ی رومی تأثیر بسیار عمیقی پدید آورد که از آن جمله می‌توان به تغییر در اندیشه‌های آنان اشاره کرد. مسیحیان به خدایان رومی، قداست و پرستش امپراتوران و اموری از این قبیل اعتقاد نداشتند. به همین دلیل، در اوایل با بغض و کینه‌ی کاهنان و مأموران دولتی

روبه‌رو بودند اما با گسترش مسیحیت اندیشه‌های دینی آنان جای اندیشه‌های کهن را گرفت. به علاوه، برخی از اندیشه‌های دینی ایرانیان در بخش‌هایی از اروپا رسوخ یافت؛ مثلاً، پرستش میترا و نیز اندیشه‌های مانی از آن جمله است.

راه‌ها: از طریق جاده‌ی ابریشم، کالاهای چین و ایران مانند ابریشم، پارچه و ... به روم می‌رفت که در آن‌جا مشتاقان فراوان داشت. از طریق این راه‌ها، انسان‌ها در سراسر قلمرو روم رفت و آمد می‌کردند و علاوه بر کالاهای تجاری، اندیشه‌ها و آداب و رسوم ملل مختلف را به تدریج به جاهای دیگر می‌بردند.

زندگی اجتماعی: در اوایل تشکیل حکومت روم، جامعه‌ی رومی از سه گروه اصلی رومی‌های اصیل، مردمان غیر رومی و بردگان تشکیل شده بود. حق مالکیت زمین و شرکت در انتخابات مخصوص گروه اول بود و مقامات بالای کشوری نیز از میان آن‌ها انتخاب می‌شدند اما این وضع با گذشت زمان تغییر کرد و گروه دوم از طریق اعتراضات و اقدامات فراوان به تدریج توانستند از امتیازات گروه نخست برخوردار شوند. بردگان در روم، وضعی اسف‌بار داشتند، از این رو، گاهی شورش می‌کردند. در جامعه‌ی رومی، گروه‌های مختلف مردم به شغل‌های گوناگون اشتغال داشتند. طبقات ثروتمند، بسیاری از اوقات خود را در تئاترها، و مسابقات ورزشی می‌گذراندند. خانه‌های آنان بسیار بزرگ بود و شامل قسمت‌های لازم مانند اتاق خواب، حمام، آشپزخانه، محل سکونت بردگان و ... می‌شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید رومیان بیش‌تر به کدام مسابقات

ورزشی علاقه داشتند؟



یکی از آملی تئاترهای رومی‌ها با ظرفیت ۲۵۰۰۰ نفر. دیدن نمایش‌های مختلف از جمله مهم‌ترین تفریحات رومیان — به ویژه طبقات اشراف و بزرگان رومی — بود.

هنر و معماری: از روم باستان آثار فراوانی چون ظرف‌ها، سکه‌ها، سلاح‌ها، بناها، گچ‌بری‌ها و مجسمه‌ها برجای مانده که پژوهشگران با مطالعه‌ی آن‌ها توانستند به نکات بسیاری درباره‌ی تمدن روم پی ببرند. به ویژه، رومی‌ها در ساختن پل، مجسمه و انواع ساختمان پیشرفت نمودند. بناهای رومی شامل معبدها، کاخ‌ها، پادگان‌ها و گردشگاه‌هاست که نمونه‌هایی از آن‌ها در کشورهای امروزی موجود است.

رومیان مسابقات ورزشی و رزمی را در مکان‌هایی مانند ورزشگاه‌های امروزی برگزار می‌کردند. در این مکان‌ها، بردگان را به جنگ تن‌به‌تن وادار می‌کردند و از تماشای جنگ و خونریزی آن‌ها لذت می‌بردند!



بقایای شهر پمپئی، یکی از شهرهای روم باستان. این شهر در اواخر قرن اول میلادی در اثر فعالیت آتش‌فشانی کوه وزوو در زیر گدازه‌ها مدفون شد. در اوایل قرن ۱۸ میلادی بود که ایتالیایی‌ها در حین حفز زمین از وجود چنین مجموعه‌ی دفن شده‌ای باخبر شدند و از آن پس، به تدریج، این شهر را از زیر گدازه‌ها و خاکسترهای آتش‌فشانی بیرون آوردند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- علل و چگونگی بیدایش دولت - شهرها در یونان را توضیح دهید.
- ۲- علت و نتیجه‌ی جنگ‌های پلوپونز چه بود؟ آیا می‌دانید دلیل نام‌گذاری این جنگ‌ها به «پلوپونز» چیست؟
- ۳- اعتقادات دینی یونانیان باستان را با آنچه در دوره‌ی هخامنشی در ایران رایج بود، مقایسه کنید.
- ۴- علل پیشرفت علم و فلسفه در یونان باستان چه بود؟
- ۵- علت و نتیجه‌ی جنگ‌های پونیک چه بود؟
- ۶- گروه‌های اصلی در جامعه‌ی روم کدام‌ها بودند؟ حقوق و وضعیت هر یک از آن‌ها چگونه بود؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره‌ی تبادلات فرهنگی یونانیان و رومیان با ایرانیان مطلبی بنویسید.
- ۲- درباره‌ی یکی از آثار تاریخی مشهور یونان یا روم باستان گزارشی تهیه کنید.

اشکانیان

مقدمه

دوره‌ی حکومت اشکانی در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از خود (هخامنشیان و ساسانیان) طولانی‌تر بوده است. با این حال، آگاهی پژوهشگران از ایران عصر اشکانی کم‌تر از دیگر دوره‌هاست. برای مثال، مورخان دوره‌ی اسلامی در کتاب‌های خود، درباره‌ی آنان بسیار اندک نوشته‌اند، حتی برخی از آنان به صراحت اعلام می‌دارند که چیز زیادی از اشکانیان نمی‌دانند. علت این امر را دشمنی ساسانیان با آنان و کوشش برای محو آثارشان، عدم وجود حکومت مرکزی مقتدر در دوره‌ی اشکانی و در نتیجه، بی‌توجهی به ثبت اخبار در سال‌نامه‌ها و ... دانسته‌اند.

در یکی، دو قرن اخیر، کاوش‌های باستان‌شناسی، مطالعه‌ی کتیبه‌های اشکانی، پژوهش‌های سکه‌شناسان و مانند آن به مورخان کمک کرد تا بتوانند شناخت بیش‌تری از این سلسله به‌دست آورند.

سلوکیان

تأسیس حکومت اشکانی

چنان‌که پیش‌تر خواندید، پارت‌ها گروهی از آریایی‌ها بودند که پس از مهاجرت در شمال شرقی ایران ساکن شدند. پارت‌ها مردمانی چادرنشین بودند و زندگی سخت صحرائشینی، آنان را چابک، شجاع و پرتحرک بارآورده بود. آنان شجاع‌ترین و قوی‌ترین افراد قبیله را پهلوان می‌نامیدند. حدود هفتاد سال پس از تأسیس حکومت سلوکی، یکی از پهلوانان به نام اشک برضد سلوکیان قیام کرد (۲۴۸ ق.م). سپاهی که دولت سلوکی برای سرکوبی اشک فرستاد از جنگاوران پارتی شکست خورد. مورخان، زمان این پیروزی را سال تأسیس حکومت اشکانی می‌دانند.

خواندید که پس از مرگ اسکندر فرماندهان سپاه او بر سر قدرت به جنگ با یک‌دیگر پرداختند. بنابراین تا مدت‌ها قلمرو بسیار وسیعی که او به کمک سپاهیانش فتح کرده بود، صحنه‌ی جنگ و کشمکش میان فرماندهان سپاه شد. عاقبت سلوکوس در بابل مستقر شد (۳۱۲ ق.م) و مصر و سایر سرزمین‌ها نصیب دیگر فرماندهان مقدونی گشت. سلوکوس چندی بعد شهر سلوکیه را بنیان نهاد و آن را به پایتختی خود برگزید.

بدین ترتیب سلسله‌ای از پادشاهان مقدونی در ایران پدید آمد که به سلوکیان مشهور شد. سلطه‌ی آنان کمتر از یک قرن بود زیرا علاوه بر کشمکش‌های داخلی دربار سلوکی، بیگانه بودن آن‌ها در میان ایرانیان و بروز شورش‌های مکرر در شرق و غرب کشور آرامش را از ایشان می‌گرفت. سرانجام در حالی که پارت‌ها از مشرق به تدریج پیش رفتند و سلوکیان را از ایران بیرون راندند، رومیان نیز که از غرب سربرآورده بودند و روز به روز بر قدرت خود می‌افزودند به عمر این سلسله خاتمه دادند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

یکی از امپراتوران سلسله‌ی «هان» (۱۴۱-۸۷ ق.م) در چین سفیری به دربار مهرداد دوم پادشاه اشکانی فرستاد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. مهرداد به هنگام بازگشت سفیر چین، سفیری همراه او به چین اعزام کرد. به نظر شما اعزام سفیر برای دو کشور چه دستاوردی داشته است؟



سکه‌ی نقره مربوط به زمان مهرداد اول یکی از پادشاهان معروف اشکانی

از آن پس، پارت‌ها بر متصرفات خود افزودند و به تدریج به سوی غرب پیشروی کردند. تیرداد، برادر و جانشین اشک، در تثبیت حکومت اشکانی نقش زیادی داشت.

مهرداد، قلمرو اشکانیان را در شرق و غرب وسعت داد. مورخان مسلمان، حکومت اشکانیان را ملوک الطوائف نامیده‌اند؛ زیرا در طول حکومت آنان، پادشاهان مناطقی هم‌چون ارمنستان، آذربایجان و پارس از استقلال داخلی برخوردار بودند و فقط هنگام جنگ به کمک شاه اشکانی می‌آمدند.



قلمرو ایران در زمان اشکانیان

ایران و روم

در آسیای صغیر نیز پیشروی کردند و بقایای دولت سلوکی را از میان برداشتند. بدین ترتیب، با اشکانیان همسایه شدند. دیری نباید که میان دو حکومت ایران و روم مشکلاتی پیش آمد؛ زیرا رومی‌ها درصدد توسعه‌ی متصرفات خود در آسیا

هنگامی که اشکانیان مشغول بیرون راندن یونانیان بودند، حکومت قدرتمند روم در اروپا حکومت می‌کرد و هر روز بر اقتدار آن افزوده می‌شد. رومی‌ها علاوه بر فتح یونان و مصر

بودند. دشمنی بین ایران و روم تا حدود ۷۰ سال، یعنی در سراسر دوران اشکانیان و ساسانیان، ادامه داشت. در طول این مدت دو کشور با یکدیگر بسیار جنگیدند که در این جنگ‌ها، گاه ایران و گاه روم پیروز می‌شدند اما در مجموع، ایرانیان بارشادت از کشور خود در برابر مهاجمان محافظت می‌کردند و برای استقلال ایران می‌کوشیدند. یکی از مشهورترین جنگ‌های ایران و روم، جنگ

حَرّان است که در سال ۵۳ ق.م. روی داد. در این سال، یکی از سرداران بزرگ روم به نام کراسوس^۱ - که تا پیش از آن به فتوح زیادی دست یافته بود - با سپاهی عظیم به سوی ایران رفت و قصد داشت ماجرای اسکندر را تکرار کند اما سورنا فرماندهی جوان ایرانی با درایت و شجاعت بسیار توانست او را شکست دهد و تعداد بسیاری از رومیان را اسیر کند.

یک توضیح

در زمان حمله‌ی کراسوس، اُرد پادشاه اشکانی بود. هنگامی که یکی از سپاهیان سر کراسوس را نزد اُرد برد، او مشغول تماشای نمایش نامه‌ای بود. مشهور است که سر کراسوس را جلوی پای اُرد انداختند. در این موقع، یکی از هنرپیشه‌ها آن سر را برداشت و با گفتن کلماتی، آن را به موضوع نمایش نامه مرتبط کرد.

آن ایالت از استقلال داخلی برخوردار بودند. دولت روم در آن جا دخالت می‌کرد و سعی داشت آن سرزمین را از ایران جدا سازد اما موفق نشد.

مسئله‌ی ارمنستان: سرزمین ارمنستان یکی از مهم‌ترین مسائل مورد منازعه میان ایران و روم بود. چرا که ارمنستان جزئی از قلمرو حکومت اشکانی بود اما شاهان



فرهنگ و تمدن عصر اشکانیان

حکومت اشکانی چگونه حکومتی بود؟ در حکومت اشکانیان، قدرت و نفوذ پادشاه هم چون قدرت و نفوذ پادشاهان هخامنشی نبود. حاکمان محلی از استقلال داخلی برخوردار بودند و شاه در تعیین آن‌ها نقش زیادی نداشت. در این دوره، مجلس مهستان در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور مثل تعیین جانشین برای پادشاه یا تصمیم‌گیری برای جنگ نقش زیادی داشت. اعضای این مجلس را رهبران مذهبی، شاهزادگان، حاکمان مناطق و فرماندهان سپاه تشکیل می‌دادند. آنان املاک وسیعی داشتند و افراد زیادی را در زیر دستشان به خدمت گرفته بودند تا روی زمین‌هایشان کار کنند یا خدمات دیگری انجام دهند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، شیوه‌ی حکومت اشکانیان چه نتایجی را در پی داشت؟

در اوایل دوره‌ی اشکانیان، نفوذ فرهنگ یونانی در میان اشراف هنوز از میان نرفته بود. به طوری که آثار آن در شیوه‌ی زندگی، تفریحات و سرگرمی‌ها و شیوه‌ی نگارش آنان دیده می‌شد. با گذشت زمان، کشمکش و رقابت بزرگان کشور بیش‌تر شد، به طوری که هیچ‌یک از آن‌ها برتری دیگری را نمی‌پذیرفت. ادامه‌ی این وضع موجب بروز آشفتگی و هرج و مرج و در نهایت، سقوط اشکانیان شد.

دین و اخلاق: در اوایل دوره‌ی اشکانی، مهرپرستی (میترائیسم) در ایران رواج بسیار داشت. در این زمان، مهرپرستی - مانند گذشته - آیین ساده‌ای نداشت که تنها شامل پرستش خورشید و قربانی کردن حیوانات باشد بلکه دارای پیچیدگی بسیار شده بود؛ به طوری که برای تربیت پیروان خود مراحل قابل‌شمار شده بود و به آنان آموزش اخلاق و آداب پهلوانی می‌داد. در این دوره مغ‌ها که از بزرگان کشور به حساب می‌آمدند، عهده‌دار، اداره‌ی آتشکده‌ها و امور معابد بودند.



یک جنگ‌جوی عصر اشکانی. به این جنگ‌جویان سواران سنگین اسلحه می‌گفتند. آیا می‌دانید چرا؟ به نظر شما، توانایی‌ها و محدودیت‌های این سواران چه بوده است؟

شرق ایران

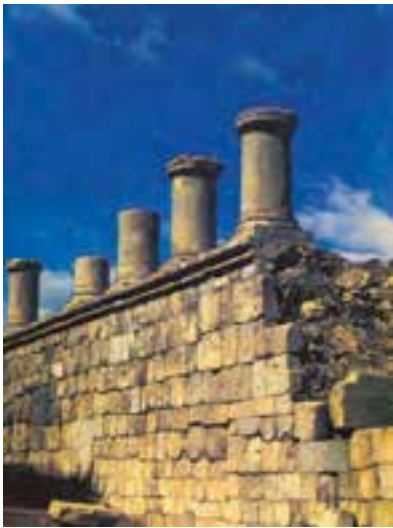
علاوه بر مسئله‌ی ارمنستان، هجوم مداوم قبایل ساکن در شرق ایران نیز همواره ذهن دولتمردان اشکانی را به خود مشغول کرده بود. یکی از این اقوام، کوشان‌ها بودند که دولتی نیز تشکیل داده و چون به آیین بودا گرویده بودند، موجب گسترش این آیین در مرزهای شرقی قلمرو اشکانی شدند.



مجسمه‌ی یک مرد پارتی. این مجسمه از مهم‌ترین آثار به جا مانده از دوره‌ی اشکانی است.

آنان در مجلس مهستان نیز حضور می‌یافتند.

همان‌گونه که گفته شد، از دوره‌ی اشکانی هم سنگ نوشته و هم پوست نوشته‌ها و نیز نوشته‌هایی بر روی ظروف سفالین باقی مانده که نشان‌دهنده‌ی خطّ رایج در آن زمان است. این نوشته‌ها هم به خطّ یونانی و هم به خطّ پهلوی اشکانی است. منشأ خطّ پهلوی اشکانی، خطّ آرامی بود که توسط دبیران نگاشته می‌شد. ظروف سفالی که به ویژه در نسا در نزدیکی عشق‌آباد کنونی، یافت شده، کمک ارزشمندی به شناخت تاریخ و فرهنگ عصر اشکانی کرده است.



تصویری از معبد آناهیتا در کنگاور

از جمله معابدی که در این دوره بسیار مورد توجه قرار گرفت، معبد آناهیتا بود. آناهیتا خدای آب‌ها بود و به اعتقاد مردم، شکل یک زن بود. در اوایل دوره‌ی اشکانی، دین یهود در غرب ایران پیروانی داشت. با ظهور مسیحیت، این دین در بخش‌هایی از ایران به‌ویژه ارمنستان پیروانی یافت. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در نواحی شرقی ایران نیز آیین بودایی گسترش پیدا کرد.

از آن‌جا که حکومت اشکانی در امور مذهبی مداخله‌ی زیادی نمی‌کرد، زمینه‌ی مناسبی برای افزایش پیروان مسیحیت و آیین بودا فراهم شد. موبدان زردشتی از این سیاست دینی اشکانیان ناراضی بودند. آنان عقیده داشتند که حکومت اشکانی باید از دین زردشتی حمایت کند. چنان‌که خواهید خواند، یکی از علل سقوط اشکانیان نارضایتی همین گروه از حکومت اشکانیان بود.

خطّ و زبان: در عصر اشکانی، هر یک از اقوام و ملیت‌های مختلف ساکن در ایران به زبان ویژه‌ی خود سخن می‌گفتند؛ مانند پارت‌ها، یونانی‌ها، یهودی‌ها و ...

یک توضیح

کتاب‌های ویس و رامین و سندبادنامه از کتاب‌های مشهوری‌اند که قرن‌ها بعد از عصر اشکانی و در دوره‌ی اسلامی تاریخ ایران به نگارش درآمدند. پژوهشگران داستان‌های این دو کتاب را مربوط به دوره‌ی اشکانی دانسته‌اند.

می‌شد؛ یعنی مربع بود و خیابان‌های آن، یک‌دیگر را قطع می‌کردند. در دوره‌ی اشکانی ساخت شهرهای دایره‌وار رواج یافت؛ یعنی شهرهایی که به شکل دایره بود و گرداگرد آن‌ها را دیواری از خشت فرا گرفته بود. شهرهای زمان اشکانیان عموماً شامل این قسمت‌ها بود:

– محلّ سکونت حاکم؛ در وسط شهر و به شکل

معماری و شهرسازی: در زمان اشکانیان علاوه بر شهرهای کهنی هم‌چون بابل، ری، همدان، مرو و بلخ، شهرهای دیگری مانند کنگاور و تیسفون نیز بازسازی یا ساخته شد. در کوه خواجه در سیستان نیز بقایای یک شهر اشکانی کشف شده است.

شهرهای عصر سلوکی به شیوه‌ی شطرنجی ساخته

یک قلعه؛

— خانه‌های بزرگان و اشراف؛

— خانه‌های سایر طبقات مردم چون کشاورزان، پیشه‌وران و صنعتگران.

هر شهر دارای معابد و بازار یا بازارهایی نیز بود. شهر معروف هاترا^۱ (الحضر) که در عراق امروزی قرار دارد، چون شهر مرزی میان ایران و روم بود، اهمیت زیادی داشت. این شهر دارای استحکامات و برج‌های دفاعی زیادی بود.

هنر عصر اشکانی: هنر عصر اشکانی، به خصوص در آغاز پیدایش و شکل‌گیری آن، تحت تأثیر هنر تمدن‌های مشرق‌زمین پیشین و یونان قرار داشت. پس از مدتی، با تلفیق آن هنرها، اشکانیان هنر خاص خود را پدید آوردند. متأسفانه، بیش‌تر آثار هنری دوره‌ی اشکانی طی گذشت زمان از بین رفته‌اند.

سکه‌ها نمونه‌های خوبی از وجود سبک‌های مختلف هنری در عصر اشکانی است؛ برای مثال، در برخی از این سکه‌ها چهره‌ی پادشاه به صورت نیم رخ است و در برخی به صورت تمام رخ. پژوهشگران سکه‌های نوع اول را متأثر از سکه‌های سلوکی و سکه‌های نوع دوم را سکه‌های سبک اشکانی دانسته‌اند (به تصویر زیر نگاه کنید).

از آثار هنری دوره‌ی اشکانی سلاح‌ها، ظرف‌های شیشه‌ای، کوزه‌ها، نقش برجسته‌ها، مجسمه‌های کوچک و هم‌چنین کارهای زیبایی بر روی عاج یافت شده است. در کوه خواجه در سیستان، آثار نقاشی‌های دیواری اشکانی پیدا شده است. به‌علاوه، در خرابه‌هایی چون نسا و دورا نقاشی‌هایی باقی مانده است که یادگار هنر آن عصرند. پژوهشگران با بررسی آثار باقی مانده از روم و ایران باستان دریافته‌اند که این دو بر یک‌دیگر تأثیر متقابل داشته‌اند. بدین ترتیب، روابط ایران و روم فقط به جنگ‌های دو کشور محدود نمی‌شد و جنبه‌های فرهنگی نیز داشت.



مجسمه‌ای از سنگ آهک مربوط به دوره‌ی اشکانی (قرن دوم میلادی)



در دوره‌ی اشکانیان عده‌ای به خوانندگی مشغول بودند. این خوانندگان به گوسان معروف بودند. گوسان‌ها با سازهای خود در کوچه‌ها و بازارها قدم می‌زدند و سرودهای زیبا می‌خواندند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- حکومت اشکانی چگونه تأسیس شد؟ توضیح دهید.
- ۲- علل و چگونگی جنگ‌های ایران و روم در دوره‌ی اشکانیان را توضیح دهید.
- ۳- وضعیت دینی ایران در دوره‌ی اشکانیان چگونه بود؟
- ۴- ویژگی‌های شهرسازی در دوره‌ی اشکانیان کدامند؟
- ۵- نظر شما در مورد نحوه‌ی حکومت و سیاست دینی حکومت اشکانی چیست؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی یکی از آثار تاریخی دوره‌ی اشکانی مطلبی بنویسید.
- ۲- مطلبی در مورد جریان و جزئیات یکی از جنگ‌های ایران و روم در دوره‌ی اشکانی بنویسید و علل و نتایج جنگ موردنظر را مشخص کنید.
- ۳- در دوره‌ی اشکانی اشعار حماسی که شخصیت‌های برجسته‌ی آن زمان را می‌ستود، مورد تشویق قرار می‌گرفت. یکی از قهرمانان دوره‌ی اشکانی را شناسایی و در چند سطر او را معرفی کنید.

ساسانیان

مقدمه

در این درس با آخرین حکومت ایران باستان آشنا می‌شوید. اگرچه طلوع این حکومت در آن زمان برای ایران و ایرانیان مفید بود اما غروب آن به معنای پایان بی‌عدالتی و محو آثار کبر و نخوت ساسانیان و وابستگی آن‌ها بود. با این حال، فرهنگ و تمدن ایران باستان در این دوره تداوم یافت و به صورت‌های مختلف جلوه‌گر شد. در این درس به اختصار با آن آشنا می‌شوید.

شامگاه اشکانیان، بامداد ساسانیان

برخوردار بودند. ساسان با دختر حاکم پارس، ازدواج کرد و از آن پس موقعیت اجتماعی بهتری پیدا کرد و توانست جانشین پدرزن خود شود. چندی بعد، در زمانی که خاندان اشکانی به دلیل اختلافات داخلی و جنگ‌های خارجی ضعیف شده بودند، اردشیر (نوه ساسان) به فکر دست یافتن به حکومت افتاد.

اردشیر بابکان بنیان‌گذار حکومت ساسانیان است. او نزد مورّخانی که در قرن‌های نخستین هجری می‌زیستند، پادشاهی خوش‌نام است. جدّ او، ساسان، موبدی زردشتی بود که ریاست معبد آن‌هیتا را در پارس به عهده داشت. از این‌رو، خاندان ساسان در پارس از نفوذ و احترام لازم



کرنامه‌ی اردشیر بابکان، کتابی است که سرگذشت اردشیر را بیان می‌کند.

مرکزی مقتدری ایجاد خواهد کرد و وسعت مرزهای ایران را به قبل از حمله‌ی اسکندر خواهد رساند. اردشیر تقریباً به وعده‌های خود عمل کرد. او پس از غلبه بر اردوان آخرین پادشاه اشکانی در چندین نبرد با حاکمان مناطق مختلف به پیروزی رسید. معابد بسیاری در شهرهای ایران

اردشیر می‌گفت که حکومت ملوک الطوائفی موجب آشفته‌گی اوضاع ایران شده است و نیز رواج ادیان و آیین‌های مختلف، دین زردشتی را تهدید می‌کند؛ او وعده می‌داد که اگر به قدرت برسد دین زردشتی را رسمیت خواهد بخشید و به جای شیوه‌ی ملوک الطوائفی حکومت

برپا کرد و به جنگ رومیان رفت؛ زیرا دولت روم که خبر سقوط اشکانیان را شنیده بود، فرصت را مغتنم شمرده و در امور ارمنستان دخالت می‌کرد. او قصد داشت در آن جا حکومتی دست‌نشانده ایجاد کند. (سرنوشت جنگ ایران و روم در زمان جانشین اردشیر، شاپور اول، روشن شد.)



بقایای یک کاخ مربوط به دوره‌ی ساسانیان در سرورستان فارس

فرمان‌روایی دو شاپور: اردشیر، پیش از این که بمیرد، پسرش، شاپور، را به جانشینی خود انتخاب کرد. شاپور پادشاهی شجاع بود. او در مدت فرمان‌روایی‌اش^۱ لشکرکشی‌های زیادی کرد. وی به ارمنستان رفت و حاکمی برای آن منصوب کرد. کوشان‌ها^۲ را در شرق ایران شکست داد. به‌ویژه، در جنگ‌هایی که با رومیان داشت به پیروزی رسید. مشهورترین نبرد او با رومیان، در زمان والرین^۳ امپراتور روم رخ داد که در آن، رومیان شکست خوردند و امپراتورشان اسیر ایرانیان شد. به دستور شاپور، خاطره این پیروزی را در چند نقش برجسته جاودانه ساختند. در فاصله‌ی مرگ شاپور و پادشاهی شاپور دوم چند تن دیگر به حکومت رسیدند ولی هیچ‌یک توانایی این دورا نداشتند. در این مدت، درباریان به دلیل ضعف پادشاهان در امور کشور دخالت می‌کردند و با یک‌دیگر به کشمکش می‌پرداختند. در این زمان، رومیان به پیروزی‌هایی دست یافتند و توانستند قسمت‌هایی از خاک ایران را تصرف کنند. غرب و شرق کشور نیز عرصه‌ی تاخت و تاز بیگانگان شد.



شاپور اول ساسانی پس از پیروزی بر رومیان و به‌اسارت درآوردن والرین امپراتور روم، دستور داد صحنه‌ی تسلیم‌شدن امپراتور روم را بر روی دیواره‌ی سنگی در فارس حک کنند. شما از این تصویر چه چیزهایی را برداشت می‌کنید؟

۱- ۲۷۱-۲۴۱ میلادی.

۲- Kouchana

۳- Valerius



قلمرو ساسانیان

سنگین، جلوگیری از تبلیغ مسیحیت و حتی آزار و اذیت آن‌ها دست زد. در این راه، موبدان زردشتی محرک و مشوق شاپور بودند.^۱

عصر انوشیروان: در فاصله‌ی مرگ شاپور دوم تا ظهور انوشیروان، چندین تن دیگر به حکومت رسیدند که دو تن از آنان از بقیه مشهورترند: بهرام گور و قباد. بهرام گور به جنگ هپتال‌ها^۲ رفت و پس از مدت‌ها توانست آنان را سرکوب کند. هپتال‌ها اقوامی بیابانگرد در شمال شرق ایران بودند که با حملات مکرر خود به شمال خراسان موجب ناامنی و زحمت مردم آن نواحی می‌شدند.

شاپور دوم، سومین پادشاه قدرتمند ساسانی بود^۱ که توانست به اوضاع کشور سروسامان بدهد. اعرابی را که موجب ناامنی در جنوب کشور بودند به شدت تنبیه کرد، ترکان ساکن شمال شرق را شکست داد و در نبرد بزرگ بر رومیان پیروز شد.

از دیگر اقدامات شاپور دوم سخت‌گیری نسبت به عیسویان ایران است. در این زمان، دین مسیحی در روم رسمی شده بود. در نتیجه، مسیحیان ایران مورد سوءظن شاپور قرار گرفتند. او آن‌ها را به چشم طرفداران روم نگاه می‌کرد، زیرا در جنگ با امپراتوری روم به شاه کمک نمی‌کردند. در نتیجه، به اقداماتی چون گرفتن مالیات‌های

۱- ۳۷۹-۳۱۰ میلادی.

۲- مشکل مسیحیان با دولت ساسانیان سال‌ها ادامه داشت تا عاقبت در اواخر قرن پنجم میلادی، مسیحیان ایران اعلام کردند که در امور دینی خود مستقل هستند و از مسیحیان روم پیروی نمی‌کنند. در نتیجه، از فشار به آن‌ها کاسته شد و مسیحیان آزادی نسبی به دست آوردند.

۳- Hephthalites

قباد دست به کار شدند. آنان قباد را بر کنار ساختند و مزدک را زندانی کردند. مدتی بعد، قباد به کمک پادشاه هپتال‌ها دوباره به قدرت رسید و این بار برای حفظ قدرت از حمایت مزدک و طرفدارانش دست کشید. در نتیجه، مزدک و بسیاری از آنان به دست بزرگان خاندان ساسانی به قتل رسیدند. در این کار، انوشیروان نیز با بزرگان همراه بود.

خسرو انوشیروان در شرایطی به قدرت رسید که حکومت ساسانی با بحرانی جدی روبه‌رو بود. او برای سروسامان دادن به اوضاع کشور اصلاحاتی انجام داد؛ از جمله: ۱- ارتش را از نو سازماندهی کرد، ۲- تقسیمات کشوری را تغییر داد ۳- روش جدیدی برای گرفتن مالیات برقرار نمود.

روابط ایران و روم در دوره‌ی سلطنت انوشیروان، بسیار متغیر بود. این روابط گاه دوستانه بود و بین دو کشور تبادل سفیر در جریان بود و گاه درگیری‌های مرزی در می‌گرفت. سرانجام دو کشور قرارداد صلحی امضا کردند که سال‌ها دوام داشت.

قباد نیز وارث مشکلات بسیاری بود. البته برای حل آن‌ها تلاش کرد اما توفیق زیادی نیافت. هم‌زمان با روی کار آمدن قباد، جنگ‌های مکرر در شرق و غرب ایران ساسانیان را سر درگم کرده بود. به علاوه کشمکش با بزرگان که مدام در امور کشور دخالت می‌کردند و برای کسب قدرت با یک‌دیگر به رقابت می‌پرداختند، شاهان ساسانی را دچار زحمت می‌کرد. از طرفی، مالیات‌های سنگین و ستم بر مردم، پریشانی اوضاع را بدتر می‌ساخت. وقوع خشک‌سالی نیز بر مشکلات افزود و قباد را در وضعیت سختی قرار داد.

در چنین شرایطی **مزدک** ظهور کرد. او خود از اشراف بود اما اندیشه‌های تازه‌ای درباره‌ی شیوه‌ی اداره‌ی کشور مطرح کرد؛ از جمله، خواهان توزیع آذوقه در میان مردم قحطی‌زده و کاهش قدرت بزرگان (فرماندهان نظامی، زمینداران و...) بود. قباد، مزدک را وسیله‌ای برای کاهش قدرت بزرگان دید؛ بنابراین، او را به خود نزدیک کرد اما گروهی از بزرگان که وجود مزدک را به زیان خود می‌دیدند با طرح این شعار که مزدک از اصول دین زردشتی منحرف شده است، علیه او و



طاق کسری یا ایوان مداین مشهورترین اثر به‌جامانده از عصر ساسانی است که در کشور عراق امروزی قرار دارد. این بنا در فرهنگ و ادبیات ایرانیان به‌عنوان مظهر ناپایداری اوضاع جهان شناخته شده است.

یکی از زمینه‌های رقابت ایران و روم در زمان خسرو انوشیروان، سرزمین یمن بود که به دلیل قرارگرفتن در مسیر تجارت دریایی اهمیت داشت. انوشیروان به منظور خارج کردن یمن از دست حاکم دست‌نشانده‌ی روم، سپاهی را به فرماندهی وهرز دیلمی به یمن فرستاد. این سپاه یمن را تصرف کرد و حکومت آن‌جا به دست ایرانیان افتاد. ایرانیان ساکن در یمن در زمان ظهور اسلام، مسلمان شدند.

موبدان و سایر درباریان را در پی داشت و از عوامل برکناری و قتل خسرو پرویز در چند سال بعد شد.

خسرو پرویز پادشاهی خوش‌گذران بود؛ به‌طوری که صدها رامشگر و آوازه‌خوان در دربار او وجود داشتند. او در عین حال مردی متکبر و خودپسند بود و همین نکته موجب رنجش و نفرت اطرافیان از وی شد؛ برای نمونه می‌توان به برخورد او با فرستادگان پیامبر اسلام اشاره کرد که موجب بدنامی این شاه در تاریخ شد.

مدتی از فرمان‌روایی خسرو نگذشته بود که امپراتور روم^۲ و خانواده‌اش در توطئه‌ای به قتل رسیدند. در نتیجه، خسرو به بهانه‌ی انتقام خون پدرزنش به صلح ایران و روم پایان داد و به روم لشکر کشید. در این لشکرکشی، ابتدا پیروزی‌های زیادی نصیب خسرو پرویز شد اما همان‌گونه که قرآن (در سوره‌ی روم) پیش‌بینی کرده بود، شکست خورد و از مقابل سپاه روم گریخت. در بازگشت نیز از بدرفتاری با اطرافیان دست نکشید. سرانجام، علیه او شورش کردند، روانه‌ی زندانش نمودند و پسرش، شیرویه، را به جانشینی او انتخاب کردند. از آن پس، حکومت ساسانی بیش‌ازپیش به سراشیبی سقوط افتاد و به قول یکی از مورخان، به بحرانی دچار شد که نجات از آن جز با حمله‌ی مسلمانان میسر نگشت.

مسئله‌ی هپتال‌ها: سپس نوبت به حکومت هپتال‌ها رسید. فرمان‌روای هپتال‌ها در جنگ‌های خسرو با رومیان، جانب رومی‌ها را گرفت و علیه ایران جنگید؛ زیرا آنان از تسلط ایران بر جاده‌ی ابریشم ناراضی بودند و خواهان روابط بازرگانی بدون واسطه‌ی ایران بودند. انوشیروان در یک لشکرکشی موفقیت‌آمیز، شکست سختی بر هپتال‌ها وارد کرد و برای همیشه به حکومت آنان خاتمه داد.

میان‌پرده‌ی خسرو پرویز

پس از خسرو اول، حکومت مرکزی دوباره دچار ضعف شد. شورش یکی از فرماندهان نظامی به نام بهرام چوبین علیه هرمز، جانشین خسرو، از جمله عوامل آشوب و ناامنی بود. در این میان خسرو پرویز، پسر هرمز، که به روم گریخته بود به کمک امپراتور روم توانست به ایران بازگردد و تاج و تختی را که از آن خود می‌دانست، تصرف کند. او با کشتار مخالفان، کوشید پایه‌های قدرتش را محکم کند. خسرو پرویز آخرین پادشاه مشهور ایران باستان^۱ است. او در بازگشت از روم با یکی از دختران امپراتور به نام مریم ازدواج کرده بود. یکی دیگر از زنانش به نام شیرین نیز مسیحی بود. نتیجه‌ی انس با این دو، نفوذ مسیحیان در دربار و آزادی بیش از حد آنان بود؛ عاملی که ناخرسندی

۲- مورس.

۱- ۶۲۷-۵۹۰ میلادی.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا حکومت‌های هپتال و روم که از دشمنان ایران بودند، هر یک در مقطعی خاص از یکی از پادشاهان معزول یا شکست خورده‌ی ایرانی (قباد و خسرو پرویز) حمایت کردند و آن‌ها را به پادشاهی بازگرداندند؟

فرهنگ و تمدن ایران عصر ساسانی

اوضاع اجتماعی: آن‌چه تاکنون خواندید، حدود ۴۰۰ سال تاریخ سیاسی ساسانیان بود. بیش‌ترین سال‌ها در جنگ‌ها و کشمکش‌های سیاسی طی شد. اما باید توجه داشته باشید که دوران حکومت ساسانیان همه در جنگ و خون‌ریزی نمی‌گذشت بلکه در این دوران طولانی، ایران یکی از دو قدرت بزرگ جهان بود. ایران شهرها و روستاهای آبادی داشت که جمعیت آن‌ها را کشاورزان، گله‌داران، پیشه‌وران، صنعتگران، تاجران و ... تشکیل می‌دادند. روستاییان ایرانی با آن‌که زندگی خوبی نداشتند و همواره فشار مالیات‌ها بر دوش آنان سنگینی می‌کرد و از ترقی و دست‌یابی به مشاغل بالای اجتماعی محروم بودند، چندان شکایتی از زندگی خود نداشتند زیرا تبلیغات ساسانیان به آنان باورانده بود که خون آن‌ها با خون اشراف‌زادگان و بزرگان متفاوت است؛ یکی زاده شده بود تا کشاورز شود و دیگری به دنیا آمده بود تا آقای او باشد. توده‌ی مردم به دین زردشتی اعتقاد داشتند و براساس آموزه‌های آن زندگی می‌کردند. تعلیم و تربیت، ازدواج، شرکت در مراسم جشن و سرور یا عزاداری و بسیاری امور دیگر آن‌ها براساس تعالیم دین زردشتی و آداب کهنی که از دوران قبل بر جا مانده بود، برگزار می‌شد. آنان هنگام

صلح زندگی نسبتاً آرامی داشتند و هنگام جنگ به اجبار یا به انگیزه‌های دینی و ملی به صف سپاهیان می‌پیوستند و به نبرد با دشمنان می‌پرداختند.

جامعه‌ی عصر ساسانی، جامعه‌ای طبقاتی بود. در یک طرف بزرگان قرار داشتند که شامل خاندان شاهی، خاندان‌های قدیمی^۱، حاکمان ولایات و مقامات دولتی و نظامی می‌شدند و در طرف دیگر، توده‌ی مردم بودند؛ یعنی کشاورزان، صنعتگران و پیشه‌وران. ارتقا از طبقه‌ی دوم به طبقه‌ی نخست غیرممکن بود.

عصر ساسانی، به‌ویژه عصر انوشیروان، دوران شکوفایی فرهنگی و تمدن ایران باستان است. گرچه این فرهنگ و تمدن تا حدّ زیادی درباری بود و با دستگاه حاکم ارتباط بسیاری داشت، با این حال، بقایای آن نشانگر ذوق و استعداد دانشمندان، هنرمندان و ادیبان ایرانی است؛ به طوری که حتی با ظهور اسلام، میراث تمدن ساسانیان تداوم یافت و به حیات خود ادامه داد؛ مانند طاق و ایوان در معماری ساسانی که در مساجد اسلامی جلوه‌گر شد یا آثاری چون کلیله و دمنه^۲، ویس و رامین و مضامین ادبی که در دوران اسلامی نیز به حیات خود ادامه داد.

اگر چه شاهان ساسانی در شیوه‌ی حکومت، روشی جز استبداد نمی‌شناختند، خون انسان‌های پیرامونشان از نظر آنان ارزشی نداشت و به راحتی دستور قتل و حبس خطاکاران را صادر می‌کردند اما برخی از آنان مانند شاپور و انوشیروان به دانش و گسترش آن علاقه داشتند.

دین: خاندان ساسانی پس از به قدرت رسیدن، برای توسعه‌ی دین زردشتی کوشش بسیار کردند؛ آتشگاه‌های زیادی در گوشه و کنار ایران بر پا نمودند، زمین‌های کشاورزی را وقف آن‌ها کردند و موبدان را ارتقا بخشیدند. موبدان اجرای مراسم دینی و آموزش احکام دین زردشت

۱- واسپوهران.

۲- اصل این اثر از هند بود که توسط برزویه‌ی طبیب، در دوره‌ی انوشیروان به ایران آورده شد و به زبان پهلوی ترجمه گردید.

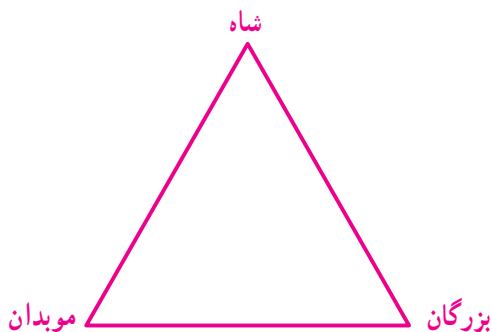
نویسندگانی است که اهمیت تصویر در آموزش را دریافته بود. به همین دلیل، کتاب ارزشنگ وی که مخصوص مردم عادی نوشته شده بود، تصاویر زیادی داشت.

مزدک آیین تازه‌ای با خود نیاورد و علاوه بر گرایش‌های اجتماعی و سیاسی تفسیر تازه‌ای از موضوع نور و ظلمت ارائه کرد. مزدک معتقد بود که پیروزی خیر بر شر قطعی است و وظیفه‌ی مردم یاری رساندن به خیر است. هرچند او نیز توسط مخالفانش به قتل رسید اما اندیشه‌هایش تا چند قرن از بین نرفت و پیروانش اندیشه‌های وی را گسترش دادند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، ظهور آیین‌های مزدک و مانی نشانگر چه مسائلی در دوره‌ی ساسانی است و این آیین‌ها چه پیامدهایی داشت؟

عده‌ای از ایرانیان نیز یهودی، مسیحی و بودایی بودند. از این میان، مسیحیت رقیب سرسخت آیین زردشت به حساب می‌آمد اما با انقراض حکومت ساسانی و گسترش اسلام در ایران همه‌ی آن‌ها نفوذ گسترده‌ی خود را از دست دادند. اداره‌ی کشور: ساسانیان خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند؛ بنابراین، می‌کوشیدند شیوه‌ی کشورداری آنان را احیا کنند و مورد تقلید قرار دهند. به‌طور کلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت در زمان ساسانیان را می‌توان به کمک مثلث زیر نشان داد.



را به‌عهده داشتند و رئیس آنان را موبدان موبد می‌گفتند. در بیش‌تر روستاها و شهرها آتشکده‌ای قرار داشت اما در سراسر کشور سه آتشکده از بقیه مهم‌تر بودند:

۱- آتشکده‌ی آذر فرنیغ در فارس؛ مخصوص موبدان

۲- آتشکده‌ی آذرگشنسب در آذربایجان؛

مخصوص شاهان و جنگ‌جویان

۳- آتشکده‌ی آذربرزین مهر در خراسان؛ مخصوص

کشاورزان.

صابئین: آیین پیروان حضرت یحیی است که طرفداران آن بیش‌تر در میان دورود می‌زیستند. صابئین مراسم دینی و آداب و رسوم ویژه‌ای داشتند؛ مثلاً، خوردن گوشت گاو را حرام می‌دانستند و نماز صبح را پس از طلوع آفتاب می‌خواندند.

مانویان و مزدکیان: مانی از دانشمندی بود که در زمان شاپور اول ظهور کرد. او با ادیان و اندیشه‌های عصر خود آشنایی کافی داشت و اختلاف مذاهب مختلف همواره ذهنش را مشغول می‌داشت. از این‌رو، سعی کرد با گزینش بخش‌هایی از آموزه‌های ادیان مسیحی، زردشتی، بودایی و ...، آیین جدیدی به‌وجود آورد. او به واسطه‌ی هنر و دانش خود به شهرت رسید و به دربار راه یافت و اندیشه‌های خود را به شاپور عرضه کرد. شخصیت مانی توجه شاپور را به خود جلب کرد. او، مانی را در تبلیغ اندیشه‌های خود آزاد گذارد اما موبدان که از این کار ناخرسند بودند علیه مانی دست‌به‌کار شدند و شاپور را واداشتند تا از حمایت او دست بکشد. سرانجام، در زمان بهرام اول فرمان قتل مانی را از شاه گرفتند ولی پیروان او دست از اعتقادات خود برنداشتند. آیین مانی به‌مرور توسط پیروانش در ایران و به‌ویژه در آسیای مرکزی، طرفداران زیادی یافت. مانی چندین کتاب نوشت که از آن میان، ارزشنگ شهرت بیش‌تری دارد. او از نخستین

همان‌گونه که خواندید، بزرگان شامل کسانی هم‌چون اعضای خاندان سلطنتی، مقامات دولتی و فرماندهان سپاه بودند. اگر شاه فردی قدرتمند بود، از نفوذ بیش از حد بزرگان و موبدان کاسته می‌شد و اگر کفایت لازم را نداشت، دو ضلع دیگر این مثلث قدرت بیش‌تری می‌یافتند.

در دوران ساسانی، هریک از امور مالی، اقتصادی، کشاورزی، اداری و ... زیر نظر فردی که ریاست آن‌را به‌عهده داشت، اداره می‌شد. در رأس آنان، وزیر اعظم قرار داشت که نزدیک‌ترین فرد به شاه بود و می‌توانست در او نفوذ بسیار داشته باشد.

هریک از استان‌ها و شهرهای کوچک و بزرگ حاکمی داشت که امور آن‌را اداره می‌کرد. شیوه‌ی کشورداری ساسانیان بعدها مورد تقلید بنی‌عباس و حکومت‌های پس از آنان قرار گرفت.

خط، ادبیات و آموزش: مشهورترین خط‌های رایج در عصر ساسانیان، خط پهلوی اشکانی و خط پهلوی ساسانی است. این خط‌ها از خط آرامی اقتباس شده بود و همه‌ی مکاتبات اداری، نوشته‌های ادبی و تاریخی و کتیبه‌های شاهان ساسانی بر سینه‌ی صخره‌ها و ... به این خط‌ها نوشته می‌شد. از بسیاری از شاهان ساسانی، کتیبه‌های متعددی باقی‌مانده است که چگونگی فتوح، تاج‌گذاری و ... را بیان می‌کند و ارزش ادبی و تاریخی فراوانی دارد.

در زمان ساسانیان تنها فرزندان بزرگان آموزش می‌دیدند و فرزندان مردم عادی از آموزش محروم بودند. آن‌ها بیش‌تر مطالب اوستا را آموزش می‌دیدند. تیراندازی، چوگان بازی و شنا از دیگر کارهایی بود که جوانان به آن مشغول می‌شدند تا هنگام جنگ آمادگی لازم را داشته باشند. جندی‌شاپور از مراکز مهم آموزش و پژوهش بود و دانشمندان و پزشکان بسیاری در آن به‌کار و پژوهش مشغول بودند. انوشیروان عده‌ای را برای کسب علوم به

هند فرستاد. او عده‌ای از فلاسفه‌ی یونان را که از تنگ نظری و تعصب مسیحیان روم، به ایران پناهنده شده بودند به‌گرمی پذیرفت و از آنان حمایت کرد.

معماری و حجاری: خرابه‌های چندین کاخ و آتشگاه در فیروزآباد، بیشاپور و ... جلوه‌گاه معماری عصر ساسانی است. معماران این دوره در اوایل دنباله‌رو معماران عصر اشکانی بودند اما با گذشت زمان، در بنای کاخ‌ها و آتشگاه‌ها شیوه‌ها و سبک‌هایی در پیش گرفتند که در گذشته فراگیر نبود؛ مانند استفاده از طاق و ایوان؛ با استفاده از طاق، دیگر به برپایی ستون نیاز چندانی نبود. معماران عصر ساسانی از گچ‌بری‌های زیبا و گاه کاشی‌کاری استفاده می‌کردند. کاخ‌هایی مانند کاخ تیسفون (معروف به ایوان کسری) و کاخ فیروزآباد در زمان خود شکوه و جلال زیادی داشتند و چشم همگان را خیره می‌کردند. شاهان ساسانی در این کاخ‌ها به اداره‌ی امور می‌پرداختند، دستورات لازم را صادر می‌کردند، فرستادگان حکومت‌های دیگر را به حضور می‌پذیرفتند و نیز به تفریح و خوش‌گذرانی می‌پرداختند.

برخلاف بناها و شهرهای دوره‌ی ساسانی که در گذر زمان جز خرابه‌هایی از آن‌ها باقی‌نمانده است، نقش برجسته‌های فرمان‌روایان ساسانی در فارس، کرمانشاه و ... - با گذشت صدها سال - تا اندازه‌ای سالم مانده و مورد توجه پژوهشگران است. موضوع این نقش برجسته‌ها شامل مراسم تاج‌گذاری، جنگ و شکار شاهان ساسانی است.

هنر و صنعت: علاوه بر فعالیت‌های هنری ذکر شده در عصر ساسانی، قالی‌بافی، پارچه‌بافی، فلزکاری و شیشه‌گری نیز رونق به‌سزایی یافت. در این عصر، پارچه‌های ساخت ایران در روم مشتریان زیادی داشت. فلزکاران ماهر در خدمت شاهان و شاهزادگان بودند و برای آنان ظروف بسیار ظریف و زیبایی از طلا و نقره می‌ساختند.

نمونه‌هایی از این ظروف امروزه در موزه‌های اروپا توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان را به خود جلب می‌کند.



یک ظرف نقره‌ای مربوط به دوره‌ی ساسانی. به نظر شما، نقوش روی این ظرف چه آگاهی‌هایی در مورد دوره‌ی ساسانیان در اختیار ما می‌گذارد. راجع به این موضوع در کلاس بحث کنید یا مطلبی در چند سطر بنویسید.

در آن زمان، موسیقی نیز رونق داشت. موسیقی‌دانان و آوازه‌خوان‌های دربار را هُنیَاگَر (خُنیاگَر) می‌گفتند. آنان برای شاهان انواع ترانه‌ها را می‌ساختند و به مناسبت‌های مختلف اجرا می‌کردند. خسرو پرویز بیش از سایر شاهان ساسانی به موسیقی علاقه داشت؛ به طوری که ساعات خود را به چهار قسمت تقسیم کرده بود و یک قسمت آن را به شنیدن موسیقی اختصاص داده بود.



یک سکه‌ی دوره‌ی ساسانی از جنس طلا مربوط به زمان شاپور اول. چه چیزهایی را بر روی این سکه می‌بینید؟

یک توضیح

باربد از مشهورترین موسیقی‌دانان و آوازه‌خوان‌های این دوره است. او بسیار علاقه‌مند بود که به دربار خسرو پرویز وارد شود اما خنیاگر دربار، نکیسا، به او اجازه این کار را نمی‌داد. عاقبت، روزی باربد در بالای درختی که در مسیر شاه بود، پنهان شد و به خواندن آواز مشغول گشت. شاه با شنیدن صدای باربد بدان علاقه‌مند شد و سراغ او را گرفت. از آن پس، وی نیز به گروه خنیاگران خسرو پرویز پیوست و به شهرت زیادی دست یافت.

نقش به‌سزایی داشتند. مالیاتی که از بازرگانان و کشاورزان دریافت می‌شد، ثروتی انبوه بود که صرف مخارج دولتی و زندگی پر تجمل خاندان ساسانی، بزرگان و حاکمان می‌شد. ساسانیان برای حفظ جاده‌ی ابریشم و تسلط بر آن تلاش زیادی می‌کردند.

بازرگانی: در این دوره، جاده‌ی ابریشم جولانگاه کاروان‌های بازرگانی بود. این کاروان‌ها کالاهای ساخت چین، هند، ایران و روم را از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌بردند. در خلیج فارس صید مروارید رواج داشت. هم‌چنین شهرهای میناب، سیراف و بوشهر در بازرگانی این دوره

پرسش‌های نمونه

- ۱- اردشیر بابکان اهداف حکومت خود را چه چیز اعلام کرد و پس از رسیدن به حکومت چه اقداماتی انجام داد؟
- ۲- اوضاع ایران در فاصله‌ی حکومت شاپور اول و شاپور دوم چگونه بود؟
- ۳- برخورد شاپور دوم با مسیحیان چگونه بود؟ علت آن چه بود؟
- ۴- انوشیروان چه اقدامات مهمی انجام داد؟
- ۵- ترکیب جامعه در عصر ساسانی چگونه بود؟ آن را با دوره‌های هخامنشی و اشکانی مقایسه کنید.
- ۶- علت ظهور اندیشه‌های مانوی و مزدکی در دوره‌ی ساسانی چه بود؟
- ۷- جایگاه ایران عهد ساسانی را در جهان معاصر با آن چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی روابط فرهنگی ایران با دیگر کشورها در عصر ساسانی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- یکی از بناها و نقش برجسته‌های دوره‌ی ساسانی را در چند صفحه توصیف کنید.
- ۳- دوران حکومت و اقدامات خسرو انوشیروان را با حکومت و اقدامات داریوش اول هخامنشی مقایسه و ارزیابی کنید.

بخش سوم

ظهور اسلام،
حرکتی تازه در
تاریخ

طلوع اسلام

مقدمه

در درس‌های قبل با تحولات تاریخ ایران و جهان در آستانه‌ی ظهور اسلام آشنا شدید. اسلام در شبه جزیره‌ی عربستان ظهور کرد، اما ظهور آن علاوه بر ایجاد تحول در این منطقه، سرآغاز تحولات بزرگی در سرزمین‌های مجاور آن مانند ایران و حتی سراسر جهان بود. بنابراین آشنایی با تاریخ اسلام، گذشته از آن که برای ما مسلمانان دارای اهمیت دینی است، به دلیل ارتباط گسترده‌ی آن با تاریخ کشور ما ایران و اهمیت آن در شناسایی تحولات تاریخی جهان ضروری است.

شبه جزیره‌ی عربستان

عربستان مسکن دیرینه‌ی اقوام سامی است. کلمه‌ی

عرب به معنی بدوی و صحرائنشین است. بیش‌تر ساکنان این شبه جزیره را بادیه نشینان تشکیل می‌دادند که معیشت آنان از طریق پرورش معدودی بز و شتر تأمین می‌شد، شماری نیز شهرنشین بودند و در اندک شهرهای شبه جزیره به تجارت و کشاورزی اشتغال داشتند.

عربستان بزرگترین شبه جزیره‌ی دنیاست که در جنوب غربی آسیا قرار دارد. اطراف آن را آب‌های خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند و دریای سرخ فراگرفته و شمال آن به وسیله‌ی ریگ‌زارهای وسیعی که به عراق و اردن محدود می‌شود، پوشیده شده است.



شبه جزیره‌ی عربستان

مسائل کوچک و بزرگ در جنگ و کشمکش به سر می‌بردند. جنگ‌هایی که گاه سال‌ها به طول می‌انجامید و جز گسترش کینه و تشدید خشونت و بی‌رحمی، نتیجه‌ی دیگری نداشت. ریش سپیدان قبیله از میان خود فردی را که به شجاعت، سخاوت و تدبیر شناخته شده بود به ریاست قبیله برمی‌گزیدند. رئیس یا شیخ قبیله که مورد احترام همه‌ی افراد قبیله بود، ضمن برخورداری از امتیازاتی ویژه، با هرگونه خطا و سرپیچی افراد از مقررات و سنت‌های قبیله برخورد می‌کرد.

نظام اجتماعی: زندگی در سرزمین عربستان به دلیل شرایط جغرافیایی و آب و هوای گرم و خشک، بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. شرایط سخت زندگی و محدودیت منابع طبیعی، خلق و خو و شکل زندگی ساکنان آن سرزمین را تحت تأثیر قرار داده بود. زندگی اعراب شکل قبیله‌ای^۱ داشت. افراد قبیله نسبت به یکدیگر و حفظ آداب و رسوم و مقررات قبیله تعصب و احساس مسئولیت ویژه‌ای داشتند و در مقابل از حمایت بی‌چون و چرای قبیله برخوردار بودند. قبایل همواره با یکدیگر برسر

یک توضیح

کشته شدگان بی‌گناه

در جنگ‌های قبیله‌ای زنان بیش از مردان آسیب می‌دیدند و در جریان غارت قبیله‌ی شکست خورده، کشته شده یا به اسارت و بردگی گرفته می‌شدند که این خود عامل خفت قبیله‌ی شکست خورده تلقی می‌گردید. افزون بر آن به سبب این که زنان نمی‌توانستند مانند مردان بجنگند و از قبیله‌ی خود دفاع کنند، موجوداتی پست و ناچیز و عامل ننگ و بدنامی قبیله به شمار می‌آمدند. سنت دلخراش زنده به‌گور کردن نوزادان دختر هم به این دلایل در میان بسیاری از قبایل عرب رایج شد. زنان جز در برخی خانواده‌های سرشناس از حق مالکیت برخوردار نبودند.

با شرک سپری گشت. با گذشت زمان، از آیین و تعالیم ابراهیمی، جز خاطرات پراکنده و برخی سنت‌ها نظیر زیارت کعبه چیزی باقی نماند. در آستانه‌ی بعثت رسول اکرم(ص) شمار معدودی از اعراب، یکتاپرست و پیرو آیین ابراهیمی بودند و به روز رستاخیز ایمان داشتند. این عده که خود

ادیان رایج در شبه جزیره‌ی عربستان (از خاطره‌ی توحید تا انحطاط شرک)

خانه‌ی خدا در شهر مکه، یادگار حضرت ابراهیم(ع)، پیامبر بزرگ الهی و فرزند او حضرت اسماعیل(ع) بود. زندگی آنان به ترویج یکتاپرستی و مبارزه

۱- قبیله به مجموع خانواده‌هایی گفته می‌شد که با یکدیگر ارتباط خونی و نسبی داشتند. وقتی قبیله‌ای گسترش می‌یافت، هر یک از آن خانواده‌ها، تحت عنوان یک تیره نوعی استقلال پیدا می‌کردند و با سایر تیره‌های قبیله‌ی خود به رقابت و کشمکش می‌پرداختند.

عبادت‌کده‌هایی برای تبلیغ مسیحیت میان اعراب برپا داشتند. مهم‌ترین مرکز مسیحیت در شبه جزیره‌ی عربستان، شهر نجران در جنوب آن شبه جزیره بود.

مکه و ساکنان آن: مکه شهر کوچکی در منطقه‌ی حجاز بود که گرچه از کمبود آب، هوای گرم و بیماری‌هایی چون وبا رنج می‌برد، اما به دو دلیل از رونق اجتماعی و اقتصادی برخوردار بود: **۱- وجود خانه‌ی کعبه**

۲- تجارت با شام و یمن

در میان قبایل شبه جزیره‌ی عربستان، قریش به دلیل داشتن امتیاز سرپرستی خانه‌ی کعبه و تجارت با شام، از اهمیت، قدرت و اعتبار بیشتری برخوردار بود.



را حنفا می‌نامیدند، بیشتر در شهر مکه سکنا یافته بودند. اکثریت مردم این شبه جزیره پیرو عقاید دیگری بودند:

۱- شرک و بت پرستی: مهم‌ترین صفتی که قرآن مجید به عرب عصر جاهلیت نسبت داده، شرک و پرستش بت‌هایی است که با دست خود می‌ساختند^۱. گرچه هر قبیله بت‌های خود را داشت، اما برخی بت‌ها مانند لات (خدای خورشید و مادر خدایان)، منات (خدای سرنوشت و مرگ) و عززی (خداوند زهره) از جمله بت‌های مورد احترام غالب قبائل بودند. خانه‌ی خدا که مردم از سراسر شبه جزیره در ماه‌های حرام^۲ برای زیارت آن به مکه می‌آمدند، به بتخانه‌ای مملو از بت‌های رنگارنگ تبدیل شده بود. بت پرستان تقریباً همگی بی‌سواد و تابع بی‌چون و چرای عقاید و سنت‌های خرافی بودند که در میان آن‌ها رواج داشت.

۲- دین یهود: گذشته از یهودیان ساکن در یمن، بیشتر یهودیان شبه جزیره‌ی عربستان در یثرب و اطراف آن زندگی می‌کردند.^۳ روحانیون یهودی که حبر خوانده می‌شدند، در «بیت‌المدارس» به تدریس تورات و احکام شرعی می‌پرداختند و حتی در مواردی پاسخگوی سؤالات یا داور نزاع و اختلافات اعراب بت پرست نیز بودند.

۳- دین مسیح: دین مسیح ابتدا در میان اعراب ساکن در شام و عراق پیروانی یافت. سپس مبلغان مسیحی در میان اعراب بیابان‌نشین نیز به تبلیغ پرداختند. راهبان مسیحی در محل استراحت کاروان‌های تجاری،

۱- گرچه اعراب جاهلی به خدایی برتر به نام الله اعتقاد داشتند اما بت‌ها را به عنوان واسطه یا شفیع تلقی می‌کردند که باعث نزدیکی آن‌ها به خدایی بزرگ‌تر می‌شدند. قرآن نیز به این باور خرافی اشاره کرده است. (سوره زمر/ آیه ۴)

۲- چون جنگ‌های دائمی میان قبایل مانع رفت و آمد ایمن آنان به مکه و زیارت کعبه می‌شد، اعراب بر اساس سنتی کهن هرگونه جنگ و نزاع را در چهار ماه سال یعنی ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب ممنوع می‌دانستند و به آن ماه‌های حرام می‌گفتند. این سنت پس از ظهور اسلام نیز به عنوان یک حکم دینی مورد تأیید قرار گرفت.

۳- برخی معتقدند یهودیان عربستان، از قوم عرب نبودند بلکه از تبار یهودیان مناطق دیگری بودند که به دلایل متعددی به سرزمین‌های مختلف از جمله شبه جزیره‌ی عربستان مهاجرت کرده بودند.

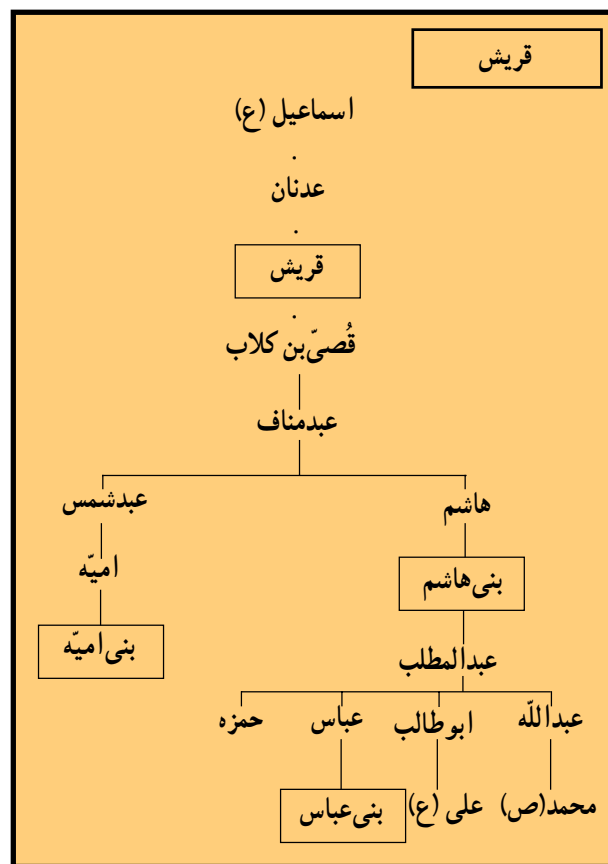
سود سرشار ناشی از تجارت و رباخواری و فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی روز به روز بر ثروت، رفاه و انواع آلودگی‌های اخلاقی بزرگان و رؤسای خانواده‌های بزرگ قبیله‌ی قریش می‌افزود و رنج و مشقت طبقات فرودست و به ویژه جمعیت رو به فزونی بردگان را افزایش می‌داد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا وجود خانه‌ی کعبه موجب رونق اجتماعی و اقتصادی شهر مکه شده بود؟

عبدالمطلب بن هاشم، محترم‌ترین شخصیت قریش و سرشناس در آن روزگار، نوزادی به دنیا آمد که او را محمد (ستوده) نامیدند.^۱ پدرش عبدالله و مادرش آمنه بود. دوره‌ی کودکی خود را در بادیه نزد زنی به نام حلیمه گذراند.^۲ پس از درگذشت زود هنگام والدینش، دوران خردسالی و نوجوانی وی نزد پدر بزرگش عبدالمطلب، و پس از وی در خانه‌ی عمویش ابوطالب، مرد کریم‌النفس قریش گذشت. مردم مکه حضرت محمد(ص) را امین لقب داده بودند و در جامعه‌ای پر از فساد، دروغ و آلودگی او را به صداقت و پاکدامنی می‌شناختند. همین صداقت، توجه بانویی عقیف و توانگر به نام خدیجه را به خود جلب کرد و او را با سرمایه‌ی خویش برای تجارت به شام فرستاد. این آشنایی به ازدواج پر برکتی انجامید که یکی از ثمرات آن تولد دختری به نام فاطمه (س) بود که در قرآن، کوثر (خیر فراوان یا چشمه‌ای پاکیزه) لقب گرفته است. حضرت محمد (ص) در پیمانی موسوم به «حلف الفضول» که برای دفاع از مظلومان و ضعیفان بسته شد، شرکت کرد و در واقعه‌ی نصب حجرالاسود نیز با داوری سنجیده‌ی خود، اختلافی را که هر لحظه ممکن بود شهر را به آشوب و خون بکشاند فیصله داد.

حضرت محمد(ص) طبق سنت توحیدی حضرت ابراهیم از پرستش بت‌ها بیزار بود. او گرچه در هر سال روزهایی را برای عبادت و تفکر در خلوت کوه جبل‌النور (غار حراء) می‌گذراند، ولی هیچ‌گاه مانند راهبان، جامعه را ترک نکرد و از جریان زندگی مردم عادی دور نشد. سرانجام در یکی از همین لحظه‌های با شکوه خلوت با خود، صدای فرشته وحی را شنید و دوران نبوتش آغاز شد.



مولود ستوده

در همان سال که پیل سواران ابرهه به قصد تخریب خانه‌ی کعبه به مکه هجوم آوردند، در خانه‌ی

۱- ۱۷ ربيع الاول عام الفیل، مطابق با ۵۷۰ میلادی.

۲- خانواده‌های ثروتمند ساکن شهرهای حجاز، برای ایمنی نوزادان‌شان از آلودگی‌های ناشی از بیماری‌های مسری مانند وبا و نیز برای آن که کودکان‌شان با ویژگی‌های اخلاقی و لهجه‌ی اصیل عربی خو بگیرند، آنان را به دایه می‌سپردند تا در بادیه پرورش یابند.

بودند : خدیجه (س)، علی بن ابی طالب (ع) و زید بن حارثه. به تدریج و در طول این دوران، هسته‌ی اولیه‌ی نهضت اسلام به نام «السابقون» شکل گرفت که پیشگامان توحید و اسلام در عربستان گردیدند.

دعوت عام: پس از سه سال پیامبر (ص) مأموریت یافت دعوت خویش را عمومی سازد. او نخست طی مراسمی، خویشاوندان خود (بنی هاشم) را به اسلام دعوت کرد تا ضمن ابلاغ فرمان خداوند، از پشتیبانی عشیره‌ی خود در نظام قبیله‌ای مکه برخوردار شود. در مراسمی که بیش از ۴۰ تن از بنی هاشم در آن شرکت داشتند، رسول خدا (ص) ضمن فراخواندن آنان به اسلام، فرمود: کدام یک از شما مرا در این امر یاری می‌کند تا برادر، وصی و جانشین من باشد؛ جز علی (ع) هیچ کس حمایت خود را از دعوت پیامبر (ص) اعلام نکرد. پس از این ماجرا پیامبر (ص) رسالت خود را با شعار توحید بر بلندی‌های صفا اعلان نمود و آشکارا باورهای مشرکانه‌ی قوم و سنت‌های غلط نیاکان را تقبیح کرد. اشراف و رؤسای مکه به دشمنی با او برخاسته، ابتدا از طریق تطمیع و سپس از راه تحقیر و تهدید کوشیدند تا او را از ادامه‌ی دعوتش باز دارند. به رغم آن که ابوطالب در دفاع از پیامبر مصرّ بود، ولی مشرکان از آزار پیامبر (ص) دست برنداشتند و پیروانش را تا سرحد مرگ شکنجه کردند. یاسر و سمیه (نخستین شهدای مسلمان) بر اثر همین شکنجه‌ها به شهادت رسیدند.



ظهور اسلام

دعوت خاص: دعوت پیامبر (ص) در آغاز بر دو رکن اقرار به توحید و یگانگی خداوند و اعتقاد به روز رستاخیز استوار بود. در سه سال نخست بعثت، پیامبر (ص) دعوتش را جز با کسانی که آمادگی فکری و روحی شنیدن و پذیرش آیین حق را داشتند در میان نمی‌گذاشت. نخستین ایمان آورندگان به اسلام سه کس

یک توضیح

دشمنان پیامبر (ص) برای مبارزه با پیشرفت اسلام و کاستن از محبوبیت روزافزون پیامبر (ص) در میان مردم، شیوه‌های مختلفی را به کار بستند. از جمله نضر بن حارث قرآن را مجموعه‌ای از قصه‌ها و افسانه‌های کهن معرفی و تلاش کرد با نقل افسانه‌های ایرانی از جاذبه‌ی قرآن بکاهد. ولید بن مغیره، پیامبر (ص) را به جادوگری متهم کرد، عاص بن وائل کوشید پیامبر (ص) را به دلیل آن که پسر نداشت تحقیر کند، ابولهب پیغمبر (ص) را دروغگو نامید و کسان دیگری چون ابوجهل نیز از هیچ آزاری فروگذار نمی‌نکردند.

مهاجرت به حبشه: پیامبر(ص) به دنبال یافتن پایگاهی برای انتشار آیین اسلام، نجات پیروان خویش، گروهی از مسلمانان را به حبشه فرستاد. پادشاه آنجا نجاشی به دادگری معروف بود. مشرکان گروهی از جمله عمروعاص را برای بازگرداندن مهاجران به حبشه فرستادند، اما نجاشی که به حسن خلق و آداب ستوده و باورهای توحیدی پناهندگان مسلمان احترام می‌گذاشت، از تسلیم آنان خودداری ورزید.

محاصره‌ی اقتصادی و اجتماعی مسلمانان:

مشرکان پس از ناکامی در بازگرداندن مسلمانان از حبشه، تصمیم گرفتند از طریق محاصره‌ی اقتصادی و اجتماعی، پیامبر(ص) و پیروانش را از پای درآورند. پیامبر(ص) و یاران با وفایش به منظور بی‌اثر ساختن این توطئه‌ی مشرکان به دره‌ای در میان کوه‌های مکه موسوم به «شعب ابوطالب» پناه بردند. آنان به مدت سه سال سخت‌ترین فشارهای روانی و معیشتی را تحمل کردند. گرچه پایداری و مقاومت مسلمانان، سرانجام مشرکان را وادار به رفع محدودیت کرد، اما تنها چند هفته پس از آن، وفات خدیجه و ابوطالب مؤثرترین پشتیبانان پیامبر(ص) موجب اندوه فراوان او و پیروانش گردید.^۱

پیمان عقبه، زمینه‌ساز هجرت به مدینه: پس از خاتمه‌ی محاصره، آزار مشرکان مکه نسبت به پیامبر(ص) بیش‌تر شد و او ناچار گردید تلاش‌هایش را به ماه‌های حرام به ویژه ایام حج محدود سازد. آن حضرت در مراسم حج، رؤسا و بزرگان قبائل عرب را که برای زیارت کعبه به مکه می‌آمدند به آیین اسلام فرا می‌خواند. در همین ایام از سال یازدهم بعثت، شش تن از بزرگان شهر یشرب (مدینه بعدی) به اسلام ایمان آوردند و عامل انتقال اولیه‌ی اسلام

به آن شهر شدند. سال بعد، شش تن دیگر با آنان همراه گردیدند و در محلی موسوم به عقبه با پیامبر(ص) پیمان بستند که به خداوند شرک نوزند، دزدی نکنند، فرزندان خود را نکشند و در کارهای خیر از رسول خدا فرمان برند. این پیمان که به عقبه‌ی اول معروف شد، چنان زمینه‌ی گسترش اسلام را در یشرب فراهم ساخت که در سال سیزدهم بعثت هفتاد تن از بزرگان آن شهر در عقبه، پیمان دیگری با پیامبر(ص) منعقد کردند که به پیمان عقبه‌ی دوم معروف شد. براساس آن پیمان، اهالی یشرب تعهد کردند از پیامبر اسلام (ص) و یارانش چون کسان خویش پشتیبانی کنند و رسول خدا را در برابر دشمنانش یاری دهند. به این صورت زمینه‌ی مهاجرت تاریخی پیامبر اسلام و پیروانش از مکه به یشرب فراهم آمد.

توطئه برای کشتن پیامبر (ص): در واپسین روزهای پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه، مشرکان به پیشنهاد ابوجهل تصمیم گرفتند به صورت گروهی و در تاریکی شب به منزل رسول خدا(ص) هجوم برند و او را به قتل برسانند. پس از آن که پیامبر(ص) از توطئه‌ی مشرکان آگاهی یافت، علی(ع) جان برکف در بستر او خوابید تا رسول خدا آسوده به یشرب هجرت کند.

«آنان که به دل ایمان آوردند و در راه خدا مهاجرت کردند و با مال‌ها و جان‌هایشان جهاد نمودند، نزد پروردگار جایگاهی رفیع یافتند»

(توبه/ آیه‌ی ۲۰)

۱- به این دلیل سال دهم بعثت را عام الحزن (سال اندوه) گویند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- زندگی قبیله‌ای چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ۲- درباره‌ی اسامی و اصطلاحات زیر توضیح دهید.
(الف) حنفا (ب) بیعت عقبه‌ی اول (ج) السابقون
- ۳- در دوران پیش از اسلام چه دین‌هایی در شبه جزیره‌ی عربستان رایج بود؟
- ۴- علت و چگونگی مهاجرت مسلمانان را به حبشه توضیح دهید.
- ۵- چه جریان‌ی زمینه ساز هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان به یثرب شد؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- با مراجعه به قرآن یا نهج البلاغه درباره‌ی اوضاع شبه جزیره‌ی عربستان پیش از اسلام مطلبی تهیه کنید.
- ۲- آیا تاکنون فیلم «محمد رسول الله» را دیده‌اید؟ کدام قسمت آن را در ارتباط با تاریخ اعراب و اسلام تا زمان هجرت حضرت محمد (ص) به یثرب جالب‌تر می‌دانید؟ چرا؟
- ۳- با مراجعه به کتاب‌های تاریخی، درباره‌ی انگیزه و اهداف سپاهیان ابرهه از حمله به مکه و تصمیم به تخریب کعبه مطلبی تهیه کنید.
- ۴- قرآن مجید ویژگی‌های جامعه‌ی عربی قبل از اسلام را خصوصیات جاهلیت نخستین معرفی می‌کند، با تطبیق شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره با جوامع بعدی در جهان (حتی دوران معاصر)، درباره‌ی تحقق دوباره‌ی جوامع جاهلی مطلبی تهیه کنید.

اسلام در مدینه

مقدمه

در درس گذشته با زندگی پیامبر (ص) و کوشش‌های او در سیزده سال نخست دوران بعثت آشنا شدید. در این درس با مهمترین تحولات نهضت اسلام در ده سال پایانی حیات رسول خدا پس از مهاجرت به یثرب - که از آن پس مدینه نامیده شد - آشنا می‌شوید.

مشقت و شکنجه، راهی برای حمایت از اسلام و رسول خدا (ص) نمی‌یافت. این عوامل پیشرفت اسلام را در مکه کند و ادامه‌ی حضور پیامبر (ص) و مسلمانان را در آن شهر بی‌فایده کرده بود.

مدینه: شرایط اجتماعی و اقتصادی مدینه با مکه کاملاً تفاوت داشت. اقتصاد کشاورزی، دامداری و پیشه‌وری خرد در یثرب موجب شکل‌گیری طبقه‌ی متوسط نسبتاً قدرتمندی شده بود که می‌توانست بر سرنوشت شهر خود اثرگذار باشد؛ از سوی دیگر جنگ و ستیز طولانی دو قبیله‌ی اوس و خزرج در یثرب، عموم مردم را چنان خسته کرده بود که برای پایان یافتن چنین نزاع‌هایی لحظه‌شماری می‌کردند. بی‌تردید تعالیم اسلام بهترین پاسخ به این نیاز عمومی تلقی می‌شد.

تفاوت‌های مکه و مدینه در مواجهه با اسلام
با مقایسه‌ی شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مکه و مدینه می‌توان به دلایل واکنش متفاوت مکه و مدینه در مقابل پیام اسلام و تفاوت دامنه‌ی موفقیت پیامبر (ص) در دو شهر یاد شده پی برد.

مکه: در این شهر فاصله‌ی معناداری میان دو طبقه‌ی حاکم و فرمانبر وجود داشت. طبقه‌ی حاکم که متشکل از رؤسای قبایل، تیره‌ها، عشیره‌ها و خاندان‌ها بود، تمام قدرت و ثروت جامعه را در اختیار داشت. این گروه برای حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود اسلام و آموزه‌های آن را نمی‌پذیرفت؛ طبقه‌ی فرمانبر و زیردست، شامل توده‌ی مردم و بردگان، نیز اگر چه قبول اسلام را داروی دردهای تاریخی خود می‌دانست، اما جز تحمل

یک توضیح

در انتظار یک پیامبر

یهودیان که جمعیت قابل توجهی از ساکنان یثرب را تشکیل می‌دادند، در کتاب‌های کهن دینی خود خوانده بودند که آخرین پیامبر (ص) الهی در میان فرزندان ابراهیم مبعوث می‌شود و در مقابل کفار و مشرکان به پیروزی نهایی می‌رسد. آنان ظهور این پیامبر را در میان خود پیش‌بینی می‌کردند و هرگاه مورد آزار اوس و خزرج قرار می‌گرفتند، آن‌ها را تهدید می‌کردند که پیامبر خاتم در میان ما برانگیخته می‌شود،

ما به او ایمان آورده، بر شما مسلط خواهیم شد. به همین دلیل مردم یثرب پیش از ظهور اسلام، نسبت به احتمال بعثت پیامبر (ص) آمادگی ذهنی داشتند، اما یهودیان که خود در ایجاد این آمادگی دخیل بودند به دلایل مختلف از پذیرش اسلام سرباز زدند؛ از جمله آن که پیامبر (ص) برخلاف تصور آن‌ها از قوم یهود نبود.

مهم‌ترین اقدامات پیامبر (ص) پس از مهاجرت به مدینه

۱- تأسیس مسجد؛ پایگاهی عبادی و اجتماعی:

نخستین اقدام پیامبر (ص) در بدو ورود به مدینه دستور ساخت مسجد بود. مسجد در اجتماع نبوی فقط محل عبادت، عرضه و ابلاغ آیات الهی نبود، بلکه اصلی‌ترین مرکز مدیریت و اعمال حاکمیت پیامبر (ص) بر جامعه تلقی می‌شد. پیامبر (ص) در طول سال‌های زندگی‌اش در مدینه، همه‌ی امور اساسی جامعه را در مسجد سامان می‌داد؛

مواردی نظیر: آموزش و تربیت، قضاوت و داوری، مشورت و تصمیم‌گیری درباره‌ی مسائل مهمی چون جنگ و صلح، پذیرفتن نمایندگان سایر قبایل و مناطق و حتی تجهیز و تعلیم سپاهیان. شرکت عموم مسلمانان - اعم از مهاجرین (مسلمانان مکی) و انصار (مسلمانان مدینه) و افراد متعلق به قبایل و تیره‌های مختلف، طبقات ثروتمند و فقیر - در ساخت مسجد، نخستین تمرین برای فراموش کردن اختلافات گذشته و تفاوت‌های ظاهری میان مردمی بود که پیش از آن به چشم رقیب یا بیگانه به یکدیگر نگاه می‌کردند.



مسجد النبی

۲- برقراری اخوت دینی به جای تعصب قومی:

نه تنها سابقه‌ی طولانی عداوت و اختلاف قومی و قبیله‌ای مردم مدینه را رنج می‌داد، بلکه رقابت میان آن‌ها با ساکنان مکه نیز بی‌سابقه نبود، به علاوه سابقه‌ی اختلافات طبقاتی و اجتماعی میان مهاجران هم آشکار بود. وجود چنین زمینه‌هایی از تفرقه و پراکندگی می‌توانست به سرعت باعث شکل‌گیری مناقشات غیرقابل مهار در جامعه‌ی نوپای اسلامی شود. پیامبر(ص) بلافاصله پس از ساخت مسجد در حرکتی بی‌سابقه مسلمانان را دو به دو با هم برادر و نسبت به هم مسئول و متعهد اعلام کرد و به این صورت از بروز بسیاری از اختلافات احتمالی در جامعه‌ی تازه تأسیس نبوی جلوگیری نمود. پیامبر(ص) در انعقاد آخرین حلقه‌ی برادری، علی(ع) را برادر خود در دنیا و آخرت اعلام کرده، با او عقد اخوت بست.

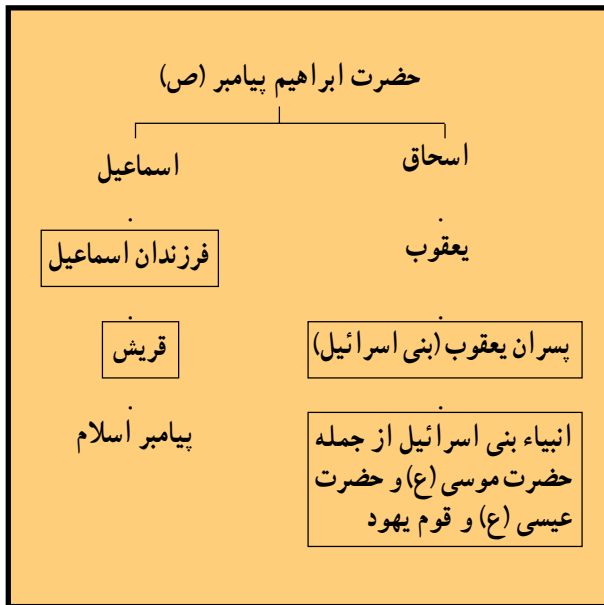
فکر کنید و پاسخ دهید:

از جمله‌ی کسانی که با هم عقد اخوت بستند حمزه، عموی پیامبر و زید، غلام آزادشده‌ی ایشان بود. این عقد چنان برای مسلمانان گرامی بود که حمزه وصیت کرد زید از او ارث ببرد. به نظر شما چه نکته‌ای در برادری میان این دو می‌توانست مورد نظر پیامبر باشد؟

۳- انعقاد پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز: در بدو

ورود پیامبر(ص) به مدینه افرادی با عقاید متضاد اعم از مسلمان، یهودی و حتی بت پرست در آن شهر حضور داشتند. بنابراین ایجاد اتحاد سیاسی و اجتماعی میان همه‌ی قبایل، گروه‌ها و جریان‌های فکری و مذهبی برای ایجاد امنیت داخلی و دفاع از شهر در مقابل هجوم دشمنان خارجی ضروری بود. بر این اساس با درایت پیامبر(ص) پیمان‌نامه‌ای تدوین شد و مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

مطابق این پیمان‌نامه که همچون بخشی از قانون اساسی نخستین حکومت اسلامی شمرده می‌شود، تمام گروه‌های ساکن مدینه از جمله مسلمانان و یهودیان ملتزم گردیدند که ضمن برخورداری از آزادی در عقاید و اعمال مذهبی، حرمت عقاید و باورهای دینی دیگران را نگاه دارند، از دشمنی با هم بپرهیزند و به دشمنان یکدیگر یاری نرسانند.



دشمنان و دشمنی‌ها

با وجود آن که مدینه می‌توانست پایگاهی مطمئن و امن برای رشد و توسعه‌ی اسلام باشد، اما پیامبر(ص) و مسلمانان باید خود را برای مقابله با انواع مخالفت‌ها و دشمنی‌ها آماده می‌کردند. دشمنان اصلی عبارت بودند از:

الف) مشرکان: گرچه مسلمانان از مکه دور شده بودند، اما هنوز دلایل فراوانی برای خصومت و تقابل میان آنان و مسلمانان وجود داشت. به همین دلیل پیامبر(ص) در طول مدت ده ساله‌ی حیات خود در مدینه بارها ناچار به کشمکش و درگیری با مشرکان به خصوص مشرکان مکه گردید. برخلاف آن که دشمنان اسلام در طول تاریخ تلاش کرده‌اند مسلمانان را گروهی جنگ طلب معرفی کنند که از راه خون‌ریزی به توسعه‌ی باورهای دینی خود پرداخته‌اند؛

تاریخ‌گواه آن است که هیچ یک از نبردهای عصر پیامبر(ص) برابر تهاجم دشمنان اسلام بوده است. جنبه‌ی تهاجمی نداشته و تنها واکنش دفاعی مقتضی در

مهم‌ترین جنگ‌های مسلمانان در طول سال‌های استقرار پیامبر(ص) در مدینه^۱

ردیف	نام جنگ	زمان وقوع	طرف مخاصمه	دلیل بروز جنگ	نتیجه جنگ
۱	بدر	سال ۲ ه.ق	مشرکان مکه	تلاش برای بازپس‌گیری اموال مسلمانان مکه که پس از هجرت آنان توسط قریش مصادره شده بود	پیروزی قاطع مسلمانان و کشته شدن قریب ۷۰ تن از مشرکان
۲	احد	سال ۳ ه.ق	مشرکان مکه	دفاع در مقابل حمله‌ی سپاه مکه به شهر مدینه که قصد جبران شکست خود در جنگ بدر را داشت	شکست مسلمانان به دلیل سربلندی تعدادی از جنگجویان مسلمان از دستور پیامبر(ص)
۳	خندق (احزاب)	سال ۵ ه.ق	مشرکان مکه و سایر قبائل هم‌پیمان آنان و برخی گروه‌های یهودی	دفاع در مقابل حمله‌ی سپاهی که گروه‌ها و احزاب هم‌پیمان برای نابودی اسلام به راه انداخته بودند	شکست احزاب
۴	جنگ‌های متعدد با یهودیان	سال‌های ۶ و ۷ ه.ق	قبایل و گروه‌های مختلف یهودیان مدینه (بنی قریظه، بنی مصطلق، بنی نضیر) و اهالی قلعه‌ی خیبر	پاسخ به پیمان‌شکنی‌ها، اهانت‌ها و خیانت‌های آشکار و پنهان یهودیان که مستقلاً یا با همدستی مشرکان بر ضد مسلمانان مرتکب شده بودند	شکست یهودیان
۵	فتح مکه	سال ۸ ه.ق	مشرکان مکه	پاسخ به پیمان‌شکنی مشرکان نسبت به مفاد صلح حدیبیه و حمله به هم‌پیمانان مسلمانان	پیروزی مسلمانان
۶	حنین	سال ۸ ه.ق	مشرکان هوازن	دفاع در مقابل حمله‌ی قبایل بت‌پرستی که پس از فتح مکه، برای مبارزه با اسلام هم‌پیمان شده بودند.	شکست مشرکان
۷	موته	سال ۸ ه.ق	سپاهیان بصری	پاسخ به قتل ناجوانمردانه‌ی سفیر پیامبر توسط حاکم بصری که نوعی اعلان جنگ محسوب می‌شد.	شهادت سه تن از فرماندهان سپاه اسلام و شکست مسلمانان
۸	تبوک	سال ۹ ه.ق	سپاهیان روم	واکنش به تحرکات نظامی رومیان در مرزها	کار به برخورد نظامی نکشید.

۱- بررسی دلایل بروز این جنگ‌ها نشان می‌دهد که مسلمانان هرگز آغازکننده‌ی جنگ نبوده‌اند و پیامبر از جنگ به عنوان ابزاری برای تحمیل اسلام استفاده نکرده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا دشمنان اسلام این همه تلاش کرده اند ثابت کنند اسلام، دینی پر از خشونت است و با تکیه بر شمشیر گسترش یافته است؟

مسیحی شبه جزیره ی عربستان، اگر چه از راه گفت و گو و مباحثه با پیامبر (ص) به نتیجه نرسیدند و اسلام را نپذیرفتند، اما ضمن مصالحه با رسول خدا (ص) و قبول تعهداتی در مقابل مسلمانان، از امنیت پایدار برخوردار شدند و مانند یهودیان به کشمکش و دشمنی مدام با مسلمانان پرداختند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

مسلمانان ابتدا به سوی بیت المقدس که قبله ی یهودیان بود نماز می خواندند، اما پس از آن که یهودیان این مسأله را نشانه ی ضعف و وابستگی مسلمانان تلقی کردند، در سال ۲ هـ. ق خداوند دستور تغییر قبله به جانب کعبه را صادر کرد. به نظر شما مشترک بودن قبله ی مسلمانان و یهودیان چه پیامی داشت؟ و تغییر قبله چه هدفی را دنبال می کرد؟

ج) منافقان: اقلیت ثروتمندی از اهالی یثرب به رهبری عبدالله بن ابی، جریان نفاق را در مدینه شکل دادند. آنان چون وابسته و یا تحت تأثیر اشرافیت حاکم بر مکه بودند، عملاً به نوعی تشکیلات مخفی علیه مسلمین تبدیل شدند. منافقان برخلاف باطن بی ایمان شان در ظاهر خود را مسلمان معرفی می کردند. به همین دلیل رویارویی و درگیری با آنها حتی از مواجهه با مشرکین یا یهودیان سخت تر بود. قرآن در آیاتی مسلمانان را متوجه پدیده ی نفاق و خطر منافقین کرد. پیامبر (ص) برای حفظ آرامش اجتماعی همواره با سعه ی صدر، آزار و دشمنی منافقان را تحمل می کرد. جاسوسی و شایعه پراکنی به نفع دشمن، تضعیف روحیه ی مسلمانان در هنگامه ی کارزار، ایجاد اختلاف در میان آنها و کارشکنی در مقابل پیامبر (ص)، از جمله شیوه های منافقین برای آسیب رساندن به جامعه ی اسلامی بود.

ب) یهودیان: یهودیان اهل کتاب و یکتاپرست به دلیل برخورداری از بیشترین وجوه اشتراک با مسلمانان می بایستی از نخستین ایمان آورندگان به اسلام و یا حداقل هم پیمانان مسلمین باشند، اما عواملی چند، موجب بروز و تداوم دشمنی آنها با پیامبر (ص) و مسلمانان شد، از جمله آن که:

۱- اسلام سلطه ی فرهنگی یهودیان بر اعراب بی سواد و جاهل را شکست.

۲- به خطر افتادن ارتباط تجاری با مکه و اعلام حرمت رباخواری در اسلام، منافع کلان اقتصادی یهودیان را محدود کرد.

رفتار مسالمت جویانه ی پیامبر (ص) و مفاد پیمان نامه ی اجتماعی نیز یهودیان را از ابراز دشمنی با مسلمانان باز نداشت. آزار روحی و تحقیر مسلمانان، خیانت به مسلمین از طریق همدستی با مشرکان و جاسوسی برای آنان و حتی جنگ رودررو با مسلمانان، از جمله رفتارهای خصمانه ی آنان با پیروان دین اسلام بود. پیامبر (ص) در آغاز برای حفظ رابطه ی مسالمت آمیز با یهودیان، دشمنی های آنان را نادیده می گرفت، اما تداوم حسادت و لجاجت یهودیان نسبت به مسلمانان این رابطه را خدشه دار ساخت. تغییر قبله ی مسلمانان از بیت المقدس به کعبه نشانه ی این رابطه ی آسیب دیده بود. سرانجام کار به برخورد نظامی کشید، برخی از یهودیان کشته شدند و بقیه ناچار به ترک منطقه گردیدند. البته شماری از پیروان دین یهود هم اسلام آوردند. این در حالی بود که رهبران

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما عوامل اجتماعی ظهور پدیده‌ی

نفاق چیست؟

چرا نفاق در مدینه بیش‌تر از مکه بروز

کرد؟

تقویت پایگاه اسلام

گرچه درگیری‌های مستمر مسلمانان با دشمنان‌شان باعث لطمات جانی و مالی زیادی به جامعه‌ی نوپای اسلامی شده بود، اما پیروزی‌های مکرر آنان از یک سو موجب تقویت ایمان و اعتماد به نفس مسلمانان گردید و از سوی دیگر قدرت آنان را در نگاه دشمنان‌شان آشکار کرد. پیروزی در جنگ احزاب، تزلزل و فروپاشی اتحادیه‌ی شرک و کفر در منطقه محسوب می‌شد؛ اخراج یهودیان پیمان شکن از مدینه، حضور نمایندگان پیامبر (ص) به عنوان مبلغان اسلام در میان قبایل مختلف عرب و پذیرش این دعوت از جانب برخی از آنان، گواه برتری و اقتدار مدینه در شبه جزیره‌ی عربستان بود. به‌علاوه در طول این سال‌ها با نزول آیات قرآن، به تدریج احکام شرعی متناسب با نیازهای جامعه اسلامی عرضه گردید و ساختار شریعت اسلامی شکل منظم و منسجمی به خود گرفت.

صلح حدیبیه، پیروزی آشکار

پیامبر (ص) در سال ۶ هـ.ق تصمیم گرفت به‌همراه گروهی از مسلمانان نه به قصد جنگ، بلکه برای زیارت خانه‌ی خدا عازم مکه شود. موفقیت پیامبر (ص) در این سفر به معنای پایان سلطه‌ی بت‌پرستی و شرک در شبه جزیره‌ی عربستان بود. بنابراین سران مشرک مکه در مقابل چنین اقدامی مقاومت کردند و مانع ورود مسلمانان به

مکه و زیارت خانه‌ی خدا شدند. به رغم آن که مسلمانان لباس احرام به تن داشتند و جز شمشیری در نیام، سلاحی همراه آنان نبود، اما در بیعتی دوباره با رسول خدا (ص) بر پشتیبانی از او تا پای جان تأکید کردند. با تمایل پیامبر (ص) به پرهیز از رویارویی نظامی، سرانجام مذاکره‌ی نمایندگان دو طرف به انعقاد قراردادی انجامید که به مناسبت محل تنظیم آن به صلح حدیبیه معروف شد. اصلی‌ترین ماده‌ی این صلحنامه، توافق بر ده سال متارکه‌ی جنگ میان مکه و مدینه و هم‌پیمانان آن‌ها بود. براساس این توافق نامه مسلمانان در آن سال از ورود به مکه صرف‌نظر می‌کردند، اما سال بعد مشرکین چند روز از شهر مکه خارج می‌شدند تا مسلمین با آرامش و در فضایی معنوی خانه‌ی خدا را زیارت کنند. مهم‌ترین پیامد این پیمان، شکل‌گیری مناسبات منطقه‌ای و جهانی مسلمانان و گسترش دامنه‌ی تبلیغات اسلام بود.

ابلاغ جهانی دعوت اسلام

در سایه‌ی آرامش و امنیت فراهم آمده از متارکه‌ی جنگ، در سال ۷ هـ.ق^۱ پیامبر (ص) سفیران خود را به فراسوی مرزهای شبه جزیره‌ی عربستان فرستاد و رسالت خویش را جهانی کرد. رسول خدا (ص) نامه‌هایی به سران کشورهای نوشت و آنان را به اسلام دعوت کرد. مورخان تعداد این نامه‌ها را تا شش مورد نوشته‌اند. هرقل، امپراتور روم شرقی نامه‌ی رسول خدا را در بیت المقدس دریافت کرد، بعضی از مورخان نوشته‌اند که وی در باطن اسلام را پذیرفت، ولی از ترس عوام و یا برای حفظ قدرتش، آن را علنی نکرد. مشهور است که خسرو پرویز در تیسفون نامه‌ی پیغمبر (ص) را پاره کرد و پیامبر او را نفرین نمود. مقوقس، حاکم مصر، نیز فرستاده‌ی رسول خدا را گرامی داشت و او را با هدایایی روانه ساخت.^۲

۱- برخی این رویداد را در اواخر سال ۶ هـ.ق دانسته‌اند.

۲- گفته‌اند که نجاشی، حاکم حبشه، نیز اسلام آورد و فرزند خود را به همراه جمعی برای اظهار دوستی روانه‌ی مدینه کرد، ولی همگی در دریا غرق شدند و به مقصد نرسیدند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

پس از فتح مکه پیامبر (ص) با تعبیر «انتم الطلقاء» (شما آزادشدگانید) سران قریش را مورد عفو و اغماض خود قرار داد. پس از حماسه‌ی کربلا، حضرت زینب (س)، یزید را با عنوان «یا بنی الطلقاء» (ای پسر آزادشدگان) خطاب کرد. به نظر شما حضرت زینب (س) با استفاده از این تعبیر چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

پس از فتح مکه مسلمانان ناچار به انجام اقدامات نظامی دیگری نیز شدند که یا مانند غزوه‌ی حنین برای از میان بردن آخرین سنگرهای فتنه و توطئه در داخل شبه جزیره بود و یا مانند غزوه‌ی تبوک که برای فرونشاندن تحرکات سپاه روم در مرزهای شمالی انجام شد.

دستاوردهای اسلام و کارنامه‌ی پیامبر (ص)

ظهور اسلام و ۲۳ سال تلاش پیامبر (ص)، عامل تحول اساسی در اندیشه، اخلاق و شرایط اجتماعی و سیاسی زندگی اعراب و دیگر اقوام گردید. برخی از دستاوردهای مهم حرکت پیامبر (ص) عبارتند از:

۱- اصلاح عقاید و اندیشه‌ها: از میان رفتن شرک و عقاید خرافی، شکل گرفتن باوری عمیق و اصیل به توحید و برخورداری از شریعتی الهی، کامل و ماندگار، اساسی‌ترین دستاورد حرکت الهی پیامبر (ص) بود.

۲- عرضه‌ی الگویی اخلاقی: پیامبر (ص) در تمام دوران رسالتش به پالایش روحی و معنوی مسلمانان، تقویت روحیه‌ی اتحاد و برابری، زدودن کینه‌های جاهلی، نفی روحیه‌ی خشونت و جنگ طلبی و تبلیغ رأفت و یکدلی در جامعه اهتمام ورزید.

گرچه سران یا مردم این کشورها پس از دریافت نامه‌ها یکباره اسلام نیاوردند، اما این اقدام پیامبر (ص)، ضمن انتقال پیام اسلام به آن مناطق، توان حکومت نوپای اسلامی را در مخاطب قرار دادن مهم‌ترین قدرت‌های جهان آن روز نشان می‌داد.

فتح مکه، گشودن مهم‌ترین پایگاه بت پرستی: در سال ۸ هـ. ق مشرکان مکه با تحرکات پراکنده‌ی نظامی، پیمان‌نامه‌ی حدیبیه را نقض کردند. سکوت پیامبر (ص) در مقابل نقض آشکار مفاد صلح نامه می‌توانست به جسارت آن‌ها و تکرار چنین حوادثی بینجامد و اقتدار مسلمانان و امنیت جامعه‌ی اسلامی را به خطر اندازد. بنابراین پیامبر (ص) سپاهی بزرگ فراهم آورد و عازم مکه گردید. رسول اکرم (ص) به ملاحظه‌ی حرمت مکه به عنوان شهر امن الهی تمایل داشت فتح آن شهر بدون خونریزی انجام گیرد. مشرکان نیز با مشاهده‌ی عظمت و قدرت سپاه اسلام، از مقاومت در برابر مسلمانان مأیوس گشته، به ناچار تسلیم شدند. بنابراین مسلمانان با آرامش و اقتدار وارد مکه گردیدند و ابوسفیان سرکرده‌ی مشرکان به ناچار اسلام آورد. فتح مکه یک فتح نظامی ساده نبود، این واقعه اوج رأفت و کرامت انسانی پیامبر (ص) و مسلمانان را به نمایش گذاشت. رسول خدا (ص) در کمال قدرت و صلابت نظامی، مردم شهری را بخشید که بیست سال با او جنگیده، یارانش را شکنجه کرده یا به شهادت رسانده بودند و حتی از تکه تکه کردن اجساد شهدای مسلمان نیز خودداری نکرده بودند. پیامبر (ص) به منظور جذب نو مسلمانان مکی در درون جامعه‌ی اسلامی به آن‌ها اجازه داد تا سپاه اسلام را در غزوه‌ی حنین^۱ که اندکی بعد از فتح مکه اتفاق افتاد، همراهی کنند و حتی جهت تألیف قلوبشان سهم بیشتری از غنایم را به آنان اختصاص داد.

۱- غزوه به نبردهایی گفته می‌شد که پیامبر (ص) شخصاً در صحنه‌ی جنگ حضور داشت و سپاه را فرماندهی می‌کرد. اما اگر پیامبر (ص) در نبرد شرکت نمی‌کرد و فرماندهی سپاه را به شخص دیگری می‌سپرد، آن نبرد را سریه می‌گفتند.

۳- تحقق عدالت اجتماعی: نفی امتیازات طبقاتی، انواع تبعیض اجتماعی، ملاک‌های قومی و ارزش‌های اقتصادی و تأکید صرف بر ایمان، عمل و اخلاق به عنوان معیار برتری و کرامت در جامعه اسلامی، نکته‌ی مهمی بود که همواره مورد توجه پیامبر (ص) قرار داشت؛ در نتیجه رسومات قبیلگی و اشرافیت قومی تضعیف گشت، تفاوت میان عرب و عجم، سیاه و سپید، زن و مرد در جایگاه انسانی و حقوق اجتماعی کنار گذاشته شد و حتی بردگان و یا افراد فاقد جایگاه اجتماعی در عصر جاهلیت، از حقوق اساسی برخوردار گردیدند.

۴- ارتقای سطح دانش و معرفت عمومی: تشویق به تحصیل سواد و جستجوی دانش و کمال علمی، آن‌هم در جامعه‌ای که تا چندی پیش از آن به جهالت و نادانی شهرت داشت، از افتخارات نهضت اسلام است.

۵- فراهم آمدن زمینه‌ی ظهور یک تمدن بزرگ جهانی: مجموع آموزه‌های قرآن، گفتار و کردار پیامبر (ص) و پیشوایان دین زمینه ساز شکل‌گیری تمدن اسلامی شد. پویایی، زاینده‌گی و جهانی بودن، ویژگی‌های اصلی این تمدن است.

یک توضیح

استفاده از هر فرصتی برای گسترش سوادآموزی

بر اساس سنت‌های رایج در میان اعراب آن روزگار (و حتی سایر ملت‌ها)، اسیران جنگی یا به بردگی گرفته می‌شدند و یا برای آزادی آنان مبلغی فدیة مقرر می‌شد که باید خود فرد یا خویشاوندانش پرداخت می‌کردند. پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، پیامبر (ص) با سواد کردن ده نفر از مسلمانان را فدیة و شرط آزادی اسیران معین کرد. این درحالی بود که مسلمانان به شدت تحت فشار مالی بودند و مبلغ دریافتی در ازای آزادی اسرا می‌توانست به بهبود شرایط اقتصادی آنان بسیار کمک کند.

۶- ارائه‌ی یک الگوی جامع زندگی: اسلام موفق شد الگویی جامع برای زندگی افراد عرضه کند که در آن پرداختن به معنویات مانع استفاده از نعمت‌های مشروع زندگی نگردد و اهتمام به امور روزمره، انسان را از توجه به خدا و وظایف دینی‌اش غافل نگرداند.

۷- تأسیس حکومت اسلامی: تحقق اهداف دینی، تربیتی و اجتماعی اسلام و نیز دفاع از جامعه‌ای که از همه سو مورد تهدید و دشمنی قرار داشت، نیازمند ابزاری کارآمد و برخوردار از قدرت اجتماعی بالا بود. بنابراین پیامبر (ص) گرچه در مکه از پایگاه سیاسی و اجتماعی محکمی برخوردار نگردید، اما در مدینه حکومتی متکی بر اندیشه و محتوای دین بنیان نهاد. این حکومت به

سرعت قدرت لازم را برای اداره‌ی امور داخلی و غلبه بر تهدیدهای خارجی به دست آورد و الگویی برای حکومت‌های اسلامی در دوره‌های بعد گردید.

تهدیدهای پیش روی جامعه‌ی اسلامی در سال‌های پایانی حیات پیامبر (ص)

گرچه پیامبر (ص) طی بیست و سه سال تلاش، نتایج عظیم و باورنکردنی کسب کرد، اما نمی‌توانست کار را در همین نقطه پایان یافته بداند و از مخاطرات و تهدیدهایی که بعد از وفات او متوجه آینده‌ی جامعه‌ی نوپای اسلامی می‌شد، غافل بماند. مهم‌ترین این مخاطرات و تهدیدها عبارت بود از:

- ۱- زنده شدن مجدد فرهنگ، عقاید و سنت‌های از اسلام بنا به انگیزه‌های اقتصادی و قومی. عصر جاهلی.
- ۲- درک نادرست دین و عرضه‌ی تفسیرهای غلط که در سال‌های پایانی حیات پیامبر (ص) جدی شده بود.
- ۳- تهدیدهای نظامی دشمنان خارجی به‌ویژه رومیان

یک توضیح

فرمانبری از جوان شایسته

با بالا گرفتن خطر حملات نظامی رومیان، پیامبر (ص) در آخرین ماه‌های زندگی‌اش دستور داد سپاهی عظیم تجهیز شود که اکثر مسلمانان کارآزموده در آن شرکت داشتند. در حالی که برخی از اعضای سپاه میان سال و حتی سالخورده بودند، پیامبر (ص) فرماندهی این حرکت مهم و خطیر را به اسامه، رزمنده‌ای غیور و شایسته، اما بسیار جوان سپرد. این اقدام پیامبر (ص) را می‌توان از جمله‌ی آخرین تلاش‌های پیامبر (ص) برای زدودن آداب و سنن جاهلی دانست که صرفاً بر شیخوخیت (کهنسالی) در توزیع جایگاه‌های مدیریتی تأکید داشت. مقاومت و مخالفت برخی از صحابه‌ی پیامبر (ص) در مقابل فرماندهی اسامه - که منجر به تأخیر حرکت سپاه او شد - دلایل مختلفی داشت که بقایای اندیشه‌های جاهلی بود.

در پایان سال ۱۰ ه.ق، قبل از آن که حجاج پراکنده شوند و هر کدام به راهی بروند، در محلی به نام غدیر خم توقف کرد؛ پس از سه روز انتظار برای جمع شدن همه‌ی حجاج در آن محل، رسول خدا (ص) در یک سخنرانی عمومی، علی بن ابی طالب (ع) را به جانشینی خود و رهبری جامعه اسلامی پس از خویش تعیین کرد. پس از سخنرانی پیامبر (ص)، مردم دسته دسته برای تبریک و اعلام حمایت از علی (ع) شتافتند و با او بیعت کردند. رسول خدا (ص) در آخرین سخنان خود نیز ضمن تأکید بر جدا نشدن قرآن و اهل بیت از یکدیگر، بر لزوم تمسک مردم به هر دوی این یادگارهای ارزشمند تأکید کرد.

پیامبر (ص) سرانجام در ۲۸ ماه صفر سال ۱۱ ه.ق به دیدار حق شتافت و جامعه‌ی اسلامی در آستانه‌ی آزمونی بسیار بزرگ قرار گرفت.

۴- ظهور مدعیان پیغمبری در چند منطقه از شبه جزیره که درصدد بودند با طرح دعاوی دروغین نبوت، قدرت و نفوذی همچون حضرت محمد (ص) کسب کنند.

مسأله‌ی جانشینی

گرچه پیامبر (ص) تا پایان عمر به برنامه‌ریزی و تلاش برای رفع مشکلات و تهدیدهای فوق مشغول بود، اما تنها یک اقدام نهایی می‌توانست تدبیری جدی برای مواجهه‌ی اساسی با همه‌ی مشکلات جامعه‌ی اسلامی باشد. اقدام نهایی و کارسازی که قرآن از آن به «کامل شدن دین و مایوس شدن کفار» تعبیر کرده است.^۱ پیامبر (ص) با دوراندیشی از نخستین روزهای رسالت به فکر معرفی جانشین خود بود. پس از آن نیز در موقعیت‌های مختلف به این مسأله پرداخت که حادثه‌ی غدیر خم یقیناً مهم‌ترین این موقعیت‌ها بود. پیامبر (ص) در راه بازگشت از حج

۱- سوره‌ی مائده/ آیه‌ی ۳.

پرسش‌های نمونه

- ۱- دلایل انعقاد پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز میان ساکنان مدینه را بیان کنید.
- ۲- یهودیان مدینه برای ضربه زدن به مسلمانان چه کارهایی انجام دادند؟
- ۳- منافقان چه کسانی بودند و دست به چه اقداماتی زدند؟
- ۴- صلح حدیبیه چرا و چگونه منعقد شد و چه پیامدهایی داشت؟
- ۵- روش‌های پیامبر (ص) را برای استقرار عدالت اجتماعی توضیح دهید.
- ۶- راه حل نهایی پیامبر (ص) را برای پایان دادن به همه‌ی نگرانی‌ها و مخاطرات پیش‌روی جامعه‌ی اسلامی توضیح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- کارکردهای مسجد را در محله، روستا و شهر خود بررسی کنید و آن را با کارکردهای مسجدها در عصر پیامبر (ص) مقایسه نمایید.
- ۲- با مراجعه به قرآن و کتاب‌های تاریخی، مطلبی درباره‌ی مباحثه‌ی پیامبر (ص) و مسیحیان تهیه کنید.
- ۳- درباره‌ی رفتار مسلمانان با بازماندگان و اسرای جنگی مطلبی بنویسید و ضمن آن، این رفتارها را با شیوه‌های متداول در جنگ‌های اعراب، ایرانیان و رومیان پیش از ظهور اسلام مقایسه کنید.
- ۴- با مراجعه به کتاب‌های تاریخی و مطالعه‌ی تاریخ نبردهای مسلمانان در روزگار پیامبر (ص)، درباره‌ی شخصیت‌های مهم و مطرح در هر جنگ مطالبی تهیه کنید، مثلاً حمزه در بدر و احد، حضرت علی (ع) در خندق و خیبر، جعفر طیار در موته و ...

عصر خلفای نخستین

مقدمه

در درس قبل با دستاوردهای عظیم نهضت اسلامی در عصر نبوی آشنا شدید و درباره‌ی مشکلات و مسائلی که در سال‌های پایانی زندگی پیامبر ایجاد گردیده بود، مطالبی خواندید. در این درس ضمن بررسی عملکرد جانشینان پیامبر (ص) تا شهادت امام علی (ع)، به مسأله‌ی فتوحات مسلمانان در خارج از شبه جزیره‌ی عربستان و درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی جامعه‌ی اسلامی پرداخته می‌شود. در پایان نیز دوره‌ی حساس و پراشوب خلافت کوتاه امام حسن (ع) و دلایل و چگونگی صلح او با معاویه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رهبری جامعه پس از پیامبر (ص)

محمد جز فرستاده‌ی خدا نیست که پیش از او نیز رسولانی آمده‌اند، پس اگر بمیرد یا کشته شود، شما به روش گذشتگانتان باز خواهید گشت؟
(سوره‌ی آل عمران / آیه‌ی ۱۴۴)

اسامه‌ی جوان را به فرماندهی سپاهی عظیم گماشت، به نظر شما آیا می‌توان رابطه‌ای میان این تصمیم ایشان با پیش‌بینی بروز مخالفت برخی با جانشینی امام علی (ع) پیدا کرد؟

به رغم آن که پیامبر (ص) در غدیر خم، امام علی (ع) را به عنوان جانشین خود معرفی کرد، عواملی موجب گردید آن حضرت نتواند اداره‌ی حکومت اسلامی را پس از وفات پیامبر (ص) عهده‌دار شود. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

۱- بقایای خصلت‌های اخلاقی و آداب و رسوم عصر جاهلی، از جمله رسم شیخوخیت: کهنسالی از جمله مهم‌ترین شرایط احراز ریاست و فرماندهی جامعه‌ی جاهلی بود، برخی با همین تصور از پذیرش جانشینی علی (ع) که کمتر از ۳۵ سال داشت، امتناع کردند.

۲- حسادت و کینه‌توزی: نقش بی‌نظیر و ارزنده‌ی امام علی (ع) برای پیشرفت اسلام در طول دوران رسالت پیامبر (ص) و عشق عمیق رسول خدا (ص) نسبت به او، حسادت افراد بسیاری را برانگیخته بود؛ گروهی نیز به سبب آن که یک یا چند تن از اعضای خانواده و قبیله‌اشان در جنگ‌های مختلف به وسیله‌ی امام علی (ع) کشته شده بودند، کینه‌ی آن حضرت را به دل داشتند.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

پیامبر (ص) در واپسین روزهای عمر،

۱- مورخان تنها تعداد کسانی که با ضربت علی (ع) در جنگ بدر کشته شدند را بیش از ۱۴ تن ذکر کرده‌اند که حنظله پسر ابوسفیان و برادر معاویه از جمله‌ی آنان بود.

در غزوه‌ی خندق وقتی عمرو بن عبدود از دلیران نامدار عرب از خندق عبور کرد و هم‌اورد خواست، هیچ کس از مسلمانان داوطلب رزم تن به تن با عمرو نشد، تا این که علی (ع) پیش آمد و گفت: من به مبارزه‌ی او می‌روم. پیغمبر گفت «این ابن عبدود است» و علی (ع) بی هیچ تزلزلی پاسخ داد «من هم ابن ابی طالبم». گویند وقتی وی به مبارزه‌ی عمرو می‌رفت، پیغمبر گفت: اینک تمام اسلام به مبارزه با تمام کفر بیرون شد. این سخنان ستایش آمیز پیامبر (ص)، علی (ع) را نزد مسلمانان محبوب‌تر کرد.

۳- رقابت و امتیاز طلبی گروه‌های مختلف:

از یک سو انصار با استناد به خدمات و نقش خود در تأسیس و پیروزی حکومت اسلامی، جانشینی پیامبر (ص) را حق خود می‌دانستند، و از سوی دیگر سران قریش مدعی انحصار جانشینی پیامبر (ص) در قبیله‌ی خود بودند. افزون بر آن در میان تیره‌های مختلف قریش نیز رقابت وجود داشت. پیامبر (ص) از بنی‌هاشم بود و بسیاری از تیره‌های دیگر قریش مایل نبودند خلافت نیز در این خانواده استمرار یابد.

۴- توطئه‌های پنهان: فتنه‌های دشمنان دیرینه‌ی اسلام مانند ابوسفیان که در لباسی جدید به فکر ایجاد اغتشاش و تفرقه میان مسلمانان و لطمه زدن به اسلام بودند، به این شرایط خطرناک دامن می‌زد.

انتخاب جانشین پیامبر (ص): در حالی که امام علی (ع) و برخی از صحابه مشغول انجام مراسم تدفین پیامبر (ص) بودند، در گوشه‌ی دیگری از مدینه به نام سقیفه بنی ساعده و در پی گفتگویی کوتاه، اما پر تنش بین سران انصار و مهاجر، ابوبکر با پشتیبانی جدی عمر بن خطاب و ابو عبیده جراح به عنوان جانشین رسول خدا (ص) انتخاب گردید و اعتراض امام علی (ع) و برخی دیگر از مسلمانان که نسبت به نادیده گرفتن دستور پیامبر (ص) ابراز نارضایتی

می‌کردند نیز به نتیجه نرسید.

خلافت ابوبکر بن ابی‌قحافه (۱۱-۱۳ ه.ق)

ابوبکر کمتر از سه سال حکومت کرد. مهم‌ترین رویدادهای عصر خلافت او عبارتند از:

۱- اعزام سپاه اسامه: این سپاه به دستور پیامبر (ص) باید به جنگ با رومیان می‌رفت، اما حرکت آن تا زمان خلافت ابوبکر به تأخیر افتاد.

۲- سرکوب شورش‌های داخلی: گروه‌هایی از اعراب بادیه‌نشین با رحلت پیامبر (ص) بار دیگر به شرک و بت‌پرستی بازگشتند. برخی قبایل نیز با امتناع از پرداخت زکات به خلیفه بر استقلال خود تأکید می‌کردند.^۱ ابوبکر با سرکوب آنان، کار مدعیان دروغین نبوت را نیز یکسره ساخت.

۳- آغاز فتوحات در مناطق تحت سلطه‌ی ایران و روم: در زمان خلافت ابوبکر جنگ و گریز قبایل عرب در مرزهای حکومت ساسانی شدت گرفت. در امتداد سرکوب مرتدان، خلیفه به سپاهیان مسلمان دستور داد در سرحدات امپراتوری‌های ساسانی و روم شرقی جهاد کنند. این فتوحات ضمن انتشار اسلام در سرزمین‌های جدید، موجب توجه اذهان به خارج از شبه جزیره و حفظ

۱- این دسته‌ی اخیر قطعاً مرتد (یعنی بازگشته از دین) نبودند ولی خلیفه تمامی آن‌ها را مرتد قلمداد کرد.

آرامش درونی جامعه‌ی اسلامی می‌گردید.

تحت سلطه‌اش (شام، مصر و ...)، موجب بروز نارضایتی گسترده و احساس نیاز به تغییر و رهایی در مردم این مناطق شده بود.

خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ هـ.ق): گسترش قلمرو اسلامی

ابوبکر قبل از مرگ، عمر بن خطاب را به جانشینی خود منصوب کرد. پیروزی‌های گسترده‌ی مسلمانان در نبرد با دو قدرت مهم آن روز یعنی ایران و روم و فتح سرزمین‌های وسیعی از ایران، شام و مصر مهم‌ترین رویداد عصر خلافت خلیفه‌ی دوم به شمار می‌آید. سرعت پیشرفت سپاه اسلام در مقابل سپاه پر شمار و مجهز امپراتوری‌های ساسانی و روم معلول عوامل زیر است:

۱- فشارهای داخلی و نابسامانی‌های اجتماعی: تشدید تبعیض‌ها و فقدان حداقلی از عدالت در نظام طبقاتی ساسانیان و ظلم و خشونت امپراتوری روم شرقی بر مناطق

۲- جاذبه‌ی اسلام: این مسأله به‌ویژه در مورد ایرانیان که اسلام را با تعالیم آغشته به خرافات دین زرتشت و سلطه‌ی بی‌حد و حصر موبدان مقایسه می‌کردند، بیشتر صدق می‌کرد.

۳- رفتار انسانی و صلح طلبانه‌ی سرداران سپاه اسلام: مردم سرزمین‌هایی که مورد حمله‌ی سپاهیان مسلمان واقع می‌شدند، اجازه داشتند با پرداخت مالیاتی تحت عنوان جزیه بر دین خود باقی بمانند و در امنیت کامل جامعه‌ی اسلامی قرار بگیرند. ساکنان شهرها و روستاهای زیادی در ایران، مصر و شام به این طریق با مسلمانان به توافق رسیدند.



گسترش قلمرو مسلمانان

پیامدهای فتوحات

اگرچه فتوحات موجب گسترش قلمرو حکومت اسلامی و افزایش شمار مسلمانان گردید، اما این مسئله پیامدهای نامطلوبی نیز داشت. از آن جمله اند:

۱- ارائه‌ی الگویی ناقص و انحرافی از

دین‌داری: بیشتر افراد سپاه اسلام در دوران فتوحات را بدویان یا اعراب نومسلمانان تشکیل می‌دادند که از تربیت دینی کاملی برخوردار نبودند، به این دلیل محتوا و پیام دین اسلام به شکلی ناقص و بعضاً تحریف شده در نواحی مفتوحه انتشار یافت.

۲- تقویت روحیه رفاه طلبی و تضعیف

ارزش‌های معنوی: با آن‌که سادگی رفتار و منش مسلمانان از مهم‌ترین عوامل پیشروی و پیروزی آنان بود، اما در درازمدت ثروت فراوانی که در پی گسترش فتوحات به جامعه‌ی اسلامی سرازیر گردید، بسیاری از مسلمانان را به رفاه طلبی و ثروت اندوزی مبتلا کرد. وقتی خلیفه‌ی دوم توزیع مساوی درآمدهای عمومی را کنار گذاشت، روحیه‌ی مال‌اندوزی همراه با تبعیض‌های اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی تشدید گردید و در دوره‌ی خلیفه سوم به اوج خود رسید.

یک توضیح

خلیفه‌ی سوم چگونه انتخاب شد؟

عمر بن خطاب پس از آن‌که در پی یک سوء قصد مجروح گردید و مرگ خود را نزدیک دید، تصمیم‌گیری در مورد خلافت پس از خود را به‌عهده‌ی شورایی از مسلمانان باسابقه گذاشت. اعضای این شورا عبارت بودند: از علی بن ابی طالب (ع)، عثمان بن عفان، عبدالرحمن بن عوف، طلحة بن عبیدالله، زبیر بن عوام و سعد بن ابی وقاص که در میان آنان، عبدالرحمن بن عوف از حق داوری نهایی برخوردار بود. پس از گفت‌وگوهای میان اعضا، عبدالرحمن بن عوف، تعهد به رعایت سه شرط را برای خلیفه‌ی بعدی ضروری دانست: عمل به کتاب خدا، پیروی از راه و روش پیامبر (ص) و پیروی از روش شیخین (ابوبکر و عمر). او ابتدا شرایط خود را به علی بن ابی طالب (ع) عرضه داشت. آن حضرت دو شرط نخست را پذیرفت، اما حاضر نشد به رعایت شرط سوم متعهد گردد. ولی عثمان هر سه شرط را پذیرفت و عهده‌دار منصب خلافت شد، گرچه به تعهداتش پایبند نماند.

خلافت عثمان بن عفان (۲۴-۳۵ هـ.ق)

در دوران عثمان، لشکر کشی و فتوح پی‌گیری شد و سپاه اسلام در ایران، ارمنستان، آسیای صغیر و شمال آفریقا پیروزی‌های چشمگیری به‌دست آورد. در این زمان برای نخستین بار نیروهای مسلمان به خاک اروپا قدم گذاشتند. نیروی دریایی مسلمانان تأسیس شد و تاجزیره‌ی قبرس پیش رفت. در ایران نیز یزدگرد سوم در حالی که

بی‌کس و یاور مانده بود، به‌دست آسیابانی در مرو کشته شد و حکومت ساسانی منقرض گشت (۳۱ هـ.ق).

اعتراض به عملکرد عثمان: خلیفه‌ی سوم از بنی‌امیه بود و اگرچه خود از مسلمانان با سابقه شمرده می‌شد، اما ضعف او در مقابل زیاده‌خواهی و منفعت طلبی خویشاوندانش، راه را برای سلطه‌طلبی امویان گشود و این خاندان را بر بخش‌های گسترده‌ای از سرزمین‌های

سنت‌های نبوی بودند و برخی مانند طلحه و زبیر امتیازاتی برابر با اشرافیت اموی می‌خواستند. به هر حال بی‌توجهی خلیفه به انتقادات و برخورد نادرست اطرافیان او با معترضان، منجر به اوج‌گیری خشم مخالفان و بروز شورش عظیمی شد که در نتیجه‌ی آن خلیفه توسط افرادی ناشناس به قتل رسید.

اسلامی مسلط ساخت. فزونخواهی اشرافیت اموی، تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی مقامات لشکری و کشوری و تبعیض‌های گسترده در جامعه‌ی اسلامی، کم‌کم به بروز و توسعه‌ی نارضایتی عمومی انجامید. البته منتقدان خلیفه انگیزه‌های متفاوتی داشتند، برخی مانند ابوذر غفاری و عمار یاسر نگران فراموش شدن دین و از میان رفتن

یک توضیح

در غزوه‌ی تبوک ابوذر از سپاه اسلام جا ماند. او پس از چند روز، با تحمل مشقت‌های بسیار خود را به سپاه رساند. پیامبر (ص) با مشاهده‌ی ابوذر از جای برخاست و او را در آغوش گرفت و فرمود: «خوش آمدی ابوذر، خدا تو را رحمت کند، که تنها می‌آیی، تنها می‌میری و تنها از خاک برانگیخته می‌شوی». ابوذر به سبب اعتراض بر عثمان به آبادی دور افتاده‌ی ربه‌ه تبعید شد و همان‌جا درگذشت.

خلافت علی بن ابی طالب (ع) (۳۵-۴۰ ه.ق)

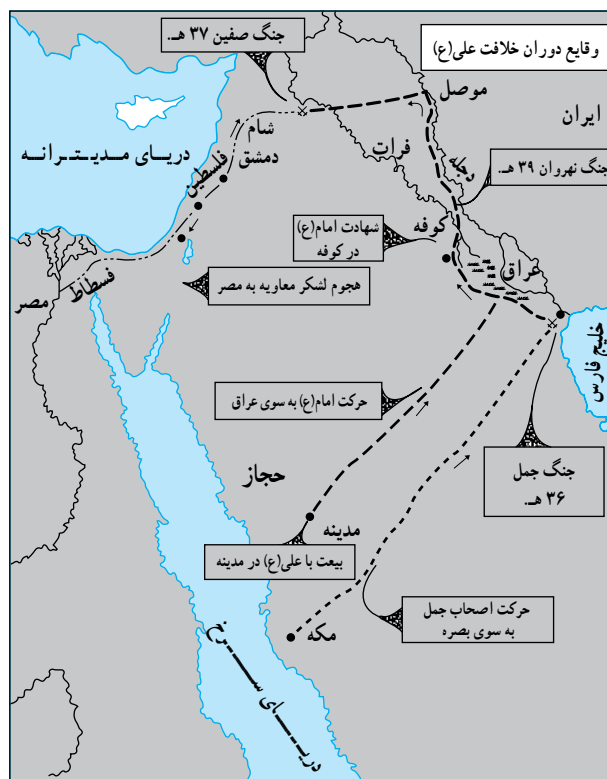
سوگند به کسی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید، اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود و گرد آمدن آنان حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکمبارگی ستمکاران و گرسنگی ستمدیدگان خاموشی نگزینند، ریسمان این کار (خلافت) را برگردنش می‌افکنم.
(نهج البلاغه / خطبه‌ی ۳)

جامعه‌ای که بیست و پنج سال با ارزش‌های اجتماعی عصر نبوی فاصله گرفته بود - با مشکلات و مخالفت‌های فراوانی روبرو گردید. مخالفان اصلی حرکت‌های عدالت‌طلبانه‌ی امام علی (ع) عبارت بودند از:

۱- امتیاز طلبان: شیوه‌ی مدیریت و حکومت عثمان در توزیع ثروت‌های عمومی و عزل و نصب‌های سیاسی و نظامی موجب گردید روحیه‌ی برابری و برادری دینی عصر نبوی کمرنگ گردیده، افرادی به‌انکای سابقه‌ی مسلمانی یا نقش داشتن در توسعه و گسترش اسلام، خواهان

پس از قتل عثمان، مسلمانان به امام علی (ع) پیشنهاد کردند تا سکان‌داری جامعه‌ی بحران‌زده‌ی اسلامی را عهده‌دار شود. آن حضرت با توجه به شناختی که از مردم زمانه‌ی خود داشت، ابتدا از قبول آن پیشنهاد سر باز زد، اما سرانجام به اصرار مردم خلافت را پذیرفت. امام در نخستین اقدام حکومتی خود والیان و استانداران دوره‌ی عثمان را عزل کرد و به توزیع عادلانه‌ی ثروت‌های عمومی اهتمام ورزید. تلاش آن حضرت برای احیای روش حکومتی پیامبر (ص) و توسعه‌ی عدالت اجتماعی - در

امتیازات اقتصادی و سیاسی ویژه باشند. به علاوه کسانی مانند طلحه و زبیر که در شورش علیه عثمان دخالت داشتند، خود را مستحق دریافت امتیازات خاصی از امام علی (ع) می‌دانستند و حاضر به پذیرش رویه‌ی امام برای گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی نبودند. آنان گرچه در آغاز با امام بیعت کردند اما چندی بعد بیعت خود را شکستند^۱ و در مقابل او به صف‌آرایی پرداختند. کوشش‌های امام (ع) برای دفع فتنه بی‌نتیجه ماند و جنگ جمل بر آن حضرت تحمیل شد. این جنگ در اطراف بصره اتفاق افتاد و امام پس از پیروزی بر اصحاب جمل (طلحه، زبیر و عایشه) به کوفه رفت و آن شهر را مرکز خلافت خود قرار داد.



۲- امویان و وابستگان آن‌ها: امویان در دوران سه خلیفه‌ی اول بر جامعه‌ی اسلامی نفوذ و سیطره یافتند. از جمله معاویه فرزند ابوسفیان از سوی خلیفه‌ی دوم حاکم

شام شد و روز به روز بر دامنه‌ی قدرت و نفوذ خود در شام و مصر افزود. قدرت و ثروت معاویه و سایر افراد خاندان اموی در دوره‌ی خلافت عثمان به اوج خود رسید. این گروه که در تاریخ به قاسطین (ستمکاران) معروف گشتند هرگز حاضر به واگذاری قدرت و حتی تحمل حکومت امام علی (ع) نبودند. آنان به سرکردگی معاویه، به بهانه‌ی خونخواهی عثمان، به مخالفت با علی (ع) و سرکشی در مقابل او پرداختند و جنگ دیگری بر جامعه‌ی اسلامی تحمیل کردند. این جنگ در منطقه‌ی صفین -جایی در حدود مرز عراق و شام- رخ داد. در آستانه‌ی پیروزی سپاه امام، با دسیسه‌ی عمروعاص که در اردوی امویان بود، سپاهیان معاویه قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند و خواستار حکمیت شدند. کوشش یاران صادق امام مانند مالک اشتر به نتیجه نرسید و پیشنهاد حکمیت به سبب کوتاه بینی برخی از افراد سپاه امام علی (ع) براو تحمیل شد. به این صورت معاویه از شکست قطعی نجات یافت.

۳- خوارج: این افراد که به مارقین نیز معروف شده‌اند، همان کسانی بودند که در بحبوحه‌ی جنگ صفین، امام را وادار به قبول حکمیت کردند، اما وقتی دریافتند معاویه آنان را فریب داده، پشیمان شدند، ولی به جای سرزنش خود، در یک اقدام غیر منطقی، امام را مورد نکوهش قرار دادند. امام با ملایمت و از طریق موعظه سعی کرد آنان را به راه راست هدایت نماید و مانع آشوبگری شود، اما خوارج بر جهالت و تعصب خود سماجت کردند و سرانجام در مقابل امام آماده‌ی اقدام نظامی شدند. امام به ناچار در نهروان در برابر آنان ایستاد. با نصیحت امام (ع) بیشتر خوارج از اردو خارج شدند. بقیه در جنگ کشته شدند و یا از معرکه گریختند.

۱- به همین دلیل به ناکثین (بیمان شکنان) معروف شدند.

در طول سال‌های درگیری امام با مخالفان و دشمنان عدالت، عده‌ای نفع خویش را در کناره‌گیری و انزوای طلبی دیدند و در جدال حق و باطل سکوت کردند. گوشه‌گیری این گروه که در تاریخ به قاعدین (برجای نشستگان) معروف شدند، در واقع جبهه‌ی امتیازطلبان و اشرافیت مال‌اندوز را تقویت و جبهه‌ی حق را تضعیف کرد.

یک توضیح

ملاک داوری

چون بسیاری از مخالفان امام علی (ع) را چهره‌های سرشناسی تشکیل می‌دادند که به ظاهر دارای اعتبار دینی بودند، آن حضرت به سختی می‌توانست مردم ظاهرین را در مقابل آنان بسیج نماید. امام در یک سخنرانی تاریخی و در کلامی نغز به مردم گوشزد نمود به جای آن صرفاً موقعیت ظاهری افراد را ملاک تشخیص حق و باطل قرار دهند، نخست برای شناسایی حق از باطل تلاش کرده، سپس حق را ملاک داوری در مورد افراد، اندیشه‌ها و رفتارهای آنان بدانند.

روزهای پایانی خلافت امام علی (ع): ماجرای حکمیت و درگیر شدن امام با فتنه‌ی خوارج، موجب سرکشی بیشتر معاویه گردید. بنابراین امام پس از جنگ نهروان تصمیم گرفت بار دیگر برای رویارویی با امویان مهیا شود؛ اما در حالی که بهترین یاران امام مانند محمد بن ابی بکر و مالک اشتر با دسیسه‌های معاویه کشته شدند، مردم کوفه حاضر به همراهی وی در نبردی دیگر نبودند. امام رنجیده خاطر از فتنه‌ی دشمنان، شهادت یاران و سستی همراهانش، همچنان برای سامان بخشیدن اوضاع جامعه‌ی اسلامی در تلاش بود که سرانجام در ۱۹ رمضان سال ۴۰ هـ.ق در مسجد کوفه، با شمشیر زهرآلود ابن ملجم - از بقایای خوارج نهروان - مجروح شد و دو روز بعد به شهادت رسید.

یک توضیح

بخشی از خطبه‌ی امام خطاب به کوفیان

به کسانی گرفتار شده‌ام که چون آن‌ها را می‌خوانم، جواب نمی‌دهند. نفرین بر شما، برای نصرت و یاری دین خدا منتظر چه هستید؟ آیا باوری نیست که شما را گرد آورد؟ آیا غیرتی نیست که شما را تکان دهد؟ در میان شما ایستاده‌ام و فریادکنان یاری و همراهی می‌طلبم ولی سخن مرا گوش نمی‌دهید و فرمانم را پیروی نمی‌کنید. سوگند به خدا، درخانه‌ها بسیارید و در زیر پرچم‌های جنگ اندک. به من خبر رسید که لشکر معاویه به شهر انبار وارد شد و یکی از لشکریان آن‌ها به خانه‌ی یک زن مسلمان و یک زن غیر مسلمان داخل شده و دستبند و گردن‌بند او را گرفت ولی آنان نتوانستند مانع او شوند. اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد، بر او ملامت نیست.

با وجود همه‌ی درگیری‌ها و آشوب‌ها، حکومت کوتاه اما پرفراز و نشیب امام از جهات مختلف قابل توجه و بررسی است: زهد و ساده زیستی امام؛ ممانعت او از هرگونه سوءاستفاده‌ی افراد - حتی اعضای خانواده‌اش - از اموال و امکانات عمومی؛ رسیدگی به طبقات محروم جامعه و اهتمام به برخورداری آن‌ها از حداقل امکانات زندگی؛ رفع هرگونه تبعیض اجتماعی و اقتصادی و تلاش برای توسعه‌ی عدالت و امنیت برای همه‌ی مردم اعم از مسلمانان باسابقه، تازه مسلمانان غیر عرب (موالی) و حتی غیر مسلمانان (اهل ذمه)؛ صبر و تحمل ستودنی در مقابل مخالفان - البته تا زمانی که امنیت جامعه را برهم نمی‌زدند - و حتی دستور به مدارا با کسی که به قتل او اقدام کرده بود، از جلوه‌های کم نظیر حکومت علی (ع) بود.

پژوهشگران تاریخ اسلام زندگانی امام علی (ع) را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

۱- بیست و سه سال جهاد در راه خدا [دوران پیامبر (ص)]

۲- بیست و پنج سال سکوت برای حفظ وحدت مسلمانان [دوران سه خلیفه‌ی اول]

۳- پنج سال مبارزه برای استقرار عدالت [دوران خلافت]

خلافت امام حسن مجتبی (ع)

پس از شهادت امام علی (ع)، مردم مناطقی چون کوفه، یمن، فارس و بصره با فرزندش امام حسن (ع) بیعت کردند؛ اما عواملی چند موجب گردید که امام حسن (ع) ناچار به کناره‌گیری از خلافت شود، از جمله آن که:

۱- تلاش معاویه برای تسلط بر سرتاسر سرزمین‌های اسلامی پس از شهادت امام علی (ع) به اوج خود رسید. معاویه مانند گذشته از دو راه به پیشبرد اهداف خود

پرداخت:

الف - مهیا کردن قوای نظامی چند هزار نفری برای جنگ.

ب - تشدید جنگ روانی علیه امام حسن (ع) از طریق فرستادن جاسوسان و مزدورانی برای فتنه‌گری، تفرقه‌افکنی و شایعه‌پراکنی در سرزمین‌های اسلامی به خصوص عراق مرکز خلافت امام حسن (ع).

۲- امام حسن (ع) برای مقابله با سرکشی معاویه اقدام به سازماندهی سپاه کرد. اما او نیز مانند پدرش فاقد سپاهی یک‌دست، با انگیزه و مطیع بود. جز افراد انگشت‌شماری که تا پای جان حاضر به همراهی با امام بودند، بقیه افرادی سست‌عنصر و کم‌انگیزه بودند و به راحتی در مقابل مبلغ ناچیزی که توسط جاسوسان معاویه به آنان پیشنهاد یا پرداخت می‌گردید، به سپاه معاویه می‌پیوستند و یا حداقل سپاه امام را ترک می‌کردند. سستی و زبونی کوفیان در برابر وسوسه‌های جاسوسان و حيله‌گری‌های یاران معاویه نه تنها موجب ناکامی امام علی (ع) در جنگ صفین گردید که سپاه امام حسن (ع) را نیز در جنگ سباباط در آستانه‌ی شکست قرار داد. دسیسه‌ها و شایعات دشمن چنان تزلزل و اغتشاشی در میان کوفیان ایجاد کرد که افراد دسته دسته گریخته و یا به سپاه معاویه می‌پیوستند، برخی حتی به خیمه‌ی امام یورش برده، آن را غارت کردند. کار به جایی رسید که امام را زخمی کرده، فرش زیر پای او را ربودند.

در چنین شرایطی، امام تصمیم نهایی را برای ادامه‌ی جنگ یا خاتمه‌ی آن به معدود یاران باقی مانده‌ی خود سپرد و فرمود اگر اهل نبرد هستید تا پای جان بجنگیم و اگر زندگی را به مرگ در راه خدا ترجیح می‌دهید، با معاویه صلح کنیم؛ آنان راه دوم را پذیرفتند و امام برای جلوگیری از وقوع شکستی قطعی که می‌توانست جان و مال همه‌ی

مردم عراق را در مقابل سپاه شصت هزار نفری معاویه به مخاطره اندازد، خلافت را با شرایطی به معاویه واگذار کرد. مهمترین تعهدات معاویه در پیمان صلح با امام حسن (ع) عبارت بود از:

- ۱- براساس کتاب خدا و سنت نبوی حکومت کند.
- ۲- از دشنام به امام علی (ع) و آزار شیعیان و پیروان او پرهیز نماید.

۳- جانشینی برای خود تعیین نکند. امام حسن (ع) پس از صلح با معاویه، همراه خانواده‌ی خود به مدینه بازگشت. معاویه تمام تعهدات خود را زیر پا نهاد و مردم عراق که بیشترین تقصیر را در تنها گذاشتن امام علی (ع) و امام حسن (ع) و در نتیجه پیروزی معاویه داشتند، بیشترین رنج و خسارت را در طول حکومت او و سایر خلفای اموی متحمل شدند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چه عواملی موجب گردید پس از رحلت پیامبر (ص)، به سفارش او در مورد جانشینی امام علی (ع) عمل نشود؟
- ۲- تحولات مهم جامعه‌ی اسلامی را در زمان خلیفه‌ی دوم تحلیل کنید.
- ۳- مسائل مهم جامعه‌ی اسلامی در زمان خلیفه‌ی سوم چه بودند؟
- ۴- حضرت علی (ع) در طول خلافتش با چه مشکلات اجتماعی روبرو بود؟
- ۵- گروه‌های مخالف حضرت علی (ع) را نام برده، دلایل سرکشی آنان را در برابر امام ذکر کنید.
- ۶- مواد صلح نامه‌ی امام حسن (ع) با معاویه بیانگر چه واقعیت‌هایی در جامعه‌ی آن روز است؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- جریان یکی از فتوح مسلمانان را در ایران گزارش کنید.
- ۲- آیا تاکنون فیلمی درباره‌ی تاریخ اسلام در عصر خلفای نخستین دیده‌اید؟ به نظر شما مهم‌ترین قسمت‌های آن فیلم کدامند؟ چرا؟
- ۳- شیوه‌ی انتخاب چهار خلیفه‌ی نخست را با هم مقایسه کنید. از این مقایسه چه نتایجی می‌توان گرفت؟
- ۴- درباره‌ی رفتار امام علی (ع) با موالی یا غیر مسلمانانی که در جامعه‌ی اسلامی زندگی می‌کردند، مطلبی تهیه کنید.
- ۵- با بررسی نمونه‌های تاریخی، درباره‌ی معنای بیعت و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن در جامعه‌ی اسلامی قرون نخست، مطلبی تهیه کنید.

خلافت امویان (۴۱ - ۱۳۲ ه.ق)

مقدمه

در درس گذشته، با تحولات جامعه‌ی اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) و دوران خلافت خلفای راشدین آشنا شدید. تحولات عصر خلافت امویان، کارنامه‌ی خلفای این خاندان و سیر دگرگونی و تبدیل حکومت دینی به سلطنت دنیوی، حماسه‌ی شکوهمند حسینی و فتوحات مسلمانان نکاتی است که در این درس درباره‌ی آن سخن گفته خواهد شد. در پایان نیز عوامل مؤثر در انقراض خلافت امویان بررسی می‌شود.

امویان در عصر جاهلیت و دوره‌ی اسلامی

پیامبر اسلام برای کامل کردن مکارم اخلاق و تربیت انسان‌هایی پاکیزه از جهت اندیشه و عمل مبعوث شد^۱ و به همین دلیل از آغاز رسالت تا هنگام رحلت اهتمام جدی به ایجاد تحول در فکر و رفتار جامعه‌ی عصر جاهلی داشت. تحولی که دشمنان پیامبر (ص) و در رأس آن‌ها بنی‌امیه تا آخرین روزهای پیش از فتح مکه در مقابل آن مقاومت کردند. گرچه سرانجام این مقاومت فروریخت و ابوسفیان و فرزندان او و سایر سرکردگان شرک در جریان فتح مکه ناچار به پذیرش ظاهری اسلام شدند، اما تاریخ نشان داد که اسلام آوردن دیر هنگام آنان، به تحولی بنیادین نینجامید و به محض آن که بار دیگر امکان اثرگذاری بر جامعه را یافتند، همان اندیشه و خصلت‌های جاهلی را در لباسی جدید به جامعه عرضه و تحمیل کردند. در واقع خلافت امویان تداوم تفکر جاهلی در بستر جامعه‌ی اسلامی بود.

معاویه بنیان‌گذار خلافت اموی

معاویه فرزند ابوسفیان، در جریان فتح مکه اسلام آورد. در دوران خلیفه‌ی اول با سپاه اسلام عازم فتح شام

شد و در دوره‌ی خلافت خلیفه‌ی دوم در آن دیار به امارت رسید و تا زمان خلافت امام علی (ع) در این منصب باقی ماند. دوری شام از مرکز ظهور اسلام و طبعاً ناآگاهی نومسلمانان شامی از محتوای واقعی دین و پیشینه‌ی پیشرفت اسلام موجب گردید فرزندان ابوسفیان در نگاه مردم شام، مسلمانانی راستین شناخته شوند. معاویه با معرفی خود به عنوان صحابی پیامبر (ص)، پایگاهی نسبتاً محکم برای امویان در شام ایجاد کرد و از حمایت و همراهی مردم آن سرزمین برای دستیابی به اهداف دنیوی خود بهره برد. وقتی امام علی (ع) در آغاز خلافتش او را از حکومت شام برکنار کرد، امام و یارانش را به عنوان قاتلان خلیفه‌ی مقتول به مردم شام معرفی کرد و به بهانه‌ی خونخواهی عثمان، شامیان را به جنگ با امام علی (ع) کشاند. او سرانجام بعد از شهادت امام علی (ع) با تحمیل قرارداد صلحی به امام حسن (ع) رسماً خلافت را به دست گرفت. معاویه در مقام والی شام و سپس خلیفه‌ی مسلمین هدفی جز تداوم قدرت و سلطه امویان از هر طریق ممکن نداشت. او برای دستیابی به اهدافش شیوه‌های مختلفی به کار گرفت. از آن جمله است:

۱- پیامبر (ص) فرمود: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» من تنها برای تام و تمام ساختن مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام.

۱- تبدیل و تغییر حکومت دینی به سلطنت

دنیوی: اسراف و تجمل‌گرایی معاویه که با تعالیم اسلام، سیره‌ی پیامبر (ص) و حتی شیوه‌ی حکومتی خلیفه‌ی اول و دوم هم سازگار نبود، آشکارترین نشانه‌ی این تغییر است. افزون بر آن، معاویه با موروثی کردن خلافت و اعلام جانشینی فرزند ناصالح و فاسق خود (یزید)، گامی اساسی در جهت تغییر شکل و محتوای حکومت دینی برداشت.

۲- تفسیر جبر گرایانه‌ی دین و فریب افکار عمومی:

بر اساس این تفسیر، تحولات سیاسی و اجتماعی، تقدیر یا مشیت خدا تلقی گردیده، مبارزه و مخالفت با حکومت‌های ناصالح خلاف تقدیر و مشیت خداوند شمرده می‌شد.

۳- بدگویی از امام علی (ع) و آزار شیعیان:

از سیاست‌های زشت معاویه که جانشینان وی نیز آن را ادامه دادند، بدگویی از امام علی (ع) بود که توسط مبلغان مزدور انجام می‌شد. هدف از این کار محو الگوی کامل دینداری و نمونه‌ی عالی حکومت اسلامی و جای‌گزینی آن با صورت تحریف‌شده‌ی دین و سیاست بود. در همین

راستا شیعیانی که حاضر به همکاری با معاویه نمی‌شدند، مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند و برخی از آنان مانند حجر بن عدی به وضع فجیعی به شهادت رسیدند. معاویه حتی با وعده‌های فریبنده همسر امام حسن (ع) را واداشت تا آن حضرت را مسموم کرده، به شهادت برساند.

۴- جذب و استخدام افراد حیله‌گر و جاه طلب:

معاویه به تنهایی قادر به اقناع افکار عمومی و ممانعت از مخالفت‌های گسترده‌ی مردم نبود، بنابراین از هر راه ممکن از جمله با سوءاستفاده از بیت‌المال، واگذاری حکومت و حتی تهدید، تعدادی از افراد جاه طلب و حیله‌گر را به خدمت گرفت. برخی از این اشخاص با حیله‌گری و تزویر او را در طراحی روش سلطه بر مردم یاری می‌رساندند، جمعی دیگر نیز در لباس دانشمند و عالم دین با جعل حدیث و تحریف تاریخ، راه غلبه بر افکار عمومی را برای او هموار می‌ساختند، و گروهی با نبوغ و توان نظامی خود، او را در سرکوب مخالفانش یاری می‌دادند. کسانی چون عمرو عاص، مغیره بن شعبه و زیاد بن ابیه از جمله‌ی این افراد بودند.



قلمرو مسلمانان در دوره‌ی بنی‌امیه

دردوره‌ی خلافت معاویه، فتوحات خارجی ادامه یافت. مسلمانان قبرس را فتح کردند و تا نزدیکی قسطنطنیه پیش رفتند و در شرق نیز سیستان و بلوچستان امروزی و قسمتی از سرزمین سند را تصرف کردند. ثروت حاصل از این پیروزی‌ها، دست معاویه را برای انجام اقدامات یاد شده باز می‌گذاشت.

خلافت یزید: کارنامه‌ی شوم

معاویه پیش از مرگ در سال ۶۰ هـ.ق، زمینه را برای خلافت یزید فراهم آورد. با مرگ معاویه، یزید از والی خود در مدینه خواست تا از امام حسین (ع) برای او بیعت بگیرد. بیعت نشانه‌ی تأیید و اطاعت بود. امام که حکومت یزید را برخلاف اسلام و قرارنامه‌ی صلح امام حسن (ع) می‌دانست از بیعت با او که به بی‌بند و باری و فسق و فجور نیز شهرت داشت، سر باز زد. امام حسین (ع) برای در امان ماندن از دسیسه‌ی کارگزاران یزید عازم مکه گردید. آن حضرت قصد داشت از فرصت حج استفاده کرده، شرایط نامطلوب

جامعه و حکومت اسلامی را برای عموم حج‌گزاران تشریح نماید. مدتی بعد نامه‌های بسیاری از مردم کوفه به دست امام رسید. کوفیان در این نامه‌ها ضمن دعوت امام به کوفه، بر پشتیبانی قاطع خویش از او تأکید کرده بودند. امام حسین (ع)، مسلم بن عقیل را برای بررسی وضع کوفه به آن شهر فرستاد. پس از ۳۵ روز اقامت مسلم در کوفه، بالغ بر هیجده هزار نفر با او به نمایندگی از امام حسین (ع) بیعت کردند. مسلم در نامه‌ای آمادگی مردم کوفه را برای پشتیبانی از امام حسین (ع) به اطلاع آن حضرت رساند. امام پس از دریافت نامه‌ی او، مکه را به قصد عراق ترک کرد. از سوی دیگر یزید سریعاً دست به کار شد و با عزل حاکم کوفه که میلی به خونریزی نداشت، عبیدالله بن زیاد را که مردی سنگدل و خونریز بود، به کوفه فرستاد. عبیدالله پس از ورود به آن شهر چنان رعب و وحشتی ایجاد کرد که کوفیان عهدشان را با مسلم نادیده گرفته، او را در چنگال طرفداران بنی‌امیه رها کردند. مسلم که تنها مانده بود، مظلومانه به شهادت رسید.

«ای مردم آن که سلطان جباری ببیند که حلال خدا را حرام می‌نماید، میثاق او را می‌شکند و بر ضد راه و روش رسول خدا عمل می‌کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم فرمان می‌دهد، اگر به زبان یا کردار در صدد تغییر و اصلاح بر نیاید، سزا است که خداوند، جباران را بر او چیره سازد».

امام حسین (ع)

فکر کنید و پاسخ دهید:

با مطالعه‌ی رویدادهای عصر امامت امام علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نمونه‌هایی از تغییر سریع تصمیم‌های مردم آن زمان را برشمارید.

ابن زیاد به فرماندهی حرّین یزید ریاحی راه را بر او بسته بودند. امام و اندک یارانش در صحرای کربلا، بر سر دو راهی بیعت و اطاعت توأم با ذلت و خواری و یا استقبال از مرگ شرافتمندانه و شهادت در راه خدا قرار گرفت. او راه دوم را برگزید و در خطبه‌ای فرمود: «من مرگ در راه عقیده و ایمان را سعادت می‌دانم و زندگی در سایه‌ی حکومت جباران را جز ننگ نمی‌شمارم». سرانجام پس از

امام در مسیر خود به کوفه در حالی خبر پیمان‌شکنی کوفیان و شهادت مسلم بن عقیل را دریافت کرد که مأموران

چند روز صف‌آرایی دو سپاه، در ۱۰ محرم سال ۶۱ هـ. ق در نیم‌روزی خونین، امام و هفتاد و دو تن از یاران وفادار و با ایمانش به شهادت رسیدند. حربن یزید ریاحی و چند تن دیگر از سپاه یزید نیز که پیش از آغاز نبرد به امام حسین (ع) پیوسته بودند، از جمله‌ی شهیدان کربلا بودند.

محمد بن حنفیه انگیزه‌ی خود را از قیام علیه یزید، امر به معروف و نهی از منکر برای تحقق هدف‌های زیر برشمرد:

۱- اصلاح و بازسازی جامعه‌ی اسلامی بر اساس الگوی حکومت پیامبر (ص) و امام علی (ع).

۲- جلوگیری از رواج فساد و بی‌بندوباری در میان مسلمانان.

اهداف قیام امام حسین (ع)

امام پیش از حرکت، در وصیت‌نامه‌ای به برادرش،



حرم و مرقد مطهر حضرت امام حسین (ع) در کربلا

سجاد (ع) - که سخت بیمار بود - در طول مسیر و در کوفه و شام با خطبه‌های خود، پیام نهضت حسینی، فرجام بد ظالمان و تکلیف مسلمانان و همه‌ی انسان‌های شرافتمند را با عزت و سربلندی بیان داشته، مانع فراموشی حقیقت حماسه‌ی دینی و تاریخی کربلا شدند.

رفتار لشکریان یزید با بیکر شهدا و بازماندگان آنان: لشکریان یزید بر اجساد شهدا اسب تاختند و سر مطهر آنان را بر نیزه کردند. زنان و کودکان را به اسارت گرفته، به کوفه و سپس شام بردند. با وجود همه‌ی این مصیبت‌ها حضرت زینب (س)، سرپرست کاروانیان و امام

یک توضیح

وقتی که سربریده‌ی امام حسین (ع) را به همراه اسرا نزد یزید بردند، او در حضور جمع شعری با این مضمون خواند: «ای کاش امروز پدران ما که در جنگ بدر کشته شدند، شاهد بودند و می‌دیدند که ما به تلافی قتل آنان امروز شیری شجاع و پهلوان (امام حسین) را به قتل رساندیم». یزید در ادامه با انکار نبوت گفت: «بنی‌هاشم با حکومت بازی کردند، والا نه پیامبری آمد و نه وحیی نازل شد.»

واقعه‌ی حرّه: جنایات عمّال یزید در قتل عام و اسارت خاندان پیامبر، دینداران و پرهیزکاران مدینه را سخت‌نگران و مضطرب کرد. نمایندگان مردم مدینه که به شام رفته بودند پس از بازگشت، اخلاق و رفتار زشت و پلید یزید را به اطلاع عموم رساندند؛ در نتیجه، مردم مدینه عبدالله بن حنظله را به رهبری برگزیدند و حاکم اموی را از شهر بیرون راندند. یزید لشکری را برای سرکوبی مخالفان به مدینه اعزام کرد که با قساوتی تمام جنبش را سرکوب و شهر پیامبر (ص) را عرصه‌ی تاخت و تاز قرار داد. در این واقعه، جمع کثیری از جمله هفتصد تن از قاریان قرآن و هشتاد تن از صحابه‌ی پیامبر (ص) کشته شدند. این سپاه سپس برای سرکوب عبدالله بن زبیر، یکی دیگر از مخالفان یزید عازم مکه شد و برای وادار ساختن او به تسلیم، مسجد الحرام را به منجنیق بست و موجب ویرانی کعبه گردید. در همین زمان خبر مرگ یزید به سپاهیان رسید و کارنامه‌ی شوم خلافت وی بسته شد.

جانشینان یزید

پس از یزید، پسرش معاویه دوم به حکومت رسید. او حدود چهل روز پس از تکیه بر کرسی خلافت، در مسجد حاضر شد و در مقابل عموم مردم به نکوهش از رفتار گذشته‌ی خاندان اموی پرداخت. از طغیان جدش، معاویه علیه خلیفه‌ی برحق - امام علی (ع) - و رفتار زشت پدرش در قتل و کشتار اهل بیت پیامبر (ص) و شکستن حرمت مکه بیزاری جست و در حالی که می‌گریست کناره‌گیری خود را از خلافت اعلام نمود. او چندی بعد درگذشت و یا به روایتی مسموم گردید.

کوفه پس از عاشورا

فاصله‌ی میان مرگ یزید بن معاویه تا خلافت

عبدالملک مروان، به دوران فترت خلافت اموی معروف شده است. امویان در دوره‌ی فترت علاوه بر شورش ابن‌زبیر با دو جنبش سیاسی - نظامی دیگر در عراق مواجه شدند: قیام توابین و قیام مختار.

قیام توابین: نخستین قیام به قصد خون‌خواهی امام حسین (ع) را گروهی از مردم کوفه که به توابین معروف شدند، برپا کردند. قیام توابین بیش از آن که حرکتی آگاهانه، هدفمند و برنامه‌ریزی شده باشد، نوعی واکنش عاطفی شتابزده بود. به همین دلیل توابین پس از درگیری کوتاهی با سپاه اموی، شکست خوردند و بسیاری از آنان به قتل رسیدند.

قیام مختار: مختار از خانواده‌های اشراف کوفه بود. او به بهانه‌ی خون‌خواهی امام حسین و با بهره‌گیری از احساسات جریحه‌دار شده‌ی مردم کوفه و میدان دادن به موالی، به ساماندهی سپاهی برای مبارزه با امویان از یک سو و عبدالله بن زبیر از سوی دیگر پرداخت. وی به موفقیت‌های بزرگی دست یافت و با شکست لشکر شام، بسیاری از عاملان فاجعه‌ی کربلا از جمله عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد و شمر را مجازات کرد. اما توجه و تکیه‌ی او به موالی، موجب رنجش رؤسا و اشراف کوفه شد. آنان با نیروهای عبدالله بن زبیر هم‌داستان شدند و مختار را شکست دادند. قیام مختار نخستین صحنه‌ی حضور گسترده‌ی ایرانیان در یک جنبش ضد اموی بود.

انتقال خلافت اموی از شاخه‌ی سفیانی به شاخه‌ی مروانی: پس از درگذشت معاویه‌ی دوم، به سبب درگیری‌های قومی و قبیله‌ای در میان طرفداران بنی‌امیه و شورش دیگر مدعیان خلافت، روند تداوم قدرت در خاندان اموی دچار اختلال گردید. سرانجام مروان سالخورده پس از سال‌ها انتظار، در شام به خلافت رسید. او اندکی بعد درگذشت، اما خلافت اموی تا هنگام سقوط در دست فرزندان و نوادگان وی که به مروانیان یا بنی مروان معروفند باقی ماند.

عبدالملک، پسر و جانشین مروان با کمک حجاج بن یوسف ثقفی که به سنگدلی و قساوت مشهور بود، تمامی مدعیان خلافت را از میان برداشت و دوباره اقتدار و حاکمیت امویان را بر سرتاسر سرزمین‌های اسلامی برقرار کرد.

عبدالملک، پسر و جانشین مروان با کمک حجاج بن یوسف ثقفی که به سنگدلی و قساوت مشهور بود، تمامی مدعیان

یک توضیح

امام سجاد (ع)، آمیزش عظمت مبارزه و شکوه عبادت

امام سجاد (ع) پسر امام حسین (ع) و چهارمین امام شیعیان است. شدت بیماری موجب گردید که با وجود حضور در کربلا، نتواند در نبرد شرکت کند. آن حضرت پس از قیام کربلا، به همراه سایر بازماندگان حادثه، وظیفه‌ی انتقال پیام این حرکت الهی را به عهده گرفت. امام سجاد (ع) در روزگار آشفته‌ی پس از امام حسین (ع) و اختناق حاکم بر جامعه‌ی اسلامی، ضعف بنیه فکری و اعتقادی و فقدان معنویت را اصلی‌ترین مشکل جامعه تشخیص داد. بنابراین با تربیت و آموزش شاگردانی، نخستین هسته‌ی دانشمندان شیعه را تشکیل داد. دعا‌های امام سجاد (ع) از جمله روش‌های غیر مستقیم او برای آموزش عمومی مردم بود. شیوه‌ی دیگر امام آن بود که بردگان را می‌خرید و پس از تعلیم آموزه‌های دین به آنان، آزادشان می‌کرد. به این صورت طی یک جریان تدریجی و درازمدت، زمینه‌های تحولی بنیادین در تفکر و اندیشه‌ی جامعه‌ی اسلامی را فراهم آورد. آثار این آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم، در اقبال گسترده‌ی دانش پژوهان به محضر درس امامان بعدی آشکار گردید.

از جانب فرماندهان مورد ستم و بهره‌کشی قرار گرفته بودند.

۲- رسیدگی به وضع مردم ولایات و مناطق مختلف و اعمال نظارت بر عملکرد والیان و استانداران اموی؛ از جمله منع اخذ جزیه از نو مسلمانان.

۳- ممنوع کردن دشنام‌گویی و اهانت به امام علی (ع) که از زمان معاویه به طور وسیعی در تمام سرزمین‌های اسلامی به اجبار اجرا می‌گردید. اما اجرای این اصلاحات تغییر جدی در شرایط اجتماعی و اقتصادی آن روزگار و جایگاه امویان در نگاه عمومی ایجاد نکرد، زیرا خلافت وی کوتاه مدت بود و خلفای بعدی سیاست‌های عمر بن عبدالعزیز را کنار گذاشتند. در نتیجه اعتراض و نارضایتی عمومی از حکومت اموی همچنان گسترش یافت.

خلافت عمر بن عبدالعزیز: هرچند خلفای اموی به ظاهر می‌کوشیدند با ادعای دینداری و فریب مردم، اعمال خود را توجیه نمایند، اما عملکرد آنان و دست‌نشاندهانشان موجب تنزل مقبولیت و مشروعیت دستگاه خلافت اموی در میان مردم شد. این مسئله حاکمیت اموی را دچار مخاطرات جدی کرد. لذا عمر بن عبدالعزیز، هشتمین خلیفه‌ی اموی شیوه‌ای متفاوت با دیگر خلفای اموی در پیش گرفت. او در دوران خلافتش به انجام تغییرات و اصلاحاتی دست زد که می‌توانست به کاهش نارضایتی عمومی از امویان بیانجامد. مهم‌ترین اقدامات اصلاحی این خلیفه عبارت بود از:

۱- توقف فتوحات و رسیدگی به مطالبات سپاهیان که

کانون انقلاب ضد اموی تبدیل شد :

۱- از آنجا که این سرزمین مرز قلمرو اسلامی با مناطق غیرمسلمان بود، همواره جمعیت قابل توجهی از جنگجویان مسلمان در آن منطقه حضور داشتند.

۲- به دلیل امنیت این منطقه برای مخالفان، نیروهای ناراضی به ویژه علویان و بنی هاشم در این سرزمین مستقر شده، هواداران پرشوری برای خود یافتند.

۳- اعراب مهاجر در این منطقه به واسطه‌ی اختلافات قومی و قبیله‌ای از وحدت و یکپارچگی لازم برخوردار نبودند و لذا مانع جدی در مقابل مخالفان ایجاد نمی‌کردند.

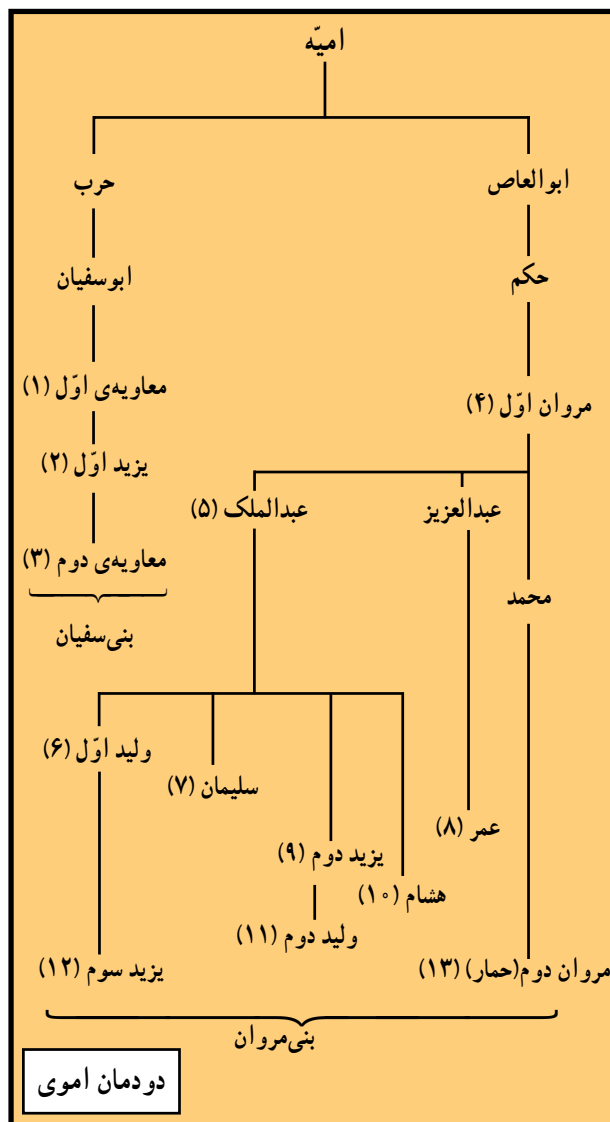
۴- ایرانیان مسلمان که به عنوان موالی در معرض انواع تحقیر و ستم حکام نژادپرست اموی قرار داشتند، همراهی مؤثری با مخالفان اموی از خود نشان دادند.

در چنین شرایطی داعیان عباسی که از تشکیلات تبلیغاتی منسجمی برخوردار بودند، با رعایت اصول مخفی‌کاری لازم اصلی‌ترین بخش فعالیت‌های خود را در منطقه‌ی خراسان متمرکز کردند. آنان با جلب توجه مردم به اسلام و محسنات آن، بر انحراف بنی‌امیه از تعالیم اسلامی و ظلم نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) تأکید می‌ورزیدند. اما دو چیز بیش از همه در پیشبرد جنبش عباسیان مؤثر بود :

۱- تأکید عباسیان بر نسبت خویشاوندی‌شان با خاندان پیامبر (ص).

۲- انتخاب شعار کلی و مبهم «الرضا من آل محمد» : این شعار علاوه بر علویان، ایرانیان را نیز که گرایش وسیعی به تشیع و محبت اهل بیت پیامبر (ص) داشتند، به پشتیبانی از جنبش ترغیب می‌کرد. در درس آینده خواهید خواند که این شعار عباسیان تنها عاملی برای فریب افکار عمومی بود.

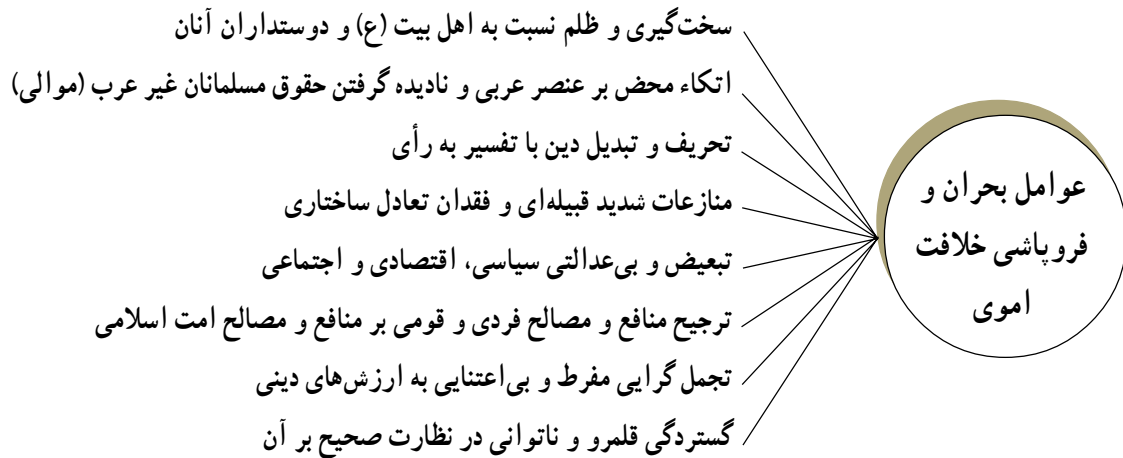
به هر حال جنبش خراسانیان که توسط ابومسلم



سقوط حکومت بنی‌امیه

چون قیام‌های ضد اموی در مناطق عرب نشین نظیر عراق که تحت نظارت مستقیم دستگاه خلافت بود، با خشونت هرچه تمام‌تر سرکوب می‌شد و حکومت مستبدانه‌ی کسانی مانند حجاج بن یوسف (والی خشن عبدالملک در عراق) فرصت هرگونه اعتراضی را از مردم سلب کرده بود. مخالفان به منظور حفظ جان خود و تداوم مبارزه به تدریج در سرزمین‌هایی مستقر شدند که شرایط مناسب‌تری برای فعالیت داشته باشد. خراسان از جمله‌ی این سرزمین‌ها بود که به دلایل زیر به بزرگترین

سازمان‌دهی گردید، نقش اساسی در تحولات تاریخی آن دوره بازی کرد. آنان چون لباس سیاه را نشان و شعار خود قرار داده بودند به «سیاه‌جامگان» معروف شدند. سرانجام با سقوط دمشق و قتل مروان حمار، آخرین خلیفه‌ی اموی در سال ۱۳۲ ه.ق، خلافت بنی‌امیه منقرض شد.



پرسش‌های نمونه

- ۱- معاویه برای رسیدن به اهدافش چه شیوه‌هایی به کار برد؟
- ۲- دلیل شکست قیام مختار را توضیح دهید.
- ۳- چه عواملی در پیشبرد جنبش عباسیان مؤثر بود؟
- ۴- مهم‌ترین عوامل فروپاشی حکومت امویان کدامند؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- در مورد اقدامات حجاج بن یوسف گزارشی بنویسید.
- ۲- درباره‌ی فتوحات مسلمانان در اسپانیا یا شبه قاره‌ی هند در دوره‌ی اموی مطلبی تهیه کنید.
- ۳- عملکرد امام حسین (ع) را در زمان معاویه و در دوره‌ی یزید با هم مقایسه کنید و در مورد دلایل تفاوت عملکرد امام مطلبی بنویسید.

خلافت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ه.ق)

مقدمه

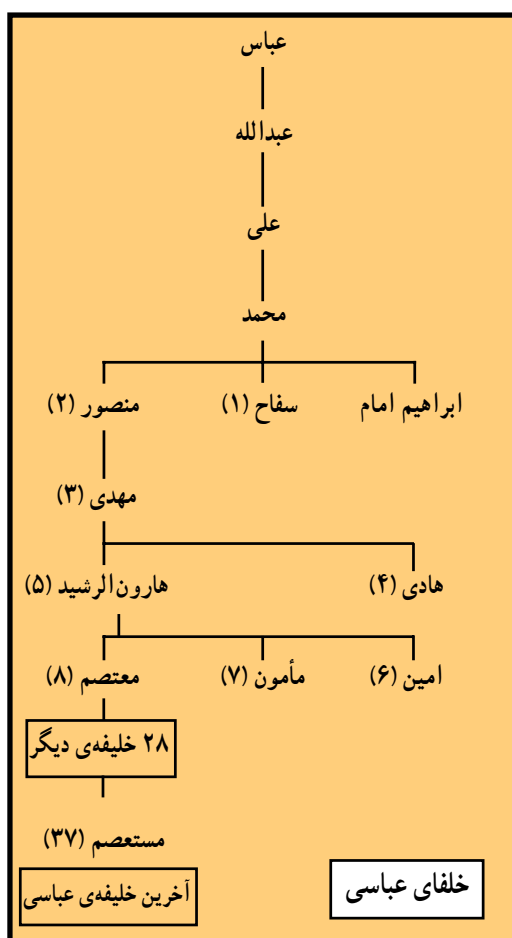
در درس گذشته با تحولات عصر امویان آشنا شدید. در این درس تحولات عصر خلافت عباسیان را می‌خوانید و با مباحثی مانند چگونگی استقرار و تثبیت خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این مسأله، عوامل رونق و شکوفایی تمدن اسلامی، نقش امامان شیعه در توسعه و تکوین فرهنگ و تمدن اسلامی و سرانجام خلافت عباسیان آشنا خواهید شد.

شکل‌گیری خلافت عباسیان

نخستین خلیفه‌ی عباسی ابوالعباس سفاح در سال ۱۳۲ ه.ق در مسجد کوفه رسماً بر مسند خلافت نشست. او در اولین خطبه‌ی خود با بیان انحراف امویان از تعالیم اسلام و یادآوری نسبت خویشاوندی عباسیان با پیامبر(ص)، کوشید تا حقانیت خلافت جدید را توجیه نماید. سفاح از مردم خواست که خدا را به جهت استقرار دولت عباسی در سرزمین‌های اسلامی شکرگزار باشند. دوران حکومت چهارساله‌ی او عمدتاً به تلاش برای استقرار خلافت عباسیان و سرکوب بقایای امویان و وابستگان آنان گذشت؛ اما برادرش منصور، دومین خلیفه‌ی عباسی، طی بیست سال حکومت خود با شکست رقیبان و مخالفان، پایه‌های دولت عباسیان را مستحکم ساخت. ۳۵ خلیفه بعدی همگی از نسل او هستند.

اصلی‌ترین تهدیدهایی که در دوره‌ی زمام‌داری منصور متوجه خلافت عباسی بود و با خشن‌ترین شیوه سرکوب و مهار شد، عبارت بود از:

۱- ادعای خلافت تعدادی از اعضای خاندان عباسی: تمام این مدعیان از طریق تطمیع، تهدید و جنگ، تسلیم یا از صحنه خارج شدند.



۲- قدرت و نفوذ رو به ازدیاد ابومسلم خراسانی: وی یقیناً سهم زیادی در پیروزی عباسیان داشت. غرور و جاه‌طلبی سیاسی و نظامی ابومسلم و

خانان عباسی بر مسند خلافت جلوس کرد، علویان که از نتیجه‌ی همکاری با عباسیان پشیمان شده بودند، در صدد برآمدند اعتراض و مخالفت خود را با خلافت جدید به شکل‌های مختلف نشان دهند. به رغم آن که عباسیان پیروزی خود را مدیون حمایت شیعیان بودند، اما منصور از ترس به خطر افتادن مقام و موقعیت خود و خاندانش، سرکوب قاطع و خونین این جنبش‌ها را در دستور کار خود قرار داد. سخت‌گیری شدید نسبت به ائمه (ع) و چهره‌های برجسته از خانان امام‌علی (ع) و عموم شیعیان در بیش‌تر دوران حکومت عباسی ادامه یافت.

گسترش محبوبیت و نفوذ اجتماعی او در میان ایرانیان، دو خلیفه‌ی اول عباسی، به ویژه منصور را سخت به وحشت انداخت. منصور در همان ابتدای خلافتش با خدعه سردار خراسانی را از هوادارانش جدا کرد و ناجوانمردانه به قتل رساند. قتل ابومسلم موجب شکل‌گیری قیام‌هایی با ادعای خونخواهی او گردید. این جنبش‌ها که بیش‌تر در شرق ایران بروز کرد تا مدت‌ها خلافت عباسی را به خود مشغول ساخت.

۳- جنبش‌های علویان: چون پس از سقوط امویان، به جای یکی از اهل بیت پیامبر (ص)، فردی از

بیش‌تر بدانید

عباسیان برای برخورداری از مشروعیتی که بتواند مردم را به همراهی با آنان متقاعد سازد، بیش از هر چیز نیازمند حمایت شخصیت‌های معتبر خانان علوی به خصوص امام جعفر صادق (ع) بودند که در آن زمان امامت شیعیان را به عهده داشت. به همین دلیل به مذاکره و مکاتبه با ایشان و دیگر چهره‌های خوشنام از جمله برخی سادات حسنی مبادرت نمودند. امام صادق (ع) با فراست تمام دریافت که پیشنهاد همراهی عباسیان، تنها فریبی برای بهره‌برداری از موقعیت اجتماعی علویان است، و لذا نه تنها حاضر به هیچ نوع همکاری با آنان نشد که سایر سادات را هم از این امر بر حذر داشت؛ اما برخی از سادات از جمله عبدالله بن حسن مثنی و فرزندانش این هشدار امام را جدی نگرفتند. اینان بعد از تسلط عباسیان بر امور، تلاش کردند که بار دیگر به سازماندهی نیروهای خود پردازند، اما آن چنان که خواهید خواند با خشونت تمام سرکوب شدند.

یک توضیح

بغداد، دهی از دهات تیسفون (مداین) و به معنی داده‌ی بغ (خداداد) بود. منصور در طرح نقشه‌ی شهر بغداد از نظر خالد بن برمک استفاده کرد و هنگامی که از او خواست برای این کار طاق کسری را ویران کند، خالد این کار را صلاح ندانست.

اداری نیرومندی تأسیس کرد که عمدتاً تقلیدی از سازمان اداری دولت ساسانی بود. در دوران خلافت منصور، دماوند و طبرستان فتح شد.

منصور در سال ۱۴۵ هـ. ق پایتخت عباسی را از هاشمیه که به کوفه، مرکز هواداران تشیع نزدیک بود، به بغداد انتقال داد. او به یاری خانان ایرانی برمکی دستگاه



قلمرو مسلمانان در دوره‌ی بنی عباس

درايت خود و استفاده از تجربيات ديوانی و فرهنگي ايران نقش مهمی در پيشرفت امور داشتند. آنان سرانجام به سرنوشتی مشابه سرنوشت ابو مسلم دچار شدند و به دستور هارون به زندان افتادند و يا به قتل رسيدند.

در عهد خلافت هارون، روابط و مناسبات خارجي توسعه يافت و هيئت‌های نمايندگی از طرف چين و اروپا به بغداد آمدند. در اين دوره به تدريج نخستين حکومت‌های مستقل در شمال آفريقا شکل گرفت و سرزمين‌هایی از پيکره‌ی خلافت اسلامي جدا شد.

خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ه.ق) دوره‌ی جدیدی از نفوذ و نقش‌آفرینی ایرانیان

پس از مرگ هارون و بروز اختلاف میان دو پسر او - امين از مادری عرب و مأمون از مادری ایرانی - شرایط سياسی و اجتماعي جدیدی شکل گرفت. امين که در بغداد مستقر شده بود، بر نیروی سياسی - نظامی اعراب تکیه داشت و از سوی اکثر اعضای خاندان عباسی حمايت

از هارون تا معتصم: دوران شکوفایی خلافت عباسی

مورخان اوج عظمت و شکوفایی خلافت عباسی را عصر هارون می‌دانند؛ گرچه خلیفه سهم چندانی در آن عظمت و شکوفایی نداشت.

عوامل مؤثر در رونق و شکوفایی اقتصاد و فرهنگ در این دوران را می‌توان در عوامل زیر جست‌وجو کرد:

- ۱- ثبات سياسی و امنيت اجتماعي: مقدمات اين امر در دوران خلفای قبل فراهم شده بود و انتقال مستمر ثروت به مرکز خلافت عباسی آن را تقويت می‌کرد.
- ۲- برخورد اندیشه، فرهنگ و تمدن ملل و اقوام گوناگون: اين جريان در فضای عمومي فرهنگ اسلامي مجال ظهور و بروز يافت و موجب رشد و ارتقای سطح فرهنگ عمومي جامعه شد.

۳- درايت و کاردانی وزیران ایرانی، به ویژه برمکیان: خاندان برمکی از اوایل تأسیس خلافت عباسیان پا به عرصه‌ی فعاليت‌های سياسی و اداری گذاشتند و با

امام رضا(ع) با فشار و تهدید ناچار به پذیرش ولایتعهدی خلیفه‌ی عباسی گردید. اما قبول این پیشنهاد را مشروط به آن کرد که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و عزل و نصب‌ها دخالتی نداشته باشد. از یک سو هوشیاری و تدبیر امام مانع دستیابی مأمون به اهدافش شد و از سوی دیگر حضور امام رضا(ع) در ایران موجب آشنایی بیش‌تر ایرانیان با اهل بیت پیامبر(ص) گردید. به علاوه اقدام مأمون در نزدیک شدن به ایرانیان و انتصاب امام رضا(ع) به ولایتعهدی، اعتراض و خشم شدید خاندان عباسی را در بغداد برانگیخت. مأمون برای خروج از این تنگنا دست به اقدامات جدیدی زد:

- بار دیگر مقرر خلافت را از مرو به بغداد انتقال داد.
- در حین سفر به بغداد، مخفیانه دستور قتل فضل بن سهل، وزیر ایرانی خود را صادر کرد.
- پس از قتل سهل، در سناباد توس (که بعداً به مشهدالرضا معروف گشت) امام رضا(ع) را مسموم و شهید کرد (۲۰۳ هـ.ق).

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا امام رضا(ع) با شرایط فوق حاضر به پذیرفتن امر ولایتعهدی شد؟

خلافت معتصم (۲۱۸-۲۲۷ هـ.ق)

خلافت معتصم آغاز دوره‌ای است که ترکان بر دستگاه خلافت عباسی غلبه یافتند. معتصم که مادرش ترک بود ترجیح داد به جای تکیه بر عرب‌ها یا ایرانیان، نیروی سومی را جایگزین آنان کند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا معتصم اتکا به ایرانیان یا عرب‌ها را به مصلح حکومت خود نمی‌دید؟

می‌شد؛ در مقابل، مأمون که مرو را پایگاه حکومت خود قرار داده بود، از پشتیبانی قاطع ایرانیان سود می‌برد. رقابت دو برادر و به تعبیری رقابت اعراب و ایرانیان جز به جنگ و خونریزی فیصله نیافت؛ لشکریان هوادار مأمون به فرماندهی سرداری از خطه‌ی خراسان به نام طاهر بن حسین بغداد را تسخیر کردند و امین را به قتل رساندند.

مأمون و جنبش‌های شیعی: خلفای عباسی پیش از مأمون برای مهار جنبش‌های شیعی، به ویژه قیام‌هایی که توسط سادات رهبری می‌شد از شیوه‌ی سرکوب نظامی استفاده می‌کردند. اما مأمون روش دیگری در برخورد با امامان شیعه در پیش گرفت. او با تزویر امام رضا(ع) را از مدینه به مرو دعوت و ولایتعهدی خود را به او پیشنهاد، بلکه تحمیل کرد. خلیفه با این اقدام امیدوار بود به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- کسب امنیت بیش‌تر برای خلافت عباسی از طریق محدود کردن ارتباط امام رضا(ع) با مردم و به خصوص شیعیان.

- ۲- کسب مقبولیت برای خلافت عباسی به ویژه نزد علویان و سادات، از طریق مشارکت دادن امام در امور حکومتی و ممانعت از شکل‌گیری جنبش‌های آنان.
- ۳- جلب پشتیبانی بیش‌تر ایرانیان؛ زیرا مردم ایران گرایش و ارادت خاصی به خاندان پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) داشتند.



حرم حضرت امام رضا(ع)

روش ائمه (ع) در معارضه با قدرت‌های حاکم پس از فاجعه‌ی کربلا، رهبران علوی برای مقابله با قدرت‌های حاکم (اموی و عباسی) دو شیوه‌ی متفاوت در پیش گرفتند:

شیوه‌ی اول: گروهی از آنان مبارزات سیاسی قهرآمیز و جنبش‌های مسلحانه را برگزیدند. قیام زید از فرزندان امام سجاد (ع) در دوره‌ی اموی که به گونه‌ای دلخراش سرکوب گردید، از جمله‌ی این تلاش‌ها بود. همراهی سادات حسنی با عباسیان برای مبارزه با خلافت اموی نیز با همین هدف انجام گرفت. مبارزه‌ی قهرآمیز و مسلحانه علویان در دوره‌ی عباسی ادامه یافت، اما هرگز نتیجه مطلوبی کسب نکرد.

شیوه‌ی دوم: گروه دیگری از علویان به رهبری ائمه (ع) شیوه‌ی مبارزه‌ی فکری و فرهنگی را برگزیدند. دلایل آنان برای اتخاذ این شیوه عبارت بود از:

۱- بی‌نتیجه بودن جنبش‌های سیاسی نظامی در آن دوره؛ زیرا این جنبش‌ها به شکل خشونت‌آمیزی سرکوب می‌شدند و به سبب وحشت حاکم بر جامعه، آمیدی به جلب پشتیبانی مؤثر مردم از این قیام‌ها وجود نداشت.

۲- ضرورت و نیاز مبرم جامعه اسلامی به فعالیت‌های علمی و فرهنگی، تشخیص چنین ضرورت و نیاز اساسی ناشی از دو مسئله بود:

الف) توسعه‌ی فتوحات از یک سو موجب افزایش سریع تعداد نو مسلمانانی شده بود که کمترین آشنایی با محتوای واقعی اسلام نداشتند و از سوی دیگر زمینه‌ی آمیزش عقاید اسلامی را با سایر اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها از جمله افکار صوفیانه‌ی هندی و تفکرات فلسفی یونانی فراهم آورده بود.

ب) بی‌کفایتی حکومت‌ها در ساماندهی اوضاع فکری و فرهنگی جامعه، بلکه نقش مؤثر آن‌ها در نابسامانی‌های موجود، زمینه‌ی گسترش جعل حدیث، توسعه‌ی خرافات، اظهار نظر‌ها و تفاسیر غلط در مباحث دینی را فراهم آورده

و موجب مخدوش گردیدن چهره‌ی اصیل دین و سردرگمی مسلمانان شده بود.

در چنین شرایطی ائمه (ع) تلاش برای گسترش فرهنگ ناب اسلامی را بر مبارزه‌ی مسلحانه ترجیح دادند.

این حرکت در عصر اموی و دوره‌ی امام سجاد (ع) با ملایمت و به شکل غیر مستقیم در قالب دعا آغاز شد، پس از آن با تلاش‌های علمی امام باقر (ع) ادامه یافت و در عصر عباسی و دوره‌ی امامت امام صادق (ع) به اوج خود رسید. آموزش هزاران نفر از دانش‌پژوهان مشتاق به اندیشه‌ی متعالی اسلام توسط ائمه (ع) تأثیری عمیق بر نظام فکری جامعه گذارد و تحولی بنیادین را در تاریخ اسلام موجب گردید. بر اثر کوشش‌های علمی امام صادق (ع) نه تنها فقه شیعه به نهایت انسجام و جامعیت رسید و به نام ایشان (فقه جعفری) نامیده شد، بلکه سایر مذاهب بزرگ فقهی جهان اسلام نیز از حرکت علمی امامان شیعه تأثیر پذیرفتند؛ زیرا مؤسسين این مذاهب بی‌واسطه یا با واسطه شاگرد امام صادق (ع) معرفی شده‌اند.

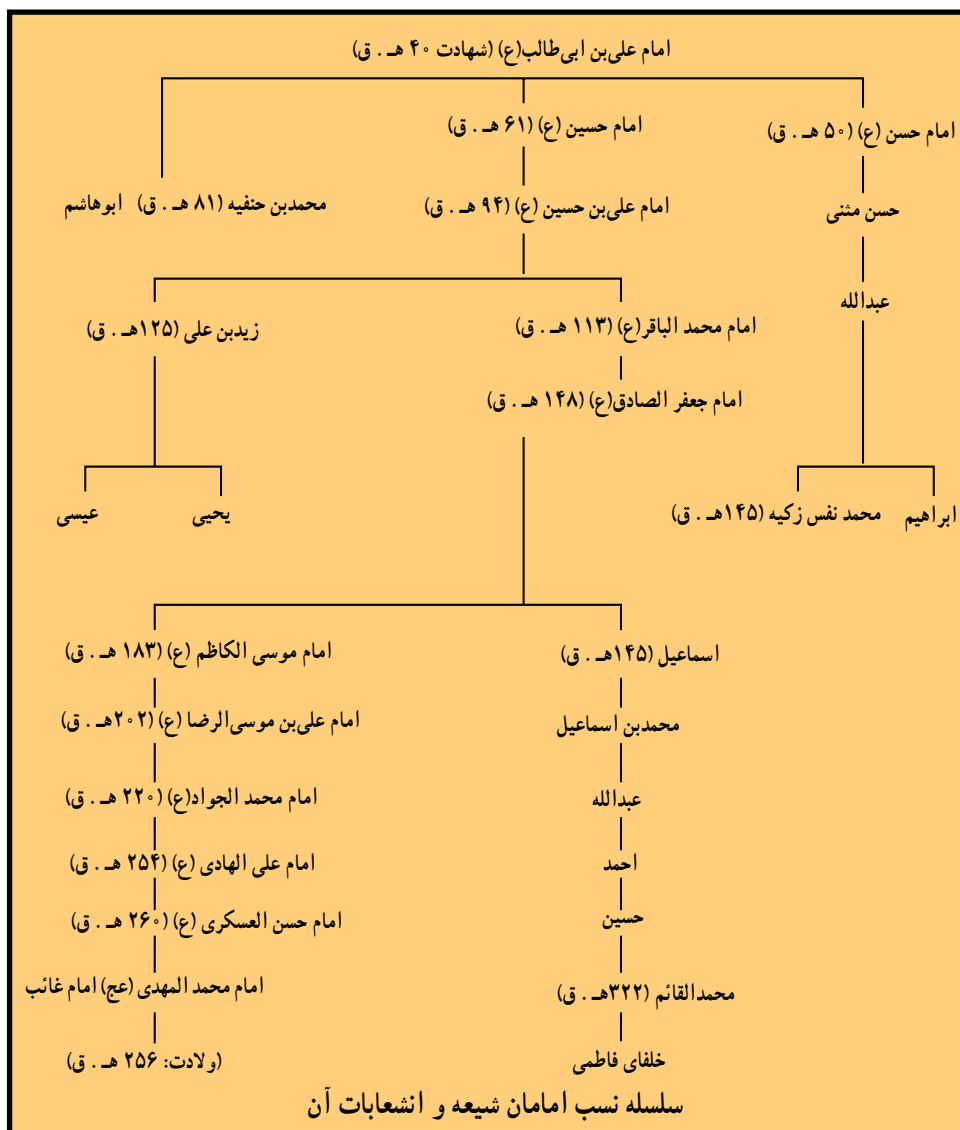
مکتب فقهی که امام جعفر صادق (ع) بنیان نهاد، بعدها توسط امامان بعدی استحکام و توسعه یافت. پس از امام جعفر صادق (ع)، رهبری و هدایت شیعیان را امام موسی بن جعفر (ع) بر عهده گرفت. امام به سبب کثرت زهد به «عبد صالح» مشهور بود و به واسطه‌ی حلم و فروخوردن خشم و صبر بر سختی و ناملایمات «کاظم» نامیده می‌شد؛ ایشان ضمن آموزش فرهنگ و علوم دینی و تربیت شیعیان، اسوه و نمونه‌ی عالی دینداری خالصانه و اخلاق والای انسانی بود. در نظر بسیاری از مردم، منزلت والای دینی و انسانی امام چنان بود که او را شایسته‌ی رهبری و خلافت مسلمانان می‌دانستند و همین امر موجب تشویش و نگرانی دستگاه خلافت عباسی شد تا جایی که خلفای معاصر وی (هادی و هارون) سال‌ها، امام را زندانی کردند. سرانجام، امام در سیاه چال زندان بغداد به شهادت رسید.

مهم‌ترین حادثه‌ی روزگار امام هشتم، امام رضا(ع) ماجرای انتصاب ایشان به ولایتعهدی مأمون بود که پیش از این درباره‌ی آن خواندید.

پس از شهادت امام رضا(ع)، امام جواد(ع) به امامت رسید. مأمون از طریق اجبار امام(ع) به اقامت در بغداد و نظارت و مراقبت شدید بر فعالیت‌های آن حضرت، مانع ارتباط امام(ع) با مردم و پیروانش گردید. به رغم این محدودیت‌ها امام(ع) گاه در بعضی مجالس و مناظرات شرکت می‌نمود و دامنه‌ی وسیع دانش دینی خود را به اندیشمندان عصر خود عرضه می‌کرد.

سال‌های امامت امام هادی(ع) که معاصر با دوران استیلای ترکان و دوران خلافت متوکل بود، از سخت‌ترین روزهای زندگی شیعیان بود. به دستور متوکل بارگاه امام حسین(ع) و دیگر شهدای کربلا ویران گردید و شیعیان مدتی از زیارت مرقد ایشان محروم شدند. او هم‌چنین امام هادی(ع) را به اقامت در سامرا وادار کرد. سرانجام امام هادی(ع) نیز به دستور معتز، خلیفه بعدی به شهادت رسید.

امام حسن عسکری^۱ نیز تحت مراقبت ویژه در فضای اختناق آمیز شهر سامرا قرار داشت. نگرانی دستگاه خلافت



فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا خلفای عباسی به ویژه متوکل تلاش می‌کردند از توجه مردم به بارگاه امام حسین (ع) بکاهند و مانع زیارت بارگاه آن حضرت شوند؟

در این دوران، امام مهدی (ع) از طریق چهار نایب خاص خود با شیعیان در ارتباط بود.
۲- دوران غیبت کبری که از سال ۳۲۹ هـ.ق شروع شد و هنوز ادامه دارد.

واپسین ایام خلافت عباسی

پس از معتصم، ۲۸ خلیفه‌ی دیگر از سلسله‌ی بنی‌عباس به خلافت رسیدند که غالباً ضعیف‌النفس و بازیچه‌ی دست غلامان ترک بودند. سلطه‌ی غلامان ترک در دربار خلافت، تجزیه و تفکیک قدرت سیاسی و دینی، پدید آمدن حکومت‌های رقیب مانند خوارزمشاهیان و اسماعیلیان در ایران و وقوع جنگ‌های صلیبی آخرین مشکلات و دشواری‌هایی بود که خلافت عباسی را دچار انحطاط کرد. سرانجام، هلاکوخان مغول برای گشودن دژهای اسماعیلیه و فتح بغداد به مغرب فرستاده شد. با سقوط بغداد و قتل آخرین خلیفه‌ی عباسی خلافت پانصد ساله‌ی عباسیان به پایان رسید (۶۵۶ هـ.ق).

در این زمان به دو جهت بود:

- ۱- فعالیت‌های علمی و آموزش‌های دینی امام و ارتباط وی با مردم.
 - ۲- تولد حضرت مهدی (ع)، منجی و موعود نجات‌بخش، که قبلاً پیامبر (ص) و امامان (ع)، ظهور ایشان را بشارت داده بودند.
- مورخان شیعه، تاریخ زندگی حضرت مهدی (ع) را به دو دوره تقسیم کرده‌اند:
- ۱- دوران غیبت صغری که از آغاز امامت آن حضرت در سال ۲۶۰ هـ.ق آغاز شد و تا سال ۳۲۹ هـ.ق ادامه داشت.

پرسش‌های نمونه

- ۱- اصلی‌ترین تهدیدهای پیش روی عباسیان در دوران خلافت منصور از ناحیه‌ی چه کسانی بود؟
- ۲- تأثیر ایرانیان را بر تحولات تاریخی عصر هارون و مأمون عباسی توضیح دهید.
- ۳- هدف مأمون از نزدیک شدن به امام رضا (ع) چه بود؟
- ۴- امامان شیعه برای مقابله با تهدیدهایی که جامعه‌ی اسلامی پس از واقعه‌ی کربلا با آن روبرو بود چه اقدامی انجام دادند؟
- ۵- دلیل حساسیت ویژه‌ی خلفای عباسی نسبت به امام عسکری (ع) چه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی مصادیق اثرپذیری خلافت عباسیان از حکومت ساسانیان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی شاگردان امام جعفر صادق (ع) و مقام علمی آنان گزارشی بنویسید.
- ۳- درباره‌ی آثار حضور امام رضا (ع) در ایران و ارتباط نزدیک آن حضرت با مردم ایران مطلبی تهیه کنید.

بخش چهارم

ایران از ورود اسلام
تا صفویان

ایران در قرون نخستین اسلامی (۱)

مقدمه

با توسعه‌ی قلمرو مسلمانان، خلفا اداره‌ی بخش‌هایی از این قلمرو را به امیران و سرداران خود واگذار کردند. ولی به تدریج سردارانی جو‌یای نام و قدرت طلب پیدا شدند که با توسل به نیروی نظامی، حکومت‌هایی نیمه‌مستقل یا مستقل از دستگاه خلافت تأسیس کردند. در این درس و درس بعد با روند شکل‌گیری این حکومت‌ها در ایران و مهم‌ترین آن‌ها آشنا می‌شوید.

ایران در دو قرن اول هجری

پس از شکست حکومت ساسانی از سپاهیان عرب، ایرانیان بلافاصله مسلمان نشدند، بلکه براساس شناخت و درک عمیق محتوای اسلام، به مرور اسلام را پذیرفتند. شیوه‌ی عمل خلفای اموی به خصوص خصلت و روش نژاد پرستانه و قومیت‌گرای آنان که با آموزه‌های ناب اسلام در تعارض بود، مردم مسلمان ایران را رنجیده خاطر ساخت. این امر طبعاً زمینه‌ی بروز واکنش‌هایی در ایرانیان شد و به شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی - اجتماعی متعددی در دوره‌ی اموی انجامید که در عصر عباسی نیز ادامه یافت.

پس از اسلام تلاش می‌کردند و مخالف ورود اندیشه و تفکر اسلامی بودند. در دوره‌ی اموی این جنبش‌ها به نوعی عرب‌ستیزی تند در واکنش به عرب‌گرایی امویان تبدیل شد. البته این حرکت‌ها در عصر عباسیان هم ادامه یافت. برخی از این جنبش‌ها رنگ دینی به خود گرفت و رهبران آن‌ها حتی مدعی پیامبری هم شدند، اما برخی دیگر بیش‌تر جنبه‌ی سیاسی داشت. تلاش‌های کسانی چون مازیار و مردآویج را باید از این دسته دانست. اما هیچ‌یک از این جنبش‌ها در پیشبرد اهداف خود توفیق چندانی کسب نکرد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا این دو دسته از جنبش‌ها پایگاهی در میان مردم ایران نداشتند و ایرانیان از آنان حمایت نمی‌کردند؟

جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایرانیان

جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایرانیان را در قرون نخست اسلامی می‌توان براساس برخی گرایش‌های متفاوت دسته‌بندی نمود:

۲- جنبش‌هایی که رهبران آن‌ها با هوشمندی و درایت توانستند میان اصول و مبانی اعتقاد اسلامی با

۱- جنبش‌هایی که با تحریک احساسات ملی برای تداوم یا احیای فرهنگ، مذهب و نظام اجتماعی ایران

روش خلافت اموی تفکیک و تمایز قائل شوند. اینان اسلام را پذیرفتند و به گونه‌های مختلف در صدد مخالفت و مبارزه با دستگاه حاکم اموی و عباسی برآمدند. گرایش وسیع ایرانیان به خاندان پیامبر(ص) و گسترش تشیع در ایران، ریشه در همین درک عمیق داشت که آنان میان وارثان واقعی پیامبر(ص) و خلفا و امیران قائل می‌شدند. همراهی ایرانیان با داعیان عباسی و نهضت سیاه‌جامگان خراسان در همین راستا قابل درک است. گرچه این جنبش به نتایج مورد نظر آنان دست نیافت و حتی ابومسلم ناجوانمردانه کشته شد، اما برخی خاندان‌های ایرانی مانند برامکه و آل‌سهل با هوشمندی توانستند در تشکیلات اداری و سیاسی خلافت عباسی مقام و مرتبه‌ی والایی کسب کنند و به شکلی دیگر مقدمات استقلال سیاسی ایران را فراهم آورند. از آن پس ایرانیان مسلمان دو جریان فکری و سیاسی را شکل دادند:

الف) جریانی که بیش‌تر در اندیشه‌ی تحقق کسب

ب) جریانی که با ارادت عمیق به خاندان پیامبر(ص) و گرویدن به اندیشه‌ی تشیع، ضمن تلاش برای کسب استقلال سیاسی، در جهت ایجاد هویت مستقل فرهنگی ایران نیز گام بر می‌داشت.

طاهریان: طلیعه‌ی استقلال ایران

نخستین حکومت نیمه مستقل ایرانی را سرداری به نام طاهر ذوالیمینین تأسیس کرد. طاهر در ماجرای اختلاف امین و مأمون بغداد را فتح کرد و امین را به قتل رساند و خلافت را برای مأمون استوار ساخت، به همین دلیل، از سوی او به امارت خراسان برگزیده شد (۲۰۵ ه.ق).



به روایتی طاهر به این سبب ذوالیمینین نام گرفت که «روزی از جانب مأمون به نزد امام رضا (ع) رفت تا با او به ولیعهدی مأمون بیعت کند. طاهر دست چپ خود را جهت بیعت دراز کرد و دست راست را پیش نیاورد، به این خاطر که آن دست به بیعت مأمون مشغول است. از این رو، مأمون او را بدین نام خواند.» از طرفی، طاهر در شجاعت و شمشیرزنی با هر دو دست تبحر خاصی داشت و به قولی، او را بدین سبب ذوالیمینین خوانده‌اند.

عبدالله بن طاهر هم‌چنین به کشاورزی و کشاورزان توجه خاصی داشت. از آن‌جا که در باب کاریزها (قنات‌ها) و استفاده از آن، بین کشاورزان اختلاف و نزاع وجود داشت، فقهای خراسان و عراق را جمع کرد تا کتابی در احکام مربوط به قنات‌ها تدوین نمایند. این کتاب تا مدت‌ها مرجع حل اختلاف بود. اقدام دیگر وی جلوگیری از ستم مالکان و کارگزاران مالیاتی بود که موجب ویرانی روستاها و فرار کشاورزان شده بود.

حکومت طاهریان نیم قرن دوام یافت اما چند عامل موجب انحلال آن شد؛ از آن جمله می‌توان به شورش‌های متوالی خوارج سیستان، ظهور جنبش عیاران به رهبری یعقوب لیث و نهضت علویان طبرستان اشاره کرد. سرانجام با غلبه‌ی یعقوب لیث بر نیشابور دولت طاهریان منقرض شد (۲۵۹ ه.ق).

طاهر یک سال بعد، نام خلیفه را از خطبه انداخت و به نام خود سکه زد و به این صورت ادعای استقلال کرد، اما اندکی بعد، از دنیا رفت^۱.

با این وصف، نگرانی‌های مأمون از شورش خوارج سیستان و نیز علاقه‌ی لشکریان خراسان به خاندان طاهری موجب شد تا مأمون امارت خراسان را به پسران طاهر واگذار کند.

حکومت عبدالله بن طاهر را می‌توان عصر طلایی حکومت طاهریان دانست. او به ترویج و نشر علم علاقه‌ی خاصی داشت و برای عمومی نمودن فرهنگ و دانش، طرحی شبیه به سوادآموزی اجباری عرضه کرد. وی دستور داد تا کودکان فقیر را از مکتب و آموزش محروم نکنند و اسباب و امکانات تحصیل را برای آنان نیز فراهم نمایند تا استعداد کسی ضایع نشود.

نام امیر	ه.ق.	میلادی
طاهر ذوالیمینین	۲۰۵	۸۲۰
طلحه	۲۰۷	۸۲۲
عبدالله	۲۱۳	۸۲۸
طاهر دوم	۲۳۰	۸۴۴
محمد	۲۴۸-۲۵۹	۸۷۲

امیران طاهری

۱- به قولی توسط عمال و جاسوسان خلیفه، مسموم شد و به قتل رسید.

«از محمد بن طاهر (آخرین امیر سلسله‌ی طاهریان) علت زوال حکومت طاهریان را پرسیدند، گفت: شرب شبانگاه، خواب صبح و واگذاری منصب‌های عالی به غیر اهل».

صفاریان؛ عیاران^۱ آزادی خواه

دومین کانون استقلال‌طلبی ایران سرزمین سیستان بود. سیستان در آن زمان به سبب فراوانی آب سرزمینی حاصل خیز بود؛ به طوری که تجار و بازرگانان سیستان با بلاد هند در ارتباط بودند.

رفتارهای تند و پرخاشگرانه‌ی اعراب مهاجر با مردم آن دیار موجب تقویت اندیشه‌های استقلال‌جویی و آزادی‌خواهی در مردم شده بود و آثار و نشانه‌های اسطوره‌ها روحیه‌ی مردم سیستان را حماسی نموده بود. سرزمین سیستان در این روزها، محل تلاقی چند نیرو بود؛ خوارج، عیاران و مطوعه (جنگ‌جویان داوطلب). خوارج از گروه‌های ناراضی و دشمن خلافت بودند. آنان سرزمین سیستان را به عنوان یکی از مراکز



فرماندهی یک واحد‌گرزدار از سپاه در دوره‌ی صفاریان

شورش خود برگزیده و به واسطه تعصب و خشونت امنیت زندگی اجتماعی مردم را سلب کرده بودند. از آن‌جا که حکام طاهری توفیقی در سرکوبی آنان نداشتند گروهی از مردم سیستان برای برقراری امنیت و مبارزه با شورشیان دسته‌هایی از جنگجویان داوطلب تشکیل دادند که به نبرد با خوارج می‌پرداختند به این گروه از جنگجویان داوطلب «مطوعه» می‌گفتند.

عیاران غالباً از مردمان فرودست شهری بودند که ظاهراً به اصول و اخلاق جوان‌مردی و فتوت مقید بودند و گاه با راه‌زنی و دزدی از اموال توانگران زندگی می‌کردند. با این حال، دفاع از تهیدستان و محرومان در مقابل زورگویی‌های قدرتمندان محلی را وظیفه‌ی خود می‌دانستند. عیاران در جنگ‌های محلی‌ای که بین امرا و حکام ولایات رخ می‌داد، غالباً به عنوان مزدور به خدمت گرفته می‌شدند. در میان عیاران سیستان، یعقوب لیث شهرتی خاص داشت.

قدرت‌گیری یعقوب لیث را می‌توان در دو مرحله مورد مطالعه قرار داد:

مرحله‌ی اول: یعقوب با اتکا به نیروی عیاران تحت امر خود که بدو علاقه‌ای خاص داشتند، حاکم طاهری و مدعیان محلی را بیرون راند و پس از آن که امارت سیستان را یافت، تحت عنوان غزا و جهاد به کابل و حدود سند لشکر کشید. در این دوره، روابط یعقوب و خلیفه‌ی عباسی عادی بود و خلیفه به واسطه‌ی آن که وی فتنه‌ی خوارج و

۱- لفظ عیار به معنی کسی که بسیار پرود و بیاید و نیز به معنی شخص هشیار، چالاک و زرنگ نیز آمده است. به رؤسای عیاران «سرهنگ»

یا «سر عیار» می‌گفتند.

حمایت او بودند و خلیفه اقدام علیه آنان را نوعی عصیان علیه خود تلقی کرده، یعقوب را یاغی خواند. یعقوب خشمگین شده، پس از فتح فارس به سوی خوزستان لشکر کشید تا در ادامه به بغداد یورش برد. به رغم تقاضای خلیفه برای مصالحه و دوستی، یعقوب در تصمیم برای انتقام از خلیفه جدی بود، ولی بیماری و مرگ به او مجال نداد.

شورش‌های ماجراجویان محلی را از بین برده و نظم و امنیت را در آن منطقه برقرار ساخته بود، فرمان حکومت سیستان، کابل و بلخ را برایش فرستاد.

مرحله‌ی دوم: گسترش فتوحات و بسط قدرت محلی یعقوب منجر به درگیری وی با طاهریان شد. او با تصرف نیشابور، به اقتدار طاهریان در خراسان پایان داد و این آغاز دشمنی یعقوب با خلیفه بود چرا که طاهریان مورد

یک توضیح

در جریان فتح نیشابور محمد بن طاهر برای یعقوب پیغام فرستاد که اگر تو به فرمان خلیفه این جا آمده‌ای عهد و لوای وی عرضه کن تا ولایت به تو بسپارم و اگر عهد و لوای خلیفه نداری بازگرد. در جواب این پیغام که فرستاده‌ی محمد بن طاهر به وی ابلاغ کرد، یعقوب شمشیر خود را از زیر مُصلیٰ - که آن جا نماز می‌گزارد - بیرون آورد و گفت: این عهد و لوای من است!

نام امیر	ه.ق.	میلادی
یعقوب لیث	۲۵۴	۸۶۸
عمرو لیث	۲۶۵	۸۷۸
طاهر بن محمد	۲۸۷	۹۰۰
لیث	۲۹۶	۹۰۸
محمد، معدل	۲۹۷	۹۱۰
عمرو دوم	۲۹۸	۹۱۷
ابوجعفر احمد	۳۱۱	۹۲۳
خلف بن احمد	۳۵۳	۹۶۳
	۳۹۳	۱۰۰۳

یعقوب در جندی شاپور بیمار شد. در این زمان، فرستاده‌ی خلیفه با منشور (فرمان) ولایت فارس و به قصد استمالت (دل‌جویی) به نزد یعقوب آمد. یعقوب شمشیر و قدری نان خشک و پیاز پیش خود نهاده بود. برای خلیفه پیغام فرستاد که من بیمارم و اگر بمیرم، تو (خلیفه) از من رها شوی و من از تو و اگر ماندم، این شمشیر میان ما داوری خواهد کرد. اگر غالب شوم، به کام خود رسیده‌ام و اگر مغلوب شوم این نان خشک و پیاز مرا بس است.

پس از یعقوب، برادرش، عمرولیث، به امارت رسید. عمرو سیاست محتاطانه‌ای نسبت به خلافت در پیش گرفت. او خود را تابع خلیفه دانست و به نام وی خطبه خواند. در این زمان، خلیفه‌ی عباسی درگیر قیام عظیم بردگان به رهبری صاحب‌الزنج بود و لذا فرمان امارت سیستان، خراسان و فارس را به او داد اما مسئله‌ی ماوراءالنهر موجب اختلاف میان عمرولیث صفاری و امیراسماعیل سامانی شد. در جنگ بین این دو امیر ایرانی، عمرو شکست خورد و به اسارت درآمد و به بغداد فرستاده شد و در زندان به فرمان خلیفه به قتل رسید. با وجود این شکست، امیران صفاری مدت‌ها بر سیستان



خداخانه‌ی مسجد جامع عتیق در شیراز از آثار دوره‌ی صفاریان

پرسش‌های نمونه

- ۱- جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایرانیان در عصر خلافت عباسیان مبتنی بر چه دیدگاه‌هایی بودند؟ توضیح دهید.
- ۲- عبدالله بن طاهر چه اقدامات مهمی انجام داد؟
- ۳- پیش از تشکیل حکومت صفاریان چه نیروهایی در منطقه‌ی سیستان فعال بودند؟ درباره‌ی هر یک از آن‌ها توضیح دهید.
- ۴- ویژگی‌های مراحل مختلف حکومت یعقوب لیث را توضیح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی چگونگی یکی از قیام‌های ایرانیان بر ضد عباسیان (براساس دیدگاه نخست و دوم) مقاله‌ای تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی مناسبات ایرانیان با امامان شیعه مطلبی بنویسید.

ایران در قرون نخستین اسلامی (۲)

سامانیان، پیشینه‌ی تاریخی

سامانیان خاندانی ایرانی بودند که نسب خود را به بهرام چوبین (از سرداران دوره‌ی ساسانی) می‌رسانند. جد ایشان سامان خدای از دهقانان (زمینداران) ناحیه‌ی بلخ بود که پس از مسلمان شدن به همراه نوادگانش به خدمت خلفا درآمدند و به پاس خدماتی که به خلافت نمودند در زمان مأمون حکومت شهرهای مختلف ماوراءالنهر به آنان داده شد.

مورخان امیراسماعیل سامانی را بنیان‌گذار واقعی حکومت سامانیان می‌دانند که پس از وی، امیران دیگری از این خاندان در ماوراءالنهر به‌طور مستقل حکومت کردند (برای آشنایی با امیران سامانی به نمودار صفحه‌ی بعد توجه شود).

حکومت سامانیان در ماوراءالنهر، بیش از یک قرن طول کشید. آنان در دوره‌ی عظمت و قدرت، گذشته از شهرهای ماوراءالنهر و خراسان، گرگان، طبرستان، ری و حتی سیستان را نیز جزء قلمرو خود کردند.

سیاست و مملکتداری سامانیان: سامانیان اساس سیاست خود را بر اطاعت و تبعیت از خلافت عباسی قرار دادند. امیران سامانی غالباً با شیوه‌های مملکت‌داری، سیاست و حکمرانی آشنایی داشتند و با پیروان ادیان و ملل مختلف - که در سرزمین ماوراءالنهر زیاد بودند - با مدارا رفتار می‌نمودند و در کارها از نظرات صاحب‌نظران و دانشمندان استفاده می‌کردند و وزیران خود را از میان اندیشمندان برمی‌گزیدند.



غزنویان و ورود حکومت ایلک خانیان^۱ به صحنه‌ی کشمکش‌های سیاسی - نظامی ماوراءالنهر حکومت سامانیان منقرض و مستملکات آن بین این دو حکومت تقسیم شد؛ به طوری که شهرهای ماوراءالنهر را ایلک خانیان و خراسان را غزنویان تصرف کردند.

علویان طبرستان

اسلام چگونه در قسمت‌های ساحلی دریای خزر گسترش یافت؟ ایالات ساحلی دریای خزر با کوه‌های صعب‌العبور و جنگل‌های انبوه و مردمانی سخت‌کوش سالیان طولانی در برابر یورش اعراب مسلمان ایستادگی کردند. به طوری که تلاش‌های فاتحان عرب برای تسخیر نظامی آن ایالات به جایی نرسید اما روند اسلامی شدن این سرزمین به تدریج و به‌طور مسالمت‌آمیز صورت گرفت. سادات علوی که تحت تعقیب عمال خلیفه‌ی عباسی بودند، با سکونت در این منطقه به‌نشر و ترویج اسلام شیعی پرداختند. عواملی چون حسن رفتار، اخلاق پسندیده و سلوک انسانی آنان زمینه‌های گرویدن به اسلام را در منطقه فراهم کرد.

قیام مردم به رهبری علویان: ساکنان این سرزمین که عمدتاً روستاییان زحمتکش بودند، تحت استثمار و بهره‌کشی دو گروه بودند. از یک‌سو، زمینداران محلی و خاندان‌های حکومتی قدیم و از سوی دیگر حکام طاهری. حکام و دست‌نشانندگان طاهری ضمن مصادره‌ی بیشه‌زارها و مراعات عمومی، با اخذ مالیات سنگین و مکرر در سال، مردم آن دیار را به‌سختی آزار می‌دادند. سرانجام، تداوم این بهره‌کشی‌ها موجب شورش و طغیان مردم شد. آنان با توجه به زهد و پارسایی و رفتار پسندیده‌ای که از سادات علوی مشاهده کرده بودند، یکی از علویان به نام حسن بن زید علوی را که فردی شجاع و عالم بود به رهبری برگزیدند.

اقدامات حسن بن زید علوی: حسن بن زید حکام

میلادی	ه.ق.	نام امیران
۸۹۲	۲۷۹	اسماعیل اول
۹۰۷	۲۹۵	احمد بن اسماعیل
۹۱۳	۳۰۱	نصر دوم
۹۴۲	۳۳۱	نوح اول
۹۵۴	۳۴۳	عبدالملک اول
۹۶۱	۳۵۰	منصور اول
۹۷۶	۳۶۶	نوح دوم
۹۹۷	۳۸۷	منصور دوم
۹۹۹	۳۸۹	عبدالملک دوم

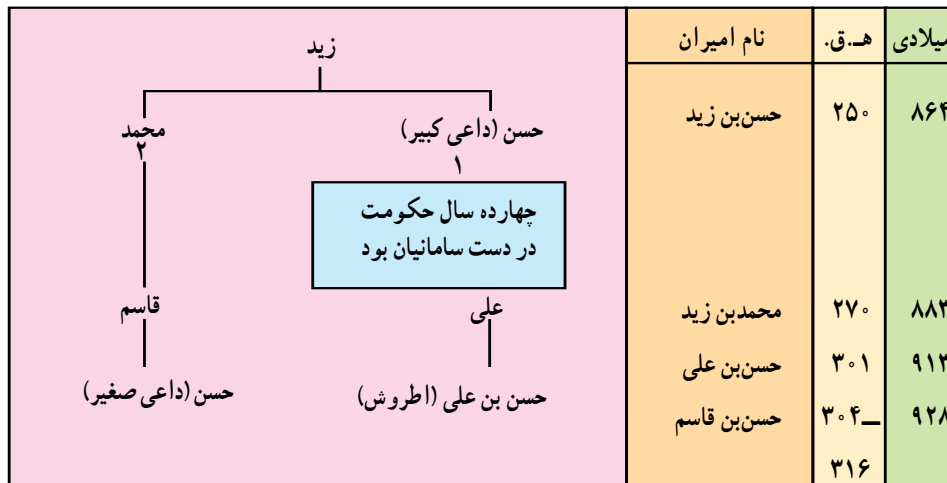
امیران سلسله‌ی سامانی

در دوره‌ی حکومت سامانیان بخارا از مراکز مهم ادب، علم و تمدن در جهان اسلام بود. عده‌ی زیادی از دانشمندان در آن دیار بودند. کتابخانه‌ی سامانیان گنجینه‌ای از تألیفات و آثار علمی، ادبی و فلسفی جهان بود. ابن سینا که مدتی در این مرکز به تحقیق در علوم مشغول بود، در این باره می‌نویسد «که در آن‌جا کتاب‌هایی یافتیم که حتی نامشان بر بسیاری مجهول بود و از آن پس چنان مجموعه‌ای از کتاب‌ها در هیچ‌جا ندیدم.»

علاقه و احترام امیران سامانی نسبت به علما و دانشمندان بسیار زیاد بود، به طوری که حرمت آنان را نگاه می‌داشتند و در کارها از تدبیر آنان بهره می‌گرفتند.

زوال سامانیان: سامانیان با استخدام غلامان ترک‌نژاد و کاستن قدرت و نقش دهقانان محلی، زمینه‌های ضعف و زوال حکومت را فراهم نمودند. تضاد بین دیوان‌سالاران ایرانی و سپه‌سالاران ترک‌نژاد موجب هرج و مرج و نابسامانی در ارکان حکومت سامانیان شد. سرانجام، با ظهور حکومت

۱- این سلسله که به آل افراسیاب و قراخانیان نیز معروف است بر قسمت‌هایی از ماوراءالنهر و ترکستان شرقی حکومت می‌کردند (۶۰۷ - ۳۸۲ ه.ق.).



علویان طبرستان

زیاریان

دولت آل زیار چگونه تأسیس شد؟ پس از آشکار شدن ضعف حکومت علویان تعدادی از سرداران و فرماندهان محلی مدعی حکومت شدند و هر یک در ناحیه‌ای قد برافراشتند. یکی از معروف‌ترین این سرداران مردآویج بود.

مردآویج، پسر زیار، که خود را از نژاد پادشاهان قدیم گیلان می‌شمرد، با تصرف طبرستان، گرگان و اصفهان، حکومت آل زیار را تأسیس کرد.

سیاست مردآویج: مردآویج سنن و آداب ایران قبل از اسلام را ستایش می‌کرد و در خیال احیای شاهنشاهی ساسانیان بود. او تاجی جواهرنشان مانند تاج انوشیروان بر سر می‌نهاد و بر تخت زرین می‌نشست و جشن‌های ملی ایرانیان مانند نوروز را به طرز باشکوهی برپا می‌کرد.

مردآویج با به خدمت گرفتن غلامان ترک، و ضمیمه کردن آن‌ها به سپاهیان گیل و دیلم سپاهی قدرتمند تشکیل داد اما تحقیر و بدرفتاری وی با غلامان ترک سرانجام موجب شورش آنان و قتل مردآویج شد.

وابسته‌ی طاهری را از آن دیار اخراج کرد و حکومتی مستقل را در طبرستان تأسیس نمود (۲۵۰ ه.ق.). او دامنه‌ی قلمرو خود را به جرجان (گرگان)، ری و قزوین رسانید و ضمن مبارزه با راه‌زنان و دفع دزدان دریایی نظم و امنیت کم‌سابقه‌ای را در منطقه ایجاد کرد و احکام و آداب مذهب شیعه را ترویج نمود.

پس از مرگ حسن بن زید، حکومت علویان دچار فراز و نشیب‌هایی شد. معروف‌ترین امیر علوی، حسن بن علی بود که او را ناصر کبیر^۱ می‌خواندند. سبب شهرت او، دادگری و حمایتش از طبقات محروم در مقابل زورگویی‌های زمینداران و توانگران محلی بود. او دانشمندی مجاهد و فقیهی زاهد نیز بود. حکومت علویان پس از ناصر کبیر دیری نپایید و سرانجام در سال ۳۱۶ ق. و با سقوط طبرستان به دست آل زیار، حکومت علویان طبرستان منقرض شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

حکومت‌های طاهریان، صفاریان و علویان را در سه زمینه با هم مقایسه کنید و وجوه مشترک و تفاوت‌های آن‌را بگویید.

۱- وی در چند جنگ شرکت کرده بود و گوشش بر اثر ضربات سلاح دشمن در جنگ یا شکنجه‌های دوران، آسیب دیده بود؛ به همین سبب، او را «اطروش» [کم‌شنوا] نیز می‌خواندند.



ظرف آب شیشه‌ای مربوط به قرن چهارم هجری کشف شده در نیشابور

داد و اصفهان را مرکز قدرتش ساخت و برادرانش، حسن و احمد بویه، نیز فتوحات او را دنبال کردند. احمد پس از استقرار در شیراز به سوی نواحی غربی و مرکز قلمرو خلافت پیش رفت و توانست بغداد را فتح کند.

اهمیت آل بویه در تاریخ ایران: در تاریخ ایران، فتح بغداد توسط آل بویه دارای اهمیت خاصی است، زیرا: اولاً، حکومتی مستقل تشکیل دادند که خلافت عباسیان را تحت کنترل و دست نشانده‌ی خود ساخت و برای مدتی به اقتدار ترکان در جهان اسلام خاتمه داد؛ ثانیاً، آل بویه به لحاظ مذهبی، به تشیع گرایش داشتند، طوری که در روزهای حکومت آنان آداب و سنن شیعه رونق یافت. علمای شیعه از امنیت و حمایت نسبی برخوردار شدند و این خود از عوامل مؤثر در روند گسترش تشیع در ایران بود.

عمادالدوله پسری نداشت، از این رو، برادرزاده‌اش، فناخسرو، (پسر رکن‌الدوله) ملقب به عضدالدوله را به جانشینی خود برگزید.

پس از مردآویج برادرش، وشمگیر، به جای او نشست. او دوران فرمان‌روایی خود را به جنگ با امیرنصر سامانی و پسران بویه گذراند.

با تأسیس حکومت آل بویه (۳۲۰ ق.) نفوذ حکومت آل زیار به تدریج کاستی گرفت و دامنه‌ی آن از حدود گرگان و طبرستان پیش تر نشد.^۱

آل بویه

پیشینه‌ی تاریخی: فرزندان بویه، سردار شجاع دیلمی، قدرتمندترین حکومت ایرانی را در قرن چهارم پایه‌گذاری کردند. بویه سرکرده‌ی جنگ‌جویان محلی در کوه‌های دیلم بود که ابتدا به خدمت حکومت سامانیان درآمد و پس از آن که حکومت زیاریان در سواحل جنوبی مازندران تأسیس شد، به خدمت مردآویج درآمد. مردآویج، علی، پسر بزرگ بویه، را که جنگ‌جویی لایق بود به حکومت کرج^۲ منصوب کرد.^۳

علی (عمادالدوله) در مدتی کوتاه با اتکا به جنگ‌جویان گیل و دیلم، قدرت خود را تا جنوب گسترش



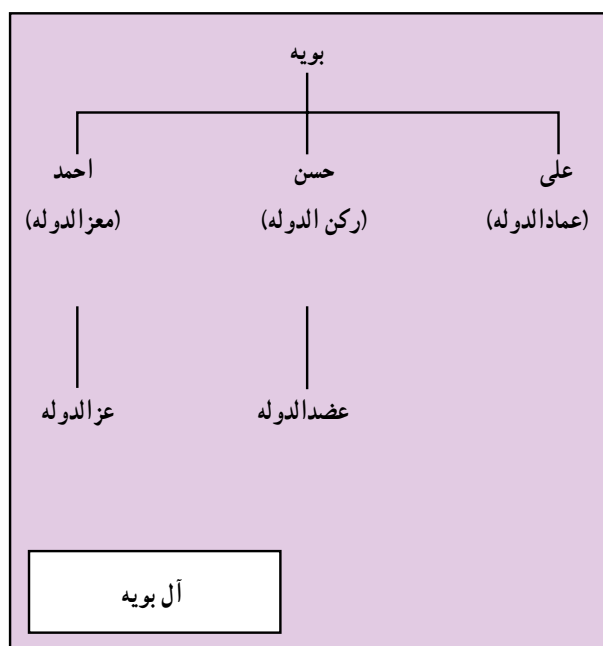
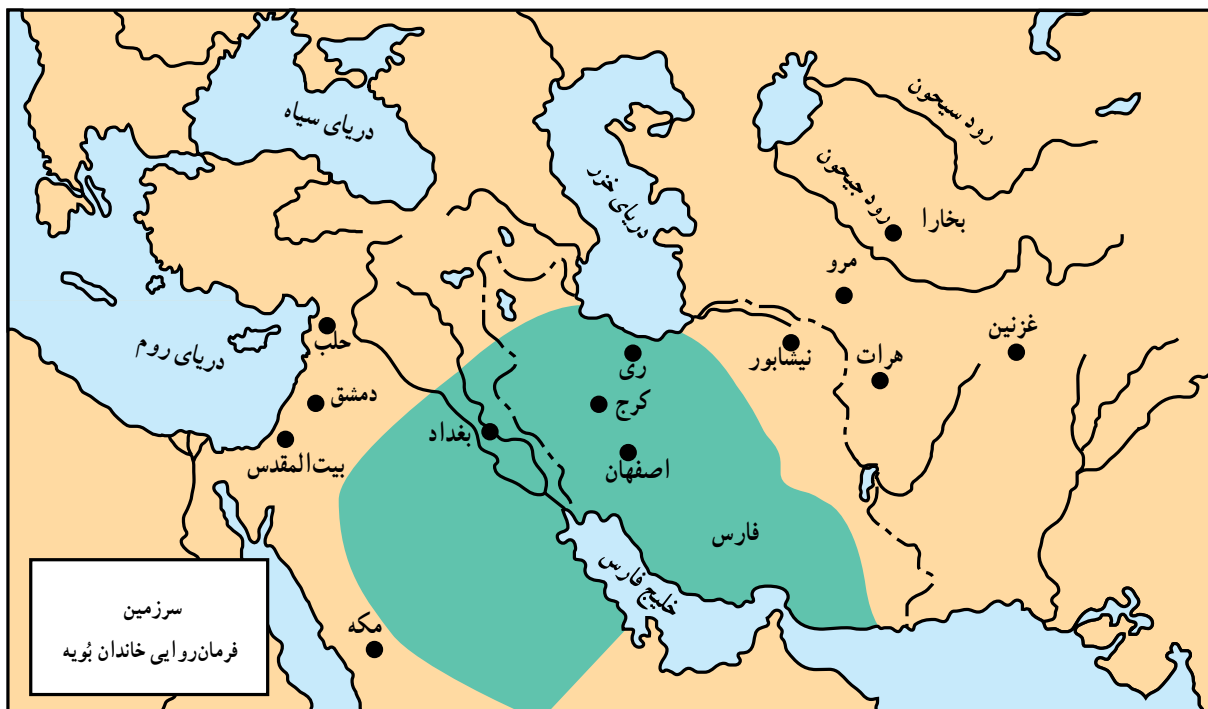
جنگ‌جوی سواره مربوط به دوره‌ی آل بویه

۱- آخرین امیر این دودمان، گیلان‌شاه بود که پس از استیلای اسماعیلیان در منطقه، حکومت محلی و کوچکش برچیده شد.

۲- معروف به کرج ابودلف، شهری در جنوب سلطان‌آباد (اراک کنونی) و متصل بدان بوده است.

۳- هرچند اندکی پس از آن به خاطر این که مردآویج بین سپاهیان محبوبیت داشت از انتصاب خود پشیمان گردید ولی تلاش‌های او برای

بازگرداندن علی مؤثر واقع نشد.



اوج اقتدار و شکوفایی حکومت آل بویه

در زمان فرمانروایی عضدالدوله، حکومت آل بویه به اوج اقتدار و شکوفایی خود رسید. عضدالدوله به خاطر گستردگی فتوحات، توجه و احترام به دانشمندان و علما و ایجاد مؤسسات علمی و عمرانی در تاریخ ایران و اسلام از شهرت ویژه‌ای برخوردار است. او نخستین کسی بود که از طرف خلیفه، لقب ملک (شاه) یافت و در خطبه‌ی بغداد، نامش بعد از نام خلیفه، ذکر شد. به‌دستور عضدالدوله، بناهای بسیاری در عراق و فارس ساخته شد و بر مزار شهدای کربلا و مقبره‌ی حضرت علی (ع) بارگاه احداث گشت. او در بغداد بیمارستانی ساخت که به بیمارستان عضدی معروف شد و در فارس بر رود کُربند معروف عضدی (بند امیر) را احداث کرد.

انحطاط و سقوط آل بویه: پس از عضدالدوله عوامل زیر موجب ضعف آل بویه گردید:

- ۱- رقابت میان شاهزادگانی که هر یک بر بخشی از قلمروی این حکومت مسلط شده بودند.
- ۲- به مخاطره افتادن منبع مهم درآمد آل بویه یعنی بازرگانی به دلیل توسعه‌طلبی خلفای فاطمی در شام

قلمرو آل بویه در عهد عضدالدوله به نهایت گستردگی و وحدت سیاسی رسید. عراق و سراسر ایران تا رود سند (به استثنای خراسان، سیستان که متعلق به سامانیان بود) تابع او گشت و در عربستان نیز عمان تا سرزمین دوردست یمن تحت فرمان وی درآمد.

۳- بروز شورش‌هایی در مناطق مختلف، مانند بحرین که حکومت تجزیه شده‌ی آل‌بویه دیگر توان سرکوبی آن‌ها را نداشت. به دلیل همین ضعف و ناتوانی بود که سرانجام سلجوقیان توانستند آنان را شکست داده به حکومتشان خاتمه دهند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- شما نقاط قوت و ضعف حکومت سامانیان را در چه می‌دانید؟ چرا؟
- ۲- ویژگی مهم مردآویج در مقایسه با سایر فرمان‌روایان مورد بحث چه بود؟
- ۳- چه زمینه‌هایی موجب شکل‌گیری حکومت علویان در طبرستان شد؟
- ۴- فتح بغداد توسط آل‌بویه از چه جهاتی اهمیت داشت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- چرا آل‌بویه به رغم شیعه بودن و برخورداری از قدرت نظامی، خلافت عباسی را از بین نبردند؟ در این باره مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی شاخه‌های مختلف حکومت آل‌بویه پس از مرگ عضدالدوله مقاله‌ای بنویسید.
- ۳- درباره‌ی زندگی و خدمات یکی از وزرای دوره‌های سامانی یا آل‌بویه مطلبی بنویسید.

تاریخ ایران از غزنویان تا مغولان

مقدمه

خواندید که در زمان حکومت سامانیان عده‌ای از ترکان به عنوان نیروی جنگی به خدمت گرفته شدند. به تدریج بعضی از جنگ‌جویان ترک توانستند به مقام فرماندهی سپاه یا سپه‌سالاری دست یابند. هم‌زمان با قدرت‌یابی سپه‌سالاران ترک، روند ورود ترکان به ایران ادامه یافت و تعدادی از قبایل ترک در ماوراءالنهر و خراسان مستقر شدند. سپه‌سالاران و رؤسای قبایل ترک در فاصله‌ی قرون چهارم تا هفتم هجری سه حکومت در ایران تشکیل دادند. این سه حکومت عبارت بودند از غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان. به همین دلیل، این دوره از تاریخ ایران را عصر حکومت ترکان نیز نامیده‌اند. در این درس با اوضاع سیاسی ایران در زمان آن‌ها آشنا می‌شوید.

روند ورود ترکان به ایران

درباره‌ی تاریخ اولیه‌ی اقوام ترک اطلاعات دقیقی در دست نیست. همین اندازه می‌دانیم که آن‌ها در سرزمینی که از شرق به چین و از غرب به رود سیحون محدود می‌شد، زندگی می‌کردند. به همین جهت، این منطقه به ترکستان نیز مشهور شده است. تا حدود قرن ششم میلادی، (دوره‌ی ساسانی) ترکان بیش‌تر به صورت قبایل بیابانگرد و پراکنده زندگی می‌کردند و از نظر سیاسی تمرکز نداشتند. در این زمان اتحادیه‌ای از قبایل ترک به وجود آمد و به دنبال آن، ترکان به سرزمین‌های هم‌جوار از جمله مرزهای ایران حمله کردند. این حملات از سوی ساسانیان دفع شد. پس از ظهور اسلام در جریان پیشروی مسلمانان در شمال شرقی ایران، پای فاتحان مسلمان به مناطق ترک‌نشین رسید. با تشکیل حکومت سامانی در ماوراءالنهر (قرن سوم هجری) این حکومت عهده‌دار حفظ مرزهای مسلمانان در مقابل ترکان شد. با این حال، عوامل مختلفی راه را برای ورود ترکان به قلمرو سامانیان

و جهان اسلام باز کرد. از جمله:

۱- سامانیان با حمله به مناطق ترک‌نشین عده‌ای را به اسارت گرفتند و از آن‌ها به عنوان خدمت‌کار و نیروی جنگی استفاده کردند.

۲- عده‌ای از ترکان با پذیرش اسلام توانستند به جامعه‌ی مسلمانان وارد شوند؛ زیرا بر اساس تعالیم اسلام همه‌ی مسلمانان با هم برابر و برادرند.

پس از تشکیل حکومت توسط ترکان، روند ورود ترکان به ایران گسترش یافت و عده‌ای از آن‌ها وارد ایران شده و در نواحی مختلف پراکنده گردیدند. در قرن هفتم هجری و در جریان حملات مغولان نیز گروه‌های دیگری از ترکان به ایران وارد شدند.

تأسیس حکومت غزنوی

در اواخر حکومت سامانیان یکی از سپه‌سالاران ترک به نام آلتکین کوشید با همدستی عده‌ای دیگر، یکی از اعضای خاندان سامانی را به حکومت برساند. این

اقدام با شکست مواجه شد^۱. پس از این ماجرا البتکین راهی غزنه (در شرق ایران) شد و حکومت آن جا را به دست گرفت (۳۵۱ ه.ق). دولت سامانی که سخت گرفتار مشکلات داخلی بود و از جانب ماوراءالنهر نیز با حکومت مسلمان و ترک نژاد ایلک خانیان (قراخانیان) درگیری داشت، حاکمیت البتکین بر غزنه را پذیرفت. البتکین نیز خود را تابع سامانیان اعلام کرد. حکومتی که البتکین بنیان گذاشت به دلیل انتساب به شهر غزنه، بعدها به حکومت غزنوی مشهور شد.

یکی از معروفترین جانشینان البتکین، دامادش سَبْکَتُکین بود. سبکتکین توانسته بود کفایت و کارایی زیادی از خود نشان دهد و توجه بزرگان ترک در غزنه را به خود جلب کند. هم‌زمان با این تحولات، حکومت سامانی به منتهای ضعف خود رسیده بود. سبکتکین با اعلام وفاداری نسبت به سامانیان و به بهانه‌ی سرکوب سرداران جاه‌طلب، از غزنه راهی خراسان شد. او توانست تا حدودی اوضاع را به نفع خاندان سامانی آرام کند. حکومت سامانی نیز نه تنها سبکتکین را در حکومت غزنه تثبیت کرد بلکه اداره‌ی خراسان را به پسر او، یعنی محمود، واگذاشت. محمود توانست با بهره‌گیری از امکانات این منطقه‌ی پهناور و آباد، روز به روز بر قدرت خویش بیفزاید. کمی پس از آن که سبکتکین از دنیا رفت (۳۸۷ ه.ق)، پسرش محمود در غزنه به حکومت رسید. در همین زمان ایلک خانیان با تصرف بخارا به عمر حکومت سامانی پایان دادند. محمود غزنوی نیز با تصرف نواحی جنوبی رود جیحون، قسمت‌هایی از قلمرو سامانیان را به متصرفات خود اضافه کرد. بدین ترتیب، حکومت غزنوی به استقلال کامل دست یافت. خلیفه‌ی عباسی (القادر بالله) نیز حکومت محمود را تأیید کرد.

دوران سی و سه ساله‌ی حکومت محمود بیش‌تر به جنگ با حکومت‌های همسایه و گسترش قلمرو حکومت غزنوی سپری شد. او در بیش‌تر این جنگ‌ها به پیروزی دست یافت. علاوه‌بر استفاده از سپاه کارآمد، وضع نابسامان حکومت‌های همسایه نیز در پیشرفت کار او مؤثر بود زیرا در این زمان، حکومت آل‌بویه تجزیه شده بود. بقایای آل‌زیار در گرگان حاکمیت ضعیفی داشتند. بازماندگان صفاریان در سیستان دچار اختلافات خانوادگی بودند. بالاخره هندوستان نیز، به‌رغم ثروت فراوان، فاقد وحدت سیاسی بود.

علل و نتایج حمله‌ی غزنویان به هند

یکی از مسائل مهم دوره‌ی حکومت غزنویان، لشکرکشی‌های گسترده و پیاپی به هندوستان بود. این کار که از زمان سبکتکین شروع شده بود، در عهد فرمان‌روایی محمود به اوج خود رسید و پس از او نیز توسط جانشینانش دنبال شد. لشکرکشی به هند از چند جهت برای حکومت غزنوی اهمیت داشت:

- ۱- هند سرزمینی آباد و ثروتمند بود و بتکده‌ها و معابد آن‌جا معمولاً سرشار از جواهراتی بود که مردم به آن‌ها هدیه می‌کردند. بنابراین، حمله به هند به معنای دستیابی دولت غزنوی به این منابع عظیم ثروت بود.
- ۲- حمله به هند به‌عنوان سرزمینی کافر نشین - از نظر مسلمانان و به‌ویژه دستگاه خلافت عباسی - در واقع جهاد برای گسترش اسلام تلقی می‌شد و نوعی مشروعیت را برای حکومت غزنوی به‌همراه داشت.
- ۳- نیروی جنگی که پشتوانه و ابزار اصلی حاکمیت غزنویان بود، با حملات مداوم به هندوستان همواره مشغول بود؛ در حالی که بی‌کار ماندن آن می‌توانست بحران‌آفرین باشد.

۱- شخص مورد نظر البتکین، نصر بن عبدالملک بن نوح بود اما منصور بن نوح عمومی او به امارت رسید.



قلمرو غزنویان در زمان سلطان محمود

حملات غزنویان به هند پی آمدهای مختلفی داشت : حکومت غزنوی بود، این زبان به هند نیز راه یافت ؛ سوم نخست آن که موجب شد راه برای گسترش اسلام در آن جا گشوده شود ؛ دوم آن که چون زبان فارسی، زبان رسمی شدن زمینه برای لشکرکشی های بعدی به آن جا شد.

یک توضیح

فتح سومنات^۱

یکی از معروف ترین فتوحات سلطان محمود در هند، فتح سومنات بود. سومنات یکی از بزرگ ترین و مهم ترین بت های هندوان بود که پنج متر طول داشت و در معبدی بزرگ قرار گرفته بود. هندوان گروه گروه به زیارت سومنات می رفتند و صدها برهمن به عبادت آن مشغول بودند. هندوها معتقد بودند که حتی دریا هم سومنات را عبادت می کند به طوری که جزرومد را نشانه ی این موضوع می دانستند. آن ها جواهرات فراوانی را نذر این بت می کردند. علاوه بر این، صدها روستا وقف آن بود. تا پیش از حمله ی سپاه غزنوی برای تصرف معبد سومنات، عده ای از هندیان عقیده داشتند که بت هایی که به دست سپاه سلطان محمود از بین می روند، مورد قهر سومنات اند. هنگامی که سپاه سی هزار نفری غزنوی به سوی سومنات حرکت کرد، هندوها به دست و پای سومنات افتادند تا مانع آن ها شود اما این کار سودی نداشت. به دستور سلطان محمود، بت سومنات شکسته و معبد آن ویران شد. ثروت های هدیه شده به آن نیز تصاحب گردید.

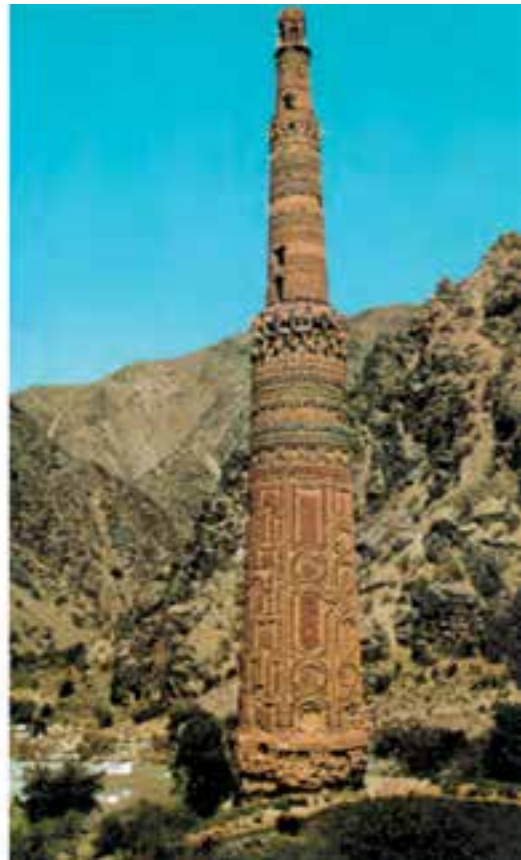
۱- «سوم» به معنی ماه و «نات» یعنی صاحب.

غزنویان پس از سلطان محمود

بعد از مرگ سلطان محمود (۴۲۱ ه.ق.) میان دو پسر او - یعنی محمد و مسعود - بر سر حکومت اختلاف افتاد. این کشمکش پس از چند ماه با پیروزی مسعود پایان پذیرفت اما آشفتگی و نابسامانی در حکومت غزنوی تمام نشد. مسعود فکر می کرد که کارگزاران پدرش از به حکومت رسیدن وی چندان خشنود نیستند و از سر ناچاری حکومت او را پذیرفته اند؛ از این رو در صدد کنار گذاشتن آن ها برآمد. بر اساس نوشته‌ی تاریخ بیهقی - که مهم ترین متن تاریخی مربوط به دوره‌ی فرمانروایی سلطان مسعود غزنوی است - در این زمان کارگزاران حکومت غزنوی به دو دسته‌ی مخالف هم تقسیم می شدند؛ یکی پدیریان یعنی کسانی که منصوب سلطان محمود بودند و دیگری پسریان یعنی هواداران

مسعود. از جمله پدیریانی که مسعود به سختی با او رفتار کرد، خواجه ابوعلی میکال معروف به حسنگ وزیر بود. مسعود که می دانست حسنگ از موقعیت سیاسی و اجتماعی برجسته‌ای برخوردار است، وی را به انحراف مذهبی متهم کرد. سپس ترتیب بردار کردن او و مصادره‌ی اموالش را داد. این گونه اقدامات ضربه‌ای سنگین بر پیکره‌ی حکومت غزنوی وارد کرد؛ زیرا مسعود با این کارها، خود را از داشتن مشاوران و کارگزاران با تجربه محروم ساخت و از اعتبار حکومت غزنوی در میان مردم کاست.

مسعود غزنوی نیز حمله به هند را ادامه داد اما اصرار او در این زمینه در نهایت به زیان حکومت غزنوی تمام شد؛ زیرا دیگر از ثروت‌های افسانه‌ای هند که تأمین کننده‌ی مخارج سپاه و دربار غزنوی بود، خبری



مهم ترین آثار به جا مانده از دوره‌ی حکومت غزنویان و غوریان، چند مناره در کشور افغانستان امروزی است. در سمت چپ، مناره‌ای مربوط به زمان یکی از فرمانروایان غزنوی (محمود سوم) و در سمت راست، مناره‌ای که توسط فرمانروایان غوری بنا شده، دیده می شود. شما فکر می کنید این مناره‌ها به چه منظوری ساخته شده اند؟

کشورداری توانست از مقام رهبری قبایل سلجوقی به مرتبه‌ی فرمان‌روایی یک حکومت نیرومند و دارای قلمروی وسیع برسد. وزیر برجسته‌ی او، عمیدالملک گُندری بود. در زمان طغرل علاوه بر خراسان، نواحی مرکزی، جنوبی و غربی ایران نیز به قلمرو سلجوقیان پیوست.

الب ارسلان و پیروزی بر امپراتوری روم شرقی: پس از طغرل، برادرزاده‌ی او به نام **الب ارسلان** به حکومت رسید. او ابتدا به سرکوب شورش‌هایی که پس از مرگ طغرل به وجود آمده بود، پرداخت و سپس به فکر توسعه‌ی قلمرو حکومت سلجوقی افتاد. در زمان او، قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا سواحل مدیترانه در غرب گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایران بعد از ظهور اسلام بود. به همین جهت، محققان تاریخ از حکومت سلجوقی با عنوان **امپراتوری سلجوقی** نیز یاد می‌کنند.

یکی از رویدادهای مهم دوره‌ی فرمان‌روایی **الب ارسلان**، جنگ او با امپراتوری بیزانس (روم شرقی) بود. سلجوقیان پس از تصرف نواحی غربی ایران در آسیای صغیر با بیزانس همسایه شدند. برخورد میان دو حکومت هنگامی شکل گرفت که امپراتور بیزانس^۱ در صدد باز پس‌گیری سرزمین‌های تصرف‌شده توسط سلجوقیان در آسیای صغیر برآمد. نبرد سرنوشت‌ساز در سال ۴۶۳ ه.ق در منطقه‌ی ملازگرد در ترکیه‌ی امروزی روی داد. در این نبرد، سپاه بیزانس شکست خورد و امپراتور بیزانس به اسارت درآمد. **الب ارسلان** مدتی بعد در برابر دریافت پول از رومیان او را آزاد کرد. این تحولات زمینه را برای گسترش بیش‌تر اسلام و همچنین زبان فارسی در آسیای صغیر فراهم کرد.^۲

نمود. در نتیجه، بار سنگین هزینه‌ها بر دوش مردم گذاشته شد. این وضع موجب بیزاری مردم به‌ویژه اهالی خراسان از غزنویان شد. از سوی دیگر، (چنان‌که خواهید خواند) توجه بیش‌از حد سلطان مسعود به هند موجب شد که از قدرت یافتن قبایل ترک سلجوقی در خراسان غافل بماند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

با توجه به آن‌چه تا این‌جا خواندید، سه علت مهم ضعف و انقراض دولت غزنوی را ذکر کنید.

تأسیس حکومت سلجوقی

پس از مرگ سلطان محمود غزنوی و بروز آشفتگی در دربار غزنه و نیز به دلیل سیاست‌های ناکارآمد سلطان مسعود، سلجوقیان فرصت یافتند تا بر قدرت و قلمرو خویش بیفزایند و بر خراسان مسلط شوند. از جمله موفقیت‌های مهم آن‌ها در این زمان، تصرف مرو و نیشابور بود. با توجه به موقعیت مهم نیشابور در خراسان، تسلط یافتن سلجوقیان بر آن‌جا (در سال ۴۲۹ ه.ق) رویدادی با اهمیت به شمار می‌آمد.

سلطان مسعود پس از تسلط سلجوقیان بر نیشابور در صدد سرکوب آن‌ها برآمد اما در محلی به نام **دندانقان** از سپاه سلجوقی به فرماندهی **طغرل شکست** خورد. نبرد دندانقان به حاکمیت غزنویان در خراسان پایان داد.

طغرل پس از بیرون‌راندن غزنویان از خراسان، با عنوان **سلطان** در نیشابور بر مسند حکومت نشست و خطبه به نام او خوانده و سکه به نامش زده شد. این به معنای آغاز حکومت سلجوقیان بود. طغرل هم‌چنین برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش در پی جلب حمایت خلیفه‌ی عباسی برآمد. طغرل با استفاده از توانمندی‌های ایرانیان در زمینه‌ی

۱- رومانوس دیوجانوس Romanus Diogenos

۲- پس از مدتی حکومت سلجوقیان در آسیای صغیر تثبیت شد و شاخه‌ای از خاندان سلجوقی که به سلجوقیان روم مشهور شدند، بر آن‌جا حاکمیت یافتند. در آن زمان به منطقه‌ی آسیای صغیر، روم نیز گفته می‌شد؛ زیرا این منطقه مدت‌ها جزو متصرفات امپراتوری روم بود.

ملکشاه و خواجه نظام الملک: اوج اقتدار سلجوقیان

حکومتی که توسط طغرل بنیان گذاری شد و البارسلان آن را به مرتبه‌ی یک امپراتوری رساند، در زمان پسر و جانشین البارسلان، یعنی ملکشاه، به اوج قدرت و وسعت خود رسید. ملکشاه به کمک وزیر برجسته‌ی ایرانی خود، خواجه نظام الملک توسی، توانست پایه‌های حکومت خود را تحکیم بخشد. علاوه بر این، بازماندگان غزنویان در افغانستان و بقایای صفاریان در سیستان به اطاعت از دولت سلجوقی گردن نهادند. ملکشاه به منطقه‌ی آسیای صغیر و

شام توجه خاص داشت و برای حفظ و گسترش حاکمیت سلجوقیان در آن‌جا می‌کوشید. به همین منظور، گروه‌هایی از ترکان مهاجر در آسیای صغیر سکونت داده شدند تا از نیروی آن‌ها برای حفظ مرزها استفاده شود.

از جمله رویدادهای مهم زمان ملکشاه، رویارویی او با خلفای عباسی بود. سلجوقیان که خود را منجی خلافت عباسی از سلطه‌ی آل بویه می‌دانستند، خواهان همراهی کامل خلفا با سیاست‌های خود بودند. مخالفت عباسیان با این کار، ملکشاه را به فکر حمله به بغداد انداخت اما در این زمینه توفیقی نیافت.



قلمرو سلجوقیان در زمان ملکشاه

این دوران، مدیون درایت و کفایت مرد بزرگی چون خواجه نظام الملک توسی بود که عملاً اداره‌ی امور کشور را در دست داشت.

در زمان فرمان‌روایی ملکشاه، اصفهان پایتخت بود. او با هدایت خواجه نظام الملک، بناهای بزرگ و زیبایی در این شهر ساخت. بخش مهمی از توفیق سلجوقیان در

اسماعیلیان فرمانروایان کوهستان‌ها

در عصر سلجوقیان یک جریان مذهبی-سیاسی نیرومند در ایران شکل گرفت که بخش مهمی از توان حکومت سلجوقی صرف مقابله با آن شد. این جریان فرقه‌ی اسماعیلیه بود. اسماعیلیه گروهی از شیعیان‌اند که اسماعیل، فرزند امام جعفر صادق (ع)، را جانشین آن حضرت می‌دانند و چون اسماعیل پیش از پدرش از دنیا رفته است اینان معتقدند که محمد فرزند او امام محسوب می‌شود.

اسماعیلیان در سرزمین‌های مختلف از جمله ایران، هند، شام و شمال آفریقا پراکنده بودند. اسماعیلیان ایران به رهبری حسن صباح کوشیدند با افزودن بر قدرت خویش، به مقابله با حکومت سلجوقی، که مخالف اسماعیلیه بود، بپردازند. آن‌ها با دراختیار گرفتن چند دژ (قلعه) در نواحی مختلف ایران پایگاه‌هایی برای خود ایجاد کردند. شاه‌دژ در نزدیکی اصفهان و الموت در نزدیکی قزوین از جمله‌ی مهم‌ترین این دژها بود. دشمنی میان سلجوقیان و اسماعیلیان تا پایان دوره‌ی حکومت سلجوقی هم‌چنان ادامه یافت و قدرت سیاسی و نظامی اسماعیلیان در ایران سرانجام در جریان حمله‌ی مغول از بین رفت.

از عواید آن استفاده کنند. این شیوه از یک سو، موجب کاهش وابستگی آن‌ها به حکومت سلجوقی شد و از سوی دیگر، زمینه را برای افزایش ستم بر مردم و نارضایتی آن‌ها فراهم کرد.

مشهورترین فرمانروای سلجوقی پس از ملکشاه، سلطان سنجر بود. او پس از چندی درگیری با مدعیان حکومت، بر شرق قلمرو سلجوقی تسلط یافت. سنجر مرو را پایتخت خود قرار داد و کوشید بار دیگر وحدت و یک‌پارچگی را به امپراتوری سلجوقی بازگرداند. وی مدتی با اسماعیلیان درگیر شد. اما چون با حملات ترکان در شرق مواجه گردید، در سرکوب اسماعیلیان توفیق نیافت. او حتی مدتی به اسارت ترکان درآمد و اگر چه از اسارت نجات یافت اما با مرگ زود هنگامش انحطاط حکومت سلجوقی سرعت بیش‌تری یافت. سرانجام در اواسط قرن ششم هجری و در حالی که در هر گوشه از قلمرو سلجوقیان شاه‌زاده یا اتابکی حکومت می‌کرد، خوارزمشاهیان که گروهی دیگر از ترکان بودند، به عمر حکومت سلجوقی در ایران پایان دادند.

عوامل و چگونگی انقراض حکومت سلجوقی

پس از مرگ ملکشاه و خواجه نظام‌الملک حکومت سلجوقی به سرعت روبه ضعف نهاد. در اثر بروز اختلاف میان اعضای خاندان سلجوقی، حکومت آن‌ها به چند شعبه تقسیم شد و کشمکش میان مدعیان قدرت بالا گرفت. شیوه‌ی شوررداری سلجوقیان نیز طوری بود که موجب کاهش اقتدار آن‌ها می‌شد؛ برای مثال، می‌توان به دور رسم اتابکی و اقطاع اشاره کرد؛ اتابکان کسانی بودند که سرپرستی شاه‌زادگان سلجوقی را که حکومت ایالات به آن‌ها داده شده بود، برعهده داشتند. اما آن‌ها به تدریج با کنار گذاشتن این شاه‌زادگان یا تشریفاتی کردن مقام آن‌ها، عملاً حکومت ایالات را در دست گرفتند. هنگامی که حکومت سلجوقی روبه ضعف گذاشت، اتابکان در گوشه و کنار ایران حکومت‌های مستقلی برای خود تشکیل دادند. مهم‌ترین آن‌ها اتابکان فارس، یزد، آذربایجان و لرستان بودند که تا مدت‌ها بعد از انقراض دولت سلجوقی پابرجا بودند.

اقطاع زمینی بود که از سوی حکومت سلجوقی به فرماندهان نظامی واگذار می‌شد تا به جای دریافت حقوق



سلطان سنجر و معزی (شاعر) در حال رؤیت ماه در شب عید فطر. این تصویر در زمان حکومت مغولان نقاشی شده است. به این سبک نقاشی «سبک مغول» گفته می شود.

تابع خود کردند. ملکشاه سلجوقی اداره‌ی خوارزم را به یکی از درباریان خویش به نام انوشتکین واگذار کرد. انوشتکین و پسرش قطب‌الدین محمد - که بعد از او به حکومت خوارزم منصوب شد - در امور داخلی با استقلال رفتار می کردند اما هم چنان خود را تابع حکومت سلجوقی می دانستند. با بروز هرج و مرج در امپراتوری سلجوقی که با ناکامی های سنجر در مرزهای شرقی به اوج خود رسید، حکومت خوارزمشاهی که اکنون آتسز، نوه‌ی انوشتکین، در رأس آن بود، در مسیر استقلال کامل و حتی ادعای جانشینی سلجوقیان گام نهاد. سنجر توانست چند بار او را سرکوب کند اما هربار، پس از بازگشت از خوارزم، آتسز بار دیگر بر آن جا مسلط می شد.

افزایش اقتدار خوارزمشاهیان و درگیری با خلافت عباسی

پس از مرگ سنجر و آتسز که به فاصله‌ی یک سال اتفاق افتاد تکش، خوارزمشاه جدید، با پیروزی بر رقیبان خود و بهره گیری از ضعف روزافزون حکومت سلجوقی توانست قدرت و استقلال حکومت خوارزمشاهی را تحکیم بخشد. او علاوه بر ماوراءالنهر، خراسان و نواحی مرکزی

فکر کنید و پاسخ دهید:

با توجه به آنچه خواندید، دست کم چهار عامل مؤثر در ضعف و انقراض دولت سلجوقی را توضیح دهید.

تأسیس حکومت خوارزمشاهیان

همان طور که در نقشه‌ی قلمرو خوارزمشاهیان می بینید خوارزم به ناحیه‌ی جنوب دریاچه‌ی آرال و شرق دریای خزر گفته می شد. این منطقه به دلایل مختلف اهمیت داشت. وجود منابع آب در آن جا موجب آبادانی و رونق کشاورزی شده بود. از سوی دیگر، قرار گرفتن خوارزم در بین مسیر ارتباطی شرق به غرب به آن اهمیت تجاری خاصی می بخشید. وجود موانع طبیعی چون رود پرآب جیحون و شعبه‌های متعدد آن و نیز صحراهای پیرامون این منطقه، به استقلال نسبی حاکمان آن جا کمک می کرد و تهاجم به آن جا را مشکل می ساخت.

حاکمان خوارزم از دوران پیش از اسلام خوارزمشاه نام داشتند. حکومت‌های غزنوی و سلجوقی در هنگام اقتدار خود، آن جا را زیر سلطه گرفتند و حاکمان آن را

در مناطقی چون ترکستان، افغانستان، فارس و آذربایجان ادامه داد. سلطان محمد خواسته‌ی تکش از خلیفه را، در مورد به رسمیت شناختن حکومت خوارزمشاهی، تکرار کرد، اما او نیز با پاسخ سرد خلیفه روبه‌رو شد. در نتیجه در صدد لشکرکشی به بغداد و جنگ با خلیفه برآمد. این لشکرکشی با زمین‌گیر شدن سپاه خوارزمشاه در اسدآباد همدان، به علت بارش برف سنگین، ناکام ماند. پس از آن نیز گرفتاری سلطان محمد در برابر مغولان فرصت تکرار این کار را به وی نداد.

برافتادن حکومت خوارزمشاهی به دست مغولان
 زمینه‌های جنگ: در حالی که سلطان محمد خوارزمشاه مشغول گسترش قلمرو خود بود، خبر پیدایش

ایران را نیز تصرف کرد و آخرین سلطان سلجوقی در ایران^۱ را شکست داد؛ به همین دلیل عده‌ای از مورخان تکش را بنیان‌گذار واقعی حکومت خوارزمشاهی دانسته‌اند.

تکش در جریان پیش‌روی به سمت جنوب و غرب ایران به قلمرو خلافت عباسی نزدیک شد و از خلیفه‌ی عباسی خواست وی را همانند سلاطین سلجوقی به رسمیت بشناسد؛ اما خلیفه‌ی عباسی الناصر لدین‌الله که برخلاف بسیاری از خلفای پیشین فردی مقتدر بود و می‌کوشید موقعیت برتر خلیفه را در جهان اسلام احیا کند، حاضر به این کار نشد. بنابراین دشمنی میان خلیفه و تکش بالا گرفت، اما مرگ تکش مانع از بروز جنگ میان این دو گردید.

سلطان محمد خوارزمشاه، فرزند و جانشین تکش، راه پدر را در گسترش قلمرو و تثبیت حکومت خوارزمشاهی



قلمرو خوارزمشاهیان (سلطان محمد خوارزمشاه)

حکومتی نیرومند به سرکردگی چنگیزخان در مغولستان به دربار خوارزم رسید. هم‌زمان با پیشروی‌های سلطان محمد خوارزمشاه در سمت شرق، مغولان با خوارزمشاهیان همسایه شدند. چنگیزخان که بخشی از کشور چین را هم تصرف کرده بود، درصدد برقراری رابطه با خوارزمشاهیان برآمد و هیأت‌های سیاسی و تجاری به ماوراءالنهر و خوارزم فرستاد. یکی از این هیأت‌ها که شامل حدود پانصد بازرگان و یک کاروان بزرگ تجاری بود، به شهر اترار (در مرز شرقی قلمرو خوارزمشاهیان) وارد شد. غایر خان، حاکم شهر، که از اقوام مادری سلطان بود، دستور توقیف کاروانیان و مصادره اموال آن‌ها را داد و به خوارزمشاه پیغام فرستاد که آن‌ها جاسوسان چنگیزخان هستند. خوارزمشاه که در همین بین در لشکرکشی به بغداد با ناکامی روبه‌رو شده بود و در برابر مادر خود و بستگان او نیز اراده و استقلال کافی نداشت، با قتل‌عام کاروانیان و ضبط اموال آن‌ها موافقت کرد. چنگیزخان با اعزام سفیری به دربار خوارزمشاه خواهان مجازات عاملان این واقعه شد. اما این سفیر نیز به قتل رسید. این رفتارها آتش خشم مغولان را برافروخت و بهانه‌ی لازم را برای لشکرکشی به ایران به‌دست چنگیز داد.

هجوم مغولان: در سال ۶۱۶ هـ. حمله‌ی گسترده و وحشتناک مغولان به قلمرو خوارزمشاهیان آغاز شد. سلطان محمد خوارزمشاه از درپیش‌گرفتن یک سیاست جنگی کارآمد عاجز ماند. به ویژه که در میان اطرافیان او نیز اختلاف نظر وجود داشت. در نهایت تصمیم برآن شد تا با متفرق کردن سپاهیان در مناطق و شهرهای مختلف آماده‌ی دفاع در برابر مغولان شوند. مغولان از این وضع استفاده کرده یکایک شهرها و مراکز تجمع آن‌ها را مورد حمله قرار دادند. به نظر بسیاری از مورخان و محققان چنان‌چه خوارزمشاه می‌توانست نیروی جنگی خود را در یک جبهه و با فرماندهی واحد و کارآمد به کار گیرد،

امکان شکست دادن مغولان بسیار زیاد بود.

هنگامی که مغولان در جریان پیشروی خود متوجه ماوراءالنهر و خوارزم شدند، خوارزمشاه به‌جای مقاومت در برابر آن‌ها به‌سرعت به‌سوی نواحی داخلی ایران عقب‌نشینی کرد. مغولان شهرهای بزرگ و آبادی چون بخارا، سمرقند و مرو را تصرف کردند و با قتل‌عام‌های وحشتناک و ویرانگری‌های گسترده، در میان مردم سایر مناطق ایران نیز رعب و وحشت ایجاد کردند. علی‌رغم سیاست‌های نابخردانه‌ی حکومت خوارزمشاهی، در بعضی مناطق مردم و بزرگان شهرها دلیرانه در برابر مهاجمان ایستادند و ضمن وارد کردن تلفاتی به مغولان، خود نیز در این راه جان باختند.

چنگیزخان هم‌زمان با پیشروی در ماوراءالنهر و شمال خراسان، سپاهی سی‌هزارنفری را مأمور تعقیب سلطان محمد خوارزمشاه کرد. این سپاه شهر به شهر خوارزمشاه را تعقیب می‌کردند و او نیز پیوسته درحال فرار بود تا سرانجام به جزیره‌ی آبسکون در دریای خزر پناه برد و اندکی بعد در آن‌جا در غم و غصه از دنیا رفت. پیش از آن خانواده و خزانه‌ی او به‌دست مغولان افتاده بودند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا چنگیزخان اصرار داشت به

خوارزمشاه دست پیدا کند؟

سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و اقدامات او: پس از مرگ سلطان محمد، با وجود ادامه‌ی حملات مغولان، درمورد تعیین خوارزمشاه جدید بین بازماندگان او اختلاف و حتی جنگ و درگیری رخ داد. سلطان در آخرین روزهای عمر یکی از پسران خود به نام جلال‌الدین را به جانشینی انتخاب کرد، اما پس از مرگ او عده‌ای از فرماندهان سپاه و نیز برادران جلال‌الدین با این انتخاب

آنان و مسائل دیگر نظیر لشکرکشی به گرجستان مانع از این بود که وی بتواند با آسودگی به مقابله با مغولان بپردازد. سلطان جلال‌الدین با وجود یک دهه جنگ و گریز در گوشه و کنار ایران، نتوانست در برابر مغولان دوام آورد و در جریان یکی از جنگ‌ها و گریزها به وضع نامعلومی کشته شد. در درس بعد با ادامه‌ی تحولات ایران پس از حمله‌ی مغولان آشنا خواهید شد.

مخالفت کردند. به همین دلیل جلال‌الدین مجبور شد بخش مهمی از وقت و نیروی خود را صرف مقابله با مخالفان خویش کند. او با گردآوری بخشی از سپاه پراکنده‌ی پدرش به مقابله با مغولان شتافت و پیروزی‌هایی نیز به دست آورد، اما این پیروزی‌ها زودگذر بود. زیرا نابسامانی وضع سپاه، رقابت‌های فرماندهان با یک دیگر، اختلاف و درگیری با خلافت بغداد و اسماعیلیان، بی‌توجهی به مردم و ستم بر

پرسش‌های نمونه

- ۱- مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز ورود ترکان به ایران کدامند؟
- ۲- چه عواملی به قدرت‌یابی محمود غزنوی کمک کرد؟
- ۳- علل و بی‌آمدهای حملات غزنویان به هند چه بود؟
- ۴- چرا حکومت غزنوی در زمان فرمان‌روایی سلطان مسعود رو به ضعف گذاشت؟
- ۵- علل موفقیت سلجوقیان در تشکیل حکومت چه بود؟
- ۶- چگونگی و سیر مناسبات سلجوقیان را با خلافت عباسی توضیح دهید.
- ۷- روند قدرت‌یابی خوارزمشاهیان را از ابتدا تا زمان اتسز توضیح دهید.
- ۸- علل ناکامی حکومت خوارزمشاهی در برابر مغولان کدامند؟
- ۹- به نظر شما چه رویداد یا مسأله‌ای در تاریخ ایران در عصر حکومت ترکان اهمیت بیش‌تری دارد؟ دلایل خود را ذکر کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره‌ی یکی از شخصیت‌های نام برده شده در این درس مطلبی تهیه کنید.
- ۲- مطلبی درباره‌ی نبرد ملازگرد بنویسید.
- ۳- چنانچه در منطقه‌ی شما آثاری از دوره‌ی غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی وجود دارد، گزارشی درباره‌ی آن‌ها تهیه کنید.
- ۴- بسیاری از مورخان اقدامات ترکان خاتون مادر سلطان محمد خوارزمشاه را عاملی مهم در سقوط حکومت خوارزمشاهیان دانسته‌اند. در این باره مطلبی تهیه کنید.

تاریخ ایران از مغول تا صفویه

مقدمه

حمله‌ی چنگیز به ایران و تشکیل حکومت توسط مغولان از مهم‌ترین رویدادها در تاریخ کشور ما به‌شمار می‌آید. این رویداد تأثیرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری به دنبال داشت که تا قرن‌ها بعد پابرجا ماند. به همین دلیل شناخت تاریخ ایران در این زمان اهمیت خاصی دارد. در این درس مطالبی پیرامون چگونگی پیدایش امپراتوری مغول و اوضاع ایران در زمان حکومت آن‌ها می‌خوانید. همچنین با تحولات ایران از انقراض این حکومت تا زمان تشکیل حکومت صفوی آشنا می‌شوید.

مغولان و چنگیزخان

یک سپاه توانمند از نیروی قبایل بود که اعضای آن گوش به فرمان او بودند.

آغاز جهانگشایی چنگیزخان: نخستین کشوری که توجه مغولان را به خود جلب کرد، چین بود. لشکریان



حمله‌ی مغولان به یکی از شهرهای چین. این نقاشی در قرن دهم هجری کشیده شده است.

مغول‌ها مردمی بودند که در سرزمین مغولستان، در شمال چین، زندگی می‌کردند. مغولستان منطقه‌ای است وسیع شامل بیابان‌ها، استپ‌ها و مناطق کوهستانی؛ علاوه بر این منطقه‌ای است کم‌باران با آب و هوایی ناملایم. این شرایط مغولان را مردمی سرسخت بار آورده بود. آن‌ها به شکل قبیله‌ای و به شیوه‌ی کوچ‌نشینی روزگاری می‌گذراندند و نیازهای خود را از راه دامداری و غارت هم‌دیگر یا حمله به سرزمین‌های اطراف تأمین می‌کردند. از نظر سیاسی نیز حکومت یک‌پارچه‌ای در این منطقه وجود نداشت و هر قبیله به‌طور مستقل زیر نظر رئیس قبیله اداره می‌شد. در اواخر قرن ششم هجری، هم‌زمان با حکومت خوارزمشاهیان، تموچین، فرزند رئیس یکی از قبایل مغول، توانست با متحد کردن تعدادی قبایل و به اطاعت کشاندن بعضی دیگر از آن‌ها زمینه‌ی وحدت سیاسی این سرزمین را فراهم سازد. سرانجام تا اوایل قرن هفتم هجری بسیاری از قبایل مغول ریاست تموچین را پذیرفتند و با اعطای عنوان «چنگیزخان» به او، به فرمان‌روایی وی گردن نهادند. مهم‌ترین اقدام چنگیز در سال‌های نخست، تشکیل



چنگیزخان از نگاه یک طراح چینی

مغول با عبور از دیوار چین قسمت‌های شمالی چین را تصرف کردند. شهرها و روستاهای چین یکی پس از دیگری عرصه‌ی یورش‌های گسترده‌ی مغولان شد. شهر پکن به آتش کشیده شد و بیش‌تر ساکنان آن قتل‌عام شدند. چنگیزخان پس از تصرف چین شمالی به مغولستان بازگشت. در این زمان سپاهیان او با آموختن بعضی فنون جدید جنگی از چینی‌ها، از قبیل نحوه‌ی محاصره‌ی شهرها و استفاده از منجنیق و باروت، آمادگی بیش‌تری برای حمله به سرزمین‌های دیگر داشتند. پس از چین، چنگیزخان متوجه ترکستان در غرب مغولستان شد. چنگیزخان توانست قبایل ترک را نیز به اطاعت خود وادارد. در جریان پیشروی در ترکستان بود که مغولان برای نخستین بار با سپاهیان خوارزمشاهی برخورد کردند. کمی بعد که واقعه‌ی اُترار یعنی کشته شدن بازرگانان اعزامی از سوی چنگیزخان رخ داد و بهانه‌ی لازم برای حمله‌ی مغولان به ایران فراهم شد؛ حمله‌ای که نه تنها طومار حکومت خوارزمشاهی را درهم پیچید بلکه مسیر تحول تاریخ ایران را نیز عوض کرد.



امپراتوری مغولان در اوج گسترش

ایران، از بازگشت چنگیز به مغولستان تا تأسیس حکومت ایلخانی

سرزمین‌های تصرف شده از جمله ایران تا حدودی ملایم‌تر شد. هم‌چنین تعدادی از ایرانیان در تشکیلات حکومتی مغول در ایران و حتی مغولستان مشغول به کار شدند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چه عواملی باعث ورود ایرانیان به دستگاه حکومت مغول‌ها شد؟

از زمان اگتای برای مدتی حدود سی سال اداره‌ی ایران زیر نظر تعدادی از مأموران حکومتی مغول بود. مهم‌ترین مأموریت این افراد تثبیت حاکمیت خان مغول، گسترش فتوحات و مهم‌تر از همه گردآوری مالیات بود. آن‌ها برای انجام کارها از دیوانیان ایرانی کمک می‌گرفتند.

در حالی که پیشروی مغولان در ایران ادامه داشت و سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در تکاپوی نجات حکومت خوارزمشاهی بود، به چنگیز خبر رسید که در شرق شورش‌هایی رخ داده است. بنابراین او ادامه‌ی عملیات در ایران را به سرداران خود سپرد و راه بازگشت به مغولستان را در پیش گرفت و پس از آن نیز مجال آمدن به ایران پیدا نکرد. پس از مرگ چنگیز قلمرو او میان چهار پسرش تقسیم شد. اما به وصیت او قرار شد همه‌ی برادران از یکی از آن‌ها به نام اگتای اطاعت کنند. در دوره‌ی فرمان‌روایی اگتای سیاست امپراتوری مغول در برخورد با

یک توضیح

یاسای چنگیزی

چنگیزخان برای انتظام بخشیدن به اداره‌ی امور امپراتوری خود مقرراتی وضع کرد. این دستورات در نزد مغولان به یاسا (= قانون) معروف شد و فرمان‌روایان مغول نسبت به اجرای آن‌ها اهتمام خاصی داشتند.

به تصرف مغولان درآمد بود، اما به‌طور دائم شورش‌هایی بر ضد آنان رخ می‌داد و میان سرداران مغول نیز اختلافاتی بروز می‌کرد. علاوه بر این هنوز دو قدرت عمده که هر یک تهدیدی برای حاکمیت مغولان بودند، وجود داشتند؛ یکی اسماعیلیان و دیگری خلافت عباسی. با توجه به این اوضاع منگوقاآن برادر خود هلاکو را مأمور کرد تا با لشکری تازه نفس راهی ایران شود. هلاکو با لشکری که تعداد افراد آن بالغ بر دویست هزار تن بود، وارد ایران شد.

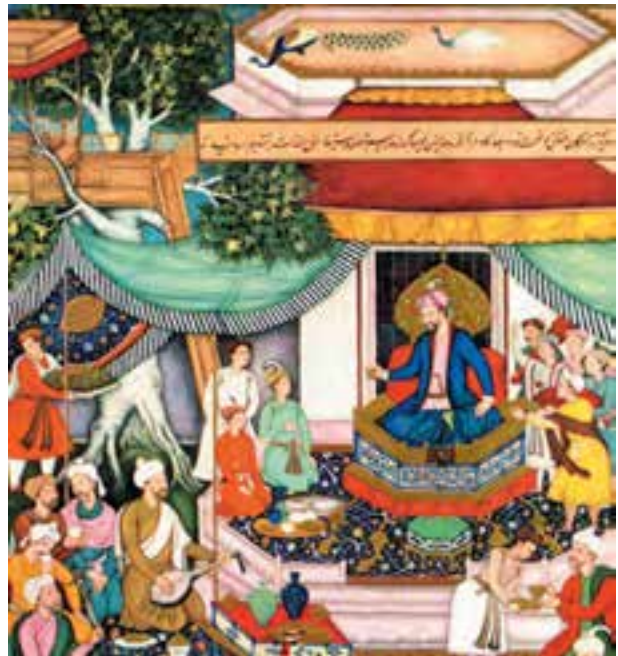
تأسیس حکومت ایلخانی در ایران

با مرگ اگتای (۶۳۹ ه.ق.) میان فرزندان و نوادگان چنگیز کش‌مکش‌هایی روی داد و امپراتوری مغول دچار آشفتگی شد. این وضع تا سال ۶۵۰ ه.ق. که منگوقاآن^۱ نوه‌ی چنگیزخان به حکومت رسید، ادامه داشت. منگوقاآن با جلب همراهی عده‌ای از اعضای خاندان چنگیز و حمایت تعدادی از اشراف و سرداران مغول، مخالفان را سرکوب کرد و بار دیگر به امپراتوری مغول انسجام بخشید. در این زمان اگرچه بخش‌های زیادی از ایران

۱- قاآن به معنی خان بزرگ است. این عنوان برای افرادی از خاندان چنگیز که در مرکز امپراتوری ریاست کل امپراتوری مغول را داشتند، به کار می‌رفت.

«حکومت ایلخانی»^۱ مشهور شد. حکومت هلاکو و فرزندان و نوادگانش در ایران حدود هشتاد سال پابرجا بود. در طول این مدت، هم حکومت ایلخانی تحولات زیادی را از سر گذراند و هم در اوضاع ایران دگرگونی‌هایی رخ داد که در ادامه با آن‌ها آشنا می‌شوید.

ایرانیان مغولان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند
 هلاکو با بهره‌گیری از اندیشه و تجربیات ایرانیان حکومتی را برای خود پایه‌ریزی کرد که بیش از آن که خصلت مغولی داشته باشد، ایرانی بود. از جمله کسانی که در این زمینه مورد مشورت او قرار گرفتند و اداره‌ی امور به آن‌ها واگذار شد، خواجه نصیرالدین توسی، شمس‌الدین محمد جوینی و برادر او عظاملک جوینی را باید نام برد. این افراد که در حکم وزرا و مشاوران حکومت ایلخانی بودند به همراه شبکه‌ای از دیوانیان (کارمندان) ایرانی نقش مهمی در مهار نمودن خوی خشن و ویرانگرانه‌ی مغولان ایفا کردند و بعضاً جان خود را نیز در این راه از دست دادند. عمده‌ی تلاش اینان صرف بازگرداندن آبادانی به کشور و احیای دوباره فرهنگ و تمدن ایران شد. روند همسازی مغولان با ایرانیان پس از پذیرش اسلام توسط غازان خان و مسلمان شدن مغولان ساکن در ایران سریع‌تر شد.



مجلس جشن به افتخار تعیین هلاکو برای مأموریت ایران. منگوقاآن بر تخت نشسته و هلاکو در سمت راست او قرار دارد.

هلاکو پس از غلبه بر اسماعیلیان (۶۵۴ هـ.) و نیز برانداختن خلافت عباسی (۶۵۶ هـ.) راهی شام شد. در حالی که سپاه مغول تا دمشق پیشروی کرده بودند، هلاکو با دریافت خبر مرگ برادرش منگوقاآن و به طمع دستیابی به مقام جانشینی او، به ایران بازگشت تا راهی مغولستان شود. در چنین شرایطی سپاه مغول در شام، در محلی به نام عین جالوت، از سپاه مصر شکست خورد. شکست عین جالوت بزرگ‌ترین ضربه‌ای بود که تا این زمان به مغولان وارد شده بود و آن‌ها نیز هرگز نتوانستند این شکست را جبران کنند.

هلاکو در ایران بود که خبر تعیین برادر دیگر خود قوبیلای قاآن را به سمّت خان بزرگ مغول دریافت کرد؛ بنابراین از رفتن به مغولستان صرف‌نظر کرد. قوبیلای نیز حکومت وی را در ایران، عراق و شام تأیید کرد و بدین ترتیب حکومت مغول در ایران شکل گرفت، این حکومت به

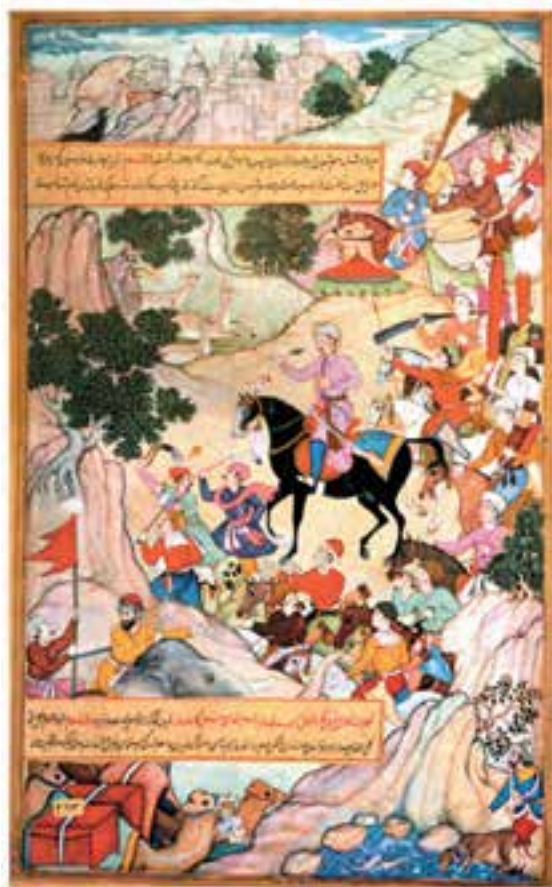
فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چه عواملی در روی آوردن حکومت ایلخانی به اسلام تأثیر داشت؟ حداقل دو مورد را ذکر کنید.

۱- برای ایلخان معانی مختلفی ذکر شده است. بعضی با توجه به یکی از معانی لغوی کلمه‌ی ایل یعنی «اطاعت و تابعیت» آن را به معنی خان تابع دانسته‌اند و معتقدند چون هلاکو و جانشینانش از خان بزرگ مغول که در مغولستان (یا چین) بود تبعیت می‌کردند، به این نام خوانده شده‌اند. عده‌ای دیگر ایلخان را به معنی خان ایل‌ها گرفته و آن را ناظر بر ریاست هلاکو و خاندانش بر ایل‌های مغول مستقر در ایران می‌دانند.



قلمرو ایلخانان در زمان غازان خان



غازان خان در حال خروج از شهر تبریز

دوره‌ی حکومت غازان خان از جهات مختلف، در تاریخ ایران در عصر مغول، اهمیت دارد؛ از جمله آن که غازان خان علاوه بر مسلمان شدن، تابعیت از خان بزرگ مغول را نیز کنار گذاشت و بدین ترتیب استقلال حکومت ایلخانی را کامل کرد. در چنین شرایطی زمینه برای حضور گسترده‌تر ایرانیان در صحنه‌ی سیاسی آماده شد. غازان خان که اکنون خود را پادشاه یک کشور مسلمان می‌دانست، با راهنمایی وزیران و مشاوران ایرانی خویش به‌ویژه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از اقدامات اصلاحی حمایت کرد. در زمینه‌ی سیاسی بر یک پارچگی حکومت ایلخانی افزوده و به شورش‌های داخلی و خودسری بعضی حکام و سرداران پایان داده شد. برای اداره‌ی بهتر سپاه و جلوگیری از غارتگری‌های سپاهیان، قواعدی وضع شد که از جمله تعیین مقرری برای سربازان و واگذاری زمین‌هایی به فرماندهان بود. مسأله‌ی مالیات‌ها که تا این زمان یکی از مشکل‌سازترین مسائل بود و به‌ویژه

که ابوسعید دومین جانشین غازان خان بدون داشتن فرزند و جانشین از دنیا رفت (۷۳۶ ه.س.)، زمینه برای انقراض حکومت ایلخانی فراهم تر شد. در این زمان هر یک از سرداران مغول با عَلم کردن کسانی که به نحوی با خاندان ایلخانی نسبتی داشتند، درصدد کسب قدرت برآمدند. این اوضاع یک پارچگی سیاسی را از بین برد و تا نیم قرن در هر گوشه از ایران حکومتی محلی وجود داشت. در نقشه‌ی صفحه‌ی بعد می‌توانید با این حکومت‌ها آشنا شوید.

فکر کنید و پاسخ دهید:

حافظ شاعر بلند آوازه‌ی ایران در دوران پس از انقراض ایلخانان زندگی می‌کرد. آیا شعری از او به خاطر دارید که به نحوی منعکس‌کننده‌ی اوضاع آن زمان باشد؟

مردم از آن در رنج بودند، با وضع برخی قوانین، تا حدودی سامان یافت. در زمینه‌ی کشاورزی نیز اقداماتی، چون تعیین نظام مالکیت و بازسازی بعضی شبکه‌های آبیاری انجام گرفت. فعالیت مساجد و مدارس نیز رونقی بیش از پیش یافت.

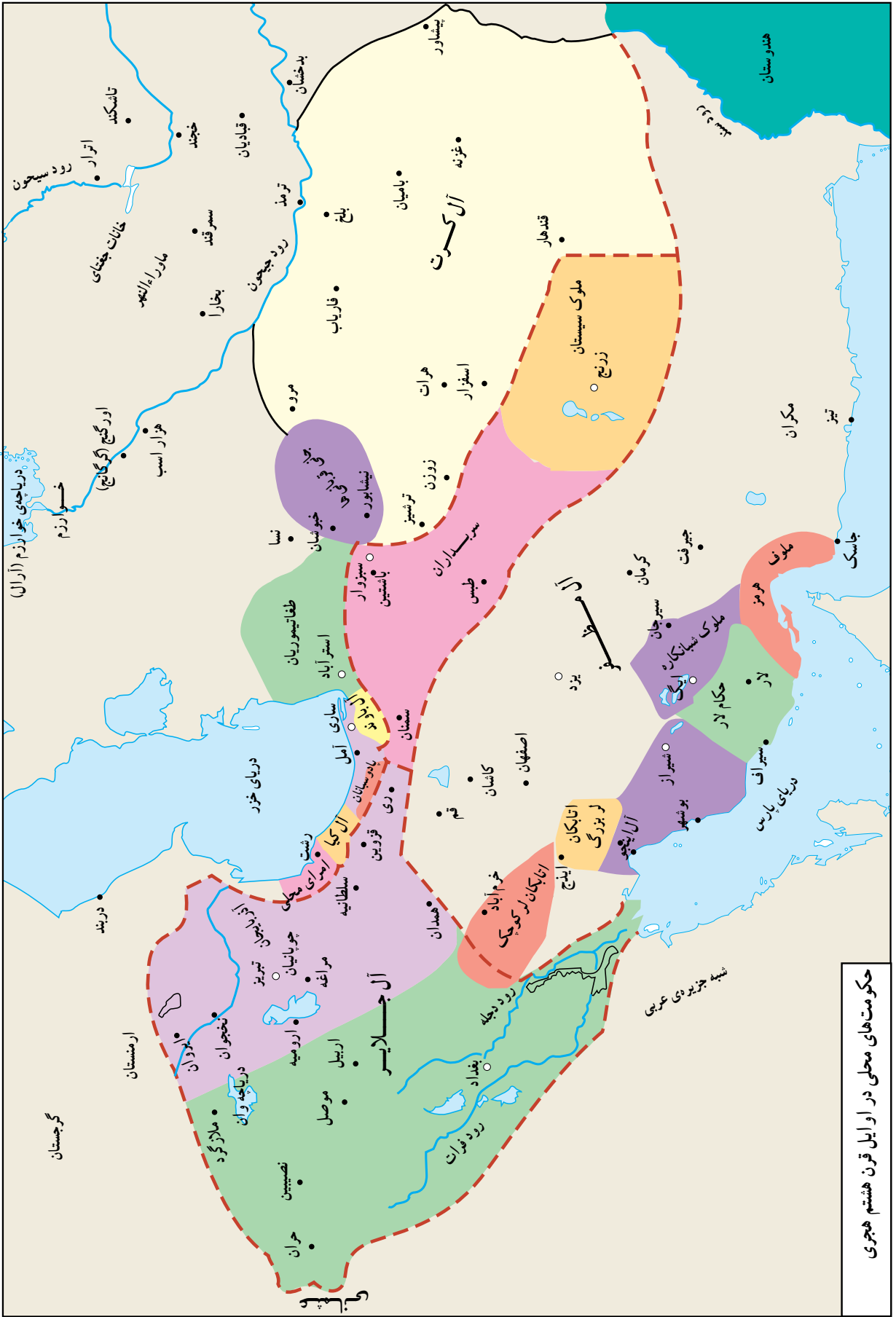
انقراض حکومت ایلخانی و تشکیل حکومت‌های متعدد در ایران

اقتدار سیاسی و رونق و آبادانی نسبی که در زمان حکومت غازان خان به وجود آمد، پس از مرگ او چندان دوام نداشت. زیاده‌طلبی‌های اشراف و سرداران مغول، رقابت و درگیری آن‌ها با دیوان‌سالاران ایرانی، درگیری با دیگر حکومت‌های مغولی در مرزهای شرقی و شمالی و افزایش ستم بر مردم از جمله عواملی بود که بار دیگر اوضاع کشور را آشفته کرد. در چنین شرایطی هنگامی

یک توضیح

قیام سربداران

یکی از وقایع مهم تاریخ ایران در دوره زوال حکومت ایلخانی، قیام سربداران در خراسان بود که به تشکیل حکومت توسط آنان منجر شد. ماجرا از این قرار بود که پس از مرگ ابوسعید و گسترش ستم و ناامنی، گروهی از اهالی روستای باشتین (در نزدیکی سبزوار کنونی) به رهبری فردی به نام عبدالرزاق با مأموران مغول که به مردم تعرض می‌کردند، درگیر شدند. آن‌ها با کشتن مغولان اعلام کردند که حاضرند سرشان بالای دار برود ولی تن به ذلت ندهند؛ از این جهت به سربداران مشهور شدند. به زودی افراد بیش‌تری به سربداران پیوستند و بخش‌هایی از خراسان به تصرف آن‌ها درآمد. از سویی نیز شیخ حسن جوری از رهبران مذهبی شیعه که هواداران زیادی در شهرهای خراسان داشت به حمایت از سربداران پرداخت و به دنبال آن حکومت سربداران تأسیس شد. این حکومت تا زمان حمله‌ی تیمور به ایران یعنی حدود پنجاه سال پابرجا بود.



حکومت‌های محلی در اوایل قرن هشتم هجری

تیمور در ایران

بگیرند، قیامی رخ داد که به کشته شدن عده‌ی زیادی از این مأموران انجامید. به دنبال این ماجرا تیمور دستور تصرف کامل شهر و ویران کردن آن را داد و بسیاری از اهالی آن‌جا کشته شدند.

تیمور در جریان واپسین لشکرکشی خود به غرب ایران، که در سال‌های نخست قرن نهم هجری صورت گرفت، متوجه آسیای صغیر شد و در آن‌جا با سلطان بایزید فرمان‌روای عثمانی^۱ جنگید و بر او پیروز شد. در جریان این حمله شهرهای دمشق و بغداد به تصرف تیمور درآمد و او تا نزدیکی مرزهای مصر پیشروی کرد. تیمور در اواخر عمر به فکر حمله به چین افتاد تا با تصرف آن‌جا به آرزوی خود در تسلط بر تمامی متصرفات چنگیزیان جامه‌ی عمل بپوشاند؛ اما در بین راه در شهر اترار یعنی همان نقطه‌ی آغاز حملات چنگیز به سوی ایران، از دنیا رفت.



مقبره‌ی تیمور در سمرقند

در اواخر قرن هشتم هجری در حالی که حکومت‌های منطقه‌ای مختلف در گوشه و کنار ایران سرگرم منازعه با هم بودند، کشور ما با یورش تازه‌ای از سوی ماوراءالنهر مواجه شد. این یورش که یادآور حملات چنگیزخان بود، به سرکردگی تیمور انجام شد. تیمور خود را از بستگان چنگیز معرفی می‌کرد و مدعی میراث‌داری او بود. هنگامی که تیمور به سنین جوانی رسید ماوراءالنهر نیز، هم‌چون ایران دچار آشفتگی شده بود و سرداران و شاهزادگان مغول مشغول کش مکش با یک‌دیگر بودند. تیمور نیز به این عرصه پا نهاد و توانست با حذف رقیبان خویش به تدریج بر سراسر ماوراءالنهر مسلط شود. او در این راه جنگ‌های بسیاری انجام داد.

تیمور پس از تحکیم پایه‌های حکومت خود در ماوراءالنهر، متوجه ایران شد. او بر آن بود که حکومت و قلمروی مشابه آن‌چه چنگیزخان و فرزندان‌ش تشکیل داده بودند، به‌وجود بیاورد و در رسیدن به این مقصود از هیچ کاری ابا نداشت. از سوی دیگر وضع موجود در مناطق مختلف ایران (که تعدد حکومت‌ها و رقابت و درگیری آن‌ها مهم‌ترین مشخصه آن بود) امکان موفقیت تیمور در سلطه بر ایران را دو چندان کرده بود. تیمور و سپاهیان‌ش طی چند حمله که در مجموع حدود پانزده سال طول کشید، نواحی مختلف ایران را تصرف کردند. در نتیجه حکومت‌های مختلفی که در گوشه و کنار ایران وجود داشتند، منقرض شدند.

در جریان این حملات بسیاری از شهرها و روستاها ویران و هزاران نفر کشته شدند. سبزوار، تبریز و اصفهان از جمله شهرهایی بودند که زیان فراوان دیدند. در این میان اصفهان سرنوشت هولناک‌تری داشت. زیرا در آن‌جا بر ضد مأموران تیمور که وارد شهر شده بودند تا اموالی را از مردم

۱- حکومت عثمانی پس از فروپاشی حکومت ایلخانی در آسیای صغیر، توسط گروهی از ترکان مرزنشین تشکیل شد و با تصرف سرزمین‌های اطراف تا حد یک امپراتوری وسعت یافت. درباره‌ی این حکومت و سرانجام آن در سال بعد پیش‌تر خواهید خواند.

جانشینان تیمور

قلمرو تیمور بعد از مرگش به سرعت تجزیه شد. بروز اختلاف میان فرزندان و نوادگان او و شورش‌های مردم و بعضی قدرتمندان محلی عامل اصلی این وضع بود. پس از چند سال کش‌مکش میان اعضای خاندان تیموری، سرانجام شاه‌رخ پسر تیمور که در خراسان به سر می‌برد، توانست حکومت را به دست بگیرد. او پایتخت را از سمرقند به هرات منتقل کرد. شاه‌رخ اگرچه بر همه‌ی متصرفات پدرش تسلط نداشت، اما در مجموع شاه‌زادگان تیموری از او اطاعت می‌کردند. در زمان فرمان‌روایی شاه‌رخ دگرگونی‌های قابل توجهی در سیاست‌های حکومت تیموری به وجود آمد. او که خود سال‌ها در محیط فرهنگی و تمدنی ایرانی زیسته و تحت تأثیر آن قرار گرفته بود، سیاست‌های توسعه طلبانه‌ی پدر را کنار گذاشت و به برقراری آرامش و امنیت و توسعه‌ی علم و فرهنگ توجه

بیش‌تری نشان داد. به همین دلیل از اتکای حکومت تیموری به اشراف و قبایل مغول و ترک کاسته شد و رجال ایرانی در اداره‌ی امور نقش بیش‌تری یافتند. گوهرشاد، همسر شاه‌رخ، نیز از جمله کسانی بود که به حمایت از سیاست‌های تازه پرداخت. به دستور او بناهای باشکوهی در هرات و شهرهای دیگر ساخته شد. مسجد گوهرشاد در مشهد از یادگاری‌های اوست.

پس از مرگ شاه‌رخ (۸۵۰ ه.ق) پسرش الغ بیگ جانشین او شد. الغ بیگ نیز فردی دانش دوست بود و بیش‌تر عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق، به‌ویژه در ریاضیات و نجوم کرد. این وضع، اگرچه به رونق علم و فرهنگ کمک کرد، درعین حال موجب غفلت او از امور سیاسی و نظامی شد. در همین زمان به تدریج قدرت‌های جدیدی در گوشه و کنار قلمرو تیموریان سر برآوردند که از جمله می‌توان دو حکومت قراویونلو و آق قویونلو را نام



قلمرو تیموریان در زمان شاه‌رخ

برد. این دو حکومت توسط ترکمانانی^۱ که از آغاز حملات مغول در غرب ایران و آسیای صغیر به سر می‌بردند، تشکیل شد و هم‌زمان با تجزیه‌ی حکومت تیموری، نیمه‌ی غربی ایران را تحت سلطه‌ی خود درآورد. در زمان جانشینان الغ بیگ باز هم از قلمرو حکومت تیموریان کاسته شد و سرانجام به خراسان و هرات محدود گردید. در این زمان ازبکان، که از بازماندگان مغولان در منطقه‌ی خوارزم بودند، قدرت یافتند و ماوراءالنهر را تصرف کردند. در حالی که اختلاف میان شاه‌زادگان تیموری بالا گرفته بود، هرات نیز مورد هجوم ازبکان قرار گرفت و حکومت تیموریان در ایران به پایان رسید. هم‌زمان با این رویدادها بود که حکومت صفوی در غرب ایران جای حکومت ترکان را گرفت. صفویان مدتی بعد، با عقب راندن ازبکان، بیش‌تر متصرفات تیموریان را در اختیار خود گرفتند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- تحولات مهم تاریخ مغولان تا پیش از حمله به ایران کدامند؟
 - ۲- بی‌آمدهای لشکرکشی هلاکو به ایران چه بود؟
 - ۳- عوامل زمینه‌ساز انحطاط حکومت ایلخانان را ذکر کنید.
 - ۴- اوضاع ایران در آستانه‌ی آغاز حملات تیمور چگونه بود؟
 - ۵- پس از مرگ تیمور چه تحولی در حکومت تیموری ایجاد شد؟
 - ۶- نقش رجال ایرانی را در تحولات تاریخی عصر مغول ارزیابی کنید.
 - ۷- از مجموعه رویدادها و تحولات تاریخ ایران در دوره‌ی مغول و تیموری چه نتایجی می‌توان گرفت؟
- (حداقل ۳ مورد)

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره‌ی یکی از افرادی که نامشان در این درس آمده، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی روابط مغولان با اروپاییان (مسیحیان) مطلبی تهیه کنید.
- ۳- آیا تاکنون فیلمی دیده‌اید که موضوع آن به تحولات تاریخ ایران در دوران مورد بحث در این درس مربوط باشد؟ چنانچه پاسخ شما مثبت است، گزارشی درباره‌ی محتوای آن بنویسید.
- ۴- با جست و جو در اینترنت، مطالبی درباره‌ی مغولستان و مردم آن در گذشته و حال، تهیه کنید.

۱- درباره‌ی معنای ترکان اتفاق نظری وجود ندارد. گفته شده است ترکمان به معنی «ترک مانند» و «ترک بزرگ» است و این شاید به خاطر آن است که میان کسانی که به این نام خوانده شده‌اند با ترکان شباهت‌های زیادی وجود دارد.

تمدن و فرهنگ ایران (از ورود اسلام تا پایان قرن نهم هجری)

مقدمه

در درس‌های پیش با اوضاع سیاسی - نظامی ایران از زمان ورود اسلام تا پایان قرن نهم هجری آشنا شدید. اما تاریخ تنها به چگونگی آمدن و رفتن حکومت‌ها نمی‌پردازد، بلکه علاوه بر آن به اوضاع اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، علمی و هنری گذشته نیز توجه دارد. از نظر بسیاری از مورخان این قسمت از تاریخ ملت‌ها، که از آن با عنوان «تاریخ تمدن و فرهنگ» یاد می‌شود، اهمیت بیش‌تری دارد. در این درس به اختصار با وضع تمدنی و فرهنگی ایران در دوره‌ی مورد بحث آشنا می‌شوید.

دوره‌های تمدنی و فرهنگی

دوره‌ی دوم شامل قرون چهارم و پنجم هجری است. در این دوره ایرانیان به رشد بسیاری در عرصه‌های مختلف دست یافتند. محققان این دوره را دوره‌ی طلایی تمدن و فرهنگ ایران دانسته‌اند. در دوره‌ی سوم که قرون ششم تا نهم هجری را شامل می‌شود، اگرچه تکاپوهای تمدنی ادامه یافت، اما قوت و پویایی دوره‌ی قبل را نداشت. این وضعیت به دلیل عواملی چون تشدید اختلافات سیاسی، تعصبات فکری و مذهبی و نیز حملات پیاپی و ویرانگر مهاجمان مختلف به ایران بود. در ادامه‌ی این درس با جنبه‌های مختلف تمدن و فرهنگ ایران بعد از اسلام به اختصار آشنا می‌شوید.

در یک نگاه کلی می‌توان سیر تمدن و فرهنگ ایران را، در دوره‌ی مورد بحث به سه دوره‌ی تقریبی تقسیم کرد. دوره‌ی نخست؛ شامل قرون اول تا سوم هجری، دوره‌ای است که می‌توان آن را دوره‌ی انتقال نامید. در این دوره آن بخش از میراث ایران پیش از اسلام که با شرایط جامعه‌ی جدید ایران، به عنوان یک جامعه‌ی مسلمان، همخوانی داشت و به رفع نیازها کمک می‌کرد، جای خود را یافت. هم‌چنین در این دوره در سایه‌ی تعالیم اسلام و آشنایی ایرانیان با میراث‌های دیگر ملت‌ها، تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی به تدریج شکل گرفت.

ارزش تجربه‌های ایرانیان

یک توضیح

خالد بن عبدالله قسری کارگزار حکومت امویان در عراق بود. او از هشام بن عبدالملک خلیفه‌ی اموی اجازه خواست تا بر روی دجله پلی بسازد. هشام به او نوشت اگر این کار شدنی بود، ایرانیان قبلاً (عهد باستان) این کار را کرده بودند؛ اما چون خالد در این مورد پافشاری کرد هشام به این شرط پذیرفت که اگر پل خراب شد خالد شخصاً خسارت آن را به بیت‌المال بدهد. پل با هزینه‌ای سنگین ساخته شد اما کمی بعد در اثر طغیان دجله ویران گردید. هشام نیز تمام هزینه‌ی ساختن پل را از خالد گرفت.

نظام حکومتی و تشکیلات اداری

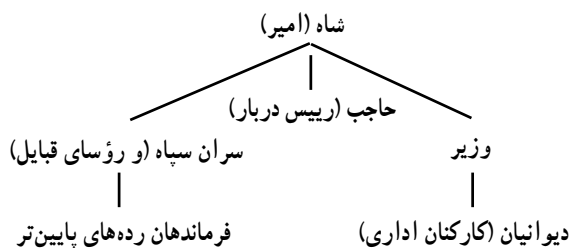
پس از فتح ایران به دست اعراب مسلمان، ایران تا حدود دو قرن، به وسیله‌ی عاملان یا نمایندگان خلیفه در بصره و کوفه اداره می‌شد. آن‌ها برای اداره هر بخش از ایران فردی با عنوان «عامل»، «والی» یا «حاکم» می‌فرستادند. اما این وضع نتوانست برای مدت زیادی دوام بیاورد. کم شدن قدرت دستگاه خلافت، ناتوانی والیان و حاکمان نواحی در اداره‌ی امور و شکل‌گیری اندیشه‌ها و حرکت‌های استقلال‌طلبانه از جمله عواملی بود که به تدریج زمینه را برای تغییر وضع سیاسی ایران و تشکیل حکومت‌های محلی و مستقل فراهم نمود. از این پس افراد و خاندان‌ها با عناوینی چون «امیر» و «سلطان»، به حکومت رسیدند. این حکومت‌ها نیز هم چون دستگاه خلافت به تقلید از تشکیلات حکومتی ایران پیش از اسلام روی آوردند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

بسیاری از فرمان‌روایان ایران در دوره‌ی بعد از اسلام می‌کوشیدند به نحوی خود را با خاندان‌های قدرتمند و حاکم در ایران پیش از اسلام مرتبط بدانند. به نظر شما این موضوع نشانگر چیست؟

تا پیش از برافتادن خلافت عباسیان نوعی تقسیم قدرت میان حاکمان ایران و خلیفه برقرار بود. به این معنی که خلیفه بیش‌تر ریاست معنوی و اسمی داشت و سهمی از درآمد به دست آمده در ایران را دریافت می‌کرد. حاکمان نیز ضمن پذیرش این موضوع در عمل مطابق خواست خود حکومت می‌کردند. چنان که در سرگذشت حکومت‌ها خواندید، این تقسیم قدرت فراز و نشیب‌های زیادی را از سرگذراند. پس از انقراض خلافت عباسی

استقلال فرمان‌روایان ایران کامل‌تر شد و قدرت دنیوی و ریاست معنوی هر دو در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در سلسله مراتب قدرت در ایران، غالباً پس از امیر یا پادشاه فرماندهان نظامی قرار داشتند که دارای قدرت بسیار بودند. بسیاری از بنیان‌گذاران سلسله‌های حکومتی ابتدا جزو همین فرماندهان بودند که به تدریج قدرت یافتند. مقام سیاسی مهم دیگر وزیر بود. وزیران نقش اصلی را در اداره‌ی امور برعهده داشتند و معمولاً از میان ایرانیان انتخاب می‌شدند. در حقیقت فرمان‌روایان ناچار به استفاده از این وزیران بودند. بزرگ‌ترین مشکل وزیران درگیری و اختلاف آن‌ها با فرماندهان نظامی بود. وجود دو اصطلاح «اهل قلم» و «اهل شمشیر» در ادبیات سیاسی - تاریخی ما بیانگر همین موضوع است. فرماندهان نظامی که اغلب با خاندان حاکم پیوندهای قبیله‌ای و خانوادگی داشتند، معمولاً حاضر به تمکین در برابر آن بخش از سیاست‌های وزیران، که به ضررشان بود، نبودند. از سوی دیگر وزیران نیز اداره‌ی درست امور را در گرو همراهی سران نظامی با خود می‌دانستند.



در نظام حکومتی ایران، برای اداره‌ی امور کشور یک رشته تشکیلات اداری به وجود آمد که به هر بخش آن دیوان (وزارت‌خانه) و به کارکنان آن دیوانیان می‌گفتند. در جدول صفحه‌ی بعد مشخصات تعدادی از مهم‌ترین دیوان‌ها را می‌بینید.

نام دیوان	توضیحات
رسایل	این دیوان زیر نظر وزیر اداره می‌شد و مرکز اداری حکومت به‌شمار می‌آمد. وظیفه‌ی آن ثبت فرمان‌های حکومتی و نامه‌های اداری و دریافت و ارسال نامه‌های دولتی بود. در دوره‌ی سلجوقی دیوانی به نام دیوان طغرا جایگزین دیوان رسایل شد. طغرا واژه‌ای ترکی و به معنای نشان یا خطی بود که در بالای فرمان‌ها و نامه‌های حکومتی ثبت می‌شد و در حکم امضای شاه یا فرمان‌روا بود.
برید	دیوان برید، که رئیس آن صاحب برید خوانده می‌شد، یکی از مهم‌ترین دیوان‌های حکومتی بود. کارگزاران این دیوان یعنی چابارها علاوه بر انتقال پیام‌ها و نامه‌ها از مرکز حکومت به مناطق مختلف و بالعکس، به کار خبرگیری و جاسوسی نیز می‌پرداختند و بدین ترتیب نوعی فعالیت امنیتی را برای حکومت انجام می‌دادند.
اِشرف	این دیوان زیر نظر فردی با عنوان مشرف الممالک اداره می‌شد و به نحوه‌ی عمل کارگزاران حکومتی رسیدگی می‌کرد.
استیفا	این دیوان به ریاست صاحب دیوان استیفا (مستوفی) به امور مالی حکومت رسیدگی می‌کرد و درآمدها و هزینه‌ها را مشخص می‌نمود.
عَرَض	این دیوان توسط عارض اداره می‌شد و به امور نظامی از قبیل تهیه‌ی مقررات مربوط به سپاه، چگونگی گردآوری سپاه، آمار سپاهیان و پرداخت حقوق و مواجب آن‌ها می‌پرداخت.

یک توضیح

نقش زنان در عرصه‌ی سیاست و حکومت

در دوره‌های مختلف تاریخ ایران زنان نیز در عرصه سیاست و حکومت، کم و بیش، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در این بین مادران و همسران فرمان‌روایان بیش از همه جلب توجه می‌کنند. بعضی از آن‌ها با نفوذی که بر فرزندان یا همسر خود، یعنی شاه یا امیر، داشتند، در امور حکومتی اعمال نظر می‌کردند؛ به‌ویژه هنگامی که حکومت به فرزند خردسال فرمان‌روای متوفی می‌رسید، مجال بیش‌تری برای حضور زنان فراهم می‌شد. زیرا اینان گاهی به‌عنوان نایب‌السلطنه اداره‌ی امور را به‌دست می‌گرفتند. چه بسا می‌شد که هر یک از زنان متعدد فرمان‌روا برای به‌قدرت رساندن فرزند خود می‌کوشید و کسی که در نهایت فرزندش به عنوان ولیعهد و جانشین تعیین می‌شد، مرتبه‌ای ممتازتر می‌یافت. در بعضی موارد نیز زنان رسماً به‌عنوان فرمان‌روا یا نایب او، اداره‌ی حکومت را در دست می‌گرفتند.

در ایران بعد از اسلام کشاورزی شکل اصلی فعالیت اقتصادی بود و کشاورزان قسمت عمده‌ی جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. کشاورزی نه تنها در روستاها بلکه در اطراف شهرها نیز رواج داشت. خواجه نصیرالدین توسی اندیشمند بزرگ این دوران معتقد بود که بدون وجود کشاورزان رشته‌ی انتظام جامعه از هم خواهد گسیخت، زیرا اینان فراهم‌کننده‌ی خوراک همه‌ی گروه‌ها و طبقات جامعه‌اند. مهم‌ترین منبع درآمد دولت‌ها نیز مالیات بود که بیش‌تر از کشاورزان گرفته می‌شد.

در سرزمین کم‌آبی چون ایران، رونق کشاورزی به میزان زیادی به نظام آبیاری بستگی دارد. به همین جهت همواره اموری چون ساختن سد(بند)، حفر و لای‌روبی قنات‌ها و نهرها از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بنابراین هنگامی که در اثر بروز جنگ و ناامنی یا بی‌توجهی حکومت‌ها نظام آبیاری دچار مشکل می‌شد، کشاورزان دچار زیان‌های سنگین می‌شدند. اساساً بیش‌ترین ضربه‌ی ناشی از تحولات سیاسی-نظامی، به کشاورزی وارد می‌شد. بروز بحران در بخش کشاورزی خود مقدمه‌ی پیدایش مصایب دیگر هم چون قحطی و مرگ‌ومیر بود. حملات صحراگردان نیز ضربات هولناکی بر کشاورزی ایران وارد کرد. در کنار کشاورزی، دام‌داری نیز توسط کوچ‌نشینان و روستاییان انجام می‌شد.

در شهرها فعالیت‌های اقتصادی دیگری نیز رایج بود. پیشه‌وران از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی در شهرها



مسجد تاریخی خانه‌ی دامغان نمونه‌ای از قدیمی‌ترین مساجد که در قرون نخستین اسلامی در ایران ساخته شده است.

ورود اسلام به ایران چهره‌ی جامعه‌ی ایران را تغییر داد. مردم ایران به تدریج مسلمان شدند و پیروان ادیان دیگر، از جمله زردشتیان، در اقلیت قرار گرفتند و البته تحت حمایت قوانین اسلامی هم‌چنان به زندگی خود ادامه دادند. فرمان‌روایان نیز خود مسلمان بودند و خویش را مدافع دین می‌دانستند.

علاوه بر مذهب سنی که مذهب رسمی و رایج بود، گروه‌هایی از شیعیان نیز در مناطق مختلف زندگی می‌کردند. از میان فرقه‌های مختلف شیعی سه گروه امامی (اثنی‌عشری)، اسماعیلی و زیدی پیروان بیش‌تری داشتند.

در دوره‌ی حکومت مغولان تشیع گسترش بیش‌تری یافت. از بین رفتن حاکمیت‌های ضد شیعه و در رأس آن‌ها خلافت عباسیان و عدم تعصب مذهبی مغولان از عوامل اصلی این مسأله بود. خواجه نصیرالدین توسی و علامه‌ی حلی از جمله عالمان برجسته‌ی شیعی در این زمان بودند که برای رونق یافتن این مذهب تلاش بسیار کردند. حتی در این دوره چند سالی تشیع به‌عنوان دین رسمی اعلام شد. در سایه‌ی رشد روزافزون تشیع بود که سرانجام در آغاز قرن دهم هجری سلسله‌ی صفویان، به‌عنوان یک حکومت شیعی، تأسیس شد. یکی دیگر از جلوه‌های فکری-مذهبی در ایران

عرفان و تصوف بود. صوفیان و عارفان که به خودسازی فردی همراه با انزوا توجه داشتند، به‌عنوان گروهی دیندار مورد توجه بسیاری از مردم بودند و خانقاه‌ها را مرکز تجمع و فعالیت‌های خود قرار داده بودند. حضور چنین کسانی در میان مردم، در شکل متعادل آن، موجب صفای جامعه و توسعه‌ی معنویت می‌گردید، اما در شکل‌های افراطی و غیرمتعادل، زمینه‌های رخت، تسلیم و بی‌توجهی به مسائل اجتماعی را ترویج می‌کرد.



بندامیر در فارس. این بند (سد) در دوره‌ی آل‌بویه (عضدالدوله) ساخته شده است.

بودند که به حرفه‌های مختلف از قبیل سفالگری، آهنگری،
اسلحه‌سازی و پارچه‌بافی اشتغال داشتند.



ظرف برنجی تزیین شده با طلا و نقره. این ظرف در قرن نهم هجری در
هرات ساخته شده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

در جریان حملات مغولان، پیشه‌وران از جمله
گروه‌هایی بودند که از قتل‌عام نجات یافتند. چنگیزخان
و جانشینانش دستور داده بودند تا پیشه‌وران را از
حملات خود مصون نگه‌دارند. گروه‌هایی از این
پیشه‌وران به مغولستان اعزام شدند. به نظر شما هدف
مغولان از این کار چه بود؟ این کار چه نتیجه‌ای برای تمدن
و فرهنگ ایرانی داشت؟

یکی دیگر از فعالیت‌های مهم اقتصادی بازرگانی
بود. قرار گرفتن ایران بر سر راه شرق و غرب، زمینه را
برای رونق این بخش فراهم می‌کرد. بازرگانان ایرانی در
فاصله‌ی میان چین و هند تا مدیترانه و شمال آفریقا در
تردد بودند. تشکیل امپراتوری مغول افق‌های تازه‌ای را
در عرصه‌ی تجارت گشود و آمد و شد بازرگانان را بیش‌تر
کرد. بازرگانی ایرانیان محدود به خشکی نبود و آن‌ها در
دریا نیز به این کار مشغول بودند. خلیج فارس و اقیانوس
هند و پایگاه‌هایی چون بندر سیراف (بندر طاهری کنونی)
در جنوب ایران و جزیره‌ی کیش از جمله کانون‌های تجارت
بودند. بازرگانان هم‌چنین حاملان اسلام و فرهنگ و تمدن
ایرانی — اسلامی به سرزمین‌های دیگر و برعکس
انتقال‌دهنده‌ی تجارب دیگر ملت‌ها به داخل ایران بودند.



شمعدان برنزی با نوشته‌ها و نقوش طلایی و نقره‌ای مربوط به قرن هشتم هجری

درس و مدرسه

برای تعلیم و تربیت ساخته شد. اوج این کار را در ایجاد مدارس نظامیه توسط خواجه نظام الملک توسی می توان دید که در شهرهای بزرگی چون بخارا، مرو، نیشابور و بغداد ساخته شدند. بعدها نیز مدارس دیگری از سوی فرمانروایان و دیوانسالاران ایرانی ساخته شد.

ایرانیان که پیشینه‌ی ارزشمندی در زمینه‌ی فرهنگ و تمدن داشتند، در دوران بعد از اسلام بر وسعت تلاش‌های علمی خویش افزودند. مساجد از نخستین مراکز علم‌آموزی بودند ولی با گذشت زمان مراکز ویژه‌ای نیز

یک توضیح

ربع رشیدی که در عهد مغول توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی ساخته شد نمونه‌ای کم‌نظیر از مراکز آموزشی به شمار می‌آید. ربع رشیدی مجتمعی علمی، آموزشی، فرهنگی و مشابه مجتمع‌های دانشگاهی امروزی بود. در آن جا بخش‌های مختلفی برای آموزش قرآن و فقه اسلامی، پزشکی (به صورت تجربی)، نگهداری و آموزش کودکان یتیم اما مستعد و نسخه‌برداری و صحافی کتاب‌ها وجود داشت. خواجه رشیدالدین زمین‌های کشاورزی، گله‌های دام و مکان‌های تجاری متعددی را وقف کرده بود تا درآمد آن‌ها صرف نگهداری ربع رشیدی، پرداخت حقوق استادان و شهریه‌ی دانش‌آموزان گردد.



یک مجلس درس. این نقاشی در قرن دهم هجری کشیده شده است.

رصدخانه‌ها نیز از دیگر مراکز علمی و آموزشی بودند که در میان آن‌ها رصدخانه‌ی مراغه سرآمد بود. این رصدخانه را خواجه نصیرالدین توسی، با جلب نظر هلاکو خان، در نزدیکی مراغه ساخت و ده‌ها هزار جلد کتاب را که در جریان حمله‌ی مغولان از آسیب درامان مانده بود، به آن جا منتقل کرد. در رصدخانه‌ی مراغه ده‌ها دانشمند از نقاط مختلف جهان مشغول به کار بودند و گروهی نیز آموزش می‌دیدند. یکی دیگر از مراکز علم‌آموزی در این قرون کتابخانه‌ها بودند که دانشمندان بزرگ بیش‌تر عمر خود را در آن‌ها سپری می‌کردند. در شهرهای بزرگ اغلب کتابخانه‌هایی وجود داشت که جویندگان علم در آن‌ها به مطالعه می‌پرداختند. در مساجد بزرگ نیز کتاب‌های زیادی نگهداری می‌شد، به ویژه که علما معمولاً کتاب‌های خود را وقف این مساجد می‌کردند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

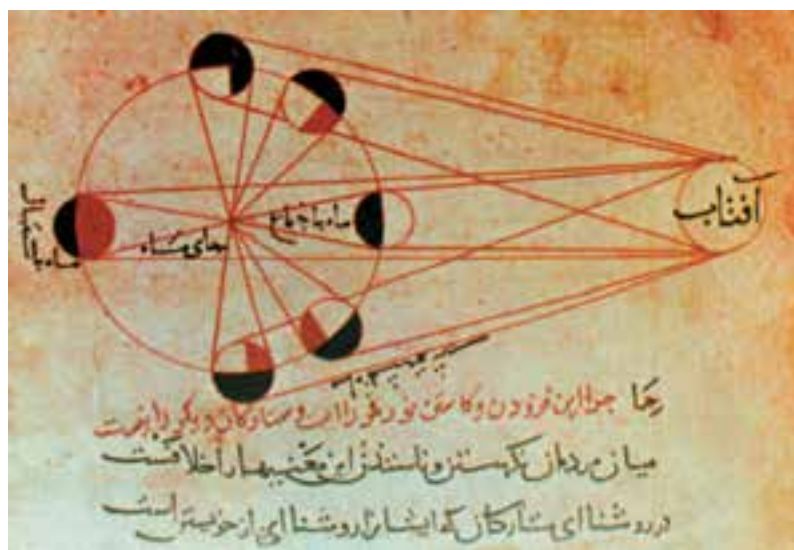
وقف یکی از مهم‌ترین منابع مالی برای تأمین هزینه‌ی فعالیت‌های علمی و آموزشی بود. وقف سنتی است که همواره در میان ملت‌های مختلف رایج بوده و هنوز هم هست. به نظر شما این شیوه‌ی تأمین هزینه‌چه محاسنی دارد؟

علوم

پزشکی (طب): از جمله رشته‌های علمی مورد توجه ایرانیان، پزشکی بود و علوم‌ی چون گیاه‌شناسی و جانورشناسی نیز به عنوان مکمل این رشته رونق داشتند. در این زمینه نام بزرگانی چون محمدبن زکریای رازی و ابن سینا قرن‌ها در جهان بر سر زبان‌ها بود و نوشته‌های آن‌ها به زبان‌های مختلف ترجمه می‌شد و مورد استفاده قرار می‌گرفت.

نجوم و ریاضی: نجوم یا ستاره‌شناسی همواره یکی از عرصه‌های مهم فعالیت‌های علمی ایرانیان بوده است. علاوه بر توجه همیشگی انسان به اجرام آسمانی، مسایلی

چون نیاز به تعیین اوقات نماز، اصلاح تقویم و شناخت جهت قبله به رشد این علم در میان مسلمانان کمک کرد. تلاش‌های ایرانیان در عرصه‌ی نجوم از قرن دوم هجری آغاز شد. از جمله سرآمدان علم نجوم، ابوریحان بیرونی و عمر خیام بودند. کتاب‌های بیرونی از جمله قانون مسعودی در علم نجوم منبعی ارزشمند برای بسیاری از دانشمندان در شرق و غرب بوده است. اقدام مهم عمر خیام نیز استخراج و تدوین تقویم جلالی (به نام جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی) بود که مبنای تقویم امروزی ایرانی (هجری شمسی) است. در دوره‌ی حکومت مغولان علم نجوم پیشرفت زیادی کرد. علت اصلی این موضوع آن بود که مغولان به سعد و نحس و معنی دار بودن حرکات سیارات و ستارگان توجه خاصی داشتند. بزرگانی چون خواجه نصیرالدین توسی از این زمینه برای پیشبرد نجوم بهره گرفتند. فعالیت‌های نجومی در دوره تیموریان در رصدخانه سمرقند و به همت دانشمندانی چون غیاث‌الدین جمشید کاشانی پی‌گیری شد.



حالت‌های مختلف ماه در هنگام خسوف در کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم اثر ابوریحان بیرونی

طرحی از چهره ابوریحان بیرونی

علم ریاضی نیز رونق فراوان داشت و علاوه بر منجمان، گروهی نیز به طور خاص در این زمینه فعال بودند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چند تن از ریاضی‌دانان برجسته ایرانی را که در قرون سوم تا نهم هجری می‌زیسته‌اند، نام ببرید.

علوم مذهبی: تأکید اسلام بر خردورزی و دفاع عقلی و منطقی از اسلام و هم‌چنین نیاز مسلمانان به حفظ

سنت‌های خود و روزآمد کردن اندیشه‌های برخاسته از دین اسلام موجبات توجه به رشته‌هایی چون فلسفه، کلام، فقه، حدیث و تفسیر را فراهم ساخت. در این زمینه‌ها نیز سهم ایرانیان قابل توجه بود. ده‌ها فیلسوف، متکلم، مفسر، محدث و فقیه در ایران ظهور کردند که نظرات و اندیشه‌های آن‌ها نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر جهان اسلام مطرح بود. در جدول زیر با بعضی از این بزرگان آشنا می‌شوید.

مهم‌ترین رشته‌های علوم اسلامی

نام رشته علمی	موضوع رشته	نمونه‌های دانشمندان
فلسفه	جهان‌شناسی و هستی‌شناسی به کمک برهان‌های عقلی	ابن سینا، ابونصر فارابی، ابوالحسن عامری، ابن مسکویه
کلام	دفاع عقلی از عقاید دینی و پاسخ‌گویی به شبهات	فخرالدین رازی، ابن مسکویه
فقه	استخراج و استنباط احکام و تکالیف دینی از قرآن و سنت	شیخ توسی، علامه حلی، شیخ صدوق
حدیث	گردآوری احادیث و تعیین اسناد آن‌ها	بخاری، شیخ توسی، حاکم نیشابوری، شیخ صدوق
تفسیر	شرح آیات قرآنی و بیان شأن نزول و منظور آن‌ها	طبری، شیخ توسی، طبرسی، فخرالدین رازی، عتیق نیشابوری

تاریخ‌نگاری: تاریخ‌نگاری نیز از جمله دانش‌هایی است که رشد چشمگیری داشت. تأکید قرآن بر عبرت‌آموزی از زندگانی پیشینیان، لزوم ثبت رویدادهای مهم و شرح حال بزرگان و علاقه‌ی فرمان‌روایان به ثبت کارهایشان از عواملی بود که به توسعه‌ی تاریخ‌نگاری کمک کرد؛ در نتیجه در فاصله‌ی قرن سوم تا نهم هجری صدها کتاب تاریخی به زبان عربی یا فارسی توسط ایرانیان نوشته شد. این کتاب‌ها امروزه مهم‌ترین منبع محققان برای پژوهش درباره‌ی تاریخ ایران و اسلام هستند.

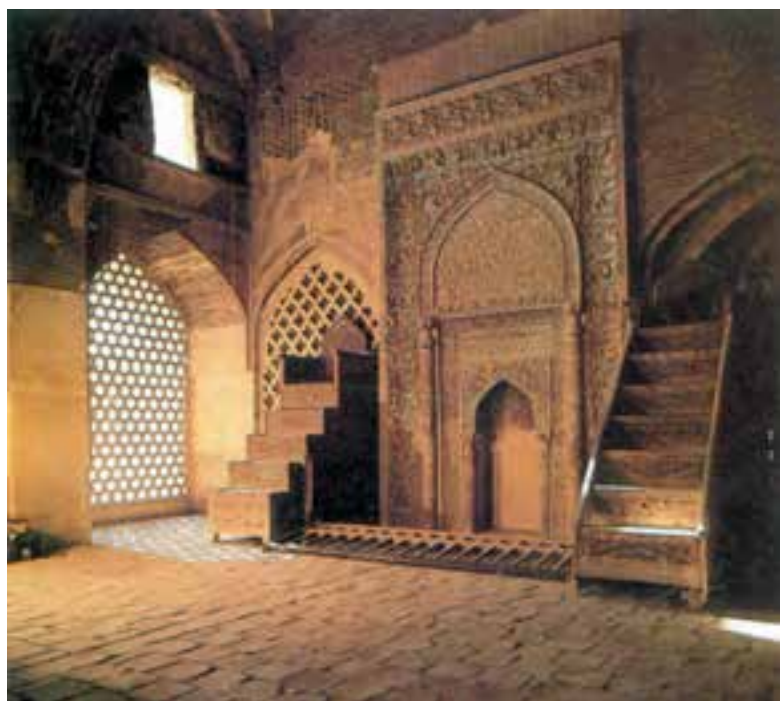


هنر و معماری: بیش‌ترین آثار تاریخی به جا مانده از دوران اسلامی تاریخ ایران بناها و اشیایی هستند که بیانگر وضع معماری و هنر در این دوران می‌باشند. بناهای به جا مانده در گوشه و کنار ایران شامل مساجد، کاخ‌ها، کاروان‌سراها و آرامگاه‌ها نشان می‌دهد که ایرانیان مسلمان در زمینه‌ی ساخت بناهایی مستحکم، با تناسب و زیبا، تجربیات ارزنده‌ای داشته‌اند. مهم‌ترین تزیینات بناها شامل گچ‌بری و کاشی‌کاری است.

جغرافیا: گسترش سرزمین‌های اسلامی، کنجکاوی برای شناخت این سرزمین‌ها و دیگر سرزمین‌های ناشناخته و بالاخره نیاز به شناخت راه‌های ارتباطی و مسافرت به مناطق مختلف، موجب توسعه‌ی علم جغرافیا در جهان اسلام و از جمله ایران شد. جغرافی‌دانان ایرانی نظیر اصطخری، جیهانی و حمدالله مستوفی قزوینی در آثار خود آگاهی‌های گسترده‌ای در زمینه‌ی جغرافیای طبیعی، انسانی، سیاسی و اقتصادی شهرها و روستاها ارائه کرده‌اند.



مسجد جامع یزد، که در قرون ششم تا هشتم هجری ساخته شده است، از جمله شاهکارهای معماری و هنر اسلامی است. در تصویر سمت چپ هم‌چنین گنبد بقعه‌ی سید رکن‌الدین یزدی دیده می‌شود. سید رکن‌الدین از عارفان و عالمان قرن هشتم هجری است. او موقوفات بسیاری را برای اداره‌ی این بقعه و تشکیل مجالس درس در آن اختصاص داده بود. وقف‌نامه او تا زمان حاضر باقی مانده است.



محراب الجایتو در مسجد جامع اصفهان. این محراب که در زمان سلطان محمدالجایتو (برادر و جانشین غازان‌خان) ساخته شده یکی از زیباترین گچ‌بری‌های موجود در ایران می‌باشد. این محراب در زمانی ساخته شده که الجایتو شیعه شده بود (۷۱۰ ه.ق). به همین دلیل یکی از آثار تاریخی در تاریخ تشیع در ایران به شمار می‌آید.



یک نمونه کاشی ستاره‌ای مربوط به قرن هشتم هجری
سعی کنید اشعار روی کاشی و تاریخ نوشته شدن آن را بخوانید.

هنر ایرانیان تنها به معماری محدود نمی‌شد بلکه از تنوع بسیار زیادی برخوردار بود. یکی از هنرهای مهم نقاشی بود که خود ادوار مختلفی داشت. این هنر در عصر تیموری به اوج رسید.

از دیگر هنرهای ایرانیان سفال‌سازی بود. ظروف و اشیای سفالی به انگیزه‌ی استفاده‌ی روزانه و نیز تزیین، ساخته می‌شد و با طرح‌ها و نوشته‌های زیبا آرایش می‌گردید. امروزه هزاران قطعه از این آثار در موزه‌های ایران و جهان نگه‌داری می‌شود.

هنر ایرانیان در عرصه‌ی فرش‌بافی و پارچه‌بافی نیز برجسته بود که جنبه تجاری نیز داشت.

پرسش‌های نمونه

- ۱- مهم‌ترین مراتب قدرت سیاسی در ایران را در دوره‌ی اسلامی مشخص کنید.
- ۲- علل توسعه‌ی دانش‌های تاریخ و جغرافیا در میان ایرانیان را جداگانه ذکر کنید.
- ۳- به نظر شما چه نکات برجسته‌ای در تاریخ آموزشی و علمی ایران در دوره‌ی مورد بحث وجود دارد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- توضیح دهید که هریک از دیوان‌هایی که در این درس نامشان برده شده، کار کدام وزارت‌خانه‌ها یا مؤسسات امروزی را انجام می‌دادند.
- ۲- در این درس خواندید که در تاریخ ایران از قرن سوم تا نهم هجری «حکومت‌های محلی» نیز وجود داشته‌اند. در باره‌ی یکی از این حکومت‌ها مطلب کوتاهی تهیه کنید.
- ۳- در باره‌ی یکی از هنرها، صنایع یا بناهای مربوط به قرون اول تا نهم هجری مطلبی تهیه کنید.
- ۴- چنانچه تاکنون فیلمی دیده‌اید یا کتابی خوانده‌اید که موضوع آن با شخصیت‌ها و موضوعات این درس ارتباط دارد، گزارشی درباره‌ی آن تهیه کنید.

بخش پنجم

اروپا در
قرون وسطا
و
عصر رنسانس

اروپا در قرون وسطا

مقدمه

آیا تاکنون با واژه‌ی قرون وسطا برخورد کرده‌اید؟ مثلاً شنیده‌اید که می‌گویند این کار قرون وسطایی است، یا آن طرز فکر یا اخلاق، قرون وسطایی است؟ این نحوه‌ی بیان وقتی به کار می‌رود که کاری به روشی کهنه انجام گیرد یا طرز فکر و اخلاق یک شخص براساس علم و دانش و اصول تعلیم و تربیت نباشد. زمانی بود که در قاره‌ی اروپا شهرنشینی رواج نداشت و تعلیم و تربیت و رفتن به مدرسه و کسب علم چندان مورد استقبال قرار نمی‌گرفت. این شرایط مربوط به دوره‌ای از تاریخ اروپا است که مورخان آن را قرون وسطا نامیده‌اند و قرون وسطایی یعنی آن‌چه که متعلق به دوره‌ی قرون وسطا یا مانند آن دوران باشد. مثلاً کلیسای نتردام در پاریس یک بنای تاریخی متعلق به دوره‌ی قرون وسطا است. هم‌چنین داستان‌های رایین‌هود مربوط به این دوره است. اگر شخصی هنوز معتقد باشد که زمین مسطح است و کروی نیست یا خورشید به دور زمین می‌چرخد می‌گویند او قرون وسطایی فکر می‌کند زیرا در دوره‌ی قرون وسطا فکر می‌کردند زمین مسطح است و خورشید برگرد زمین می‌چرخد. دوره‌ی قرون وسطا حدود هزار سال از تاریخ اروپا، یعنی از سال ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی را در برمی‌گیرد. دو دوره‌ی قبل و بعد از قرون وسطا را به ترتیب قرون قدیم و قرون جدید می‌گویند. قرون قدیم همان دوران شکوفایی تمدن‌های یونان و روم باستان است و قرون جدید به پانصد سال اخیر که تمدن جدید اروپا (غرب) در آن شکل گرفت گفته می‌شود. در این درس به تاریخ اروپا در نیمه‌ی اول قرون وسطا یعنی از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلادی می‌پردازیم.

اوضاع اجتماعی اروپا در قرون وسطا

در قلعه‌ها روی آوردند. در نتیجه‌ی این حملات بسیاری از دستاوردهای تمدنی مانند شهرنشینی، تجارت و مراکز علم و آموزش به دست فراموشی سپرده شد. تا این که پس از گذشت چندین قرن، در اواخر قرون وسطا، بار دیگر شهرنشینی، تجارت و مراکز علم و آموزش در اروپا رونق گرفت که در درس‌های آینده با آن آشنا خواهید شد.

دوره‌ی قرون وسطا پس از انقراض روم غربی به دست اقوام مهاجم و تصرف شهر رم شروع شد. اقوام ژرمن^۱، مجار^۲، فرانک^۳ و مانند آن‌ها طی چند قرن مهاجم تقریباً سراسر اروپا را به تصرف خود درآوردند و پس از برجای گذاشتن ویرانی‌های بسیار به روستانشینی و زندگی

فئودال‌ها در اصل فرماندهان دسته‌های جنگ‌جو بودند که پس از جنگ‌ها و سکونت در نواحی مختلف اروپا مالک زمین شده، جنگ‌جویان خود و مردم بومی هر محل را نیز به صورت رعایای خویش درآورده بودند. فئودال‌ها در حقیقت اشراف قرون وسطا بودند. آن‌ها بعد از استقرار تا مدت‌ها منش جنگاوری خود را فراموش نکردند و مهم‌ترین کاری که بدان می‌پرداختند، حفظ نظم و امنیت ملک خود و شرکت در جنگ‌ها بود. برای همین منظور هر فئودال قلعه‌ای بسیار بزرگی داشت که او و رعایایش را در مقابل دشمنان حفاظت می‌کرد. هر فئودال جنگ‌جویانی هم در اختیار داشت که با آن‌ها با دشمنان خود می‌جنگید. فئودال دفاع از رعیت را وظیفه‌ی خود می‌دانست و برای دفاع از آن‌ها تلاش بسیار می‌کرد. در مقابل رعایا هم از او مانند پدرحرف شنوی داشتند.

فئودال یا ارباب نیز به نوبه‌ی خود تابع پادشاه بود. البته در دوره‌ی قرون وسطا پادشاه به وسیله‌ی خود فئودال‌ها انتخاب می‌گردید؛ بدین ترتیب که فئودال‌ها جمع می‌شدند و از میان خود یک نفر را به عنوان فئودال اعظم برمی‌گزیدند و این همان پادشاه بود. فئودال‌ها برای وفاداری به پادشاه سوگند می‌خوردند. با این‌همه هر فئودال در ملک خود مستقل بود.

در قرون وسطا بر اروپا نظام فئودالی حاکم بود. فئودال^۱ یعنی مالک یا ارباب. هر فئودال دارای املاک بسیار زیادی بود که گاهی یک ولایت بزرگ را در برمی‌گرفت. در این املاک بزرگ مزرعه، شکارگاه، رودخانه، جنگل و روستا با هم وجود داشت. لذا از نظر تهیه‌ی مایحتاج خود کاملاً خودکفا به‌شمار می‌آمد. مردمی که در ملک فئودال زندگی می‌کردند زیردست فئودال به‌شمار می‌آمدند و رعیت خوانده می‌شدند. به همین جهت به نظام فئودالی نظام ارباب – رعیتی نیز می‌گویند. رعیت کاملاً تابع ارباب بود و ارباب علاوه بر اداره‌ی ملک به قضاوت هم می‌پرداخت. کار اصلی اروپاییان در قرون وسطا کشاورزی بود. ارباب بیش‌ترین سهم را از محصول می‌برد و سهمی را نیز به رعیت می‌داد و رعیت مجبور بود با همین سهم در تمام طول سال به زندگی خود ادامه دهد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

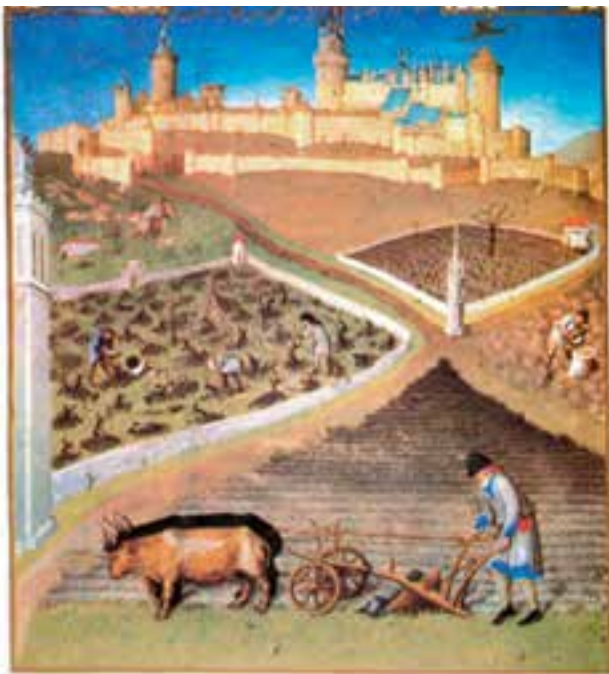
تجارت و خرید و فروش در قرون وسطا رونقی

نداشت. آیا می‌دانید چرا؟



یکی از قلعه‌های بازمانده از قرون وسطا در فرانسه

در زیردست شوالیه‌ها، رعایا قرار داشتند. آنان با کار کردن بر روی زمین و زندگی در قلعه روزگار می‌گذراندند و در محصولی که به دست می‌آمد سهم بودند و حق ترک کردن مزرعه و رفتن به جای دیگر را نداشتند. به اینان سرف^۱ یعنی رعیت وابسته به زمین می‌گفتند. شاید سرف‌ها در آن زمان احساس خوشبختی می‌کردند چون در محصول سهم داشتند و از امنیت زندگی در قلعه و حمایت شوالیه‌های جنگ‌جو برخوردار بودند. همین شرایط از پدر به فرزندانش نیز به ارث می‌رسید. اما عده‌ای هم بودند که به عنوان رعیت بدون زمین از این امکانات برخوردار نبودند. آن‌ها برای یافتن کار از روستایی به روستای دیگر می‌رفتند و در مقابل کار مقداری محصول به آن‌ها داده می‌شد. برای آن‌که این عده نیز از حمایتی برخوردار باشند، پادشاه ارباب همه‌ی آن‌ها خوانده می‌شد به همین جهت رعیت پادشاه هم نامیده می‌شدند. در دوره‌ی قرون وسطا معمولاً هر شخص پس از دوران کودکی اگر جزو اشراف (فئودال‌ها) بود، جنگ‌جو



نمونه‌ای از زندگی اروپاییان در قرون وسطا

و کاری با دربار و پادشاه نداشت؛ مگر آن‌که جنگی با دشمنان خارجی پیش می‌آمد که در این صورت فئودال‌ها با جنگ‌جویانشان به کمک پادشاه می‌شتافتند. در دوره‌ی قرون وسطا در اروپا جنگ‌ها بیش‌تر داخلی و میان فئودال‌ها بود نه با دشمنان خارجی. به همین جهت پادشاهان اغلب قدرت زیادی نداشتند و تنها در اواخر قرون وسطا بود که به تدریج قدرت گرفتند و فئودال‌ها را زیردست خود ساختند.

در دوره‌ی قرون وسطا مشهورترین قشر جامعه شوالیه‌ها^۲ بودند. کلمه‌ی شوالیه به معنی نجیب‌زاده‌ی سوارکار است. اینان اشراف‌زادگان قرون وسطا بودند که تمام عمر خود را صرف جنگ‌جویی می‌کردند. آن‌ها به فراگرفتن فنون جنگ و به کاربردن اسلحه و نیز رعایت جوانمردی و وفاداری و به طور کلی رفتار پهلوانی می‌پرداختند. شجاع بودن بزرگ‌ترین افتخار آنان محسوب می‌شد و علم یا ثروت برایشان اهمیتی نداشت.



شوالیه‌ها هنگام جنگ سراندرپا زرهپوش می‌شدند.

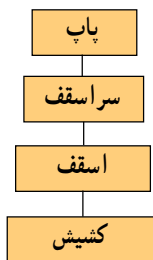
فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید هم‌زمان با قرون وسطای اروپا وضع

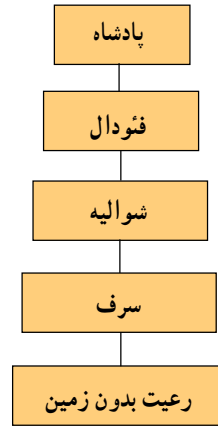
علم و دانش در جامعه‌ی مسلمانان چگونه بود؟

عده‌ی زیادی از کشیش‌ها پس از درس خواندن به کلیسا می‌رفتند و به انجام وظایف دینی و روحانی می‌پرداختند. کارهایی مانند غسل تعمید، برگزاری مراسم دعا و عبادت، مراسم ازدواج و مانند آن برعهده‌ی آنان بود. کشیش‌های ساکن در کلیساهای ملک یک فئودال از کشیش عالی‌رتبه که اسقف نامیده می‌شد اطاعت می‌کردند. فئودال حق دخالت در امور کلیسا را نداشت. اسقف‌ها از یک اسقف عالی‌رتبه که سراسقف نامیده می‌شد تبعیت می‌کردند. سراسقف بر تمامی کلیساهای یک کشور نظارت داشت و خود از جانب عالی‌ترین و بالاترین مقام مسیحی که پاپ^۲ نامیده می‌شد، منصوب می‌گردید و از او پیروی می‌کرد، یعنی از پادشاه کشور فرمان‌برداری نداشت. پادشاه اگرچه حق مداخله در کارهای پاپ را نداشت اما اغلب میان آن‌ها اختلاف رخ می‌داد که گاهی به جدال می‌انجامید. پاپ که پیشوای همه‌ی مسیحیان قلمداد می‌شد، تمامی کلیساهای اروپا را زیر فرمان خود می‌دانست. به همین دلیل مقام او از پادشاهان اروپایی بالاتر به شمار می‌آمد. پاپ در شهر رم پایتخت امپراتوری روم باستان زندگی می‌کرد. پس از سقوط امپراتوری روم غربی دیگر در ایتالیا حکومتی وجود نداشت از این‌رو

شهر رم و نواحی اطراف آن قلمرو پاپ محسوب می‌شد.



سلسله مراتب کلیسا



سلسله مراتب جامعه‌ی فئودالی

می‌شد و اگر از رعایای وابسته به زمین بود به کار در مزرعه می‌پرداخت. مدرسه رفتن و درس خواندن وجود نداشت. تنها کسانی که می‌خواستند کشیش بشوند از نوجوانی به کلیسا وارد می‌شدند و در آن جا علوم دینی می‌آموختند، زیرا آموختن علم برای خدمت به ایمان و اعتقاد صورت می‌گرفت.

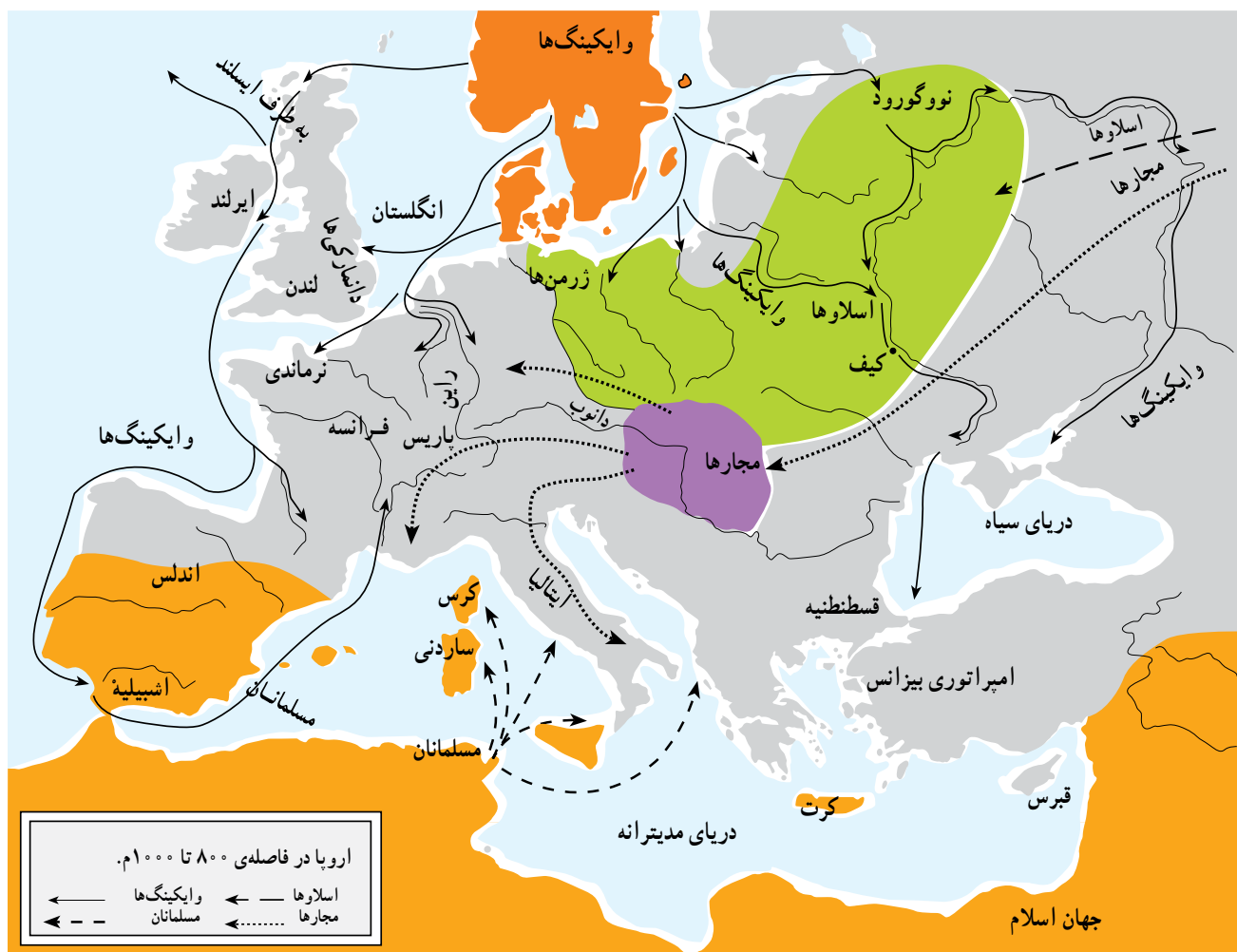
کلیسا

در هر ملک فئودالی چند کلیسا وجود داشت که به وسیله‌ی کشیش‌ها اداره می‌شد. کشیش‌ها مدتی از عمر خود را در مکان‌هایی جدا از جامعه به نام «دیر» به درس خواندن می‌گذراندند. در این حالت به آن‌ها راهب می‌گفتند. درس‌های آن‌ها شامل ادبیات (زبان لاتین)، فلسفه، منطق، ریاضیات و نجوم بود. اما علوم تجربی مورد توجه نبود.

بعضی از کشیش‌ها تمام عمر خود را در دیر باقی می‌ماندند. آن‌ها همان‌جا زندگی می‌کردند و تمام وقت خود را صرف رونویسی کتاب‌ها می‌کردند. برای چند قرن کشیش‌ها تنها قشر باسواد مردم اروپا بودند و علم و اندیشه به‌وسیله‌ی آنان به نسل‌های بعد منتقل شد. در اروپا مدرسه‌ای وجود نداشت تا آن‌که شارلمانی^۱ پادشاه فرانک‌ها مدرسه‌ای در دربار خود دایر کرد.

اوضاع سیاسی اروپا در نیمه‌ی اول قرون وسطا اروپا پس از سقوط امپراتوری روم و شروع قرون وسطا دچار آشفتگی بسیار بود. البته در جنوب شرقی اروپا، یعنی در شبه جزیره‌ی بالکان حکومت قدرتمند و منظم روم شرقی (بیزانس) به حیات خود ادامه داد. در قرن ششم میلادی ژوستینیان^۱ یکی از امپراتوران بیزانس توانست بر قلمرو بیزانس بیفزاید و به نظر می‌آمد که خواهد توانست روم باستان را احیا کند. اما جنگ‌های بیزانس با ساسانیان و سپس مسلمانان آن حکومت را بسیار ضعیف ساخت. هر چند بیزانس تا پایان قرون وسطا به حیات خود ادامه داد، لیکن به دلیل انحطاط داخلی دیگر نتوانست اقتدار خود را بازیابد.

صرف نظر از قلمرو بیزانس، در بقیه‌ی خاک اروپا اقوام مهاجمی که روم باستان را نابود کردند، مشغول تاخت و تاز بودند. مدت‌ها طول کشید تا به تدریج این اقوام ساکن شدند. ساکن شدن این اقوام همراه با مسیحی شدن آن‌ها بود. در آن زمان پاپ از شهر رم پایتخت روم باستان به تبلیغ مسیحیت در میان بربرها اقدام می‌کرد. از جمله قبایلی که مسیحی شدند فرانک‌ها بودند. آن‌ها حکومتی بزرگ در غرب اروپا به وجود آوردند که به پادشاهی فرانک معروف شده است. هر چند پادشاهان فرانک‌ها در برابر اشراف فئودال قدرت چندانی نداشتند اما در برابر تهاجماتی که به اروپا می‌شد به موفقیت‌هایی دست یافتند. یکی از پادشاهان معروف فرانک به نام



به اروپا آغاز شد. در شرق اروپا روس‌ها و مجارها تاریخ خود را با استقرار در سرزمین‌های کنونی‌شان آغاز کردند. اقوام انگل^۲ و ساکسون^۳ با تهاجم به جزیره‌ی بریتانیا بنیاد حکومت و ملت انگلستان را گذاشتند. به همین نحو فن‌ها^۴ سرزمین فنلاند و دان‌ها^۵ کشور دانمارک را پایه‌گذاری کردند. این تحولات و وقایع که اساس شکل‌گیری ملت‌های بعدی در تاریخ اروپاست در حدود هزار سال پیش رخ داد. پس از آن نیز طی چندین قرن تغییر و تحول کشورهای کنونی اروپا شکل گرفت. در آن هنگام تهاجم و تصرف سرزمین‌ها و سپس تأسیس حکومت‌های فئودال و قبول مسیحیت پایه‌های اصلی شکل‌گیری این ملت‌ها به شمار می‌آمد. پس از آن آداب و رسوم، زبان و خط و تاریخ نیز بر آن افزوده شد. بدین ترتیب ریشه‌های تاریخی به وجود آمدن بسیاری از ملل اروپایی را باید در قرون وسطا جست‌وجو کرد. نقش صلیب و دیگر نقوشی که بر پرچم بعضی از کشورهای امروز اروپایی دیده می‌شود، یادگارهایی از آن دوران به شمار می‌آید.

شارلمانی در قرن نهم میلادی توانست حکومتی مقتدر و درباری باشکوه برای خود به وجود آورد. شارلمانی بعضی از اقوام ژرمن^۱ را که هنوز مسیحی نشده بودند، شکست داد. او با همراهی پاپ مسیحیت را در اروپا گسترش داد و نیز با مسلمانان که از طریق اسپانیا وارد اروپا شده بودند جنگید. او حتی با خلافت عباسی رابطه برقرار کرد. شارلمانی بزرگ‌ترین پادشاه اروپا در نیمه‌ی اول قرون وسطا است؛ به طوری که هم آلمان‌ها و هم فرانسویان او را پادشاه خود می‌دانند. پس از شارلمانی قلمرو او تجزیه شد و در قسمتی از آن که تا حدودی با کشور کنونی فرانسه منطبق است، پادشاهی فرانسه شکل گرفت. در قسمتی دیگر نیز که تا حدودی با کشور آلمان کنونی منطبق است حکومتی به نام امپراتوری مقدس روم به وجود آمد که تا قرن‌ها ادامه یافت. این امپراتوری خود را هم پرچمدار مسیحیت و هم وارث امپراتوری روم باستان می‌دانست. دولت‌های پس از شارلمانی قدرت چندانی نداشتند، در نتیجه بار دیگر تهاجمات اقوام مختلف از شمال و شرق

پرسش‌های نمونه

- ۱- مشخصات اصلی تاریخ اروپا در قرون وسطا کدامند؟
- ۲- درباره‌ی فئودال‌ها و اختیارات آن‌ها توضیح دهید.
- ۳- در اروپای قرون وسطا شوالیه‌ها و سرف‌ها چه کسانی بودند؟
- ۴- مراتب کلیسایی در قرون وسطا چگونه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی منشأ اقوامی که در قرون وسطا به اروپا آمدند، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- آیا فیلم یا کتابی را می‌شناسید که محتوای آن بیانگر اوضاع اروپا در قرون وسطا باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ درباره‌ی یکی از آن‌ها گزارشی تهیه کنید.

۱- German

۲- Angle

۳- Saxon

۴- Fen

۵- Dan

جنگ‌های صلیبی

مقدمه

صلیب مهم‌ترین نماد مسیحیت است. این نماد بنا به اعتقاد مسیحیان یادبود شهادت حضرت عیسی (ع) به وسیله صلیب است. مسیحیان صلیب را به شکل‌های گوناگون رسم می‌کنند و از آن در تزئین پرچم‌ها و کلیساها استفاده می‌نمایند. مثلاً جنگ‌جویان مسیحی قرون وسطا که برای تصرف بیت المقدس از اروپا به شام و فلسطین حمله‌ور شدند، بر روی لباس خود صلیبی نقش کرده بودند. به همین جهت به آن‌ها صلیبی و به جنگ‌های دویست ساله‌ای که میان مسلمانان و مسیحیان اروپایی رخ داده است، جنگ‌های صلیبی می‌گویند. این جنگ‌ها اگرچه، جنبه‌ی مذهبی داشت اما نمی‌توان تمامی علل و زمینه‌های آن را به اعتقادات مذهبی نسبت داد. بلکه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اروپا نیز در آن دخالت داشته است. جنگ‌های صلیبی در نیمه‌ی دوم قرون وسطا و در فاصله‌ی سال‌های ۱۰۹۹ تا ۱۲۹۱ م. به وقوع پیوست.

جنگ‌های صلیبی

کرد، و چون بر این باور بودند که این واقعه در شهر بیت المقدس رخ خواهد داد، زائران مسیحی بسیاری، و به خصوص راهبان، به آن شهر مسافرت می‌کردند. هر چند مسافرت از اروپا به سرزمین‌های مسلمانان منعی نداشت اما با مشکلات بسیاری چون ناامنی روبه‌رو بود. با این حال روزبه‌روز بر تعداد زائران مسیحی در بیت المقدس افزوده می‌شد. البته واقعه‌ای که مسیحیان انتظار آن را می‌کشیدند رخ نداد، اما این مسافرت‌ها یک نتیجه مهم داشت و آن آگاهی اروپاییان از شرایط اجتماعی و اقتصادی زندگی مسلمانان بود. برای اروپاییان قرون وسطا که می‌توان گفت به مسافرت نمی‌رفتند و روابط تجاری با جایی نداشتند، اطلاع از فراوانی ثروت و رونق کار و کسب و گسترش سرزمین‌ها و مزارع در جهان اسلام بسیار پرجاذبه بود. هر چند اخبار ثروت مشرق زمین با اغراق گویی‌های بسیار همراه بود.

۲- افزایش جمعیت و بروز مشکلات اجتماعی در اروپا: در پی چند قرن تهاجم به اروپا و ورود اقوام

زمینه‌های جنگ: از قرن هفتم میلادی، برابر با قرن اول هجری، دو جهان اسلام و مسیحیت رو در روی یک‌دیگر قرار گرفتند. مسلمانان در همان قرن اول هجری نواحی شام، فلسطین، مصر، شمال آفریقا و اسپانیا را از دست مسیحیان خارج کردند و پس از آن نیز جدال میان آنان با مسیحیان در مرزهای خشکی و آبی آسیای صغیر، مدیترانه، ایتالیا و اسپانیا ادامه یافت. با این حال، مسیحیان در قلمرو مسلمانان شرایط مناسبی برای زندگی به دست آوردند و در حالی که جدال در مرزها امری عادی شده بود زندگی توأم با مسالمت طرفین استمرار می‌یافت. اما با نزدیک شدن به سال هزار میلادی (اواسط قرون وسطا) کم‌کم زمینه‌های جدیدی برای جدال مسیحیان اروپایی با جهان اسلام به وجود آمد. این زمینه‌ها عبارت بودند از:

۱- انتظار ظهور عیسی (ع): عده‌ای از مسیحیان عقیده داشتند مسیح (ع) پس از هزار سال ظهور خواهد

دادند. این شکست‌های مسلمانان، مسیحیان را به گشودن جبهه‌های جدیدی علیه آنان ترغیب کرد.

۴- نبرد ملازگرد: در چنین شرایطی پیروزی برق‌آسای سلجوقیان بر روم شرقی (بیزانس) در جنگ ملازگرد ۱۰۷۱ م / ۴۶۳ هـ. ق رخ داد. امپراتور بیزانس که قسمت‌های وسیعی از قلمرو خود در آسیای صغیر را از دست داده بود از پاپ علیه مسلمانان کمک خواست و این برای پاپ فرصت مناسبی بود تا کلیسای بیزانس را که از سال ۱۰۵۵ م / ۴۴۷ هـ. ق از کلیسای رم جدا شده بود بار دیگر تحت فرمان خود درآورد. کلیسای بیزانس بر خود نام ارتدوکس^۲ گذاشته بود و کلیسای رم نام کاتولیک^۳. پاپ به تقاضای کمک امپراتور بیزانس پاسخ مثبت داد و بدین ترتیب جنگ‌های صلیبی آغاز شد.



یک جنگ‌جوی صلیبی

مهاجر به این سرزمین جمعیت اروپا روبه فزونی گذاشت. این مهاجرت‌ها مشکل کمبود زمین مناسب برای کشاورزی را به همراه داشت تا جایی که اروپاییان مجبور به خشک کردن باتلاق‌ها شدند. اما این کار نتیجه‌ی دلخواه را نداد. کمبود زمین موجب فقر نسبی می‌گشت و به تدریج از تعداد رعایای زمین‌دار کم و بر تعداد رعایای بی‌زمین افزوده می‌شد. این مشکل فقط مربوط به رعایا نبود، بلکه تعداد شوالیه‌ها نیز روبه‌روز بیشتر می‌شد. در جامعه‌ی فئودالی رسم بر این بود که ملک فئودالی، برای جلوگیری از تجزیه‌شدن، فقط به فرزند بزرگ برسد، از این رو بقیه‌ی فرزندان (پسر) به شوالیه‌گری روی می‌آوردند. بدین ترتیب بود که تعداد شوالیه‌ها در اروپا زیاد شد و با ماجراجویی آن‌ها ناامنی در اروپا گسترش یافت.

در چنین شرایطی فئودال‌ها و پادشاهان در جست‌وجوی سرزمین‌های جدید بودند. بنابراین به قصد تصرف سرزمین‌های دیگران اقدام به جنگ و جدال می‌کردند و چون قاره‌ی نسبتاً کوچک اروپا که از سه طرف نیز محصور در آب است امکان کشورگشایی چندانی نداشت در نتیجه به اراضی شرق مدیترانه (شام و فلسطین) که در دست مسلمانان بود، چشم دوختند.

۳- پیشرفت مسیحیان در آندلس^۱ (اسپانیا): مسلمانان در اواخر قرن اول هجری اندلس را به تصرف خود درآوردند. آنان قرن‌ها با مسیحیان آن سرزمین زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند، اما در دوره‌ی فرانک‌ها مسیحیان اروپایی بر فشار خویش برای باز پس‌گیری اندلس افزودند. اندلس تا مدت‌ها با وجود ارتباط اندک با بقیه‌ی جهان اسلام، هم به‌خوبی در برابر فشار اروپاییان ایستادگی می‌کرد و هم صاحب تمدنی پررونق و باشکوه شده بود. اما به دلیل اختلافات داخلی، مسلمانان کم‌کم متحمل شکست‌هایی شدند و نواحی شمالی اسپانیا را از دست

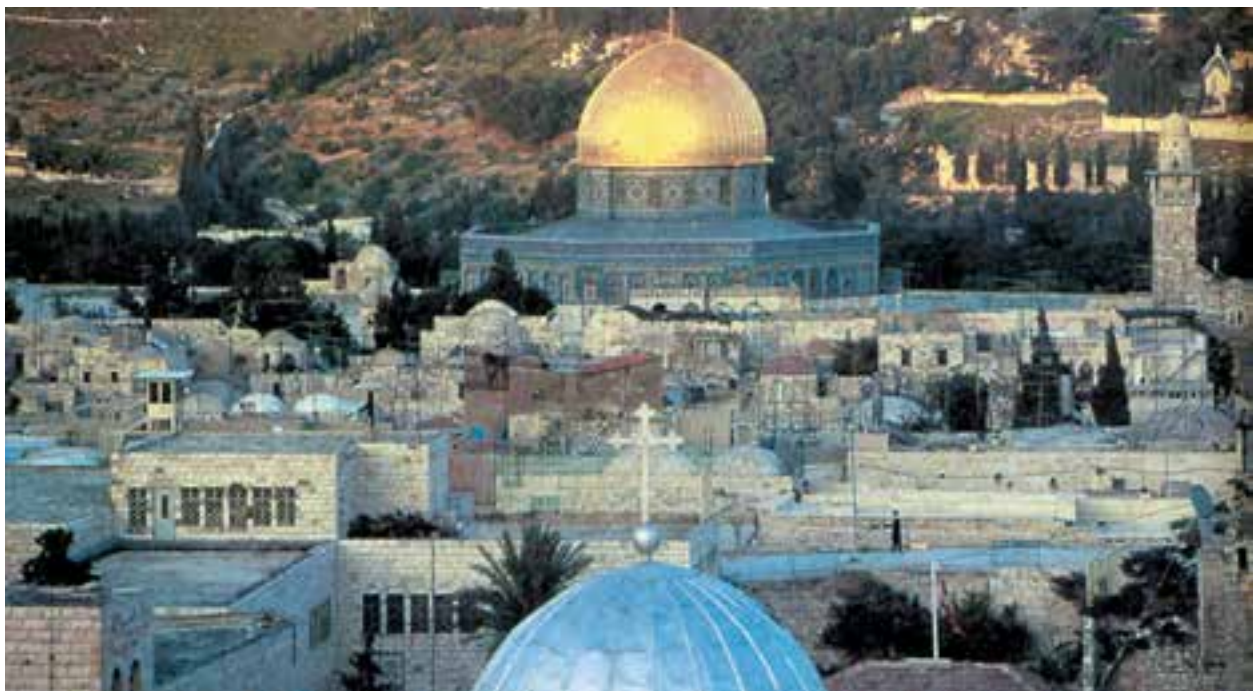
بخشی از سخنان پاپ اوربان دوم خطاب به صلیبی‌ها

... سرزمینی که اکنون شما در آن سکنا دارید و از همه جانب محاط به دریا و قله جبال است از برای نفوس عظیم شما بسیار تنگ می‌باشد. خوراکی که از آن عاید می‌شود به سختی تکافوی احتیاجات مردمی را می‌کند که به کار کشت مشغول‌اند. از این روست که شما یک‌دیگر را می‌کشید و می‌درید و ... آن سرزمین را از چنگ قومی تبه‌کار بیرون آورید و خود بر آن استیلا یابید. بیت‌المقدس جنتی است مشحون از لذات و نعم

نخستین جنگ‌های صلیبی

غارت کردند. چون به قسطنطنیه رسیدند امپراتور بیزانس از دیدن این جمعیت گرسنه و سرکش سخت به وحشت افتاد و بدون برنامه‌ای معین آن‌ها را به سوی مرزهای مسلمانان روانه ساخت. اگرچه عده‌ی زیادی از صلیبی‌ها در نتیجه‌ی گم شدن در بیابان‌ها و گرسنگی از بین رفتند اما بقیه سرانجام از کرانه‌ی شرقی مدیترانه خود را به شام و فلسطین رساندند و در سال ۱۰۹۹ م / ۴۹۳ هـ موفق به تصرف بیت‌المقدس شدند.

در سال ۱۰۹۶ م / ۴۹۰ هـ پاپ اوربان دوم^۱ فرمان جنگ علیه مسلمانان را، برای تصرف بیت‌المقدس، صادر کرد. در پی آن جمعیت بزرگی از نواحی غربی و مرکزی اروپا به طرف بیزانس به راه افتادند تا از آن طریق خود را به این شهر کهن برسانند. این عده که اغلب روستاییان و شوالیه‌ها بودند به شکل ارتش بی‌نظم و فاقد یک فرماندهی مشخص در مسیر خود بسیاری از روستاها و مزارع را



با فرمان پاپ اوربان دوم صلیبی‌ها برای تصرف بیت‌المقدس به حرکت درآمدند.

اوضاع جهان اسلام در آستانه‌ی جنگ‌های

صلیبی: در هنگام شروع جنگ‌های صلیبی جهان اسلام از تفرقه و جدال داخلی رنج می‌برد. فلسطین در دست فاطمیان بود که روزگار ضعف و زوال خود را طی می‌کردند. شام در دست سلجوقیان طرفدار خلافت عباسی بود. اما نه سلجوقیان با هم متحد بودند و نه عباسیان توجهی به مرزها نشان می‌دادند. از سوی دیگر عباسیان و فاطمیان نیز سخت با هم دشمن بودند. در نتیجه در برابر سیل جنگ‌جویان صلیبی فقط نیروهای محلی شهرهای شام مدتی مقاومت کردند. بدین جهت قسمت‌های وسیعی از شام و فلسطین به دست صلیبی‌ها افتاد و بیت‌المقدس نیز پس از کشتار بسیار هولناکی که از مسلمانان صورت گرفت اشغال شد.

بیداری مسلمانان: بدین ترتیب جنگ اول صلیبی با

پیروزی صلیبی‌ها به پایان رسید. اخبار این واقعه جهان اسلام را تکان داد لذا آل‌زنکی که در مرزهای شام حکومت می‌کردند، علیه صلیبی‌ها وارد عمل شدند و توانستند آن‌ها را پس برانند و قسمتی از اراضی مسلمانان را باز پس گیرند. شکست صلیبی‌ها موجب حرکت نیروهای تازه نفس از اروپا به سوی بیت‌المقدس شد. اگرچه از قبل نیز خبر پیروزی و تصرف بیت‌المقدس و به دست آوردن اراضی فراوان موجب تشویق عده‌ی زیادی در حرکت به سوی شرق شده بود ولی این بار فتودال‌ها نیز با شوالیه‌ها همراه شدند. بدین ترتیب جنگ دوم صلیبی آغاز شد اما در این جنگ موفقیتی نصیب صلیبی‌ها نشد زیرا از یک‌سو مسلمانان آماده شده بودند و از سوی دیگر فاتحان جنگ اول صلیبی از آمدن مهاجران جدید رضایتی نداشتند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا فاتحان جنگ اول صلیبی از آمدن

مسیحیان جدید ناراضی بودند؟

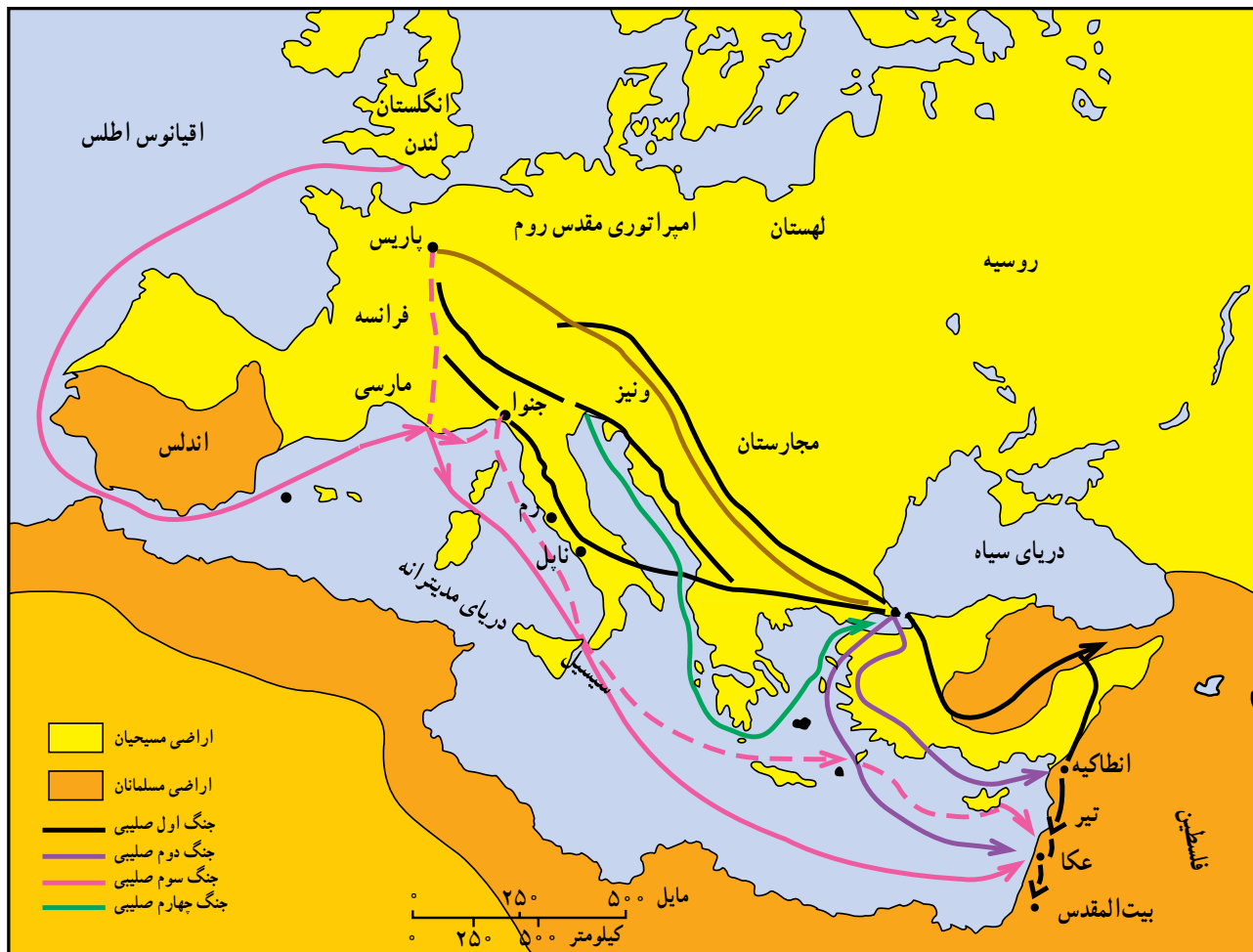
ناکامی در جنگ دوم صلیبی پاپ را بر آن داشت تا پادشاهان اروپایی را نیز به جنگ با مسلمانان تشویق کند. در نتیجه پادشاهان انگلستان، فرانسه و آلمان (امپراتوری مقدس روم) عازم فلسطین شدند. اگرچه آنان از این لشکرکشی چندان دل‌خوشی نداشتند زیرا نگران اوضاع داخلی کشور خود بودند و از نافرمانی فتودال‌ها بیم داشتند، با این حال عازم جنگ شدند و بدین ترتیب جنگ سوم صلیبی شکل گرفت. در همین جنگ بود که یکی از فرمان‌روایان مسلمان به نام صلاح‌الدین ایوبی سخت ایستادگی نشان داد. صلاح‌الدین که با انقراض حکومت آل‌زنکی و فاطمیان، حکومت ایوبیان را در مصر و شام تأسیس کرده بود توانست بیت‌المقدس را باز پس گیرد و جنگ‌جویان سومین جنگ صلیبی را ناکام سازد. تا این زمان قسمت‌های وسیعی از شام و فلسطین به مسلمانان بازگردانده شده بود و صلیبی‌ها تنها بعضی از نواحی ساحلی را در اختیار داشتند. اما برای حکومت‌های مسیحی اروپا تحمل این شکست‌ها بسیار دشوار بود. لذا لشکرکشی‌های جدیدی تدارک دیده شد.

دیگر جنگ‌های صلیبی

با توجه به سربازان زیاد و تجهیزات فراوانی که برای جنگ چهارم صلیبی تدارک دیده شده بود، امید به کسب پیروزی در دل صلیبی‌ها تقویت شد. آنان مصمم به پیروزی در بیت‌المقدس و دست یافتن به غنیمت در آن‌جا بودند. اما وقتی به قسطنطنیه رسیدند، تصرف و تاراج آن شهر را پیروزی نزدیک‌تر و حتمی‌تری دیدند تا جنگیدن با مسلمانان و تصرف بیت‌المقدس؛ لذا به قسطنطنیه حمله‌ور شدند و آن‌جا را که بزرگ‌ترین شهر جهان مسیحیت بود تصرف و تاراج کردند.

سوی دیگر پاپ برای تدارک لشکرهای صلیبی بر پادشاهان اروپایی تکیه کرد. لذا از جنگ ششم تا نهم صلیبی را پادشاهان با همراهی فتودال‌ها و شوالیه‌ها رهبری می‌کردند. اگرچه آنان، در بسیاری از موارد، دوری از کشور خود و رفتن به یک سرزمین دوردست را به سود خود نمی‌دیدند. این امر کش مکش پاپ و پادشاهان را به همراه داشت.

پس از جنگ‌های چهارم و پنجم، جنگ‌های صلیبی در مسیری دیگر قرار گرفت. از یک سو حکومت بیزانس دیگر اجازه نداد جنگ‌جویان صلیبی برای رفتن به مرزهای مسلمانان از قلمروش عبور کنند، به همین جهت آنان به جای خشکی از طریق دریا عازم جنگ شدند؛ یعنی از بنادر شمالی ایتالیا حرکت کرده با عبور از مدیترانه به بنادر و سواحل شام که در تصرف صلیبی‌ها بود رسیدند. از



جنگ‌های صلیبی

در این شرایط بر توان مسلمانان این منطقه در برابر صلیبی‌ها افزوده شد. حکومت پر قدرت مملوکان مصر و شام که به جای ایوبیان روی کار آمده بود با ضرباتی بی‌دری آخرین بنادر و پایگاه‌های صلیبی‌ها در سواحل شام را تصرف کرد و بدین ترتیب جنگ‌های صلیبی پس از دو

فکر کنید و پاسخ دهید:
 به نظر شما چرا حکومت بیزانس اجازه نمی‌داد که جنگ‌جویان صلیبی از قلمرو وی برای رفتن به جنگ با مسلمانان استفاده کنند؟

قرن، در سال ۱۲۹۱ م / ۶۹۰ ه.ق، با پیروزی مسلمانان به پایان رسید.

بهره‌گیری اروپاییان از تمدن اسلامی

جنگ‌های صلیبی با شکست اروپاییان تمام شد، اما برای آنان این فایده‌ی بزرگ را هم داشت که با دستاوردهای تمدن اسلامی آشنا شدند و از آن بهره بردند. در این جا به برخی از این نتایج اشاره می‌کنیم:

۱- قبل از هر چیز باید توجه داشت که جنگ‌های صلیبی محیط بسته و محدود قرون وسطا را برای اروپاییان درهم شکست. در جامعه‌ای که تا پیش از آن مسافرت و تجارت و آشنایی با فرهنگ‌های دیگر مطرح نبود، جنگ‌های صلیبی موجب تماس اروپاییان با پیشرفته‌ترین تمدن آن روزگار یعنی تمدن اسلامی شد. این خود در باز شدن افق اندیشه‌ی اروپاییان و گشودن چشم آنان بر واقعیات جهان و ارزیابی موقعیت خویش بسیار مؤثر بود.

۲- در نتیجه‌ی جنگ‌های صلیبی گشایش‌های جدیدی در عرصه‌های اقتصادی نیز صورت گرفت. با

شروع تجارت اروپاییان با مسلمانان از طریق شرق مدیترانه و شمال آفریقا محصولات و کالاهایی نظیر شکر، قهوه، کاغذ، قطب‌نما، پارچه‌های پنبه‌ای، ادویه و داروهای گوناگون به دست اروپاییان رسید. این گونه کالاها و محصولات در اروپا وجود نداشت. به دست آوردن این کالاها و سپس شروع به تولید آن‌ها در اروپا موجب ارتقای سطح زندگی، کار و فرهنگ در آن قاره شد.

۳- به همراه داروهای فراوانی که به اروپا می‌رسید کتاب‌های پزشکی جهان اسلام نیز مورد استفاده‌ی آن‌ها قرار می‌گرفت. علمی که با پزشکی مرتبط بودند مانند شیمی، داروشناسی، داروسازی، زیست‌شناسی، مکانیک و مانند آن‌ها نیز به نحو وسیعی مورد اقتباس قرار گرفتند. از دیگر علمی که اروپاییان بدان علاقه نشان دادند جغرافیا و نجوم بود. این دو علم به شناخت سرزمین‌ها، راه‌ها، دریانوردی و تجارت کمک بسیار می‌کرد. علوم عقلی مانند فلسفه نیز در اروپا علاقه‌مندانی داشت و آثار ابن‌سینا و فارابی که فیلسوفان بزرگ جهان اسلام بودند، به لاتین ترجمه شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- اوضاع اجتماعی اروپا چگونه زمینه‌ساز جنگ‌های صلیبی شد؟
- ۲- جنگ سوم صلیبی چگونه شکل گرفت و به کجا انجامید؟
- ۳- برخورد امپراتوری بیزانس با صلیبی‌ها در مراحل مختلف جنگ‌های صلیبی چگونه بود؟
- ۴- عملکرد صلیبی‌ها در جنگ چهارم صلیبی بیانگر چه واقعیتی است؟
- ۵- در اواخر جنگ‌های صلیبی چه تغییری در نحوه‌ی نگرش اروپاییان نسبت به جهان اسلام پدید آمد؟
- ۶- جنگ‌های صلیبی چگونه به رشد تمدن و فرهنگ اروپا کمک کرد؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی جریان و حوادث یکی از جنگ‌های صلیبی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی یکی از شخصیت‌های مورد بحث در این درس مطلبی تهیه کنید.
- ۳- درباره‌ی سرگذشت یکی از حکومت‌های مسلمان در زمان جنگ‌های صلیبی (فاطمیان، آل‌زنکی، ایوبیان و...) گزارشی بنویسید.

رنسانس در اروپا

مقدمه

رنسانس^۱ یعنی تولد مجدد، و منظور از آن احیای فرهنگ و تمدن یونان و روم باستان است که با شروع قرون وسطا به دست فراموشی سپرده شده بود. احیای فرهنگ یونان و روم باستان، در واقع به صورت توجه به اصول و بنیادهای آن تمدن‌ها و بهره‌گیری از دست‌آوردهای آن تمدن‌ها تجلی می‌کرد. رنسانس به تدریج صورت گرفت و فرهنگ و تمدن قرون وسطا را با تغییرات و تحولاتی که در آن پدید آورد پشت سر گذاشت و زمینه‌ساز پیدایش تمدن جدید شد.

آن چه که در عصر رنسانس پدید آمد و چهره‌ی قرون وسطایی اروپا را تغییر داد عبارت بود از:

- ۱- رشد شهرنشینی و قدرت یافتن شهرنشینان. ۲- افزایش قدرت پادشاهان و ضعف فئودال‌ها.
- ۳- انسان‌گرایی و خردگرایی. ۴- رشد تجارت و حرفه‌ها. ۵- اکتشافات جغرافیایی.

از آن جا که رنسانس در اواخر قرون وسطا رخ داده است در این جا به بررسی تاریخ اروپا از ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی می‌پردازیم.

رشد شهرنشینی و قدرت گرفتن شهرنشینان

رشد شهرها در ابتدا بیش‌تر در نواحی ساحلی بود، زیرا در آن‌جاها کشاورزان و حکم‌رانان فئودال کمتر حضور داشتند. رشد شهرهای بندری شمال ایتالیا و سپس شمال آلمان زودتر از شهرهای دیگر آغاز شد، اما دیگر شهرها نیز با رشته‌ای از فعالیت‌های تجاری مرتبط با هم به وجود آمدند و رشد کردند. به ساکنان شهرها بورژوا می‌گفتند که به معنای شهرنشین است. شهر، به خصوص محل داد و ستد بود و چون لازمه‌ی داد و ستد هم، پول است، استفاده از پول گسترش یافت.

ضعیف شدن فئودالیسم: فئودال‌ها اگرچه از این وضع ناراضی بودند اما کم‌کم توان مقابله با آن را از دست دادند. اتکای اصلی آنان به نیروی نظامی جنگ‌جوی خود یعنی شوالیه‌ها بود که شوالیه‌ها هم، به دلیل شکست در

جنگ‌های صلیبی که طی آن عده‌ای از روستاییان و شوالیه‌ها از اروپا به شرق مدیترانه مهاجرت کردند، مشکلات جمعیتی اروپا را حل نکرد زیرا: ۱- در نتیجه‌ی کمبود زمین، عده‌ی بیش‌تری از رعیت‌های زمین‌دار به رعیت‌های بی‌زمین تبدیل شدند. ۲- کشاورزان نیز گاه به دلیل ستم فئودال‌ها دست به شورش زده و از روستاها می‌گریختند. بدین ترتیب آنان هم بی‌زمین شده و به عبارتی رعیت پادشاه می‌شدند. همین گروه، چون کم‌کم به حرفه‌های گوناگون و داد و ستد مشغول شدند، شهرهای جدیدی را در اروپا بنا نهادند. آنان از حمایت پادشاهان برخوردار بودند. رونق گرفتن تجارت نیز که در پی جنگ‌های صلیبی رخ داد به رشد اقتصادی ساکنان شهرها کمک بسیار کرد.

در هر حال بر تعداد شهرهای اروپا و جمعیت آن‌ها افزوده شد و شیوه‌ها و قوانین شهرنشینی نیز بهبود یافت و با اقتباس از شیوه‌های شهرنشینی روم باستان اساس زندگی جدید اروپاییان شکل گرفت.

افزایش قدرت پادشاهان

مالیاتی که پادشاهان از فئودال‌ها دریافت می‌کردند، بیش‌تر صرف قدرتمند ساختن حکومت خودشان می‌شد. بدین ترتیب پادشاهان با استخدام تعداد زیادی سرباز، کم‌کم ارتش‌های منظم و دایمی تدارک دیدند و به ساخت اسلحه به‌ویژه توپ اقدام کردند. در نتیجه‌ی این اقدام، پادشاهان از نیروی نظامی فئودال‌ها بی‌نیاز شدند، به‌ویژه که توپ نیز در صورت لزوم می‌توانست قلعه‌های فئودال‌ها را درهم بکوبد. بنابراین از قدرت فئودالیسم، به نفع پادشاهان، بسیار کاسته شد. برای فئودال‌ها، املاک، القاب و افتخار به نجیب‌زادگی

جنگ‌های صلیبی، اعتبار خود را از دست داده بودند. بقایای نیروهای فئودال‌ها نیز صرف جنگ با فئودال‌های رقیب می‌شد. در نتیجه فئودالیسم در اروپا تضعیف شد. پادشاهان از فئودال‌ها می‌خواستند مالیات بپردازند و این مالیات را هم به‌صورت پول پرداخت کنند. لازمی به‌دست آوردن پول مراجعه به بازرگانان و بانکداران شهرها بود. این وضع سرانجام به برتری اقتصاد شهرنشینی بر اقتصاد فئودالی منجر شد و اشراف شهرنشین را از مقام و موقعیت ویژه‌ای برخوردار ساخت. در این دوره فئودال‌ها می‌کوشیدند موقعیت گذشته‌ی خود را حفظ کنند. در مقابل، اشراف شهرنشین نیز خود را دارای علم و ادب معرفی می‌کردند. این کشمکش اجتماعی مدت‌ها طول کشید و سرانجام به پیروزی بورژواها (شهرنشینان) منتهی شد. در نبل به این پیروزی علاوه بر تحول اجتماعی و اقتصادی که رخ داده بود، حمایت پادشاهان از شهرنشینان نیز مؤثر بود.



نمونه‌هایی از بازی‌های دوره‌ی رنسانس

از فرانسه‌ی کنونی هم دارای قلمرو بودند. اما پادشاهان فرانسه نیز برای تصرف این قلمرو وارد عمل شدند. نتیجه‌ی جنگ، ویرانی و خرابی بسیار بود، زیرا این جنگ‌ها صد سال طول کشید. علاوه بر این طاعون عده زیادی را از پا درآورد. در این جنگ‌ها، سرانجام فرانسویان با قیام دختری به نام ژاندارک^۱ به پیروزی رسیدند.

نتیجه‌ی مهم جنگ‌های صد ساله برای فرانسویان و انگلیسی‌ها، علی‌رغم خساراتی که به آنان وارد شد، رشد فرهنگ ملی آنان بود. پس از این، این دو ملت بیش از پیش بر ملیت خویش پافشاری کردند.

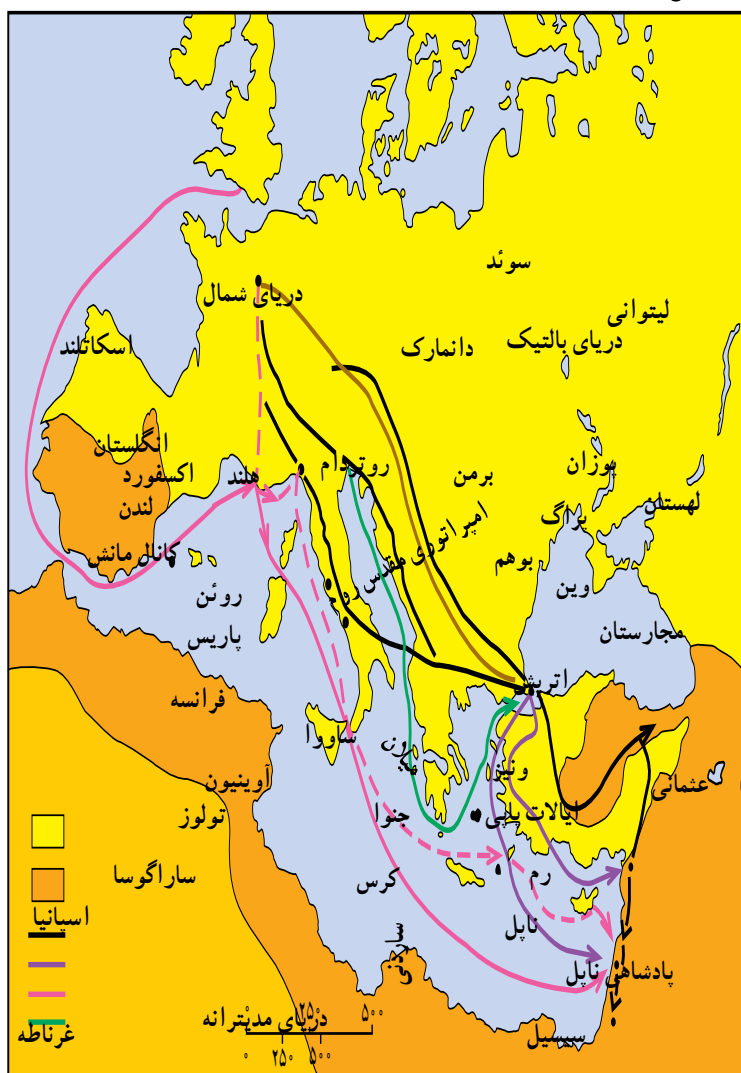
باقی مانده بود. پادشاهان که خود در اصل از همین طبقه بودند از آن پس اشراف فئودال را به صورت حکمرانان ایالات و مقامات حکومت و دربار درآوردند. بدین ترتیب قدرت در دست پادشاهان تمرکز یافت. از این تحول علاوه بر پادشاهان طبقه‌ی بورژوا نیز خرسند بودند، زیرا برقراری حکومت مرکزی موجب وحدت اداری و برقراری نظم و امنیت و قوانین یکسان می‌شد. این امر در تسهیل و توسعه‌ی تجارت که خواست بورژواها بود تأثیر داشت.

افزایش قدرت پادشاهان موجب دخالت آنان در امور کلیسا شد. آنان تعیین سراسقف به وسیله‌ی پاپ را نمی‌پذیرفتند و می‌خواستند در امور داخلی کشورشان مستقل

باشند. اما پاپ در مقابل آنان ایستادگی کرد. در نتیجه بعضی از پادشاهان اروپایی از فرمان پاپ سرپیچیدند و حتی به مقر او نیز حمله کردند. اگرچه آنان نتوانستند به خواست خود برسند اما تا حدود زیادی قدرت پاپ را محدود کردند و در مقابل بر قدرت و اختیار خود افزودند.

تحولات سیاسی و شکل‌گیری حکومت‌های مرکزی

هر چند کشورها و حکومت‌های اروپایی در عصر رنسانس تحولات مهمی را پشت سر گذاشتند اما برای رسیدن به شرایط مطلوب، هنوز راه درازی در پیش داشتند. شکل‌گیری حکومت‌های مرکزی، قلمروهای متحد و ملت‌ها به آرامی در حال انجام بود. هیچ‌یک از کشورهای کنونی اروپا وضع امروزی خود را نداشتند. در انگلستان، اشراف فئودال با حضور در پارلمان، شکل جدیدی از حکومت مرکزی (مشروطه سلطنتی) را به وجود آوردند. پادشاهان انگلستان در قسمت‌های وسیعی



اوضاع سیاسی اروپا در عصر رنسانس



صحنه‌ای از جنگ‌های صدساله بین انگلیس (سمت راست) و فرانسه (سمت چپ)

یک توضیح

ژاندارک

ژاندارک قهرمان ملی فرانسه است. (۱۴۳۱-۱۴۱۲ م.) او به دین‌داری و پرهیزگاری شهرت داشت و مدعی بود که از الهامات غیبی برخوردار است. در جریان جنگ‌های فرانسه و انگلیس به حضور شارل هفتم پادشاه فرانسه رسید و با اصرار، از پادشاه خواست که وی را به فرماندهی سپاهی منسوب کند و به جنگ انگلیس‌ها بفرستد. ژاندارک بر انگلیس‌ها پیروز شد اما در یکی از جبهه‌ها، گویا به دلیل خیانت بعضی از اطرافیان، اسیر شد. انگلیسی‌ها او را محاکمه کردند و به اتهام کفر و ارتداد به مرگ محکوم ساختند. ژاندارک با کمال خون‌سردی از خود دفاع کرد و حتی هنگام اجرای حکم از خود ترسی نشان داد. او را زنده در آتش سوزاندند. ژاندارک هنگام مرگ ۱۹ سال داشت.

و زوال دیده می‌شد. شهرها و بنادر شمالی این سرزمین از طریق تجارت و رشد شهرنشینی صاحب ثروت بسیار شده بودند. اما آن سرزمین فاقد حکومت مرکزی بود. شهرهای شمالی ایتالیا که خود را از تسلط دستگاه پاپ و امپراتوری مقدس روم خارج ساخته بودند، به صورت دولت - شهرهایی جدا از هم درآمد و نه تنها تمایلی به وحدت نداشتند بلکه مدام نیز با هم در جنگ و جدال بودند. اشراف شهری، دولت - شهر مستقل خویش را بر یک کشور وسیع یک پارچه ترجیح می‌دادند.

رنسانس علمی و فرهنگی در اروپا

همگام با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اروپای عصر رنسانس، در عرصه‌ی اندیشه، هنر، علم و فن نیز تغییرات وسیعی به ظهور پیوست. یکی از وجوه مهم رنسانس انسان‌گرایی و خردگرایی بوده است. پس از جنگ‌های صلیبی آشنایی اروپاییان با آثار فلسفی به خصوص آثار مربوط به یونان باستان موجب شد تا باور به انسان و خرد او پذیرش بسیار پیدا کنند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید منظور از آثار فلسفی یونان باستان،

کدام آثار است؟

صرف نظر از آثار فلسفی و اخلاقی عصر رنسانس که گرایش‌های انسان‌گرایانه را در خود منعکس ساخته‌اند، در عرصه‌ی هنر نیز به خوبی می‌توان این گرایش را ملاحظه کرد. موضوع بیش‌تر آثار نقاشی و مجسمه‌سازی عصر رنسانس انسان است. در این آثار که نقاشان بزرگی نظیر میکل‌آنژ^۲ و داوینچی^۳ به وجود آورده‌اند احساس انسان، اندیشه‌ی انسان، اعمال انسان و نیز طبیعت انسان مورد توجه قرار گرفته است.

در اسپانیا تحولات دیگری در جریان بود. ایالت‌های شمال اسپانیا که در دست پادشاهان مسیحی بود به پیروزی‌های جدید علیه مسلمانان در جنوب دست یافتند. حکومت‌های ملوک الطوائفی مسلمان که تجزیه و تفرقه ضعیفشان کرده بود، عقب نشستند. سرانجام در اواخر قرون وسطا پادشاهان مسیحی مناطق مختلف اسپانیا با برقراری پیوند خانوادگی میان خویش، متحد شدند و توانستند به آخرین مقاومت مسلمانان پایان دهند.

نواحی مرکزی و شرقی اروپا برای رسیدن به یک دولت مقتدر کندتر از نواحی غربی آن، یعنی انگلستان و فرانسه و اسپانیا، حرکت می‌کردند. زیرا اشرافیت فتودال در آن‌ها هنوز قدرت بسیار داشتند. در آلمان (امپراتوری مقدس روم) این اشراف مقام امپراتور را به‌طور رسمی تأیید می‌کردند. در روسیه نیز فتودال‌ها قدرت بسیار داشتند. سلطه‌ی مغولان بر روسیه که نزدیک به یکصد و پنجاه سال طول کشید نیز آنان را ضعیف نکرد. تا این که با به قدرت رسیدن ایوان چهارم^۱ اشراف سرکوب شدند و هرچند از بین نرفتند اما حکومت مرکزی قدرتمند و وسیعی در روسیه شکل گرفت. ایوان چهارم (۱۵۸۴-۱۵۳۳) از مشهورترین پادشاهان روسیه است که به سبب خشونت‌هایش به ایوان مخوف مشهور است. او یک بار در حال عصبانیت پسر خود را کشت! توسعه‌ی مذهب ارتدوکس نیز به تقویت وحدت معنوی روس‌ها کمک می‌کرد.

اوضاع سیاسی نواحی جنوبی اروپا، به عکس نواحی دیگر آن، به سوی قدرت متمرکز سیر نمی‌کرد. در شبه جزیره‌ی بالکان حکومت بیزانس پس از ضربه‌ای که از صلیبی‌ها خورد دیگر نتوانست قدرت خود را بازیابد و روبه زوال رفت. پیشروی ترکان عثمانی و استقلال طلبی صرب‌ها و مجارها نیز این زوال را تسریع کرد. در شبه‌جزیره‌ی ایتالیا آمیزه‌ی شگفت‌انگیزی از رشد

۱- Ivan IV

۲- Michelangelo

۳- Davinci



انواع فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی در شهرهای اروپا در اواخر قرون وسطا

آنان نیز مانند هنرمندان به موضوع انسانی در آثار خود می‌پرداختند. دانته^۱ و پترارک^۲ از ادیبان بزرگ این عصر هستند. دانته برای اولین بار به زبان ایتالیایی جنبه‌ی ادبی داد که بعدها زبان ملی مردم آن سرزمین شد. در فرانسه، انگلستان و آلمان هم از این زمان زبان ملی برای کارهای ادبی، اداری و قضایی مطرح شد. دیگر زبان لاتین تنها زبان علمی و رسمی اروپا نبود.

علوم تجربی نیز که قبلاً مورد توجه نبود، علاقه‌مندی پیدا کرد. انتقال علوم اسلامی به اروپا در این خصوص تأثیر مهمی داشت. یکی از دانشمندان این دوره به نام راجر بیکن^۳ بر اهمیت تجربه در شناخت علمی تأکید کرد، مطالعه درباره‌ی بدن انسان بیش‌تر و در پزشکی پیشرفت بسیار حاصل شد. یکی از دانشمندان به نام ویلیام هاروی^۴ چگونگی گردش خون را کشف کرد. استفاده از علوم تجربی در رشته‌های دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت. در ریاضیات، نجوم و جغرافیا هم اندیشه‌های نوینی مطرح شد. کپرنیک^۵ کروی بودن زمین را و پس از او گالیله^۶ گردش زمین به دور خورشید را اثبات کردند.

در آثار نقاشی دوره‌ی رنسانس می‌توان تصاویر بسیاری از ثروتمندان آن دوره را مشاهده کرد، ثروتمندان آن دوره در شهرهای شمال ایتالیا علاقه‌ی زیادی به فراهم آوردن اسباب شکوه و تجمل برای خود داشتند. لذا کاخ‌های زیبا و آثار هنری متعدد برای خود فراهم آوردند و هنرمندان را مورد حمایت و تشویق قرار دادند. در نتیجه در همه‌ی عرصه‌های هنری تحولاتی صورت گرفت.

در عرصه‌ی ادبیات نیز عصر رنسانس شاهد تحولات مهمی بود. در تجارت‌خانه‌های شمال ایتالیا نویسندگان و منشیان زبردستی پیدا شدند که دستور زبان، لغت و نیز تاریخ و حساب و مانند آن‌ها را می‌دانستند. هم‌چنین از مقررات علم حقوق و مکاتبات و تنظیم قراردادها مطلع بودند. بعضی از آن‌ها چند زبان مانند لاتین، عربی، عبری و یونانی می‌دانستند. بعضی از اینان هرچند در کلیسا درس خوانده بودند اما خدمات کلیسایی انجام نمی‌دادند. هم‌چنین مدارسی خارج از کلیسا تأسیس کردند. بدین ترتیب به‌عکس چند قرن پیش همه‌ی باسوادان اهل کلیسا نبودند،

۱- Dante ۲- Petrarc ۳- Roger Bacon ۴- William Harvey ۵- Copernicus ۶- Galilee

کرویت زمین و گردش خون در آثار جغرافی دانان مسلمان

یکی از جغرافی دانان مسلمان، در سده‌ی چهارم هجری، کتابی به نام صَوْرَ الْأَقَالِیمِ نوشت و در آن، نقشه‌ای از زمین کشید که آن را به شکل مُدَوَّرَ نشان می‌داد. هم‌چنین ابو عبدالله ادریسی (متولد ۴۹۴) اولین کره‌ی جغرافیایی را از نقره ساخت که نقشه‌ی کامل جهان آن روز به شمار می‌آید. هم‌چنین، ابن نفیس پزشک دمشقی سده‌ی ششم، در کتاب شرح قانون (شرح قانون ابن سینا) از کشف خود درباره‌ی گردش خون یاد کرده است. بی‌شک او این کشف را براساس تشریحی که بر روی بدن انسان انجام داده، به دست آورده است.

اروپا پایان داد و عصر جدیدی را آغاز کرد. نتایج مثبت و منفی این تحولات در چند قرن اخیر توسط مورخان و دیگر عالمان مورد بحث و بررسی بسیار قرار گرفته است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما کدام دوره از تاریخ ایران از نظر علمی و فرهنگی با اروپای عصر رنسانس قابل مقایسه است؟ چه تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد؟

در عرصه‌ی اختراعات، هرچند به اندازه‌ی علوم و هنرها و ادبیات پیشرفت وجود نداشت با این حال اختراعات مهمی صورت گرفت مانند اختراع دستگاه چاپ به وسیله‌ی گوتنبرگ^۱، و اختراع تلسکوپ به وسیله گالیله. دانش جغرافیایی اروپاییان نیز به دلایلی نظیر جنگ‌های صلیبی، مسافرت مارکوپولو به چین توسعه یافت. این زایش دوباره‌ی فکری و فرهنگی در اروپا که رنسانس نامیده شده است کم‌کم به عصر دنیای کهن در



دریانوردان عصر رنسانس با استفاده از ستارگان به تعیین موقعیت خود می‌پرداختند.

رشد دریانوردی و آغاز اکتشافات جغرافیایی

پس از آن که جنگ‌های صلیبی به دریا کشیده شد کم‌کم اروپاییان به تجارت در مدیترانه روی آوردند. آنان با استفاده از شیوه‌های کشتی‌سازی در اروپا و سرزمین‌های اسلامی کشتی‌های جدیدی ساختند که هم محکم‌تر و هم بزرگ‌تر از کشتی‌های قبلی بود و از سرعت و قابلیت هدایت بیش‌تری برخوردار بود. قطب‌نما که مسلمانان از طریق چینی‌ها با آن آشنا شده بودند، به اروپاییان رسید. قطب‌نما و نقشه‌های جدید جغرافیایی بهره‌گیری از راه‌های آبی و کشتی‌رانی را رونق فراوان بخشید. بندرهای بیزانس، شام، مصر، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال در نتیجه‌ی این پیشرفت‌ها شاهد رفت و آمد کشتی‌ها و گسترش فعالیت‌های تجاری بودند. سود فراوانی که از این طریق نصیب دریانوردان و بازرگانان می‌شد بر رونق تجارت دریایی افزود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

با توجه به آنچه گفته شد سهم مسلمانان را در

اکتشافات جغرافیایی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در اواخر قرون وسطا رقابت برای کسب ثروت و قدرت از طریق تجارت دریایی روز به روز در اطراف دریای مدیترانه بیش‌تر می‌شد و بندرهای بزرگ در رقابت با یک‌دیگر درگیر می‌شدند. اختلافات سیاسی و مذهبی نیز به این رقابت‌ها دامن می‌زد. در سال ۱۴۵۳م ۸۵۷هـ. ترکان عثمانی که قسمت‌های زیادی از سواحل شمال شرقی مدیترانه را تصرف کرده بودند موفق شدند با تصرف قسطنطنیه به عمر امپراتوری بیزانس پایان داده و تجارت شمال شرقی مدیترانه را از آن خود سازند. از آن پس حکومت‌های اروپایی به جای بیزانس با عثمانی به دادوستد پرداختند. اما حکومت‌های اسپانیا و پرتغال که با عثمانی در حال جنگ بودند نمی‌توانستند از این تجارت سود ببرند. بنابراین درصدد برآمدند به جای دریای مدیترانه از

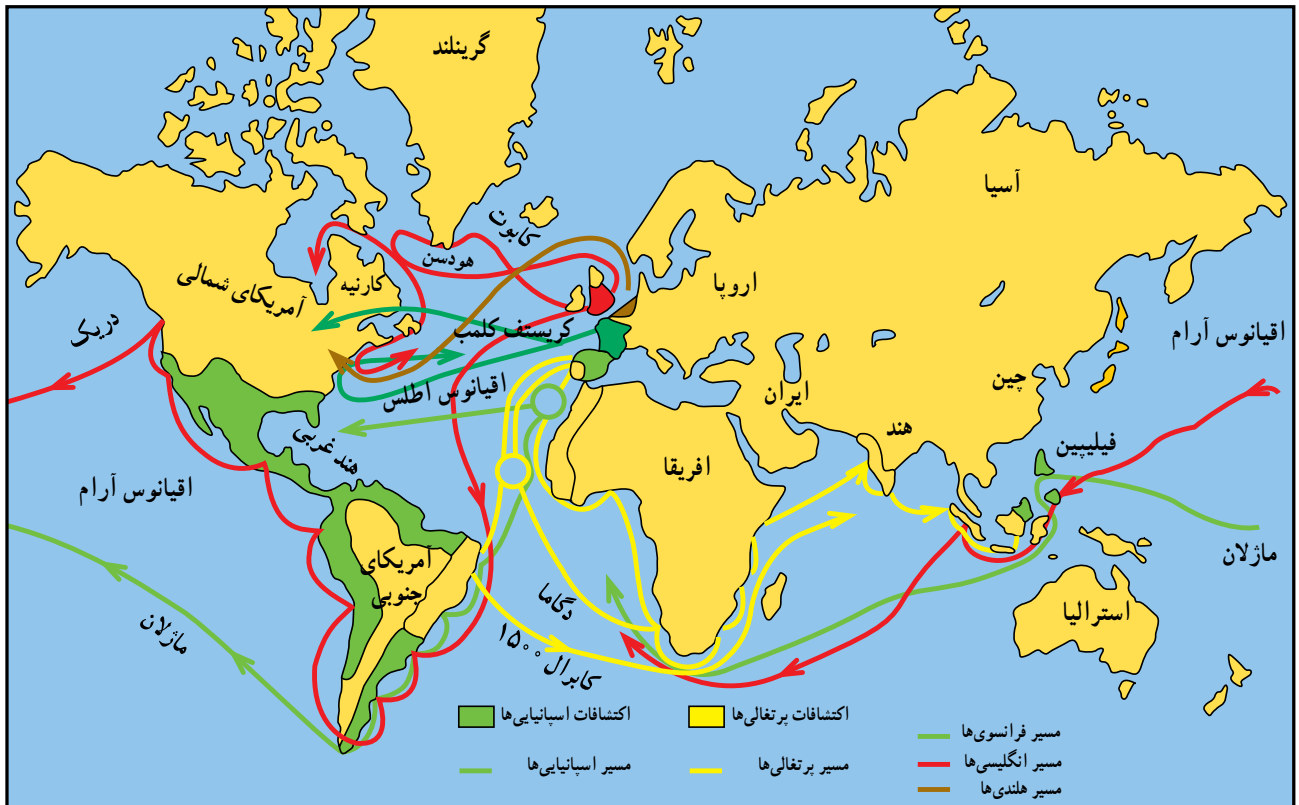
اقیانوس اطلس استفاده کنند. آنان فکر می‌کردند که از طریق اقیانوس اطلس می‌توان به هندوستان و چین رسید و به کالاهای پرارزشی چون ادویه و عطر و ابریشم دست یافت. با موفقیت در این امر آنان می‌توانستند به قیمت بسیار ارزان به کالاهای مورد نظر خود دست یابند و مجبور به پرداخت بهای گران به عثمانی نباشند و در عوض می‌توانستند این کالای ارزان را در اروپا با سود خوب به فروش برسانند.

در پی این فکر، پرتغالی‌ها معتقد شدند که می‌توان از سمت جنوب قاره‌ی افریقا را دور زد. آنان هرچند با استفاده از نقشه‌های جدید، اطلاعاتی از خشکی‌ها و دریاها داشتند اما هنوز به وسعت عظیم و پهناوری قاره‌ی افریقا پی نبرده بودند لذا راه اروپا به هند را خیلی دور تصور نمی‌کردند. اسپانیایی‌ها نیز تصور می‌کردند که اگر در اقیانوس اطلس به طرف غرب بروند به ژاپن و چین خواهند رسید. (چون اطلاعی از قاره‌ی آمریکا نداشتند فکر می‌کردند اقیانوس‌های اطلس و آرام یکی هستند.)

پرتغالی‌ها راه دریایی به مشرق زمین را کشف می‌کنند
از اواسط قرن پانزدهم میلادی پرتغالی‌ها از طریق سواحل غربی افریقا به سمت جنوب اقدام به دریانوردی کردند. آنان کم‌کم ساحل غربی افریقا را به امید دورزدن آن از سمت جنوب پیمودند. در همان حال به تجارت برده و عاج نیز مشغول شدند. برخلاف تصور آن‌ها نقطه‌ی جنوبی افریقا در فاصله‌ای بسیار دورتر قرار داشت. سرانجام در سال ۱۴۸۷م. بارتولومودیا^۱ توانست از جنوبی‌ترین نقطه‌ی قاره‌ی افریقا که دماغه‌ی امیدنیک نام دارد بگذرد و به اقیانوس هند در مشرق زمین برسد. این کشف بسیار مهمی بود. پس از او دریانورد دیگر پرتغالی به نام واسکودوگاما^۲ توانست سراسر اقیانوس هند را بگردد و راه‌های هند، اندونزی و خلیج فارس را بیابد.

۱- Bartholomev Dias

۲- Vasco die Gama



اکتشافات جغرافیایی

جزیره‌ای رسیدند. کریستف کلمب به تصور این که به یکی از جزایر هندوستان رسیده است بومیان سرخ‌پوست آن‌جا را هندی نامید. او به اسپانیا بازگشت و با کشتی و آذوقه و افراد جدید بار دیگر اقدام به مسافرت کرد. با استفاده از تجارب سفر قبلی او توانست به راحتی به مناطقی جدید برسد در حالی که هم‌چنان فکر می‌کرد به هندوستان رسیده



کریستف کلمب

با کشف راه دریایی اقیانوس اطلس به اقیانوس هند پرتغالی‌ها با سرعت بیش‌تری خود را به دیگر سواحل جنوبی و شرقی آسیا رساندند.

اسپانیایی‌ها قاره‌ی آمریکا را کشف می‌کنند

در همان زمان که پرتغالی‌ها با دور زدن آفریقا به سوی شرق در حرکت بودند، دریانوردان اسپانیایی، به فرماندهی کریستف کلمب، با چندین فروند کشتی حرکت به طرف غرب اقیانوس اطلس را با هدف رسیدن به هندوستان آغاز کردند. عبور از دریا‌های ناشناخته بسیار خطرناک بود. آنان نه مسیرهای دریایی را می‌شناختند و نه با آب و هوای نواحی دور دست آشنا بودند. در نتیجه تعدادی از کشتی‌ها غرق شد. کمبود آذوقه نیز آن‌ها را بیمار ساخت و عده‌ای را از بین برد. سرانجام کریستف کلمب و همراهانش پس از ماه‌ها سرگردانی در دریا و تحمل مشکلات بسیار در سال ۱۴۹۲ م. به

است. او تا پایان عمر در اشتباه خود باقی ماند.

دیگر دریانوردانی که پس از کریستف کلمب اقدام به دریانوردی و اکتشاف کردند نیز تا مدت‌ها نمی‌دانستند که به قاره‌ی جدیدی رسیده‌اند تا آن که دریانوردی به نام امریکو و سپوچی^۱ پی برد که سرزمینی که به آن رسیده‌اند هند نیست بلکه قاره‌ی جدیدی است. این قاره را به نام او آمریکا نامیدند.

موفقیت‌هایی که پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها در اکتشافات جغرافیایی به دست آوردند ملت‌های دیگر را نیز به دریانوردی و کشف سرزمین‌های جدید تشویق کرد. کم‌کم نقشه‌ی کره‌ی زمین مشخص‌تر شد. قاره‌ها و اقیانوس‌ها و حدود آن‌ها برای بشر معلوم شد و نقشه‌ی جهان به صورت کنونی شناخته گردید.

فکر کنید و پاسخ دهید:

همراه کاشفان، کسان دیگری نیز مانند سربازان، کشیش‌ها و بازرگانان به مناطق جدید اعزام می‌شدند، آیا می‌دانید علت این امر چه بود؟

استعمارگری پرتغال و اسپانیا

هرچند سرزمین‌هایی که پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و دیگران بدان رسیده بودند خالی از سکنه نبود و از روزگاران کهن حتی صاحب تمدن‌هایی بوده‌اند اما چون برای اروپایی‌ها ناشناخته بود، آن‌ها را کشف شده می‌دانستند. مثلاً در قاره‌ی آمریکا تمدن‌های سرخ‌پوستان وجود داشت. در سراسر اقیانوس هند ایرانی‌ها، عرب‌ها،

هندی‌ها و... از قرن‌ها پیش دریانوردی می‌کردند و همه‌ی نقاط آن را می‌شناختند. بنابراین به کار بردن اکتشاف توسط اروپاییان فقط از دیدگاه خودشان است. اروپاییان با استفاده از کشتی‌های جنگی و توپ اقدام به قتل و غارت در عرصه‌ی دریاها کردند و عده‌ی زیادی از بومیان را به قتل رساندند.

یکی از دریانوردان پرتغالی به نام آلبوکرک^۲ در هندوستان جزیره‌ای به نام گوا را اشغال کرد و آن‌جا را مرکز مستعمرات پرتغال در مشرق‌زمین قرار داد. در سراسر سواحل غربی و شرقی افریقا نیز پرتغالی‌ها با گلوله باران شهرهای ساحلی سلطه‌ی خود را برقرار ساختند. بندر عدن و بندر هرمز نیز به وسیله‌ی آن‌ها اشغال شد. پرتغالی‌ها بندر هنگ‌کنگ در چین را نیز متصرف شدند و بدین ترتیب تجارت با مشرق‌زمین را از آن خود ساختند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما علل ضعیف شدن مردمان مشرق‌زمین و برتری یافتن اروپاییان در عصر جدید چیست؟

پس از یک دوره غارت و کشتار، اروپاییان اقدام به بهره‌برداری از منابع مستعمرات کردند. آنان با بومیان به صورت برده‌رفتار می‌کردند. علاوه بر تجارت کالا، اروپاییان به تجارت برده نیز روی آوردند. سپس سیل مهاجرت از انگلستان، فرانسه، اسپانیا، پرتغال و هلند، به سواحل آمریکا و افریقا سرازیر شد که بعدها موجب پیدایش کشورهای و ملت‌های جدیدی گردید.

۱- Amrigo Vespuchi

۲- Albuquerque

پرسش‌های نمونه

- ۱- علل و زمینه‌های رشد شهرنشینی در اروپای عصر رنسانس چه بود؟
- ۲- چرا در عصر رنسانس قدرت پادشاهان اروپایی افزایش یافت؟
- ۳- در عصر رنسانس چه تغییراتی در عرصه‌ی هنر ایجاد شد؟
- ۴- مشخصات اصلی ادبیات عصر رنسانس کدامند؟
- ۵- در دوره‌ی رنسانس چه تحولاتی در علوم تجربی پیدا شد؟
- ۶- مراحل مختلف کشف قاره‌ی آمریکا را توضیح دهید.
- ۷- اکتشافات جغرافیایی چه نتایجی برای اروپا داشت؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی یکی از سفرهای اکتشافی اروپاییان گزارشی بنویسید.
- ۲- چنانچه تاکنون فیلمی دیده‌اید یا کتابی خوانده‌اید که موضوع آن با تحولات عصر رنسانس مربوط است، گزارشی کوتاه درباره‌ی محتوای آن بنویسید.
- ۳- درباره‌ی سرگذشت یکی از اندیشمندان، دانشمندان، ادیبان یا هنرمندان عصر رنسانس مطلبی تهیه کنید.

منابع برای مطالعه‌ی بیش‌تر^۱

الف – تاریخ ایران

- ۱- آذری، علاء‌الدین، تاریخ روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲- آمیه، پیر، تاریخ عیلام، ترجمه‌ی شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- اشپولر، برتولد، ایران در قرون نخستین اسلامی (۲ جلد)، ترجمه‌ی جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۴- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۵- اطلس تاریخی ایران، جمعی از مؤلفان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- ۶- اومستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه‌ی محمد مقدم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- ۷- باسورث، ادموند کلیفورد، تاریخ غزنویان، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ۸- بریان، پی‌یر، تاریخ امپراتوری هخامنشیان (از کورش تا اسکندر)، ترجمه‌ی مهدی سمسار، تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۷.
- ۹- بویس، مری و فرانز گرنر، تاریخ کیش زرتشت (۳ جلد)، ترجمه‌ی همایون صنعتی‌زاده، تهران، توس، ۱۳۷۵.
- ۱۰- بویس، مری و جورج فارمهرنری، دو گفتار درباره‌ی خنیاگری و موسیقی ایران، ترجمه‌ی بهزاد باشی، تهران، آگاه، ۱۳۶۸.
- ۱۱- بهار، مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران، فکر روز، ۱۳۷۶.
- ۱۲- بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول (۳ جلد)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ – ۱۳۶۷.
- ۱۳- ملک‌زاده‌ی بیانی، ملک‌زاده، تاریخ سکه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۴- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، تاریخ بیهقی، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران، انتشارات خواجه، ۱۳۷۰.
- ۱۵- پیرنیا، حسن، ایران باستان (۳ جلد)، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- ۱۶- تاریخ ایران کمبریج، گروه مؤلفان، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد‌های ۳ (قسمت اول و دوم)، ۴ و ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ – ۱۳۶۴ و جلد ۶ (تیموریان و صفویان)، ترجمه‌ی یعقوب آژند، انتشارات جامی، ۸۰ – ۱۳۷۹.
- ۱۷- حصوری، علی، آخرین شاه، تهران، مؤلف، ۱۳۷۱.
- ۱۸- خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ (۴ جلد)، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳.
- ۱۹- داندامایف، م. آ.، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه‌ی روحی ارباب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۲۰- دیاکونوف، ا. م.، تاریخ ماد، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۱- معرفی این منابع به معنی تأیید همه‌ی مطالب آن‌ها نیست.

- ۲۱- رضا، عنایت‌الله، ایرانیان و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- ۲۲- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- ۲۳- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران (۲ جلد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲۴- زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۷.
- ۲۵- ساندرز، ج.ج.، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۲۶- سلطان‌زاده، حسین، تاریخ مدارس ایران، تهران، آگاه، ۱۳۶۴.
- ۲۷- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، فردوس، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۲.
- ۲۸- فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۲۹- فرشاد، مهدی، تاریخ علم در ایران (۲ جلد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۳۰- فروزنده، مسعود، تحقیقی در دین صابئین مندائی، تهران، سماط، ۱۳۷۷.
- ۳۱- قفس اوغلی، ابراهیم، تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه‌ی دکتر داود اصفهانیان، تهران، گستره، ۱۳۶۷.
- ۳۲- کارنامه‌ی اردشیر بابکان، ترجمه‌ی قاسم هاشمی‌نژاد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۹.
- ۳۳- کامرون، جورج، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۳۴- کخ، هایدماری، از زبان داریوش، ترجمه‌ی پرویز رجبی، تهران، کارنگ، ۱۳۷۶.
- ۳۵- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی غلامرضا رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چاپ نهم، ۱۳۷۷.
- ۳۶- کسای، نورالله، نظامیه‌ها و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۳۷- کسنوفون، آناپاسیس، ترجمه‌ی احمد بیرشک، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۷۵.
- ۳۸- کلوزنر، کارلا، دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۳۹- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمدمعین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- ۴۰- گیرشمن، رومن، هنر ایران (۲ جلد)، ترجمه‌ی عیسی بهنام و بهرام فره‌وشی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۴۱- لمبتون، آن. اس.، تداوم و تحول در تاریخ میانه‌ی ایران، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.
- ۴۲- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- ۴۳- محمدی، محمد، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی (۴ جلد)، تهران، توس، ۱۳۷۴.
- ۴۴- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
- ۴۵- منز، بئاتریس فوریز، برآمدن و فرمان‌روایی تیمور، ترجمه‌ی منصور صفت گل، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- ۴۶- مورگان، دیوید، ایران در قرون وسطا، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳.
- ۴۷- میرسعیدی، نادر، تاریخ سیاسی ایلام باستان، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۷۵.

- ۴۸- ناصح، ناطق، بحثی درباره‌ی زندگی مانی و پیام او، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۴۹- ویسهوفر، یوزف، ایران باستان، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷.
- ۵۰- هرتسفلد، ارنست، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه‌ی علی‌اصغر حکمت، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.
- ۵۱- هینتس، والتر، دنیای گمشده‌ی ایلام، ترجمه‌ی فیروز فیروزنیا، تهران، مؤسسه‌ی تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱.

ب- تاریخ اسلام

- ۱- آل علی، نورالدین، اسلام در غرب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تصحیح و تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرجی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۳- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، تاریخ کامل، ترجمه‌ی دکتر محمدحسین روحانی، تهران، توس.
- ۴- ابن جعفر، قدامه، کتاب الخراج، ترجمه و تحقیق حسین قره‌چانلو، تهران، البرز، ۱۳۷۰.
- ۵- ابن طباطبا (ابن طقطقی)، محمد بن علی، تاریخ فخری، ترجمه‌ی محمد وحید گلپایگانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
- ۶- ابن هشام، سیرت رسول الله (دو جلد)، ترجمه‌ی رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، تصحیح دکتر اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲.
- ۷- احسن، محمد مناظر، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۸- ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا، ترجمه‌ی علی دوانی، تهران، حکمت، بی‌تا.
- ۹- باسورث، ادmond کلیفورد، سلسله‌های اسلامی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ۱۰- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، فتوح البلدان، ترجمه، مقدمه و تحشیه‌ی دکتر محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۷.
- ۱۱- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.
- ۱۲- جعفری، سیدحسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه‌ی آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
- ۱۳- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (۲ جلد)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۴- چارشلی، اوزون، تاریخ امپراتوری عثمانی (۳ جلد)، تهران، کیهان، ۱۳۷۲-۱۳۶۸.
- ۱۵- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تبریز، کتاب‌فروشی حاج محمدباقر کتابچی حقیقت با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۴.
- ۱۶- خضری، سیداحمد رضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سمت، ۱۳۷۸.

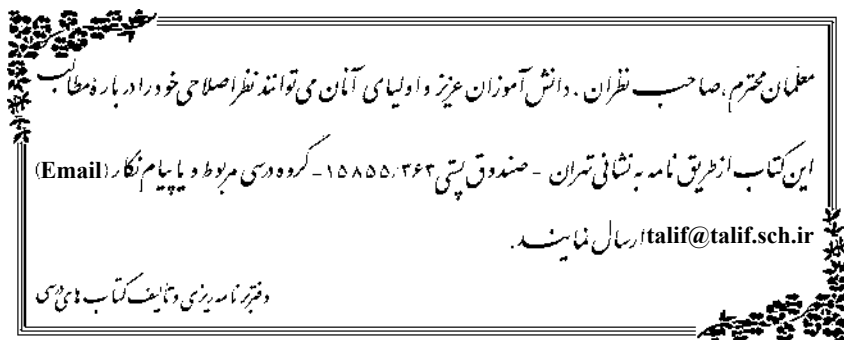
- ۱۷- دنت، دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه‌ی دکتر محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، چ سوم، ۱۳۵۸.
- ۱۸- روزنتال، فرانتس، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام (۲ جلد)، ترجمه‌ی دکتر اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۱۹- زرگری‌نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- ۲۰- زرین‌کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ مکرر.
- ۲۱- زرین‌کوب، عبدالحسین، کارنامه‌ی اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ مکرر.
- ۲۲- شاو، استانفوردجی، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه‌ی جدید (۲ جلد)، ترجمه‌ی محمود رمضان‌زاده، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۲۳- شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست‌ودوم، ۱۳۷۷.
- ۲۴- الشیخی، صباح ابراهیم سعید، اصناف در دوره‌ی عباسی، ترجمه‌ی هادی عالم‌زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۲۵- طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- ۲۶- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس (۵ جلد)، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران، کیهان، ۱۳۷۱.
- ۲۷- فلوتن، فان، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی‌امیه، ترجمه‌ی مرتضی هاشمی حائری، تهران، اقبال، ۱۳۲۵.
- ۲۸- مرتضی‌عاملی، علامه جعفر، سیره‌ی صحیح پیامبر بزرگ اسلام (۶ جلد)، ترجمه‌ی حسین تاج‌آبادی، قم، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی آزاد گرافیک، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۲۹- مسعودی، علی‌بن حسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- ۳۰- مسعودی، علی‌بن حسین، مروج الذهب (۲ جلد)، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- ۳۱- وات، مونتگمری، تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطا، ترجمه‌ی یعقوب آرژند، تهران، مولی، ۱۳۶۱.
- ۳۲- وهازارد، هاری، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه‌ی محمود عرفان، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۷.
- ۳۳- یعقوبی، ابن‌واضح، تاریخ یعقوبی (۲ جلد)، ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

پ - تاریخ جهان

- ۱- آزادگان، جمشید، ادیان ابتدایی (تحقیق در توتیمیزم)، تهران، میراث ملل، ۱۳۷۲.
- ۲- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا، تهران، شرکت مطبوعات، ۱۳۱۲.
- ۳- اوریان، میکائیل، تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تا دوره‌ی معاصر، اولسن، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران، زوار، بی‌تا.

- ۴- بهار، مهرداد، از اسطوره تا تاریخ، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۶.
- ۵- پالمر، رابرت روزول، تاریخ جهان نو (۲ جلد)، ترجمه‌ی ابوالقاسم طاهری، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۹.
- ۶- جوهری، بسری عبدالرزاق، تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ترجمه‌ی عیسی متقی‌زاده و احمد برادری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- ۷- خیراندیش، عبدالرسول، تاریخ جهان، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۶.
- ۸- دولاندلن، شارل، تاریخ جهانی (۲ جلد)، ترجمه‌ی احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- ۹- رانسیمان، استیون، تاریخ جنگ‌های صلیبی (۳ جلد)، ترجمه‌ی منوچهر کاشف، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۱۰- روسو، بی‌یر، تاریخ علوم، ترجمه‌ی حسن صفاری، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۰.
- ۱۱- شبیبانی، عبدالحسین، تاریخ عمومی قرون وسطا (۳ جلد)، تهران، اشرفی، ۱۳۴۵.
- ۱۲- شی‌یرا، ادوارد، الواح بابل، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۱۳- فاطمی، سعید، اساطیر یونان و روم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۴- کریم، ساموئل، الواح سومری، ترجمه‌ی داوود رسائی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۰.
- ۱۵- کوروفکین، تاریخ دنیای قدیم (۳ جلد)، ترجمه‌ی غلامحسین متین، تهران، شبگیر، ۱۳۵۳.
- ۱۶- گیون، ادوارد، انحطاط و سقوط امپراتوری روم (۲ جلد)، ترجمه‌ی فرنگیس شادمان (نمازی)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱.
- ۱۷- لیتون، رالف، تاریخ تمدن، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۱۸- لوکاس، هنری، اس، تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده‌ی ما (۲ جلد)، ترجمه‌ی عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
- ۱۹- ماله، آلبر و ژول ایزاک، تاریخ قرون وسطا، ترجمه‌ی عبدالحسین هژیر، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۰.
- ۲۰- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین‌النهرین باستان (۳ جلد)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
- ۲۱- ممتحن، حسینعلی، کلیات تاریخ عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۷.
- ۲۲- میک، تتوفیل، قانون‌نامه حمورابی، ترجمه‌ی کامیار عبدی، تهران، میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- ۲۳- نهرو، جواهر لعل، نگاهی به تاریخ جهان (۳ جلد)، ترجمه‌ی محمود نفضلی، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۵۷.
- ۲۴- ویل دورانت، تاریخ تمدن (۱۱ جلد)، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- ۲۵- هرودوت، تواریخ، ترجمه با حواشی وحید مازندرانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷.





فهرست مطالب

۹۷	درس ۱۱- اسلام در مدینه	سخنی با دبیران گرامی
۱۰۷	درس ۱۲- عصر خلفای نخستین	دانش آموزان گرامی
۱۱۶	درس ۱۳- خلافت امویان	
۱۲۴	درس ۱۴- خلافت عباسیان	بخش اول: تاریخ و آغاز آن
		درس ۱- تاریخ چیست و مورخ کیست؟
	بخش چهارم: ایران از ورود اسلام تا صفویان	۲
		۸ - پیش از تاریخ (برای مطالعه)
۱۳۲	درس ۱۵- ایران در قرون نخستین اسلامی (۱)	
۱۳۸	درس ۱۶- ایران در قرون نخستین اسلامی (۲)	بخش دوم: جهان باستان
۱۴۴	درس ۱۷- تاریخ ایران از غزنویان تا مغولان	درس ۲- تمدن در «میان دورود»
۱۵۵	درس ۱۸- تاریخ ایران از مغول تا صفویه	درس ۳- مصر، هدیه ی نیل
	درس ۱۹- تمدن و فرهنگ ایران (از ورود اسلام تا پایان قرن نهم هجری)	۲۱
۱۶۵		۲۸ - چین و هند باستان (برای مطالعه)
	بخش پنجم: اروپا در قرون وسطا و عصر رنسانس	درس ۴- سرزمین و مردم ایران قبل از آریایی ها
		درس ۵- تلاش برای زیستن؛ آریایی ها از مهاجرت تا تشکیل حکومت
۱۷۶	درس ۲۰- اروپا در قرون وسطا	۴۷
۱۸۲	درس ۲۱- جنگ های صلیبی	۵۳
۱۸۸	درس ۲۲- رنسانس در اروپا	۶۳
		درس ۷- یونان و روم
		۷۲
		درس ۸- اشکانیان
		۷۹
		درس ۹- ساسانیان
۱۹۹	منابع برای مطالعه ی بیشتر	
		بخش سوم: ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ
		درس ۱۰- طلوع اسلام
		۹۰